ژوندون

اطلاعات اوکلتور

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸
۹ فبروری ۱۹۸۰

A-P
77-938031
LIBRARY OF CONGRESS
6
MAR 17 1980
COPY
15521/0271yoo

پلچرخی یادهشتناکترین شکنجه‌گاه قرن

(صفحه ٦)

جمناستیک مدرن و یا آنچ
را که المپیک فاقد آنست
(صفحه ۳۰

رمز سخنگویی حیوانات
(صفحه ۲٦

اپارتاید نی!

شماره - ۴۷

سال - ۳۱

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

اختصار وقایع هفته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه بعد ازظهر ۱۷ دلو جلالتماب شلندرا کمار سنگه نماینده خاص حکومت‌جمهوری هند وادیشنل سکرتری دروزارت امور خارجه جمهوری هندرا درحالیکه جلالتماب جسکاران سنگهه‌تیجا سفیر کبیر جمهوری هند در کابل نیز حاضربود دروزارت امورخارجه ملاقات تعارفی نمود، طی این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه‌دو جانب واوضاع منطقه تبادل افکار بعمل آمد.

• • •

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلوددردفتر کارش باجلالتماب ادوارد براجی سفیر کبیر جمهوریت مردم‌پولند در کابل ملاقات نمود .

طی این ملاقات پیرامون‌موضوعات مورد علاقه بحث ومذاکره بعمل آمد .

• • •

پوهنمل گلداد وزیر تحصیلات عالی ومسلکی ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو دردفتر کارش باجلالتماب راول گارسیه پلایز سفیر کبیر جمهوریت کیوبا در کابل ملاقات تعارفی‌نمود.

انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن وصنایع بعداز اشتراک در جلسه عمومی‌انکشاف صنایع که از طرف ملل متحد در دهلی جدید دایر شده بود قبل از ظهر ۱۶ دلو به کابل باز گشت .

در میدان هوایی بین المللی کابل معینان وزارت معادن‌وصنایع ونماینده‌ریاست تشریفات وزارت امور خارجه‌از وی استقبال‌کردند .

• • •

سید محمد گلاب زوی وزیر امور داخله‌بعداز ظهر ۱۷ دلو در ریاست‌طرح وساختمان‌شاروالی کابل از ماستر پلان ۲۵ ساله شهر کابل دیدن نمود .

• • •

یك هیات جمهوریت‌دموکراتیك‌آلمان بریاست هاینس زکسی معین وزارت تجارت خارجی آن کشور قبل از ظهر ۱۷ دلو وارد کابل گردید .

قرار است هیات در مدت اقامتش در افغانستان با مقامات افغانی پیرامون همکاری های اقتصادی بین جمهوری دموکراتیك افغانستان و جمهوریت دموکراتیك آلمان مذاکراتی انجام داده ودر زمینه موافقتنامه بامضابرساند.

نماینده اتحاد شوروی روز ۱۶ دلو در جلسه کمیته خلع سلاح در ژنیو گفت اتحاد شوروی جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی را عامل عمده رسیدن به خلع سلاح و مشکلاتی که بشریت به آن مواجه است تلقی می‌نماید .او گفت‌هیچ چیز اتحاد شوروی رااز موقف ثابت اودر مقابل دیتانت مانع شده نمی‌تواند .

• • •

شورای صلح جهانی وسازمان های ملی بیش از یکصدوسی کشوروابسته به آن نگرانی عمیق شانرا نسبت به وخامت‌اوضاع بین‌المللی ابراز داشته اند .

این مطلب را، رامش چندرا رئیس شورای صلح جهانی روز ۱۶دلو طی کنفرانس مطبوعاتی در دهلی جدید اظهار کرد .

• • •

حکومت‌امریکا به‌تیره ساختن‌اوضاع واز دیاد موجودیت نظامی‌خود درحوزه خلیج ادامه‌میدهد.

هارولد براون وزیر دفاع امریکا در مصاحبه بامجله یورنیس نیوز اندورلدرپورت گفته است آن کشور یونت های نظامی را بوجود آورده است که به زود ترین فرصت آماده خدمت شده ودر هر منطقه مطلوب از طریق هواباتمام وسایل و تجهیزات انتقال داده شده می‌توانند.

جمهوریت مردم هنگری چارده پایه ماشین اکسریز به صورت بلاعوض به افغانستان کمك نموده است .

اسناد مربوط باین مساعدت را جلالتماب دیزوکیش سفیر کبیر جمهوریت مردم هنگری در کابل بعداز ظهر ۱۷ دلو به پوهاند دکتور محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه دردفتر کارش تفویض نمود که باابراز تشکر قبول شد .

• • •

محمد خان جلالر وزیر تجارت که درراس هیاتی برای انجام مذاکرات تجارتی به تاریخ ده دلو به اتحاد شوروی رفته بود بعداز ظهر ۱۷ دلو به کابل باز گشت .

• • •

بورد عالی اصلاحات ارضی بتاسی از بیانیه مورخ‌دهدلو۱۳۵۸ ببرك‌کارمل‌منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری‌دموکراتیك افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو تحت ریاست رئیس توزیع واسکان ومعین‌سرپرست اداره اصلاحات ارضی تشکیل جلسه داد .

• • •

کمیسیون اجرایی اتحادیه یك صدوچهل‌ویك کمیته ملی المپیك متفقا علیه تقاضای جیمی کارتر رئیس جمهور امریکامبنی‌برتحریم‌بازیهای المپیك درمسکو رای داده است .

اتحادیه از کمیته بین المللی المپیك خواسته تااز هر گونه اعمال نفوذ خارجی در نهضت المپیك جلوگیری نماید .

• • •

بوریس پانا ماریوف منشی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی اظهارداشت که‌آن کشور در افغانستان هیچ نوع تمایل غرض آلود ندارد پاکستان وایران را تهدید نمی‌کندو نمی‌خواهد طوریکه امپریالست ها ادعامی کنند برخلیج فارس دست یابد .

• • •

رشید الدین خان عضو پارلمان هند وپروفیسر پوهنتون جواهر لال نهرودر دهلی جدید گفته است .

دخالت ایالات متحده امریکا درامـــور افغانستان جز ستراتیژی امریکا برای تسلط بر جهان می‌باشد .

وی طی مصاحبه‌یی بامجله پانوراما تاییدکرد که‌مداخله امریکا در افغانستان به اشتراك چین وپاکستان علت اصلی افزایش تشنج دربحیره عرب می‌باشد .

• • •

لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی ۱۵ دلو در مسکو گفت در حال حاضر مردم جهان یك داعیه مشترك دارند وآن غلبه بر تشنجاتی است که یکبار دیگر روابط بین المللی را تحت الشعاع قرار داده است.

• • •

رئیس حزب پیشرو دنمارك هیاهویی راکه به بهانه تحولات افغانستان براه افتاده است حیله یی برای تخریب دست آورد های تشنج زدایی بمقصد احیای فضای جنگ سرد دانسته است .

وی‌ضمن مصاحبه بانماینده‌تلویزیون شوروی یاد آور شد که غرب‌حتی قبل ازین حوادث‌کناره گیری خودرا از سیاست دیتانت آغازنموده‌واین همه ثابت می‌سازد که هدف از جنجال کنونی تنها پرده انداختن بر مشی تجاوز کارانـــه امپریالیزم می‌باشد .

وی این ادعا هارا که تحولات افغانستان‌گویا صلح را تهدید می‌نماید مسخره خواند .

• • •

سفر بریژنسکی مشاور امنیت ملی کارتر به پاکستان وگفتگو های اوبا مقامات اسلام آباد یکبار دیگر به اثبات رسانید که ایالات متحده امریکا می‌خواهد پاکستان رابه عامل اجرای نقشه های تجاوز گرانه خوددر منطقه تبدیل کند .

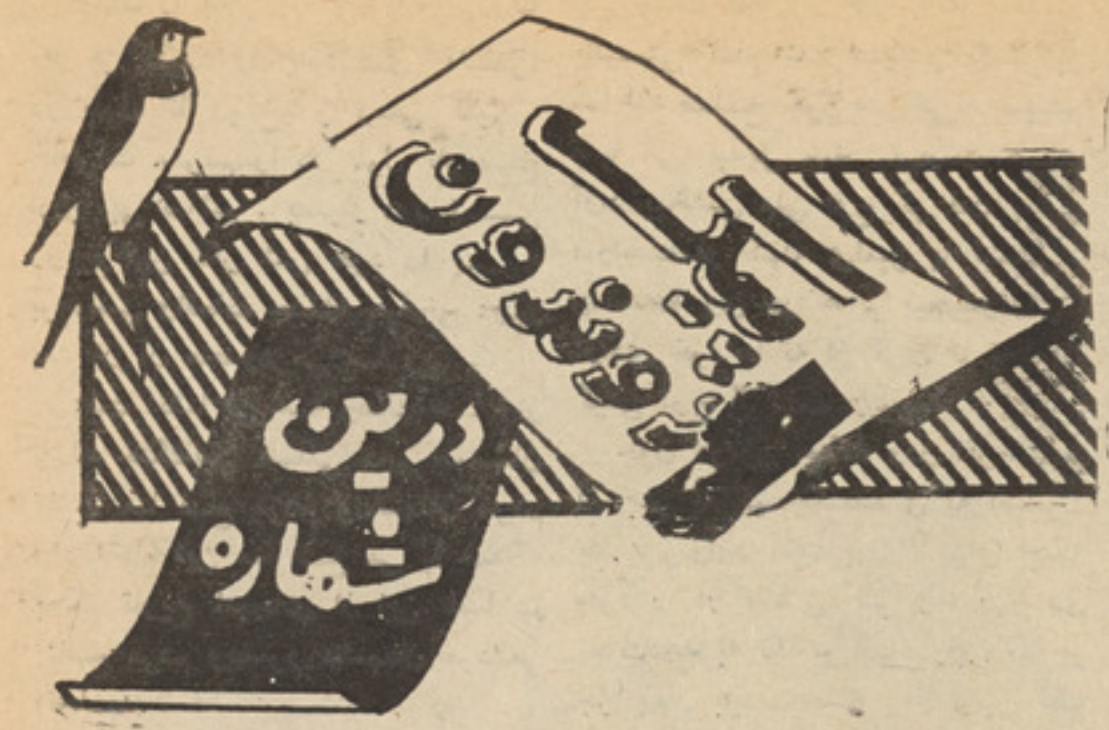

«اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار گرفته دفاع از انقلاب در برابر ضدانقلاب داخلی ومدا خله گرا ن امپر یا لستی است و حز ب دمو کراتیك خلق افغانستان در پیشا پیش این مبارزه قهر مانانه و شجاع و دلیر قرار دارد».

«ببرك كارمل»

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸ ، ۹فبروری ۱۹۸۰

امپر یالیزم امریکا نقشه های شومش را در پرده انساندوستی می پو شاند

یك دیدسطحی وگذرابر ماهیت امپریالیزم این واقعیت را بااثبات میرساند که امپریالیزم درنهادش بجز ازچپاول وتاراج هستی خلقهای سراسرجهان بههیچ چیزدیگری نه اندیشیده ونه تنها خود درصدد آ ن بوده است، که ثروت های مادی ومعنوی مستضعفین جهانرا غارت نماید بلکه با تلاشهای مذبوحانه وسرسام آور درپی آنست تا از غاصبان ، چپاولگران وهمه دشمنان بشریت درهر جاکه باشند پشتیبانی نموده ونهضت های مترقی را خنه نماید، زیرا این سیستم جهانخور را اساس بر آنست تاهستی خود را درنیستی دیگران بجوید وبرای برآورده شدن این منظور غیر انسانی وضد بشری اش از هیچ وسیله ممکن دریغ نورزد ولوبریختن خون هزاران انسان بیدفاع وبیگناه هم تمام شود .

اما نقطهٔ قابل توجه در اینجاست که امپریالیزم جنایتکار امریکا که در جهان کنونی سردمدار این سیستم غارتگر است وبه‌ماهیت سیستم چپاولگرش سوگند خورده تا ازدشمنان انسانیت حمایه وپشتیبانی نماید، اکنون بشر دوست ونوع پرور شده است ودر غصهٔ باصطلاح «مهاجرین افغانی» خوابش نمی برد ! وروی همین منظور در دست گذاری محافل ارتجاعی پاکستان ونظامیان ملیتاریستی آن، که‌بطرف همه مرتجعین وامپر یا لستان بین المللی دراز گردیده تحت نام باصطلاح کمك به «پناه گزینان افغانی» به‌صد ها ملیون دالر میگذارد .

باید اظهار داشت که همه خلقهای جهان وعناصر مترقی منشاء این زهد ریاکارانه امپریالیزم امریکا ومتحدینش را بخوبی درك کرده ومیدانند که پشت این دانه ها چه دامهای وحشتناکی گسترده اند واز خلقهای منطقه بخصوص خلقهای پاکستان وافغانستان چه میخواهند ؟

آیا بازدید های مغرضانه معاون وزیر دفاع امریکا، مشاور امنیت ملی آقای کارتر، وزیر خارجه انگلستان ووزیر خارجه چین از پاکستان وکمك چار صد ملیون دلاری امریکا جهت مسلح ساختن پاکستان برای‌چه منظوری صورت گرفته است بجز از تهیه و تدارك نقشه های جنگی ، تجاوز بر خاك افغانستان وبه آتش کشیدن منطقه و آیا آنهاییکه از کمپ های تخریب کاران و تروریستان دیدن می نمایند و به ملیونهادالر در تجهیز وتربیه آنهابه مصرف میرسانند حاتم طایی های عصر خویش اند ویا اغراضی شوم ومرگباری هم در قبال دارند ؟

اگر این عالیجنابان داد از انساندوستی میزنند پس چرا امپریالیزم امریکا و صیهونستان اسرائیل راکه سرزمین چارملیون فلسطینی را غصب نموده اند وبه کشتار های دسته جمعی آنها مبادرت ورزیدند وادار به تخلیه نمی سازند وبه داد حقوق حقهٔ مردم فلسطین گوش نمیدهند ؟

-چرا پنجالهای جنایتکاران ونژاد پرستان افریقای جنوبی را از گلوی وطنپرستان افریقایی‌دور نمی سازند ؟

- چرا خونبهای آلیتده و هزاران انسان بیگناه چیلی را ازرژیم جنایتبار پنوچت نمی خواهند ؟

- چرا انتقام کشتا ر ها وقتل عامهای ویتنامی های بیگناه را از خود امپریالیزم امریکا نمی جویند ؟

وچرا از جنایات امین فاشیست ودارودسته جنایتکار آن حتی نامی نمی برند ؟

پس واضح است که نزد امپریالیزم امریکا که خود در راس همه جنایات قرار دارد و مسوول عام وتام آنست‌موضوع‌دفاع‌ازحق‌وعدالت مطرح نیست وتنها مطلب «داغ کردن تنور است تا نان شانرا درآن بپزند» مهم نیست که بجای هیزم درآن انسان بسوزد یاهست وبود منطقه !

ماچنانکه بارها اعلام نموده ایم که‌خواهان همسایگی نیك و صلح وثبات منطقه هستیم وهمانگونه که عدم مداخله رادر امور دیگران محترم می شماریم به هیچ‌کس اجازه نخواهیم داد تادر امور داخلی مامداخله نماید .

خلق‌افغانستان‌امپریالیزم انگلیس را بحیث دشمن دیرین خویش می شناسد واز زدوبند های امپریالیزم امریکا با امین خونریز وباند فاسد وی بخوبی آگاه شده‌اند وحاضرنیستند تاآزموده بیازمایند.

پس برخلقهای منطقه خصوصا بر خلق پاکستان است که «پلنگان رادر لباس‌ملنگان» با خصلت د ر ند ه خویی آنها بخوبی بشناسند و اجازه ندهند تا اجراکنندگان نقشه های شوم امپریالیزم ، خاك شان را به پایگاه نظامی جنایتکاران و محل تلا قی جنگ طلبان مبدل سازند زیرا عواقب آن آتشزا خواهد بود ومصیبت بار !

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

• • •

درباره سودمندی هنر.

• • •

خواجه تاسی جو روی اوتاسی نری.

• • •

پرورش گاه مار.

• • •

رهنمایی برای کسانیکه میخوا هند شوهر بگیرند.

• • •

خاطراتی اززندان پلچرخی .

• • •

اسرار جهیل طلایی.

• • •

پهپرمختیایی هیوادو نوکی دقحطی سره مبارزه.

• • •

اوبدنیا آمد تاهنر.رقص رابه اوج آنرساند.

• • •

تاثیرات نوعیت بازیچه ها بالای انکشاف روحی اطفال.

• • •

شرح روی جلد :

افر یقایی وطنپر ست «بجرم» سیاهی رنگ پو ستش دریکی از زندانهای مرگبا رنژاد پر- ستان افریقا ی جنو بی .

• • •

عکس پشتی آخیر :

آهوی زیبای مارکو پولو رابا میرگنان در پامیر نشان میدهد که‌توسط محترم‌خرمی ازریاست گر زندوی تهیه گر دیده است

شرح تابلوی متن :

یکی از زنان‌قهرمان افغانستان‌رانشان‌میدهد.

صفحه۳

جهان را بنگر یم. با دیده یی‌ژرف واو بژ کتیف رو یداد های آنـــرا در طول تا ریـخ‌بر رسی کنیم. خاطرات م ردم را در طول تاریـــخ ارزیا بی نمائیم . بسیار دور نمـــی رو یم این نگر شی خود را بـــه بر رسی واقعات جنگ جها نی دوم‌و بعد از آن محدود می سا زیم .

علت انشا ئی همه جنگ هـا واز جمله جنگ‌بین المللی دوم همـــان تضاد منا فـع مردم ودشمنان مردم وتصا دم این منا فـع می با شدکه بحکم تاریخ نتیجه‌ی از این تصا دم بنفـع مردم وبضرر دشمنان مردم‌می انجا مد .

پس ازآ نکه امپر یا لیزم‌فرزندنا خلف و خود ســری (فا شیزم) رابه جها نیان تحو یل داد وبه آن ماموـ

این جنگ تجا وز کارا نه ی‌امپرـ یالیستی تمام شد سیستم یکشوری مما لك صلـح جوو متر قی‌به سیستم جها نی تبدیل شد .نهضت هـای آزاد یبخش ملی اوج گر فت ،طوـ ماراستعمار کهنه ی‌امپر یا لیستی واستعما ری در هـ م پیچیدوندای آزادی خوا ها نه از کران تا به‌کران گیتی اوج گر فت وپیچید .

چون در ین جنگ ودر اثر نتایج آن ضر به گیـچکننده ی به امپـرـ یا لیزم وارد آمده بود ،برای اینکه خود را از تلاشی کلی ونا بـو دی نجات‌دهد به تکا پو افتاد واین تکا پو جز بکار بردن حیله ها ونیر نگ هاوچا لبا زی ها چیز دیگری‌نبود. در ین نیر نگ امپریالیزم‌امر یکـا مامور فعالیت‌در ارو پاوافر یقاگردید وامپر یا لیزم کهنه کار انگلیسس

نقشه یی این بـلای انسا نی همین طور است .

امپر یا لیزم انگلیسس برای پیاده کردن نقشه هـ ای استعما ری خوداز احسا سات پاك دینی مردم نیـم قاره سو استفا ده کرد ند وایـن سر زمین واحد را بنام هنـــدو ومسلمان‌دو پا ر چه نمود وآنهم طوری که‌زمینه یی بهم اندا زی‌هـاو ایجاد نفاق سهل وآسان باشد. آیا ملت های‌هندو پا کستان فرا مو ش خوا هند کرد که امپر یالیزم بـه مثابه عمده تر ین دشمن بشر یـت تخم نفاق وجنگ‌را بین شان کشت نمودودر اثر همین عوا مل وطـی چند ین جنگ خا نما نسوز صدها انسان بیگناه از د و طرف کشتـه شد ندو ملیو نها دا لر پول بـهـر دوطرف خسا ره وارد شد. هم‌چنان استعمار انگلیسس در طی یکنیـم صد سال حکمر وایی‌جا یـ را نه‌و استعمار گرا نه ی خود چون زانو خون خلـق های هندو، مسلمـــان‌و دیگر ملیت هاو اقوام نیم قاره‌رامکید وصنا یـع محلی ورو ستا یی آنهارا در هم شکست .

در شرق‌میا نه نیز این اه پریاـ لیزم بود که اولا کشور های ا یـــن منطقه را تحت سطیره ی‌استعما ری خویش در آورد وطی چند ین دهـه مما لك عر بی ما نند مصر ، عراق، اردن وغیره را در اشغال استثمارـ گرا نه‌خود داشت وبعد ازآنکه این خلقها بر ضد استعمار شور ید ند وزنجیر اسا رت مستقیم آنـــرا گسستند وبدور اندا ختند ،امپرـ یا لیزم محیل وبو قلمـون از راه دیگری در آ مد وبزر گتر ین‌دشمنی تا ریـخ را بر حـق عرب وبخصوص خلـق عرب فلسطین روا دا شت‌وآن آوا ره نمودن این خلق واز کاشا نه را ندن‌آن بود.

امپر یا لیزم جها نی به این‌هم بسنده نشد و آوا ره یکه‌خلق مصـر آزا دی کا نال سو یز ویا آبـراه ملکیت خود را ملی اعـلام دا شـت حمله یی مثلثی بر مصر نمود ندو طی‌این حمله‌از بمباردمان‌وویران‌نمو‌ـ دن‌شفا خا نه ها ، مکا تب ، کودـ کستا نها ،مسا جدو شهر های‌پرـ نفو س در یـخ نور زید ند. د ریـن حمله صهیو نیزم (که‌قبـلا از طرف امپریا لیزم بمثابه سگ زنجیـری‌و ژاندا رم تا دندان مسلـح در سـر زمین عرب فلسطین جا یگز یـــن شده بود) نخستین نمك حـلا لی!؟

خود را در خد مت حا می وبا د ار خود انجام داد .

هکـذا باید متـذ کر شد که‌اگر در یـن حا دثـه اتحاد شو روی‌به مثابه دوست‌وا قعی عرب به کمـــك خلـق مصر نمی شتا فت ونیروهای تجا وز کر را بجا یشس ن می‌نشاند صد مات وعوا قب وخیمی دامنگیر ملت مصر می شد .

چون امپر یا لیزم‌در ین جنگـــت با دندان شکسته ونا کام برگشتـه بود بار دوم به تحر یك دو لت دست نشا نده خود پردا خت ودر سال ۱۹٦۷ اسرا ئیل با تجا وز بر سـر زمین های عر بی (مصر ،سور یـه اردن)بخشس وسیعی از ین مما لـك را در اختیار خود در آورد وهر چـه بیشتر به‌آ زارو در بد ری‌خ لـــق عرب خصو صا خلـق سر زمیـــن های اشغا لی پردا خت وبا وجـــود فیصله های شورای امنیت م ،م مبنی بر خروج فو ری قوای خار جـی از سر زمین های عرب ،خیره ،سرانه به‌اشغال مذکور ادامه می دهـــد وعلت تشنج کننده این خیـــرهـ سری کمك های بـ ی حدو حصرو پشتیبا نی‌دپلو ما تیك امپر یا لیزم ودر راس امپر یا لیزم امر یکـا می باشد .

امپر یا لیزم با تائید ،تا کیـد، تحر یك‌وتسلیـح صهیو نیزم‌جنگ تجا وزکارا نه ای دیگری را نیز در سال ۱۹۷۳ بر خلق‌عرب‌تحمیل‌نمود‌که خسارات‌وتلفات‌بیشماری را ببار آورد. باز هم‌امپر یا لیزم به این بسنـده نشد ودست‌به‌یکسلسله اعمال تجاـ وزگرانه واها نت آمیز دیگر نیززدو آن به آتش کشیدن مسجد اقصـی یـا او لیـن کعبـــه مسلما نـان جهان میباشد وهمین حالا نیزعـلاوه بر اشغال سرز مین های عرب و ایجاد وحشت وآوا ر گی ملـــت بیجا ره وصلـح خواه لبنان نیزهر روزبخاك وخون‌کشانیده میشودوزرا‌ـ دخانه های امپر یا لیزم ودر قدم اول امپر یا لیزم امر یکا مقا دیر بـی پایان اسلحه تحو یل این‌انســـان‌ـ کشان صهیو نیست می نما یدتاهر چه بیشتر منطقه شرق میا نـــه رابه کا نون جنگـك وزدو خوردمبدل سا زد .

اعمال وتجاوز گر یهای امپر یاـ لیزم حقوق بشر شنا سی !؟امر یکا در سر زمین ویتنام از هیچکســـی

بقیه‌درصفحه۵۵

تا ریـخ شا هداست که :

امپریالیز م عمده ترین و مغرض ترین د شمن بشریت واز جمله‌اسلام است

ریت قلـع وقمـع»؟!، او لین کشور صلـح خواه وپشتیبا ن‌نهضت های رها یی بخشس وآزا د ی خوا ه‌جهانی را داد. زما مدا ران آنو قت ممالك امپر یا لیستی از یك وا قعیـــت دیگرنا آگاه بود ند وآن‌اینکه .رهایی لجام این وحشی هیچکسی حتی هم

مسلکان را نیز آرام نخوا هد گذاـ شت ودر ین مو ضوع خودتضادمیان ممالك امپر یا لیستی محرك وا قعی می با شد .

نتیجه‌ی وحشت وجنگ افرو زی فا شیزم ونا زیزم بر خـلاف پیش

بینی چر چل هاو روزو لت هاچیزی دیگری از آب بدر آمد. بعد از آنکه مامورفعا لیت های استعما ری در آسیا وافر یقا گرد ید ند .

امپریا لیزم انگلیسس یعنی ایـــن گر گ انسان در لباس چو پـان شتا فت واو لین تخم نفاق واستعمار را در متصر فات خود ودر قدم اول در بین خلـق کبیر نیم قا ره(هندوـ ستان با بهارت) پاشید. امپر یـاـ لیزم محیل انگلیسس بعد از آنکه در زیر فشار مبا رزات خلـق کبیر نیم قاره بزا نو در آمده ووا دار بـــه شکست شده بود نخوا ست کـه بدون زهر پا شی بگذا ر د که مردم آن سر زمین مصروف حیات‌وتعمیر کشور بـلا کشیده ی خود شو ند ولی این عمل امپر یا لیزم دور از انتظار نبودزیرا خا صیت طینت‌و

هزاران نفر ازمردم ماکه‌به‌پیشواز زندنیان‌ازبند رسته شتافته اند

یکی از زندانیان پلچرخی‌هنگام‌بر آمدن ازین باستیل جهنمی به خبر نگـا ر ژوندون گفت:

دژخیمان امین سفاك و باند جنایتکاراو آنقدر زندانیان‌بیگناه‌را شکنجه‌میکردند که‌گویی‌بمرض سادیسم‌مبتلابودندوازرنج‌وآزاردیگران‌لذت‌می‌بردند

زندان پلچرخی این دژجهنمی که داودجلاد برای دربند کشیدن وطنپرستان وتار ومـار کردن آزادی خواهان آنرا اعمـار ومملـو از هموطنان بیگناه ما،گردانید، باپیروزی انقلاب شکوهمند ثور برای اولین‌بار دروازه هـای مستحکم آن‌باز گردید، ولی این میراث شوم آن به‌امین جنایتکار وباندتروریست وآدمکش آن که باانجـام یـك جنایت بزرگ وگرفتـن قدرت راهش‌رابسوی‌انجام‌دادن جنایات‌بی‌حساب وکشتار دسته‌جمعی هموطنان بیگناه مابازکردکه این اعمال جنایت کارانه اووباند آدمکشش‌در اذهان فرد فرد کشور عزیز ما برای همیشه بجا مانده وتاکه جهان است‌نسل‌های امروز و فردا به آن نفر ین می فرستند.

امین سفاك وباند جنایتـکارش، اطفـال، زنان مردان‌وحتی باصطلاح‌درجن‌بست خانواده‌ها رادر باستیل پلچرخی ودیگر مخفیگاه هـا بزندان کشید ودسته دسته آنهارا بگلوله بست وهزاران‌خانواده را برای همیشه‌درماتم‌نشانید.

آخرین قربانیان عمال جـنایتکارانه ایـن بدنام تاریخ که‌خشم خلق اووباندش را مجال ندادتاآنها را نیز عقب شهدای دیگر بفرستند باپیروزی‌مرحله نوین انقلاب شکوهمندثوروعفو عام‌وتام ببرك کارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان‌رئیس شورای انقلابی وصدراعظم طی مراسم خا صی دروازه های زندان بروی شان‌کشوده‌شد،باهر کسی هرچه که‌میگفتند ، ازبیدادگریهای امیـن سفاك وباند جنایتکار اوبود وهـرقصه‌ای از آنها قصه هاوغصه هایی ازشکنجه‌ها وآزارهای دهشتانه زندان بانان بودکه باشنیدن آنها موبرتن انسان راست میشود وهیچ انسانـی نمیتواند راه گریه اش را بگیرد وآبدیده اش رانگاه دارد.

روز ۱۶ جدی که‌روز رهایـی زندانیان، از زندان امین جنایتکار بود، ده‌ها هزار ازمردم کشور ازمرکز شهر واطراف رهسپار ز ندان پلچرخی بودند وبه امید اینکه مگر گمشده‌های خودرا بازیابند، توسط موتر ها وحتی از چند کیلومتری این باستیل جهنمی باپای پیـاده خودرا بدهن درآهنی بیرونی زندان ر سانیـده بودند. درجلو محبس‌مذکور تانظر کار میکرد آدم بودکه معلوم میشد هرکدام، هرخانـواده وهرفردی از حاضران که شاید صدهاوهزاران آن رسیده نتوانسته بودند، گمشده‌ای داشتند که‌برای دیدار حاضر گردیده‌بودند، ولی ایـن تلاش های نزدیك شدن بدروازه محبس‌وتحمل رنـج مسافرت برای این منظور ازنقـاط دور کشور برای هزاران نفر مایوس کننده‌معلوم میشد زیرا واضح بود که‌هزاران نفر را امین سفاك زیر ساطور آدمکشی خود به شهـادت وتعداد کثیری‌در زیرساطورجام شهادت را در حالی نوشیده اندکه آن‌صحنه هاننگ بشریت است وبرای ابد باعث نفرین خلق کشوربوده ومیباشد .

درنزدیك دروازه درونی محبس‌زن سالخورده ای بزمین افتاده بود دستش را گرفتم ولـی نتوانست بپا بایستد توام بافغان وناله چنین سرداده بودکه پسرش را ازخانه‌اش بـرده اندودیگر اثری ازان ندیده است. دخترجوان این زن داغدیده که رویش را با اشك وخون شسته بودپیش حرفش دویده گفت که‌اوی از غنی خیل ننگرهار است وبرادرش صاحب‌منصب عسکری بود شب‌هنگام اورا ازپیش‌چشمان از حدقه برآمده زن وفرزندانش بالت وکوب توام بموتر انداخته وبردند که ازان‌وقت تاامروز اثری ازان دیده نشده است.

زن جوان درحالیکه پیشروی‌هرزندانی‌آزادشده را میگرفت ، فریاد میزد که برادرش چه‌شد اورا چه کردید ، درکجا شهید شد وازین‌قبیل پرسش هاولی هیچ کدام جوابش رانمی‌گفت بجز آنکه باوی میگریستند واظهار تسلیت‌بوی می‌نمودند که‌این منظره دلخراش هـــرسنگ دلی راسر گریه می‌آورد واشکها جاری‌میشدند.

مرزامحمد حسین خیل‌باشنده بغلان هنگـام خارج شدن از دروازه درونی محبس در حالیکه بکس نسبتا سنگینی رادردست داشت دربرابر سوالی چنین اظهار کرد: من در سرمزرعه خود مصروف کار بودم‌که چندنفر آمدند وبمن گفتند که بیائید یکبار بولایت مربوط بروید ،من‌جزء قبول این پیشنهاد دیگر چاره‌ی نداشتم ناچار باایشان رفتم‌آن ظـا لمـا ن مـــر ا د ر اطاقی حبس کردند و بعد شب هنگام آمدندوبه شکنجه گاه انتقـا لـم داد نـــد از عـــد اب شکنجه چه عرض‌کنم، شکنجه چه‌که هتك‌حرمت روا‌داشتندوفحش هایی نثارم کردنـــــد مـن باالحاح وزاری گفتم : آخر چه کرده‌ام !

هی لت وکوبم می‌کردند ومی گفتند که :دیگر بافلان وبهمان صحبت می‌کنی ! ودیگر بعدازین هم‌از پیشروی مابی‌اعتنامی کذری‌وازین قبیـل سخنان که انسان را بحیرت می‌انداخت .

شکنجه وآزار در بغلان باتمام نرسیده بود، مراچشم‌بسته‌به کابل آوردندوهرشب‌زیرشکنجه باصطلاح نیم جانم می‌کردند وشب دیگر این کارناجوانمردانه را ازسرمیگرفتند، وی افزود: چندین جوان در زیر چشمانم در شکنجه گاه جان دادند وعده ای را هرشب از زندان بیرون می‌کردند وبعد معلوم میشد که آنها را به‌گشتار گاه امین می‌برند وزنده بگور میکنند .

وی در حالیکه می‌خواست خودرا بزودی‌از زیر سوال وجواب‌بر هاند، دستـــم را گرفـت وگفت : خدا حافظ ، دیگر قصه هارا نمی‌کنم که‌بیش ازین غرق ابهت میشوی.

یك زندانی آرزومند دیگر که با عجله راه پیوستن به خانواده چشم بـراهش رادر پیش گرفته بود ، بامن روبرو شد وقتی خودرا باوی معرفی نمودم واز حال گذشته اش در باستیل جویاشدم گفت : این همه را که می‌بینی ازلب گور برخاسته اند گر چند روز دیگـر اعمال جنایتکارانه امین‌وامینیان‌خاتمه نمی یافت،شاید مارا هـم عقب‌مرحومان‌دیگر می فرستادندوجای مارا درین باستیل جهنمی ازبیگناهان‌دیگر پر می‌نمودند واین رسم ددمنشانه امین سفاك و باند جنایتکار او بود که شکنجه دیده هارا شهید میکردند وبجای آن بیگنا هان دیگررا بزنجیر می‌کشیدند .

وباینترتیب نقشه هایی راکـه سی،آی،ای امریکا در اختیار این نماینده خون آشام خود گذاشته‌بود یك‌بیك‌عملی‌می‌کردندولی‌خوشبختانه که امروزمی‌بینیم با پیروزی مرحله نوین‌انقلاب کبیر ثور ،این جنایت کار بینظر تاریخ‌بگور ابدی سپرده شده و خلـــق‌کشور برای همیشه اززیر ساطور این نماینده امپریالیزم امریکاو دست پرورده سازمان سیاه‌آن رهایی یافته‌اند.

این زندانی‌که خودش‌را شمس‌الدین وصاحب منصب معرفی کرد افزود : بهر صورت امین بدنام ورسوا وباند جنایتکار او بر خلـــق بیگناه ماانقدرظلم‌وستم راروا داشتندوخونریزی نمودند که کمتر میتوان درتاریخ‌جـــهان‌نظیرش را سراغ کرد.

زندانیان آزادشدند ، خوشی وشادمانی و وابستگانشان نمودار این حقیقت بودکه دیگر ظلم‌وستم وآدمکشی ازکشور ما رخت سفربسته وجایش رابه صلح ، آشتی‌وکار وفعالیت‌دسته‌جمعی برای شکوفان گردیدن افغانستان عزیز رها کرده است .

دربیرون محبس‌هزاران نفرمنتظرین دیگر بخاطر اینکه کشته های شانرا برای‌همیشه گم کرده بودند ودر زیر ساطور امین سفاك جام شهادت را نوشیده بودند ، غم و اندوه جانکاهی در چهره های شان بمشاهده میرسید .

آری ،آنها عزیزان خودرا از دست داده‌بودند وسر ازین روز بایدسرگلیم‌ماتم عزیزان شان می‌نشستند .

ازین میان یکی که پدروبرادرش را از دست داده بود گفت : طی مدتی که عزیزان شانرا از نزدشان ربوه بوند، همیشه گلیم‌غم وانـــدوه برخانه های شان هموار بودولی حالا یکبار عزا داری میکنند وهمیشه برامین‌خونخوارنفرین می‌فرستند،وی درحالیکه می‌گفت: نفرین بادبر امین سفاك وباند جنایتکار او راهی موتری‌شد که تازه می‌خواست طرف شهر حرکت کند.

آری ، آنروز زندانیان سیاسی آزاد میشدند وقدم بدنیای آزاد می‌گذاشتند که هزاران‌نفر شاهد خوشی وسرور آنهاوخانواده های شان بودند و همه در هر لحظ ای بر پیروزی های مرحله نوین انقلاب ثور دعامی کردند وبرباند جنایتکار امین نفرین می‌فرستادند .

زندانیان آزادشده توسط سرویس های ملی‌پس زندان پلچرخی راترك گفتند

گناه آنها فقط این‌بوده که‌ازجنایات امیـن‌سفاك حمایت نمیکردند

زندانیان پلچرخـی حیات دشواری راسپری می‌نمودند

آب چاه نسبت دفن اجساد درنزدیکی‌آن غیرقابل نوشیدن گردیده است. این کشتارهاطی‌دورهٔ تاریك پول‌پوت صورت گرفته‌است.

ترجمه ونگارش ر. یوسفزی

شمه‌یی از جنایات ضدبشری رژیم پول‌پوت در کمپوچیا

خلق دلیر این کشور بعداز آزادی کمپوچیا کارعمران‌مجدد را به شدت آغاز کرده‌اند.

یکی ازپهلوهای ناگوار سلطه نظام های استعماری واستبدادی ، میراث های شوم و ویرانی های اقتصادی وکلتوری است که بعداز شکست‌استعمار واستبدادنصیب‌خلقهای مختلف جهان می‌گردد .

این امر بخوبی در مورد خلق کمپوچیا که تازه بتاسیس یك رژیم وا قعا دموکراتیك توفیق یافته اند ، صدق میکند .

برای اینکه یك تصویر روشنی از کمپوچیای تحت تلبط رژیم فاشیستی پول‌پوت داشته باشیم مختصرا بتذکر بعضی از جنبه های‌این دوره تاریك چهار ساله می پردازیم. بایدگفت که طی استبداد چهار ساله‌دار ودسته پول‌پوت ینگ ساری‌همه شهر ها تقریبا بویرانه‌هامبدل شده بود. قریه ها خالی از سکنه بود خانواده هااز هم بکلی متلاشی بوده ، صرف غذای همه اعضای یك خانواده دریك جای اکیدا منع‌بودو هرکس جداگانه جیره ناچیز خودرا که اکثرا برنج می‌بود می‌گرفت وبا شکم نیم سیر وروح افسرده زندگی پر رنج خودرا بسوی آینده مجهول ومتحملامرگ قبل از هنگام ادامه میداد.

اجرای مراسم مذهبی بشمول بودیزم‌توسط افراد ممنوع بود. پول ناچیزوبی ارزش‌بود، مکاتب وشفاخانه عامسدود واز خدمات پست‌و مخابره‌اثری نبود. خلاصه‌اینکه‌نمونه های تمدن درنتیجه ظلم حکومت پول‌پوت از میان رفته و فقط صدای غرش ماشیندار وضرب‌چوب‌نصیب کسانی بود که علیه رژیم قلمداد می‌شدند .

قتل عده زیادی ازخلق مبارز کمپوچیابشمول روشنفکران از کار های عادی ومعمولی این رژیم‌خون آشام بود کم از کم سه‌ملیون نفر از جمله هفت ملیون نفوس کمپوچیا طی این مدت بقتل رسیدند . رژیم پول‌پوت که‌باکمك توسعه طلبان منطقه در پنوم پن مستقرشد طی دو ره تاریك زما مداری چهار ساله‌خویش از هیچ نوع ظلم وبیعدالتی در مورد خلق کمپوچیا دریغ نکرد .

کمپوچیا قبل از آزادی از سلطه پول پوت حیثیت یك کشور در حال مرگ راداشت که خلق آن باانواع مختلف مصایب‌والام مواجه بودند .

هنگام آزادشدن ، کمپوچیا چهره یك کشور در حال مرگ را بخود گرفته بود که صنعت وزراعت شدیدا ازبین رفته وسایر فعالیت های اجتماعی در حال نابودی کامل قرار داشت .

طبق احصائیه‌های منتشره چهارملیون‌نفوس باقیمانده از جمله هفت ملیون قبلی که سه‌ملیون در کشتار ظالمانه پول‌پوت جان سپردند درفقر ،جهل ومریضی بسر میبرند و عده زیادی از آن ها بیکار بودند .

در سپتمبر ۱۹۷۹تعدادمعلمان، نویسندگان آرتیستان ،ژورنالیستان وروشنفکران که زنده مانده بودند محض ده فیصد احصا نیه سال ۱۹۷۰ بود. طورمثال درسال۱۹۷۰(٤۰۰۰) داکتر در کمپوچیا موجود بود که اکنون‌فقط از آن جمله (٥۰) نفر باقی مانده است .

پول پوت وحامیانش‌قبل از گریز ازکمپوچیا عمه فابریکه ها وتشبثات راویران کردند و کارگران ازموسسات صنعتی اخراج‌نمودندوآنها راطور آواره پراگنده ساختند .تحمیل‌کارهای

عساکر رژیم پول‌پوت‌حتی تکلیف دفن‌نمودن‌مقتولین وقربانیان را قبول نمیکردند

تقیل -۱۲) ساعت در روز و موجودیت کمپ های شکنجه دهنده اکثریت خلـــق کمپوچیا رااز زندگی بیزار ساخته بود در چنین شرایط دشوار وناهنجار اقتصادی وسیاسی بود که خلق مبارز کمپوچیا به حکومت پول پوت خاتمه دادند .

تولد دو باره کمپو چیا :

به تعقیب یك سلسله قیام های خونین سر انجام اردوی انقلابی خلق کمپوچیا درهفتم جنوری ۱۹۷۹ پنوم پن را آزاد ساخت وبتاریخ هشتم جنوری همین سال شورای انقلابی خلق تحت ریاست هنگ سامرین تاسیس شدو- باینوسیله جمهوری خلـــق کمپوچیا عرض اندام کرد.

یکی از وظایف اولی شورای انقلابی ،عادی گردانیدن حیات در کمپوچیا وتهیه کمك های غذایی وطبی برای خلـــق آنکشور در مناطق قحطی زده بود . دهها هزار تن شالی وسایر کمك های طبی و غذایی که توسط جمهوری

یك‌مکتب حریق‌شده درانگیانگ

در اندیشه وغصه خا نواده ازدست رفته‌اش

پنـــوم پـــن شهری که هـــنـــگام‌سلطه‌پـــول پـــوت‌بـــه شبـــح میماند

قریب سه میلیون نفرطی دوره تاریک چارساله

پول‌پوت در کمپوچیا بقتل رسیدند.

سوسیالیستی ویتنام وسایر کشور های برادر سوسیا لیستی در کمپوچیاسرازیر شد بسرعت به خلـــق آنکشور توزیع شد وسلسله این کمك ها در سطح ملی وبین المللی همچنان جریان دارد .

کارگران کمپوچیا بعداز تارو مار شدن رژیم پول‌پوت با علاقه فراوان به کار های شان‌باز گشتند . فابریکه ها مجددا به تولید آغاز کرد ولی فابریکه هاتقریبا همه متـلا شی وپارچه شده بود وبرای حکومت انقلابی کمپوچیا مشکل بود تاطور لازم فابریکه هارا فعال گرداندچه از یکطرف کمبودی های زیادی از لحاظ پرزه وماشین آلات برای فابریکه ها موجوداســـت واز سوی دیگر قلت موادسوخت محسوس‌بوده وهم‌تعداد زیادی ازکارگران ماهر طـــی دوره اختناق آور پول‌پوت کشته شده‌اند.

توجه به تعلیم و تربیه مجدد :

شورای انقلابی خلق کمپوچیا گرچه مساعی اعظمی خودرا درمورد غلبه بر قحطی‌واحیای‌مجدد فعالیت های اقتصادی آنکشور متمر گزگردانیده است معهذا حکومت جدید انقلابی‌توجه زیـادی رابه‌تعلیم وتربیه صحیح انقلابی معطوف داشته است . سال های ۱۹۸۰- ۱۹۷۹ بحیث اولین سال مکاتب بعداز انقلاب در کمپوچیا تلقـــی می‌شود. ازهمین اکنون‌کمیسیون های بـــرای نگارش وتهیه‌کتب درسی موافق‌به‌نیازمندی‌های عصر انقلاب در کمپوچیا مصروف کاراند . در ساحه صحت عامه ، اقدامات عاجل وانقلابـی برای جلو گیری از شیوع امراض اپیدمیـــك صورت گرفته وپروگرام های مفید طی مدت کوتاه رویدست گرفته شده است .

خلق کمپوچیا درعین حالیکه برای‌اعماریـك کمپوچیا ی جدید و پیشرفته مصمم‌اند همچنان می‌کوشندتا به هیچ نوع کوشش توسط توسعه طلبان منطقه که‌باسازش وهمکاری با سا یـر قوای‌امپریالیستی وارتجاعی بمنظوراحیای مجدد رژیم انسان کش سابقه بعمل می‌آید اجازه ندهند ، چنانچه دومین کانگرس جبهه اتحادملی برای نجات کمپوچیا که اخیرا تحت ریاست هنگ سامرین رهبر خلـــق کمپوچیا دایر شد تاکید کردکه اوضاع‌سیاسی در کمپوچیابرگشت ناپذیراست .بدون شك یکی‌از اهداف بعداز انقلاب خلق‌کمپوچیا عبارت از حفظ استقلال حاکمیت ، تحکم وانکشاف جبهه اتحاد ملـــی برای نجات کمپوچیا و جلب همه وطنپرستان بدون در نظر داشت تمایل مذهبی، سن وجنس است تابدینوسیله مبارزه‌موثر علیه‌عقب ماندگی وویرانی های دوره‌تاریك‌پول‌پوت -ینگ‌ساری بعمل آید .

دوام توطئه علیه جمهوری خلق کمپوچیا

در حالیکه حکومت انقلابی کمپوچیا تحولات بنیادی را بمنظور رفاه خلق‌این‌کشور وعا دی نمودن اوضاع در معرض طـــرح‌و تطبیق قرار داده است . توطئه های امپریالیستی علیـــه انقلاب خلق کمپوچیا ادامه دارد .

امپریالیزم میخواهد تغییرات سیاسی اخیررا در کمپوچیا طوری جلوه دهد که گویا ایـــن تحولات بدون اراده ومیل خلق این کشورودر اثر مداخله خارجی صورت گرفته است حکومت انقلابی کمپوچیا طی انتشار ابلاغیه در زمینه بحث ملل متحد را راجع باوضاع در کمپوچیا بحیث یك مداخله‌صریح‌درامورداخلی این‌کشور نکوهش نموده وگفت: «هدف ازآن مغشو ش گردانیدن اذهـــان درزمینه است.»حـــکومت کمپوچیا این بحث‌راکه بااشتراك‌نماینده حکومت پول‌پوت صورت گرفته یك تخلف بـزرگ‌از آرزوها والهامات اکثر یت خلـق کمپو چیـا نمودکه‌به‌شدت‌از حکومت انقلابی‌شان حما یت می‌نمایند .

بقیه در صفحه ۵۳

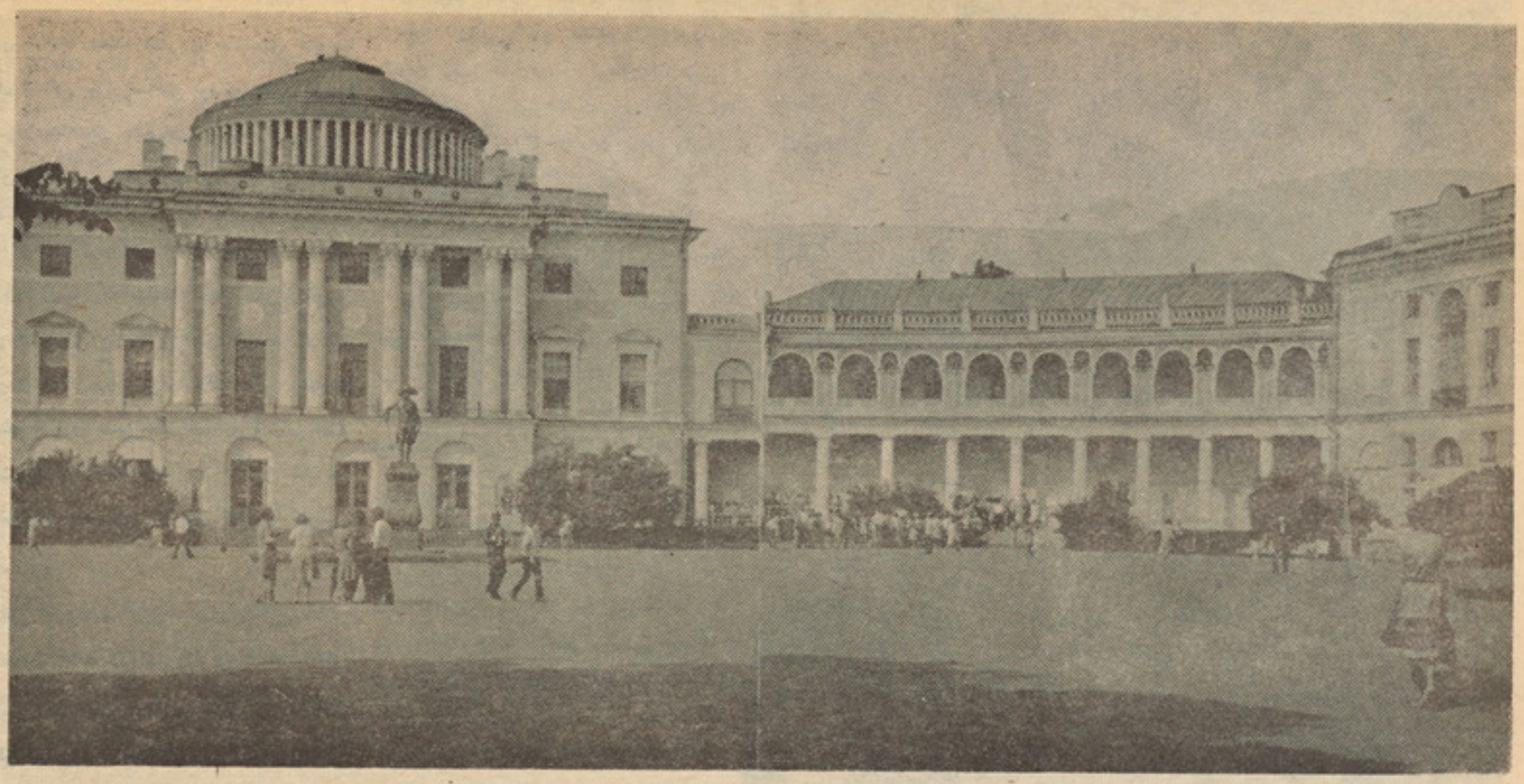

منظره‌یی از کاخ موزیم پاولو فسك

از سپو تنیك

ترجمه : احمد

کاخ موزیم پاولوفسک در اتحاد شوروی

کاخ موزیم پاولو فسك در نزدیکی‌شهر لیننگراد اتحاد شوروی واقع میبا شد .نواحی کا خ را طبق اظهار متخصصین یکی ازبهترین پارك های جهان احاطه نموده است. در سا لها ی جنگ دوم جهانی فا شیست های المان کاخ را آتش زدند و اشجار پا ر ك را قطع کردند . در تاریخ احیای مجدد پاولو- فسك اناز یلینو وه که فعلا رئیس موز یم میبا شد رول مهمی را بازی نمود . این زن در سا ل (۱۹٤۱) مسئول انتقال عجا ب و مناظر موزیم پاولو فسك مقرر گردید . چینی ها ی ظریف ، تصا ویر و گلدان ها ی مقبول را که از مرمر سبز ساخته شده‌بود در قطی ها ی مخصو ص جا میدادند وبسته بندی میکرد ند ، در حال حاضر لغت بسته بندی بسیا ر سا ده و اسان به‌نظر میخورد اما درآنوقت ضرور بود تا از هر جلچراغ صورت حساب دقیق‌آماده‌میشد به عین تر تیب آویز ه ها ی کر یستا لی با ید با ز میشد و به اطراف آن کدا مچیز بسیار نرم گذاشته میشد تا از شکست آن در وقت انتقال جلو گیری میشد . اما تعداد آویزه‌هاازهزار نیززیادبود. همینکه صند وق ها کفا یت نمیکرد از و سا یل مختلف‌کار میگرفتند ودر اطراف آن علف میگذ اشتند در پهلوی این‌همه‌مشکلات تعداد کار گران به چند نفر محدود میر سید و آن هم‌زنان بودند زیرا مردان همه به‌جبهه ر فته بودند چند گروه کا ر گری راکه شو را ی‌شهری غرض انجام کا ر ها ی مذ کور تخصیص‌داد نیز زنان بودند. خط جبهه جنگ‌درچند کیلو متری انها واقع بود .

بعد از ینکه قطار آخر ی با گنجینه‌های موزیم پا و لو فسك عازم مناطق شر قی اتحاد شوروی گر دید هنوز آثار هنری قیمت بهادر کاخ باقی‌مانده بود. اینها بایدبه زیر زمینی های کلیسهای ایسا کوف‌انتقال داده میشد ند اما باز هم مرمر ظریف ممکن بود در اثر انتقال بشکند . در مقابل‌گذاشتن آنها به حال سا بق نیز خطر نا ك بود زیرا فا شیست ها ممکن بودهمه را به باد فنا می‌سپار یدند . زنها مجسمه هارا ازجاهای آنها به بسیار احتیاط از طریق زمینه هاکه بالای انها تخته ها ی چو ب گذا شته شده بود کشا ن کشا ن به زیر زمینی ها ی‌موزیم میکشا نید ند و به یکی از نقاط خلو ت‌آنها را قرار میدادند . بعد همه را با خشت ها مسدود میکر دند و برای اینکه کسی به آنها پی‌نبرد همه راباریگ می‌پوشانید ند .

چون در پا رك کا خ موزیم یکتعداد زیاد مجسمه ها ی نادر و قیمتی و جود دا شت برای اینکه از تخر یبات اشغا لگرا ن فا شیست ها ی الما نی در امان با قی میما ند ند خندق ها ی عمیق حفر میکر د ند و آنها را در آنجا دفن میکردند . قبل از عقب نشینی عساکر شوروی یکی از سربازان در یکی از مجسمه ها که بنا م «صلح» یاد میگر دد چنین نو شته بود : «ما دو با ره با ز میگر دیم و تو را پیدا میکنیم » در خندق ها علف ، برگ هاو غیره اشیای‌نرم میگذ اشتند .

چون اناز ینووه نقشه پارك را با خود میدا شت در نقشه همه خندق را نشا نی میکرد تا در و قت باز گشت آنرا به آسا نی در یا فت کنند . با این نقشه وپلان پارك زینیووه بتا ریخ «۱٦» سپتمبر (۱۹٤۱) از موزیم پاو لو فسك خا رج شد زیرا درین روز جر منی هابه پا رك رسیدند شب را به بسیار نا آرامی سپری کرد زیرا همه جا را آتش فرا گرفته بود و از موزیم به کلیسای ایسا کو ف آمد ودر انجا(۹۰۰) روز ها ی محاصره را سپری کرد .

درینجا باز یینووه سه زن دیگر نیز زند گی میکر دند اینها سیر و فیمو بالایووه محافظ کاخ ، ایر ینا یا نچنکو همکار فنی

قسمتی از عجایب پارك موزیم

قسمتی‌ازمنظره پارك موزیم که در اوا یل‌قرن۱۹ساخته‌شده

کاخ و یفگینیا تو رو وه محافظ کا خ ها ی شهر پوشکین بودند. انازینیو وه به بسیار نر می و ءلا یمت ازرو حیه قوی آنها چنین حکا یت میکند :

«درین و قت هوا بسیار سرد بود. چندی بعد هوا به اندازه سرد شد و قتی‌میخواستیم کمی احسا س گر می کنیم از کا خ به جاده خا رج میشد یم . وقتیکه بهار فرار رسید یخبند ی ها ی دیوا ر ها روبه آ ب شدن شد و از انجا ما نند جو یچه ها جاری شد . درین ضمن تلها کمی تخر یب شد و آب زیر زمینی ها را فر ا گر فت صند و ق ها را به بسیا ر زحمت از زیر زمینی بیرو ن می آوردیم و آب را دور میکرد یم .»

بعد از ینکه صندوق را بیرون می آوردند همه اشیا را خشك میکر دند . به این تر تیب از جمله آنها (۱۳۵۰۰) عدد خشك کاری شدند .

در سا عاتی که بمباری فاشیست هامتوقف میشد همه کا ر کنا ن بین دو پا یه‌ریسمان را بسته می کردند و پا رچه ها ی گلدو زی ابر یشمی و دیگر اشیا ی قیمتی را خشك میکر دند ممکن است اینطور فکر شود که مردم می ایستادند واز انها دیدن میکر دند اما نه . مرد م‌لیننگر اد در آنو قت اگر به کدام جا عازم میبود ند امکا ن رسید ن‌سالم را به انجا فدا شتند زیرا هر لحظه ممکن‌بود بمباری شهر آغازشود . سردی هوا روز بروز شد ت می یا فت د رقسمت‌د خول ما نند سا بق قیو دات و ضع نه بود همه‌با با لاپو ش ها داخل میشد ند و به اندازه ضعیف دیده میشدند که قدرت آنرا نداشتند تا بر ف را ازبالا ی با لاپو ش دور کنند بعضی ها با اطفال خود یکجا به سوی محل کار روانه میشد ند . خوا ند ن کتا ب مشکل شده بود زیرا از یك سو شیشه های پنجره ها یخ بسته می شد ند و از سو ی دیگر چشمها از اثر . گرسنگی باز نمیشد .

زینیوده در جواب سوالی که در ین مدت مصروف چه چیز ها بود چنین گفت :

«من درین وقت انکشا ف افکار اجتما عی اواخر قر ن هجده و او ایل قر ن نو زده‌را مطا لعه میکر دم میخوا ستم را جع به‌اطراف لیننگراد و موزیم پاولو فسك چیزی بنویسم درهمه مکاتیب خود که زینیو وه با دو ستا ن خود در جا ها ی دیگر مکا تبه میکرد لغت «پاولوفسك» بسیار دیده می‌شد میخوا ست از آنها را جع به اعمار مجدد کاخ مشوره ها ی‌لازم در یا فت کند اما

آثار قیمتی‌موزیم که‌دروقت جنگ‌تخریب‌گردیده بود.

هنوز نمیدا نست که بعد از اعمار مجدد چه شکل را بخو د خوا هد گر فت .

شا عره معروف آنو قت لیننگراد و یرا اینبر در کتا بچه یا دا شت خود مو ر خه اول فبروری سال (۱۹٤٤) چنین نو شته بود : « دیروز با نقا شا ن و کا ر کنا ن موزیم به دو در گو فپا ولو فسك وپوشکین رفتیم . به کا خ پاولو فسك رسیده نتوانستیم زیرا که پل تو سط جرمنی های فا شیستی منفجر شده بود ما زینیووه به چنان سرعت از را های دور و دراز و پر مشقت به انطر ف سا حل خود را رسا نید که مرد ها نمی توا نستند پی او بر سند و ازموزیم به سوی شهر دو با ره به بسیا ر آ را می گام می بر دا شت قسمیکه معلو م شد تنها شکل خا ر جی آن به حالت بسیا رو خیم‌خود باقی مانده‌بود ،در داخل کاخ همه از بین رفته بود . چندی بعد زینیووه به بسیا ر مشقت پیاده خود را به ا طرا ف واکناف شهر لیننگراد رسا نید تا اشیا ی را که تو سط اشغا لگرا ن الما نی به غارت برده شده بود در یا فت نما ید . در نتیجه تفحصات خود قسمتی از اشیا را در یا فت کرد و قسمتی آنرا بعد ها در شهر ریگا و در جر منی پد ست آورد اما ضا یعا ت بسیا ر زیاد بود .

در کنگر س بین المللی مهند سین در لندن که را جع به تعیین خسارات ناشی از جنگ‌جهانی دوم ترتیب داده شده بود الفا ظ ذیل طنین انداز بود : « بشر یت از مجسمه ها ی قیمتی و نادر پو شکین وپاو- لو فسك بسیار غمگین میبا شد . »

چطور ضا یعات جبران می شد ! در دیوار های دا خلی کا خ که ده روز میسو خت هنوز قسمت اعظم دیکور گچ کاری و بقایای نو شته ها با قی ما نده بود. در پهلو ی‌این رسا می ها ی حقیقی بعضی از عکا سی ها نیز بحالت خود دست نخورده نیز بحال‌اولی شا ن با قی ما ند ه بودند . اعمار مجدد امکان پذیر بود اما رئیس بدون کار- گران چه کا ری راانجا م داده میتوا ند !

ازینکه گچ از آتش صدمه فرا وا ن‌دیده بود در مقابل بر ف با ری تحمل ندا شت و با ر چه با ر چه نقش ها ی بر جسته بز مین میر یختند . نو شته ها ی که‌برنگ رو غنی صورت گرفته بود از اثر سر ما ی شد ید رنگ خود را می با ختند . درپارك باد ها ی شدید می وزید . این باد ها مخصو صا برای نقش ها ی د یوا ری ضر ر ها ی سنگین وارد مینمود و آنها را ازپوست جدا میکرد .

درین‌وقت حساس انازینیووه به همه مقامات مسئول اثبات میکرد که بدون تو قف و تا خیر حفا ظه کاخ صورت بگیرد والا از بین می رود . اما خود نمیدا نست‌که این همه کا ر ها را برا ی چه به همگان اثبات میکند . هنوز جنگ دوام داشت نیروی کا ر کفا یت نمیکرد و سا یل نیز مو جود نبود ، زینیووه نزدیکی از آمرین ساختمانی مراجعه‌کرد تابرایش‌ضرورت اعمارمجددکاخ‌موزیم راتشریح نماید اما در مقابل آمرنمی خوا ست به حر فهای او گو ش دهد و چنین ادامه داد: «عزیزم شما آدر س را غلط کرده اید . ما افراد نظامی هستیم و سا یل کا خ مربوط ما نیست .» آمر هیچ این را تصور هم نمیکرد که چند روز بعد همین زن خواهد آمد ونزدش مکتو ب را بامحتو یات ذیل خوا هد گذاشت :«به صورت استثنا یی به تر میم کا خ پاولوفسك آغاز کنید .»

در کاخ که از ما ین تصفیه شد کا ر های سا ختما نی آغاز شد . همه قسمت‌های را که تخر یب شده بودند تو سط محلو ل های مخصو ص استحکا م کا ری میمود ند اشیای که‌قابل استحکام‌کاری نبودند به تحو یلخانه انتقال داده میشد ند ز نها ازخانه ها ی خود همه چیز ها را که‌در ترمیم کاخ بکار میر فت می آوردند تا تر میم‌کاخ هر چه خو ب تر صورت بگیرد .

برا ی اینکه هیچ‌یك‌ا ز عنا صر به جای دیگر نصب نمیگر دید از سیستم مخصوص رمز نو یسی استفاده نمود ند .هر یك از صا لو ن ها دارای رمز مخصو ص وهر دیوار نمبر مخصوص داشت .

کا ر کنا ن «لنپرو یکت » در کا خ‌اندازه گیری ها را آغاز کرد چند ی بعد فیو دور- الینیك از جنگ باز گشت . این هنوز قبل از جنگ محصل بود و دیپلوم خود را در مو ضو ع «سا ختما ن کاخ پاو لو فسك و نقش و نگا ر دیواری نما یشگاه گو نزاگو» دفا ع نمود .

بقیه درصفحه۴۳

گوشه یی از موزیم پاولوفسك

خواړه وخوری تر څو ژوندی پاتی شی .

داکتر عبدالسبحان هاتفی

خواړه تاسې جوړوی او تاسې نړی

بشر ددی دپاره چه ژوندی پا تی شی زیاتی اړتیاوی لری چه ډیره مهمه اړ تیا یی خواړه او بیاپوښاك اوکوردی.

ښه تغذیه نه یواځی دانسا ن د جسمی او روانی سلا متی تنظیموی بلکه د ژوند نه په اعظمی گټه اخستلو سره دبشر دکار محصول پور ته بیا یی او پدی ډول د هیواد په اجتما عی او اقتصادی پر مختگ کی موثر نقش لوبوی.

دانسان روغتیا، سلامتیا او کفایت دهغه لازمو اوضروری غذائی مواد و پوری اړه لری کو م چه د ژوندانه په بیلو بیلو مرحلو کی د هغه بد ن ته رسیږی .

هغه څوك چه په سمه تغذیه لوی شویوی د رو حی او جسمی پلوه رو غ وی او د اجتما عی له نظره بر یا لی او په خپل ژ وند مین وی . او له بلی خوا څر نگه چه کافی مقاومت د نا روغیو په مقابل کی لری . په عمومی توگه د یوی کا ملی ر و غتیا او خو شحا لی نه بر خور داره وی .

نا مکمله او نا سا لمه تغذیه دهر چا او هری ټو لنی لپاره گرانه تما میږی اکثره دتنفسی ، هضمی اوعصبی سیستمو ناروغی په غیر مستقیم ډول د نا درستی تغذیه نتیجه ده دا نا رو غی د ټو لنی د غړو د نا توا نه کولو له کبله دنه جبران کیدونکواقتصادی او اجتما عی زیا نو نو مو جب کیږی .

او دا ادعا چه مخنیوی یا و قا یه موثره او ارزانه لـه درمـل څخه ده ، ډ یره په ځای او معقو له اودمنلووړخبره ده .

هغه څه په پا ملر نه سره چـی وو یل شوه . دادی هغه مطا لب چی دخواړو بالخاصه ویتا مینو په هکله تهیه شوی تا سو گرا نو وطنوا لو حضور ته وړا ندی کوم هیله مندیم چی دا راټول شوی مطالب ستا سو داستفا دی اومننی وړ واقع شی .

دبدن اړ تیا خوا ړو ته :

ښه او په انډول خوا ړه دپوره رو غتیاد تا مین له پاره ضرو ری دی. څکه دبدن وده او انکشاف توا لداو تنا سل دانر ژی او حرا رت یـا تودو خی تو لید جسمی او رو حی ښوا لی ډیری نږدی او نه بیلیدو نکی اړ یکی دخوا ړو سره لری.

۱ـ خوا ړه دوجود دغړو دطبیعی ودی له پاره:

پرو تینو نه،مالگی ،کانی موا دد وجود دجوړ ښت اسا سی مـواد تشکیلوی .ځینی نور مغذی مواد لکه ویتا مینو نه دجوړ ښت دعملیو پـه چټکوا لی ،تنظیم او تر تیب کی مهم رول لری ددی دپاره چی مطلب مـو ښه اووا ضـح تشر یـح کړ یوی. ترڅـو پوه یی آسا نه شی تا سـو ته یومثال وړا ندی کوم .

دهډ وکو په جوړ ښت کی یـوه کانی ما ده چی دکلسیم پنا مه یاد یږی یو مهم او اسا سی عنصـر شمیرل کیږی .اما دکلسیم تهیـه د هډو کو دجو ړښت له پاره هغـه وخت صو رت مو می چی په وجود کی دویتا مین ډی کافی مقدارموجود وی. څکه دویتا مین ډی مو جو دیت ددی سبب کیږی چی لازمه اندا زه کلسیم دکلمو څخه جـذب اوورو ـ سته دهډ وکو په جو ړښت کی تری کار اخیستل کیږی.

نن دنړی په پر مـخ تللوهیوادو کی دتغـذی دسمون په اثر دکتنـی وړجسمی بد لون په ځوان نسل کـی منځته را غلی دی . پدی معنی چی د نن ور ځـی هلکان او نجو نی دخپلو پلرو نو او میندو په نسبت دقـد او قا مت له نظره جگ او جسمـا غښتلی او پیا وړی دی او هم دخپلو میندو په پرتله ژر بلوغ ته رسیږی. ترهغه ځایه چی ثابته شوی هیڅ بل کوم محیطـی عا مل بی له خوا ړو نـه پدی برخه کی رول نری .

۲ـ خوا ړه دتر میم یا جوړ ولـو له پاره :

دیوی ښی او متوا زنی غـذا پـه را نیو لو سره پر هارو نه اود بـدن ته نور وارده زیا نو نه په ډیر لـږ وخت اوپه اسانی سره تر میم کیږی.

۳ـ خوا ړه دتوا لد او تنا سـل له پاره :

دبی انډو لی او نامنا سبی غـذا خو ړل جسمی خستگی ، ستړ یـا، کسا لت ستو ما نتیا ضعفیت او بی کفا یتی منځته را وړی . جنسـی خوا هشات او تما یـلات کموی او حتی دشنډ یدو سبب کیږی .

٤ـ خوا ړه د بدن دمقا ومت لـه پاره :

دټولنی دهغو غړو دوجود مقاومت چی داقتصا دی کمزور تیا له کبـله کا فی اومنا سب خوا ړه نشـی اخیستـلای ډیر ټیت وی لدی کبلـه دا ډله خلك په مکرو بی نارو غیـو زیات اخسته کیږی .

دنارو غیو سیر په هغو کسا نو کی چی دغـذا یی موا دو په کمښت اخته وی ډیر خطر ناك وی اواکثـرا وجود نشی کو لای دهغوی په مقابل کی مقا ومت وکړی دزخمو نو جوړ ـ یدل پداسی خلکو کی ډیر وخـت نیسی او دمکرو بو دمدا خلی پـه اثر دهغو دښوالی او یارو غید لـو احتمال ډیر لږ وی . بر عکس هغه کسان چی ښه او منا سب خوا ړه اخلی دنا رو غیو په مقا بل کـی زیات مقا ومت لری .اوډیر لږ ناروغه کیږی .

۵ـ خوا ړه دحرا رت او انر ژی د تولید له پاره :

زموږ دبدن په شپه اور ورځ کی د خوب او یافعا لیت ولاړی اویا ناستی په حا لت کی دخپل رغړو دفعا لیت له پاره حرا رت او انر ژی ته اړتیا لری او پدی ټولو حا لاتو کی دبدن د اړتیا وړ حرا رت او انر ژی دغذایی موادو پوا سطه تا مینیږی .

څرنگه چی وویل شو سر بیره په حرا رت او انر ژی چی دوجود اسا سی اړ تیاده وجود ټول غـړی دخپلی ودی ، جوړ ښت ، تر میـم، تقویه ،اود خپلو فعا لیتو نو دتنظیم له پاره یو شمیر مهم او حیاتی موادو تـه ضر ورت لـری چـی دا

تول مواد په خوا پو کی مو جود دی . چی باید دسمی‌تغذی دلیاری په صحی تو گه‌بدن‌ته‌ورسول شی . که‌نه نو بیل بیل غړی اوپه مجمو عی تو گه تول بدن کمزو ری کیږی اوپه نارو غی با ندی اختـه کیدو ته چمتو کیږی .

دغـذا یی موادو پو لو نه:

په عمو می توگه غـذا یی موادپه دری بر خو ویشـلای شو .

لمړی برخه : هغه خوا په چـی سو زی او تودو خی او انر ژی تو‌لیدوی دا ډله عبا رت دی له قندونه نشا یسته او وازدی یاغوړو څخه .

دوهمه برخه ـ هغه خوا په چی‌د بدن دانسا جو جوړ ښت او ترمیـم له پاره پکار وړل کیږی او هـغـه پرو تینو نه دی .

دریمه برخه : هغه خوا په چـی دوجود دغړو ددندو په‌سا تنه تقو یه جوړښت ،تنظیم او تعا دل کـی اسا سی نقش لری . هغه عبا رت دی .ویتا مینو نه ،کا نی ما لگی او اوبه دی. دلته مونږ یوا خی په یـو شمیر مهم او حیاتی موادو په‌هکله چی ویتا مینونه دی‌خبری‌کو.سربیره پردی دخواړو سمی او صحی‌پخولو په‌هکله هم څه مطا لب تاسو در نـو لوستونکو ته وړاندی کوم .

ویتامینونه :

ویتا مینو نه هغه حیا تی اوباارزښته غذایی مواد دی چی دوجود دبیلـو غړودندو په‌سلامتیا مقا ومت ساتنی او تنظیم کی ستر نقش لوبوی‌زیات شمیر خواړه کافی اندازه ویتامینونه لری .

دویتا مینو کمښت په ستر گـو پو ستکی (عضلا تو) هـډ وکـو‌اعصا بو ـزړه پښتورگی ـتناسلی‌ـ

هضمی او تنفسی دستگاو با ندی ناوړه اغیزی کوی .

او ددی په څنگ کی دانسان پـه روانی حالت باندی هم نامطلوبـه اغیزه کوی .

ویتامینونه په دوه برخو ویشل شویدی :

لمړی برخه هغه ویتامینونه چه په غوړو کی منحل دی. او دو همـه برخه یی هغه ډله ویتا مینو نه دی چه په اوبوکی منحل دی .

په غوړو کی منحل ویتامینونـه عبارت دی له‌ویتا مین آ. دی. ای اوك په‌اوبو کی منحل ویتامینونه‌دبی گروپ ویتا مینونه او ویتا مین سی او نور دی .

په‌او بو کی منحل ویتا مینو نه‌په ډیره لږ اندا زه په وجود کی ذخیره کیږی ددی له پاره هر ویتا مین جـلاجـلا تر مطا لعی لاندی نیسو اود هغـو دښیگنو اود کمښت دناوړه نتائجو څخه یادو نه کو .

په غوړو کی منحل ویتا مینو نـه

ویتا مین آ

داویتا مین دستر گو دیوی مهمی برخی په جوړ ښت کی اسا سـی رول لری اوددی ویتا مین دخا صیت پوا سطه ستر گی کو لای شـی چی دزیا تی رڼـا څخه په‌کمه رڼـا کی خپل تعا دل بر قرار کړی . او خپل لید نه وسا تی ددی‌ویتا مین په کمښت سره دستر گو داخاصیت او دید لږ کیږی او بالاخره لمنځـه ځی. او دیوه نارو غی چی شبکو ری پتا مه یاد یږی منځته را څـی .چی په هغه کی ستر گی په لږه رڼـااو نیمه تیا ره کی ښه لید لی نشی.د شبکوری دوام په کو چنی ماشومانو کی ناوړه عوا قب له ځانه سره لری څکه چی کو چنی ما شومان‌خپـل ستونزه ویلی نشی شبکو ری هم‌په هغوی کی پت سیر کوی . چـی متا سفا نه‌په پای کی په ړند یـدو تما میږی . ددی ویتا مین یو مهم خا صیت دبدن دطبعی مقا و مت زیا توا لی او تا مین دی دمکرو بو په‌مقابل کی. هغه خلك چی‌دویتا مین په‌کمښت اخته دی دبو لی اوتنفسی لاړو په نارو غیو زیات اخته کیږی. داویتا مین دوجود پو ستکی روغ ساتی دهډ وکو غا ښو نو او پـه اور ید لو کی‌ښه تا ثیر لری.

ویتا مین آ دتودو خی په مقا بـل کی مقاوم دلمر دوړا نگو پوا سطه تخر یبیږی دامید وا ری اودشیـدو ور کولو په وخت کی دوجود اړتیـا دی ویتا مین ته زیا ته یږی .

دویتا مین آ مهمی منا بـع څکر ،دشیدی کوچ دچر گی دمکی ژیړ ،تر کا ری ،با لخصوص کازری کدو خواړه آلو گان، پالك ،گشنیز میوی لکه زردا لو ،شفتا لو ن‌وآلو‌بخارا دی . دحیوا نا تو پښتور گی هم لږ شا نته ویتا مین آ لری .

ویتا مین‌دی:

ویتا مین دی چی دلمر دویتا مین په‌نامه مشهور دی‌دبدن په وده او پا تی په ٥٤مخکی

دهمین قرن تولد

دانشمند بزرگ ابن سینا در سال ۱۹۸۰ برگذار میگردد

دانشمند بزرگ ابن سینا

پروفیسور یوسف اتابیکوف رئیس دا نشگاه روزی روی میزش تصاویر پوست کارت‌وعکس های جالب از ابن سینا عالم شهیرافغانستان **راکه از گذشته هانقاشان ورسامان‌چیره‌دست** کشیده بودندگذاشت که‌بخوبی‌و صراحت‌نمایانگر چهره فیلسوف ما باعالم شهیر ابوعلی‌سینای بلخی است در بعضی جا ها او لنگی بزرگ به سرداشته ودربعضی تصاویرونقاشی های دیگر او کاملا چهره یك دانشمندراداشته **است .**

مجسمه ابوعلی سیناکه در ایران موجوداست این مجسمه از سنگ مرمرسفید ساخته شده چنانچه ابوعلی‌سینا رانشان داده که‌گویاتاجری **از قسمت های بخارا در حال گشت وگذاردر** نقاط مختلف جهان است در حالیکه‌رسام‌چیره **دست فرانسوی به بوعلی شکل پادشاه فرانسه لویز را داده است که در حال عروج وشکوه ودبدبه خاص است .**

پروفیسوریوسف‌میگویدکه راویان‌چنین‌روایت میکنند که سلطان محمود غزنوی چهل تصویر ابوعلی سینارا کشیده ودستورداده بودکه **آن‌ها رابه ولایات مختلف ارسال دارند وهم دستور داد که دانشمند برجسته رابه دربار** خاص‌امیرحاضرنمایند. اماکاوش هاوتحقیقاتی **که‌صورت گرفته هیچ یك ازین تصاویر بدست نیامده بنابرین سوال که طرح میگردد این است‌که ابن سینا چه تصویر وشکل داشته است .**

بوعلی سینا درسال ۱۰۳۷ در شهر همدان ایران از جهان رحلت نمودودر همانجابه‌خاك سپرده شدبعدهاجسداورابه محل سعیدنفیسی **انتقال دادند.**

سعیدنفیسی دانشمندونقاش چیره دست شرق دو تصویراز ابن‌سیناراترسیم نموداونتوانست **زیاد تراین تصاویر راترسیم کند زیرا درآن زمان ترسیم تصاویر توهین به مقدسات وعنعنه آن زمان شمرده می‌شد واز طرف علما ومشایخ مذهبی به باد تکفیر متهم میگردیدند . این** تصویر حصه از جمجمه ابن سینا را نشان میدهد که این‌تصاویر بعد ها در اتحاد شوروی **در دانشگاه تحقیقاتی انتقال یافت .**

ترنوفسکی عضوانجمن‌تحقیقاتی علمی‌اکادمی اتحاد شوروی از نقطه نظر اناتو می تصویر مذکوررا مورد ارزیابی وتحلیل قرار داده‌که‌این **تصویر بیش ترومسن تر ازسال حقیقی خود۵۷ به‌نظر می‌رسد.از ظواهرآن چنین‌به نظر می‌رسد**

که دانشمند مذکور از حیات خویش‌راضی‌نبوده **است امادر اخر دوران حیات اوبه زندگی علاقمندی ودلچسپی خاص داشته است .اراده وعقیده او به پیروزی غلبه به مشکلات الهام بخش دیگران خصوصا در آینده هادوروجهان امروزی گردیده است .**

نظرات وتیوری‌های طبی‌اواز طرف دانشمندان طب دراتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌در موسسه اندیزهان مورد تحقیق قرار داشته واز نظرات واندیشه‌های‌ابر مرد بزرگ‌تاریخ‌هنوز هم استفاده مزید در ساحه طب بعمل میاید .

تحقیقات دانشمندان درمورد تصاویرومجسمه های این مرد بزرگ نتایج زیرین بدست داده است:

ساختمان جمجمه اوکه توسط بشر شناس میخایل گراسیموف وترنوفسکی موردارزیابی قرار گرفته نشان میدهد که چشم‌هاپاین‌تراز سطح پل سوراخ بینی در حدود چندملی متر **قرار دارد که نمیتواند تمثال حقیقی وی رانشان دهد .**

کار تحقیقاتی در موسسه تحقیقاتی هنوز هم جریان داشته‌وبه اساس گفته سوکولووادانشمند زیبایی شناس در هریك از علایم‌که در تصاویر ومجسمه های‌این مرداز طرف‌نقاشان ومیناتوران ترسیم گردیده خصوصیات زندگی وآثار فلسفی رادر چهره این مردبزرگ تاریخ نشان میدهد. مجسمه ابوعلی سینای بلخی‌دروسط دانشگاه های علمی در اتحاد شوروی قرار داشته این مردبزرگ که برای بهداشت و صحت بشریت مبارزه نموده الهام بخش دگران قرار دارد. به اثر تحقیقات دانشمندان اکادمی طبی‌اتحاد شوروی که‌به مجسمه ابن سینا که از طرف اندیزهانا تکمیل گردیده صورت گرفته نشان میدهد که این یکی از عمده ترین وبهترین مجسمه های است که به صورت علمی ودقیق چهره مرد بزرگ تاریخ رابه آن شکل علمی که‌باید استوار باشدترسیم نموده است .

نقاشان ، هنرمندان ، ورسامان از گوشه وکنار مختلف جهان رسم‌ها ، تمثال هاومجسمه های این مرد بزرگ را بوجود میاورند که در تجلیل دهمین قرن که به یاد بودو بزرگداشت ازین مردبزرگ درسال ۱۹۸۰برگذارمیگردد بفرستند تابتوان‌شمه‌یی‌از خدمات فرهنگی،علمی دانشمندان ، فیلسوف وپزشك آسیای مرکزی را ادا نموده باشند .

داحسان ژباړه

دځمکی دآب اوهوادڅرنگوالی دراتلونکی په‌هکله‌نوی څیړنی

په پخوانیو وختونو کی ځینی پوهانو دا نظر در لود چی دنړی آب او هوا په تدریجی سړیږی او دغه سړو خه به داز مینه برابره کړی چی بیا دځمکی دکری پر مخ‌دکنگل دوره پیل شی . خو او س پو ها نو په دی هکله زیاتی څیړنی کړی دی او په دی‌هکله بیلی‌بیلی نظر یی یی وړا ند ی کړی دی . د شلمی پیړی تر نیما یی‌وختو نو پو ری د ځمکی اقلیمی حا لت په عمومی تو گه د بشر د ټو لنیز واواقتصادی فعا لیتو نو څخه جلا شمیر ل کید ه . خو ورو سته دغه‌جلاوالی تغییر و مو ند ، د ځمکی پر مخ د سو ن‌د موادو د سوزید لو او راز راز لو گیو د پو ر ته کیدو په نتیجه کی د ځمکی په اتمو سفیر کی د کا ر بن دای ا کسا یداندازه زیا تیږی او همدا راز دځمکی داتموسفیرطبیعی حا لت له تو پیر سره مخا خ کو ی او دځمکی دحرارت په اندازه کی هم زیا توالی مینځ ته را ځی . دنړی په ډیرو هیوادو نوکی پو ها ن په یو لړ څیړ نو او تحقیقا تو بو خت دی څو داسی حقا یق‌پیدا کړ ی‌چی دکا ربن دای اکسا ید د کتلی دزیا توا لی اندازه و ټا کی او همدا راز د کا ر بن‌دای اکساید دزیا تیدو اغیزی دځمکی‌اتموسفیر دتو دو خی د درجی په لوړ وا لی کی‌څرگندی کړی، نوموړو پوهانو دا نظر یه څر گند ه کړی ده چی دکاربن دای اکساید د کتلی اندا زه دوه چنده شی د ځمکی د کری‌داتمو‌سفیر د لا ند نی طبقی د تو دو خی در جه‌به د سا نتی گراد دریو در جو په اندازه لوړه شی .

دپوهانو داڅر گندونی په را تلونکی کی د هوا دتو دو خی داندازی او څرنگوالی په باب زیا تی اسا نتیا وی برابروی .دعلمی احصائیی په ا سا س د ا ر کتیك د سمند ر کنگلونه د منځنی ار کتیك هو ا په دوبی کی دسا نتی گراد پنځه در جی او په ژ می کی شل در جی ټیټوی . د کنگل کیدو علت دلمر په وړانگو او د کال په تودو او سړو موسمونو پوری اړه لری ، که دهوا دتو ـ دو خی احتما لی اندا زه زیا ته شی ،دا امکان‌شته چی گوندی‌دمنځنی ارکتیك کنگل به دژمی دعادی کنگل ته را ټیټ شی او په پا ی کی به دغه کنگل بیخی و یلی شی . همدا راز پو هان‌عقیده لری که چیری د ځمکی دشمالی نیم کری تو‌دو خه د سا نتی گراد د دوو در جو په اندا زه زیا ته شی دار کتیك کنگل به ویلی شی دا لاند ی جدول دار کتیك د سمند رگی د کنگلو نو د طبقو و یلی‌کیدل به په راتلو نکو شلو کلو نو کی احسا س شی . او دغه کنگلو نه به په (۲۰۲۵) عیسوی کا ل کی بیخی و یلی شی .

که دځمکی تو دوخی زیا ته شی، دغه تود وخه به دځمکی دبیلو بیلو عرض البلدونو کرښو سمبول یو شان نه وی . د مثا ل په تو گه که په (۲۰۲۵ عیسوی کال) کی، د ځمکی د شمالی‌نیم کری منځنی تودوخی دسا نتی گراد له دوو څخه تر دری اعشاریه پنځودرجو پوری لوړه شی د لوړو عرض‌البلد و نو سیمو ددو بی تو دو خی به د سانتی گراد له ۷ نه‌ترلسودرجوپوری‌زیاته شی، اوددغوسیمو د ژمی دتودوخی اندازه به دسانتی گراد له منفی پنځو نه تر لسودر‌جو پوری ټیټه نشی . دهوا د تو دو خی دغه در اما تیك تغییرات به په عمو می‌توگه د نړی په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را مینځ ته کړی او دغه بدلونونه به په‌لوړو او ټیټو عرض البلد و نو سیموکی ښکاره شی . ددی عقیدی لپاره هم پوره د لیلو نه پاتی په ۵۸ مخ کی

تضاد های درونی جهان سرمایه داری

نو یسند ه : وادیوم نیکرا سوب

متر جم : سید حسام مل

تعمیق و تشد ید بحرانا ت در سیستم جهان سر ما یه داری و بروز اختلافات‌درین جوامع یکی از پدیده های مشخص عصر ما است . ادامه مشکلات و بر هم خوردن‌زندگی اقتصادی به تعقیب بحرا نا ت دوره ئـــی سالـهـای ۱۹۷٤ـ۱۹۷۵ انـعکـا س سیاست نا استوا ر داخلی جهان سرمایه داری بوده که با عث ایجاد و ظهور تصادم در سیا ست و رو ش طبقا ت حاکم و در منا سبات بین الدول جوامع سرمایه داری گردیده است.

جریان حوادث موجوده‌بصورت‌فشرده‌توسط رهبر پرولتاریا چنین تو ضیح گردیده بـود که :

« ترا کم سرمایه ما لی‌محر ك اصلـی انکشا ف نا هموار دو ل سر ما یه دا ر ی بوده ، که این خود مو جب ظهور اختلا فات شد ید بین دول جهان سرمایه‌داری‌میگردد».

در عین وقت پا لیسی هر نیروی امپر- یا لستی امروزی نسبت به گذ شته در آ ن نهفته تا با درنظر داشت عینیت طبقاتی‌مبارزه شان رابه مقابل جهان سو سیالـزم، جنبش های رهایی‌بخش‌انقلابی وجنبش طبقه‌کارگر شدت بخشند .

دول سرمایه داری برای پایداری وتقویت وضع خـویش در صدد آن میباشند تـا اختلافات درونی خود را بنام تنظـم مصالحـه وا نمود سا زند .

این دول به ثمر رساندن نظم مصالحـه را بیشتر در عر صه اقتصادی می‌خوا هندو هم در جستجوی آن اند تا نیرو ها ی مولده خو یش را در سطح پیشر فت و انکشا ف گیسل ، پرو سه انقلاب علمی تکنا لو ژی را انکشا ف ، و بین المللی سا ختن‌اقتصاد سر ما یه داری را سرو صورت داده برا ی تحقق این ما مول مبارزه و تلاشی بخـرج مید هند . و لی پرو سه منا سبا ت بهم مر بو ط اقتصاد بین الدول سر ما یه‌داری تا ثیرات رو شن و مشخص را در سیا ست دا خلی و خا ر جی این کشور ها گذاشته که بمو جب آن رو ش ها ی کا ملا تـازه و جد ید ی را بغرض اعمار انحصا رات بین المللی رو ی دست گر فته و برا ی تحقق آن سعی فراوان بخرج میدهند . بـر علاوه اروپای غر بی بصورت مشخص در جدو جهد است تا یك سیستم پو لی بین المللی را برا ی دو ل سرمایه داری و کشور های دیگر بـو جود آورد تااگر بتوانـد کـه وضع نا بسامان مو جود رابهبـود بخشد و از بحرانات در حال انکشا ف جلو گیر ی بعمل آورند .

بهر حال این پروسه ها و جر یـا نا ت را ایدو لوگ ها و پا لیسی میکـران جهان سر ما یه داری یا نمی خوا هند و یـا نمیتوا نند بخوا هند ، تا صنحا ت جد یدی همگو ن و متحدا لشکل را جهت انکشا ف سیستم سرمایه داری بوجود آورند.

با تصحیح و اکمال این تو قعات و بـا مخا لفتی که به مقابل جها ن سوسیا لستی از خود نشا ن مید هند ، با و جود آ ن هم نمیتوا نند اختلا فات درو نی خود را بر طرف و مضمحل سا زند ـ در عین و قـت امپر یا لیسم بمو جب بروز مبا رزه شد ید بین سیستم سو سیا لستی و سر ما یـه‌داری مجبور گردیده تا این وا قعیت را درك نماید، که همه این تغییرات حـاصلـه و اختلا فا ت مو جوده جهان سرمایه دا ری نا شی از پرو سه پا لیسی بین المللی خود این دول میبا شد .

اختلا فا ت درو نی مشخص مو جود ه جهان سر مایه داری درسه مر کز کـاملا بهم مربوط در دهۀ اول بعد از جنگ جهـانی یعنی در ایالات متحده امریکا ، ار وپـای غر بی «بشمول دول شما مل بازار مشتر ك» و جا پان ظهور کرد. که‌هر کدامی از یـن مرا کز تلا ش بخرج میدادند تا سیستم منا سبا ت مو جوده را به نفع خود تغیـر دهند و سود بیشتر بد ست آوردند . ولی در نتیجه اندا زه اختلا فات در مرا کز فوق تا امروز به نحو با لند ه و رشد یا بنده‌خود در حال افزایش و پیشر فت است .

پا ئین آمدن سطح تو لید ایالات متحده

امریکا به مقایسه سطح تولید جهـــان سر ما یه داری و انکشا ف تنا سب تولیدات دول اروپا ی غربی (خصو صا در جمهو ری فدرالی‌المان) وجاپان که همزمان به و قـوع پیو ست اختلا فات موجوده جها ن سر مایه- داری را مبد ل به تضاد ها ی کاملااقتصادی بین دو مرکز امپر یا لیستی وایالات متحده- امریکـا که مر کز سوم امپریالیستی است گر دانید . با ید بخاطر دا شت که ایـن تضاد ها در مراکز اروپا ی غربی وجاپان نسبت روابط نزدیك وبا همی بودن شـان چندا ن صورت نگر فت ولی بهر صو رت رقابت بین هم با یك نوع تحرك در حـال پیشر فت روز افزون بود . که در نتیجه مناسبات اقتصادی نیز در عرصه سیاسی‌جامه عمل پو شید و شا مل پا لیسی روزگردید.

اختلا فات در کمپ جها ن سر ما یه‌داری بعـد از بحـر انات سـا لـهـا ی «۱۹۷٤ـ ۱۹۷۵» بمر حله حاد وشدید خـو د قـدم گذاشت ، پا ئین آمد ن ظر فیت صنا یع، از دیاد گروه بیکا را ن، و افلا سیو ن روز افزون همه و همه با عث ایجاد رقا بت شد ید بین نیرو ها ی امپر یا لیستی‌گردید مبارز ه‌بیر حما نه بغر ض احراز با زار ها بخا طر فرو ش کا لاها بین شا ن آغاز گردید ـ کشور ها ی سرمایه‌دا ری‌وگرویی از دول انحصاری شا ن ما نند کشور ها بی شا مل بازارمشتر ك‌اروپا ، سعی بخر ج میدادند تا در اطراف ما رکیت ها ی‌داخلی خود حصا ری بو جود آورند و ما نع دخول امتعه خا ر جی گردند تا اگر بتوا نند اشتغالات خویش را تامین و با زار هـای خود را بد ست خو د رونق دهند و سود هنگفتی را بد ست آورند. مبصر ین‌خا رجی معتقد اند که بین مرا کز رهبر ی کننده سرمایه داری بخاطر تجارت با زاریـا بـی جنگ اقتصادی به‌شکل روز افزون وشدت خود ادامه دارد .

نتایج حاصله از بحرانات در سا حـات اجتما عی و سیا سی چارم حصه‌ازحکمروایان سرمایه داران انـحصاری را واداشته کـه اعتماد به‌روز مستقبل خود نداشته را هـی را سرا غ ندارندتا ازین مشکلات و رقابت ها ی خصما نه رها یی یا بند .

اختلا فات موجوده‌در حال‌انکشا ف‌طوریکه گفته آمد یم به توده ها ی وسیع‌زحمتکشان این فهم و درك را داد، که حکمروا یـان بورژ وازی قادر نیستند ، تا از بحر ا نا ت اقتصادی جلو گیری بعمـل آورنـد ، بناء کلیه زحمت کشا ن معتقد اند که ایدولوگ ها ی بورژ وا زی در وا قعیت امر ایمان و عقیده به نظر یا ت و سیستم سر ما یه‌داری که بصورت کور کورانه آنرا تبلیغ و بالای مردم می قبو لانند نداشته و ندارنـد ، صرف بـرای اقـنا ع سر مـا یـه داران و منا فع آنها غلام حلقه بگو ش اندوبس.

درین او اخر ایالات متحده امر یکا در یکی از نشر یه ها ی خود مو سو م بـه «اخبار و را پور جهان » یاد آور میشـود که‌نما م دول بزرگ شامل پیمان « نا تو» دارا ی و ضع نا استوار سیا سی بو ده یعنی دارا ی و ضع سیا سی پا یدا ر و مستحکم نیستند ، این هما ن وا قعیت تلخی است که خود نما یند گا ن امپر یا لیسم آنرا بی پرده اظها ر میدا رند .

در تحت شرایط موجود ه مـلاح کشتی سرمایه داری آن چیزی راکه خـو بتر مـی بیند و مشا هد ه میکند « جنگ اقتصادی هرکس علیه همه کس است».

که میرا ث مهم و خطیر سیستم سرمایه- داری بصو ر ت کل محسو ب میگر دد.پس به همین منظور است که جها ن سر مایه- داری بغر ض حل نما م پرا بلم هـا ی اقتصادی جها ن خود به سیا ست محر ك ، پیشر و نده ه و آشتی طبقات نزدیك میگردد و مبا رزه خود را بمقابل نما م نیرو ها ی، صلح ، دمو کرا سی و پیشر فت ها ی اجتما عی معطو ف سا خته و می رز مـد، ولی بهر حا ل او ضا ع مو جود ه جها نرا که «کا رتر» رئیس جمهور امر یکا ارزیابی کرده چنین توضیح میدهد:

«نظم اقتصاد جها نی در شرا یط فعلیـه نسبت به هر چیزی دیگـر خـواهـان آن است ، تا نما م دول بصورت متقابل وباهمی برای حل پرابلم ها ی موجوده مشتر کا مسا عد ت نما یند .»

چهره مشخص و ضع جاری در دنیا ی سرمایه‌داری مشتمل است‌برمناسبات بیـن- الدولی که خـود آنرا ترتیب و تنظیم نموده اند ، و آن عبا رت از بو جود آورد ن‌بلاك های نظا می و سیا سی بوده که بصور ت همیشگی در بسط واستحکا م آن دول‌ذینفع تلاش دوامـداری بـخرج میدهند. تکنیك ومیخانیکیت را که‌امپریالیست ها بغـر ض نیل به‌هدف بکار میبرند، آن امـکانا تـی را بو جود می آورند که علاقه و دلچسپی عامه را در مقابل این یا آن عضو ء گروپ مستور و پوشیده نگاه دارند . وبر بعضـی از اختلا فا تی که بین ایشا ن و آنهائیکـه عمل جدا گا نه و علیحده نشا ن مید هدپرده افگنند. وبه نحو غیر قابـل تصور و عـدم در ك صحیح فقط و فقط در پی آن میبا شند تا یکطر ف منا فع هنگفتی از طر ف دیگر کسب نمایند، بدون آنـکه دارای تسلـط و نفو ذ مستحکم در اتخاذ عمل خـود باشند .

امپر یا لیسم ایالات متحده امریکاهمیش ودر هر جا چنا ن نقشی را میخوا هـد

بقیه در صفحه ٤٣

اکبر «بری»

سگریټ پلورونکی

د آسما ن شینی مخ خړ وو ریخو پوښلی و او دبا ران څاڅکی په ډیر شد ت دځمکی پر مخ را تو ئیدل .

غمجنه ځمکه یی لاخړو بو له او د اوبونری لښتی یی هری خوا ته بهول . سړ و غو نډ ښار په‌غیږ کی‌نیولی واو ټول ځـانونـه یـی ریږدید لو اړ ایستل . بر یښنا و خت ناوخته په خپلی زرینی لښتی د آسما ن په تورمخ گذار و نه کو ل او د تا لند ی هیبتنا کی‌غرا د یخنی د لا شد ت او زور خبرو نه خپرول سړی سیلی دوږی لیوه په شان کوکی وهلی، ځمکی ، کورو نه ، سمی ، غرونه او دښا ر په مخ هر هر شی ته یی خپلی د ظلم‌څپیړی ور حواله کو لی . دبا را ن شدت وار پـه وار ډیر ید ه هوا سړه وه، ښار او ښا ریان یی ټول له ډیر شد ته کر ختول .

شپی خپله توره لمن ورو ورو هر ی‌خواته غو ړو له او دور ځی خړ مخ یی لاله نور او رنا څخه بی بر خی کاوه ، کو څی او واټونه له خلکو څخه تش وه، ښا ر یا ن په‌ډیره بیړه په واټو نو او کوڅو کی دی خوا هـی خوا کید ل ، په منډ ه منډه یی خپل کارونه سر ته رسو ل او اصلا ډیر لږ خلك له‌خپله کوره دبا ند ی تر ستر گو لید ل ، خووړوکی سگر یت پلو رو نکی لا همغسی دپخو اپـه شا ن ، هلته په بازار کی دیوه تړ لـی دکا ن مخی ته تر منا لاندی ولاړو ، غونډ تر خپل یوازینی اغوستی نازکه‌سوری‌سوری زاړه کمیس لاند ی ریږ دیده او په ریږدید لی نری آواز یی‌همدغه ناری وهلی.

ـسگر یت !... سگر یت ...

هغه سهار لمانځه مها ل له خپلی زړ ی جو نگړی څخه راو تلی و ، لو څی پښی‌او لو څ سر په ښار کی دی خو اهی‌خواگرځیده د سگریټودری‌ډ بلیه یی دخر څلاو په هیله هری‌خواته گرځول . هرڅوك چی یی لیـده په منډه یی ځان وررساوه او په‌ډیره‌امیدواری به یی ورته وویل .

ـ سگر یت ... سگرت...دغه‌دی‌سگریت او گله چی به یو نیم خر یدار کو مه دانه سگریت تری وپیرودنوغم خپلی‌لو یـد لـی ستر گی به یی په مینه و ځلید لی ، په ډیر شوق به‌یی روپی له خر یداره ترلاسه کړه او دخپل زاړه شوړ ید لی کمیس‌خیر ن واړه جیب ته به یی ور اچو له له خو ښی ډکه نری خندا به‌یی په شو نډ و وغوړیده، په منډه به یی له مخی د بل خر یدار د میند لو په امید لری شو او بیر ته‌به یـی خپلی ناری شروع‌کړی.

ـسگریت ... سگر یت... دغه دی تا زه سگریت... ما شوم سگریت پلو رو نکـی غو نډه ورځ په همدی ترتیب مندو اوگرځیدلو دژ می سړی هوا او دنه زغملو یخنی تـه تیره کړی وه او دا و اوس چی کرار کرار ور ځی شپی ته خپل ځای ورخو شی کا وه، په داسی حال کی چی نورئی نو په پښو کی دگر ځید لو او په ستو نی‌کی دنا رو و هلو شیمه نه‌وه پاتی ، اوله لو ږی ئی گید ه‌ورته سو ځید له ، دلته ددکا ن مخی ته کرارولاړو او په یو عالم چر تونو ډوب دخپلی غونډی ور ځی دکار او ستړ یا په با ب اند یښنوپه سراخیستی و .

واړه ، نهه، لس‌گلن سگریت پلو رنکـی خپل ډنگر ، زهیر او غمو نتلی بدن دمنا پناه تـه لـه بـا ر ا نـه خـو نـد ی کړی ؤ اوپد اسی حال کی چـی زیړ ز بیښلی مخ او څیری او لو- یدلیو څړو سترگو یی په څر گند ډول دخوار ی او خوا شینی بیا ن کاوه ، په راز راز چـور تونـو او فکرونو کی ډوب ؤ، فکر یی کـاوه چو ر تونه یی وهل او داندیښنـو په بی پایانه سمندر کی لاهو ؤ . دخپلی ټولی ورځی دکار او ستړیاپه باب دخپلی خواری ور ځی او بد ـ بختی په‌باب ، او دخپلو په لاسـ ور غلیو رو پیو په باب یی فکرکاوه او له دی کاره سره به سم غونـډ دخوا شینی او نا امیدی څپـو واخیست . او په بدن به یی دغم‌لړی راو څر خید لی ... هغه فکر کاوه او ور په یا دید ل چی سهار په څه نیت اوڅومره امیدواری له کـوره راووت ، خپل واړه واړه ورونـه ترده دو کا له مشره خوراو نارو غه کونډه مور ورپه زړه شوه ، ورپـه یاد شوه چی مور یی نارو غه ده او باید نن له و چی ډوډی سره یو ځای نیم خورد غوړی هم کور ته یوسی، بیایی خپل ورور ور په یاد شو چی په څومره امید واری یی ور تـه ویلی ؤ چی که یی ډیری رو پـو وگټلی ، دنه ته یوه دانه پتا سـه واخلی ... ور په یاد شوه چی نن‌هم دنورو ورځو په شان، سهارلمانځه مهال بازار ته راغی‌ا و دخپل هـر ورختنی مهربانه د کاندار له دکانه یی دسگریټو دری ډ بلیه واخیستل چی دادی تر اوسه یی لا دخر څو لو په هڅه کی دی .پ او ددی ټو لـو یا دو نو له ور په یا دو لو سره یی بیا په تندی کی دخوا شینی لښـی و بریښید لی .

پاتی په ۵۲ مخکی

جهیل تیلتسك را که در مناطق کوهستانی التای اتحاد شـوروی موقعیت دارد اغلبا از لحاظ زیبایی باجهیل بایکال مقا یسه می کنند . شفا فیت‌نقره‌فام آب، زیبایی‌سواحل ارتفاع زیاد آن نظر به سطح بحـر (چهارصدو سی‌و شش متر)همه‌این صفات دست بهم داده واین جهیل را از لحاظ زیبایی طبیعی آن در ردیف جهیل معروف بایکال وامثال آن در دنیا قرار مید هد .

در جهیل تیلتسك مانند جهیـل بایکال یکتعداد زیاد دریا ها که‌شمار آنها به هفتادو یك میرسد سـرا- زیر میشوند اما فقط یك دریا بنام دریای بییا از آن سر چشمه میگیرد عمق و سطی جهیل به (سـی‌و بیست پنج) متر میر سد. گر چـه از لحاظ عمق به جهیل بایکال‌نمیرسد زیرا عمیق و سطی جهیل بایکال به (یکهزار ششصدو بیست) متـر میر سد اما نظر به جهیل هـای معروف جهان مانند جهیل هـای مشیگان ، انتار یو و تیتیکاك عمیق تر است .

ع‌بپکس مشکزفز تطستـ وشرریپه

از آنوقت تا این عصر بنام جهیل طلایی یاد میشود .

دز ینکه جهیل تیلستك را دریاها وابشار های خرو شان ،تنگنا های عمیق احاطه کرده است در طـول سالهای متمادی از نظر دور مانده بود . به این لحاظ طبیعیت دسـت نخورده آن تا حال شکل او لیه‌خود را حفظ کرده است .

جهیل مر نضع تیلستك در دنیای تحقیقات علمی تا چندی قبل چون (صفحه سفید) دست نخورده باقی بود و گروه های تحقین‌اتی ندرتـا غرض پیشبرد تجارب تحقیقا تـی سفر میکردند اما ضرور بود تـا تحقیقات دقیق درین قسمت صورت بگیرد . به این لحاظ در سال ۱۹۶۵ در نزد یکی جهیل تیلستك استیشن تحقیقاتی علمی تشکیل و به فعالیت آغاز کرد . کار کنان استیشـن تحق.قاتی علمی باید به سوالات‌متعدد جواب میدادند بطور مثال چرا فقط در اواسط زمستان یعنی در مـاه جنوری یخبندی در ین جهیـل صورت مینیرد وآنهم برای مـدت

ترجمه‌احمدشاه

اسرار جهیل طلائی

از زمان های قدیم در سواحـل جهیل تیلستك مردم التای از قبیله تیلس زندگی داشتند به این لحاظ در حال حاضر آنرا بنام قبیله مذکور مسمی کرده اند .

مردم قبیله تیلس این جهیل را بنام التین کول که جهیل طلایی‌معنی مورد افسانه ذیل را حکا یـت مید هد مسمی کرده بودند ودر یـن میکر دند . در زمان قدیم خشکسالی شدید بوقوع پیو ست. شخصی بود که سکه طلا داشت که در آن‌تصویر کله‌ای اسپ نقش شده ه‌بود امادر مقابل حتی یك لقمه نان ندا شت که از آن رفع گر سنگی میکرد . مر د مذکور نزد همسا یگان مراجعه میکرد واز آنها میخوا ست تا سکه را با قرص نانی تبادله کنند اما هیچ‌کس به این معا مله حاضر نه شد. مردبا مایو سی زیاد سکه بی بهای خود را به جهیل پر تاب کرد . به این‌ترتیب بسیار کم ؟ سا ختمان کف جهیل چطور است ؟ علمت تغیر شدیـد دقلیم درین منطقه چیست که دریك قسمت نزدیکی سوا حل یخبندی ، شدید حکمفر ما ست ودر قسمت دیگر آن که از قسمت اولی چنـد کیلو متر فا صله بیش ندارد هوا ، مانند منطقه کر یمیا ملا یم ونـرم ناچیز جهیل را در یا فت کردندزیرا جهیل تیلسك عمیق است ودرمقابل سرما و یخبندی دیر تر مقاو مت ، میکند. در ما های تا بستان فقـط اقشار فو قانی آب تا اعماق بیست الی چهل متر حررت خود را بلند می برند و اقشار دیگر آن در طول سال حرارت مثبت چهار درجـه سانتی گرید را دارا میبا شند .

آب درین جهیل تا حد اعظمـی تو سط اکسیجن مثبوع است امادر

بقیه در صفحه ۱۹

ارکادی رایکین درچهره های مختلف، تماشاگران رامی خنداند

هنگامیکه ارکادی رایکین راپسرش ویکتن ازممثلین درباز گشت سفرهمرایی میکنند

از سپوتنیك

ترجمه: عبدالله

کمیدین معروف تیاتر طنز ارکادی رایکین

ارکادی رایکین بدون شك بنیا ن گذار واستاد بزرگ مینا تور طنز در اتحادشوروی میبا شد تیا تر مینا تور یعنی چه ؟ این تیا تراز هنر مندا نی متشکل میبا شد کـه نما یشنا مه ها ی کوتاه را اجرا میکنند.در تیا تر طنز لیننگرادابن نما یشنا مه ها بسیار شد ید ، مبر م و انتقا دی میبا شند .

درین تیا تر نه تنها نما یشنا مه هـا اجرا میشو ند بلکه هنر مندا ن بعضی از صحنه ها را تمثیل می نما یند که با خود صحبت میکنند و مسا یل مبر م حیا تی را به شکل انتقادی و خنده آور آن تمثیـل مینما یند . ار کادی را یکین در اتحادشوروی و در خا رج از آن از شهر ت ز یادی بر خوردار است . او میگو ید :« در یکی از سفر ها یم به لند ن مقاما ت مربوط به من اجا زه دادند تا در تلو یزیون انگلستا ن بعضی از نما یشنا مه ها را اجر انما یـم این پنج دور نما یش از نما یشنا مه ها ی

ارکادی رایکین درحال ممارست وتمرین

متشکل بود که در سا لها ی مختلف در اتحادشوروی انها را اجرا کرده بودم .درین وقت بطور غیر مترقبه هم‌مسلکان‌انگـلیسی‌ـ امااظهارد اشتند که بعضی از صحنه هـا ی کمیدی را از پرو گرام خا رج‌سا زم .باخود فکر کردم چه حادثه رخ‌خواهد داد؟ سخن ازچه قرار است ؟

یکی از آنها برایم تو ضیح داد : آقای رایکین ما به‌نیـر نگهای شما پی برده ایـم حال شما میخواهید کردار یك شخص بیرو‌ـ کرات را تمثیل کنید اماّ سمیکه معلو م است بیرو کرا ت حقیقی برای او لین‌مرتبه در انگلستا ن ظا هر شد .یا بطور مثـال شما میخوا هید رشو ت خوری را مسخره نمائیـد مابعضی هارا در انگلستان عقیده‌دارند که رشو ت خوری یك تجا ر ت بکلی مجاز شمرده میشو د . پس به این تر تیب چـرا بر نسیب ها ی موازین اخلاقی خود رابر هم زنیم ؟واین نیر نگ شمـا را که میخوا هید به اشخاص مخاطب تا ن نا م ها ی روسی بگذارید و ما را گو ل بز نید درك کرده ایم .»

ار کا دی را یکین در ینو قت بسیا ر غمگین شد زیرا به او اجازه نما یش بعضی از صحنه ها ی مبر هوحیا تی را اجا زه‌دادند اما چند ی بعد به این نکته اعترا ف کردکه هم مسلکان انگلیسی او در چو کا ت‌منطقی که برا ی خود انتخاب کرده بودند کا ملا منطقی و معقو ل بودند . زیرا اگر کسی سعی میو رزد تا از بیرو کرا سی بیروکرات هاور شوت خوری دفاع میکند طبعی است که اجرای نما یشنا مه ها ی را که در آن هـا بیرو کرا سی ، بیرو کرا ت ها و رشو ت خوری به بآد انتقاد گر فته شوند مجاز نمی شمارد . ار کا دی را یکین بعد چنین‌اظهار داشت :« چقدر خو ب است که در مملکت ما ازرشوت‌خوری به‌شکل «تجارت بکلی مجاز» دفاع نمیشود و هیچ کس اینطور فکر نمیکند که بیرو کرا سی از عنعنا ت ملی ما بشمار میرود .» .

ار کادی رایکین چون صحنه های‌انتقادی را اجرا مینما ید بنا ء چنین شخصی با ید به‌زند گی و مسا یل مبر م حیا تی به چشم عقل ومنطق بنگرد و اعمالی مانند بیـــرو‌ـ کراسی ،رشوت خوری را بـدون عاطفه بیـاد انتقاد بگیرد. ار کادی رایکین میگوید:اینکه کدام اعمال غیر مجاز را بیاد انتقاد میگیر م حتمی نیست که از جوانب منفی بطور همیشه سخن گفته شود و به شاخه های دیگرتوجه نگردد . بر عکس طنز وانتقاد آنو قـت مفید و قا بل قبو ل واقع میشود که در خود نکـا ت مثبت را نیـز بگنـجا نـد .

ار کا دی را یکین میگو ید : اغلبا ازمن سوا ل میشود « شما به کدام حق درین‌و یـاآن مو ضوع مـزاح وازبعضی مسا یـل انتقاد میکند ؟ معمو لا جواب مید هم مـن منحیث یك انسا ن ، یك هنر مند و یـك تبعه مملکت به‌خود این حق را مید هم نخست از همه خودم اینرا به خود اجازه‌داده ام زیرا اینها مسا یلی اند که مرا به این نو ع نما یشنا مه ها میکشا نند و با یـد حل شو ند . خنده و مسخره در مقابل‌چنین اعمالی مانند بزدلی ، بی علاقـه گـی به امور محو له ، بی احترا می و پستی منحیث سلاح عمده بشمار میرود و در مقابل باقانون جنا یی در یك مقام و مر تبه قرار میگیرد و حتی بیشتر تر از آن تا ثیر مثبت وارد مینما ید .

ارکادی رایکین درحین نمایش

البتهٔ اگر اینطور فکر شود که موفقترین صحنه ها ی طنز در جها ن و مرد م تغییر کیفی وارد می کند ساده لوحـی شخص را نشا ن مید هد در مقابل این نیز بی مفهو م خوا هد بود اگر شخصی شغل طنز را در پیش گیرد و به امکانات آن عقیده نداشته با شد .

ار کا دی را یکین تمام زندگی و فعا لیت های حیاتی خودرا در زمان دو لت شورا هـا پیش برد ه و می برد . او میگو ید : من به‌این افتخار دارم که وظـایف محـوله و کار های دشواری را مرد م ما به بسیا رخوبی انجام مید هند و داده اند اما سنگین تر ین

بقیه درصفحه ۵۱

ارکادی رایکین دراجرای نمایشنامه مقا بل‌سربازان دیده میشود

ترجمه وتلخیص از شهلا «کانی»

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

درجهان امروز روابط بین المللی وسیاست خارجی در حیات ملت ها ، در فعالیت های احزاب ، حکومتها ودولتها نقش مهمی بازی می کند ، این همه به شرایطی مربوط است که جبر خصوصیات عصر وعمل کرد عوامل مختلفه آنرا بوجود آورده . ـ در آغاز ، باید گفته شود که سر نوشت ملیون ها مردم و حتی تمام مدنیت باندازه ایکه امروز بـه شرایط بین المللی ، حل مسایل کلیه‌ی بین‌المللی وبویژهٔ مساله صلح وجنگ وا بسته است در هیچیك عصر گذشته نبود ـ انقلاب علمی وتخنیکی سبب ایجاد سلاح های مخرب کنلوی بی سابقه گردیده .

در جنگی که توسط امپریالیست ها شروع شود اگرازچنین سلاح ها استفاده بعمل آید جهان را با امحای ملیون ها مردم ونا ـ بودی شرایط موجودیت نوع بشر تهدید می کند ، در عین زمان انقلاب علمی و تخنیکی باعث رشد سریع نیرو های مولده گردیده نوع بشر را با پرابلم های جهانی ، مانند استفادهٔ معقول از منابع طبیعی، تهیه کار و معیشت برای همه مردم، فایق آمدن‌برپسمانی امور اقتصادی کشور های روبانکشاف و غیره مواجه ساخته، برعلاوه ، انقلاب علمی وتخنیکی باعث وسعت تقسیم کار بین المللی وهمکاری اقتصادی بین المللی در تمام ساحات بشمول استفاده از فضا وابحار وحمایهٔ محیط زیست گردیده .

در عصر حاضر که خود یك عصر عمیقا انقلابی است، تاثیرنوده ها بر سیاست تزاید کسب نموده، سیاست های داخلی و خارجی باهم ارتباط نزدیك یافته اند، جریان ونتایج مبارزات طبقاتی در این یاآن کشور به‌تناسب قوا در کادر جهانی، بحالت روابط بین المللی بی اندازه وابسته شده بالاخره یك خصوصیت ویژهٔ عصر حاضر عبارت‌از موجودیت موازی دولت های است با دو سیستم کاملا مخالف یعنی سیستم سرمـایه داری و سیستـم سوسیالیستی که دارای دو سیستم اقتصادی اجتماعی بوده وهرکدام آن با قوانین ذاتی خود تکامل می کنند .. طبیعی است که این حادثه در روابط بین المللی محسوس شده وبه شکل تصادم وعمل متقابل تمایلات‌عمومی وتکامل قوانین تجسم می کند ..

اساس همزیستی مسالمت آمیز ، که توسط سرزمین جوان شوروی به پیش کشیده شد وتهداب روابط با کشور های سرمایه داری رامی سازد چنانچه بعضی از سیاست دانـان بورژوازی ادعا دارند ، هیچگاه یك مانـور وحیلهٔ تاکتیکی نبـوده، فرضیهٔ همزیستی مسالمت آمیز جزء لاینفك تیوری انقـلاب سوسیالیستی است .

تیوری علمی وانقلابی طبقهٔ کارگر بیان می دارد که از اثر رشد نا متوازن اقتصـادی وسیاسی کشو ر هـا و امکان پیـروزی سوسیالیزم ،اول دریك یاچند کشوریك‌حالت مخصوص بوجود خواهد آمد کـه در آن سوسیالیزم وکشور های سوسیالیستی وکشور های سرمایه داری موازیا وجود خواهند داشت از جریان وقایع جهانی چنین نتیجه‌گیری به عمل آمدکه اعمار سوسیالیزم نا گـها ن صورت‌نمی گیرد بلکه یك جریان طولانی تاریخ را احتوا می کندا . ازین حقیقت‌چنین نتیجه گیری می‌شود که‌ناگزیر برای مـد ت مدیدی دو سیستم مخالف موازیا پهلـوی همدیگر وجود داشته می باشند .

شك نیست که یك مبارزهٔ حاد و شدید بین سیستم اجتماعی کهنه و از نظر تاریخی محکوم بفنا وسیستم جدیدی کـه پا به‌عرصهٔ وجود نهاده قهرا درمی گیرد و تضاد بیـن دو سیستم متضاد تعیین کنندهٔ دورهٔ انتقالی بوده وامپریالیزم با استفاده از تمام امکانـات دست داشته، حتی مداخلهٔ نظامی، بـرای سرکوب کردن انقلاب سوسیالیستی قیام می کند واز طرف دیگر انقـلاب سوسیا لیستی پیروزمندانه اکتوبر ، سرمشق و اتـکـا ی بین المللی مبارزات کارگران جهان، بالخاصه کارگرانیکه در مراکز اساسی سرمایه داری متمرکز گردیده اند ، می باشد .. با وجود این تضاد عمده در روابط بین‌المللی یك‌نیروی بسیار بزرگتر از خواست ، اراده و تصامیم حکومت ها ویا طبقات متخاصم و مخالـف با سوسیالیزم وجود داردکه آنها را مجبور می سازد ، با کشور های سوسیالیستی تماس داشته باشند، این نیرو، نیروی روابط عمومی اقتصادی جهانی بشمار میرود ...

تیوری علمی طبقهٔ کارگر عمیقاً معتقداست که منافع ملی کشور های سوسیالیستی و کشور های سرمایه داری و منافع حیاتی‌تمام جامعه بشری حکم می نماید که مبارزه بین کشور های دارای نظام های اقتصادی‌واجتماعی متضاد باید به شیوهٔ مسالمت آمیز صورت گیرد نه باستعمال سلاح واختلافات حاد بین کشور هاباید باتقابل سیاسی، ایدیولوژیکی ورقابت اقتصادی در تکمیل نمودن شیـوهٔ زندگانی وحل مسایل جهانی از میان برود ، نه در میدان جنگ ... این است معنـی همزیستی مسالمت آمیز ..

در ختم سال های ۱۹۶۰ وآغاز سال ها ی ۱۹۷۰ ع فضای بین المللی ، تمام جـریان تکامل در عرصهٔ بین المللی وسیاست جهانی بصورت عموم به تغییرات بزرگی معـروض گردید یعنی تغییرات در سمت آرامش فشار بین المللی وکمی خطر جنگ جدید جهانی، حالا باید فهمید که چه عواملی سبب ایـن تغییرات گردید ؟

نخست : تحکیم بیشتر مواضع کشور های سوسیالیستی ورشد نیروی اقتصاد و تاثیـر سیاسی آنها، همین عامل است که تاثیرقاطع دارد، زیرا این عامل تلاش مذبوحانه محافل حاکمهٔ امپریالیستی را برای حصول تفـوق نظامی بر کشور های سوسیالیستی بر مـلا ساخت وپیروزی های ممالك صلح دوسـت، خلاهایی را در محاسبات غرب بوجود آورد و انحصار آنها را بر مطلق العنانی پایان داد، حصول تساوی خصوصا در قسمت سلاح های ستراتیژیك موقف قدرت وسیاست جنگ سرد رابه نقطهٔ صفر یعنی منفی رسانیده و بـرای خود غرب نیز خطرناك ساخت .

دوم : تغییر دو بارهٔ نقشهٔ سیاسی جهـان در نتیجهٔ پیروزی های مبارزات رهایی بخش ملی وبروز وتکامل چندین هوجین (دوازده) کشور های جوان در صحنهٔ جهانی بسیاری ازین مملکت هادکته های دول امپریالیستی‌را بدور انداخته در مبارزهٔ ضد اعمال تهاجمی، مبارزه بخاطر صلح ومصونیت بین المللی در کنار کشور های سوسیالیستی قرارگرفتند . تغییرات بزرگی در مسیر قوا در بین خـود ممالك امپریالیستی نیز بوقوع پیوسته یعنی بسیاری از کشور های سرمایه داری کـه در سال های ۱۹۵۰ـ با اطاعت کامل ازکشور بزرگ امپریالیستی جهان پیروی می نمودند ومسیر دیگری را در پیش گرفتند .

سوم : رشد نیروی ضد امپریالیستی د ر جهان : طغیان جنبش طبقهٔ کارگر در کشور های سرمایه داری وتحکیم نیرو های دست چپی در بسیاری ازین ممالك مخصوصا احزاب طراز نوین کارگری، یك خصوصیت و ضـع سیاسی در دههٔ اخیر عبارت است از رشـد وسیع جنبش های دموکراتیك در اکثرکشور های سرمایه داری از همه اولتـرجنبش ضد جنگ .

چارم : تغییرات در حلقه های حاکم ممالك بزرگ‌امپریالیستی، ورشد تمایلات ریالیستیك دراین طبقات ودر سیاست اکثر کشور ها ی غربی، این یك جریان خیلی مغلق و اغـلبا متضاد است . تظاهر عمدهٔ آن درك نتایـج وخطرات ذخیرهٔ نامحدود سلاح ها است توسط زمام داران غرب وتیز فهم روز افزون‌این‌مطلب که سیاست خارجی باید از دیدگاه جدیدی مورد ارزیابی قرار گیرد. این باید عـلاوه شود که شخصیت های بورژوازی ایکه‌بیشتر ریالیستك فکر می کنند از پشتیبانی بیشتـر مردم درحوزه های انتخاباتی برخور دار اند، حقیقتی است که از آن انکار شده نمیتواند. تمام این عوامل در مجموع وانعکاس آن در شعور طبقات، گروه هاوعدهٔ از شخصیت‌های موثر سیاسی ودولتی سبب شدکه در اواخر سال های ۱۹۶۰ع احساسات مردم بخاطرتغییر عقیدهٔ جنگ سرد در کشور های بـزرگ سرمایه داری اوج گرفت . این بود کـه شرایط عینی وذهنی تکامل نمود و امکان آن رامیسر ساخت تا از جنگ سرد به آرامش فشار بین المللی ، تکامل روابط عادی بین دوسیستم مخالف چرخشی بوقوع به پیوندد و همزیستی مسالمت آمیز در عمل و قـانـون توسط غرب برسمیت شناخته شود . عبور از جنگ سرد، از تقـابل انفـجار دو جهـان مخالف، به دیتانت ...

جهانی مرتبط بود اما به تلاش وحرکت زیاد نخست از همه به تغییر تناسب قوادر کادر خلق ها ضرورت احساس مـی گـر دیـد . مخصوصا خلق هاییکه مسئول سیاست دولت ها بودند تا تفهیم شود که مسایل موردنزاع رانه از طریق غرور بلکه از راه همکـاری مسالمت آمیز ، بدون تقابل مسلحانه میتوان طور طبیعی حل نمود ..

انتقال از جنگ سرد به دیتانـت : درك وسیع اساسات همزیستی مسالمت آمیز درآن واحد صورت نپذیرفت ، مقایستا یك جر یا ن طولانی بود ودر جهان به شیوه های مختلف متظاهر گردید ودر روابـط کشور هـای سوسیالیستی وسرمایه داری اشکال مختلفی را اتخاذ نمود .

این جریان بصورت بسیار قاطع در اروپابه پیش رفت، در براعظمی که در آنجا دو نظام اقتصادی، اجتماعی مقابل با سازمان هـا ی نظامی واساسی شان (ناتو) ووارسا مستقیما در برابر هم قرار داشتند . اولین کشور بزرگ سرمایه داری ایکه با اتحاد شوروی مناسبات خودرا بهتر ساخت فرانسه بود ، این حادثه هم از لحاظ اینکه فرانسه یك پیش قـراول برای تسهیل عادی شدن روابط کشور هـای دیگر سرمایه داری با جهان صلح گـردید ونیز از لحاظ نقش فرانسه در تاریخ جهان ، سیاست جهان، اقتصاد وکلتور اهمیت‌بسزایی داشت، اولین قدم جدید مناسبات‌میان فرانسه واتحاد شوروی در ۱۹۶۶ع بعد از مسافرت پریزدنت دوگول گذاشته شد .

این یك نقطهٔ چرخشی بود در روابط هر کشور وبرای هر دو کشور و جریان دیتانت در مجموع اهمیت بسزایی داشت ، روابـط هر دو کشور در دههٔ اخیر نمونهٔ عالی ایست برای تجسم اساسات همزیستی مسالمت آمیز وتعاون بین کشور های نظام های مخا لف ویك عامل مهمی است در عادی ساختن تمام امور مغلق روابط بین المللی واروپایی ..... یك واقعهٔ عمده ونقطهٔ عطف در تاریخ بعد از جنگ اروپا عبارت از قرار داد ۱۹۷۰ مسکو بود که سنگ تهداب دیتانت رادر براعظم اروپا گذاشت وهم این قرار داد بمعنی عادی شدن روابط کشور های سوسیالیستی بـا جمهوری فدرالی آلمان بود ، اهمیت ایـن واقعه از موقف خصوصی جمهوری فـدرالی آلمان در مجموع روابط بین المللی بعـد از جنگ، از نقشی که او در جنگ سرد داشت وهم از امکانات زیاد که آلمان غرب دردست دارد کم نیست ... چنانچه در مدت ۲۵ سال پس از جنگ، مسایل مغلقی که با جمهوری فدرالی آلمان وبرلین غربی مرتبط بود، بـه نحوی از انحاء بحیث محراق تقابل دوسیستم باقی مانده بود وجهان را بروی کار آمدن یك جنگ عمومی تهدید می‌نمود، این استدلیلی که عادی شدن روابط جمهوری فدرالی آلمان با کشور های سوسیالیستی برای روابـط همزیستی مسالمت‌آمیزاهمیت بسزایی داشت... کشور های صلح دوست همیشه علاقه منـد بهبود وتکامل مثبت روابط با بریطانیای‌کبیر وایتالیا بوده اند ... زیرا این کشور ها نیز موقف مهمی در اروپا وسیاست جهان‌اشغال نموده اند ... مناسبات با این کشور ها از نظر تعاون اقتصادی : تماس هـای‌سیاسی‌و غالبا مناسبات حسنه بوده است . با بهترنمودن

بقیه‌درصفحه ۳۷

قطعه تفریحی :

ترجمه: سعیدی

رهنما برای کسانیکه میخواهند شوهر بگیرند

عروس به‌عقد رفته، هنوزهم درتعجب‌است که شوهرم چگونه است؟!

بهتر است تا اولتر بدانیم که مرد یعنی چه: علم درین قسمت تعریف مکمل آنرا داده است .

مرد زنده جان دو پاست که به بسیار زودی تسخیر میشود وبه حدی میرسد که ظروف رامیشوید ، کف اطاق را پاك میکند و پول معاش را مکمل به خانم تقدیم میکند . حال به اصل مطلب بر میگردیم . هر یك ازقبیل مقبول ، نامقبول سیاه چهره، سفید چهره و بالاخره همه شوهر میگیرند .

از همه زودتر چاق‌هاولاغرهاوکمی نادان ها زودتر شوهر میگیرند . از همه مشکل تر داناها شوهر میگیرند زیرا کدام مردمیخواهد که زن عاقل تراز خودش داشته باشد ؟

قبل ازینکه شوهر انتخاب کنید به قدوقامت مرد ها متوجه شوید . قد مردها مانند د ر مغازه های درجه اول ، درجه دوم درجه‌سوم میباشد . مردها باقد بلند در کار ها ی منزل چندان وارد نمیباشند . مرد ها ی قدکوتاه برعکس غرض استثمار بهتر و مساعدتر اند . اگر شوهر با قدکوتاه داشته باشید هیچ ضرورت نیست که لباس های کهنه تان را بدور اندازید زیرا از یك پیراهن تان یك جوره دریشی برایش به بسیار آسانی ساخته میتوانید .

مردها با قد متوسط خاصیت اطفال رادارند امابی اندازه نان میخورند واز مردان قدبلند عقب نمیمانند .

چشم های مرد ها آبی، سبز، خاکستری وسیاه میباشد ، بدون در نظرداشت رنگ چشم های مرد ها چندان با حیا نمیباشند .

مرد های‌که دارای چشم هامحدب (برآمده) باشند همیشه در جستجو میباشد تا در هر قسمت معلومات کافی داشته باشند وازشعار ذیل پیروی میکنند «میخواهم همه چیز ر ا بدانم» .

حال راجع به رنگ موها صحبت می کنیم. مردها دارای مو های روشن ، خرمایی وسیاه میباشند .

مرد های ، باموهای روشن بسیار متواضع خوش باور وساده میباشند معاش را بدون‌کم وکاست به خانم تقدیم میکند .

مرد های موسیاه بسیار حسود و خشن میباشند . همینکه بالای زن خود بد گمان شد به بسیار هیجان وغده میکند او را ازبین می برد وخود نیز خودکشی میکند . امانمی داند که اولتر خود ویا خانم خودرا از بین ببرد بدین ترتیب مساله را ناحل گذاشته وبرای همیشه تا شام از خانه خارج میشود، مردهای مو خرمایی بسیار مهربان و خوش خلق میباشند .همه موخرمایی ها میخواهند خودرا در جمله مرد ها با موهای روشن قرار دهند . اگر شوهر موخرمایی انتخاب میکنید قبل از ینکه با اوجار وجنجال برپا کنید بهتر است به او غذا بیاورید زیرا موخرمایی در گرسنگی بسیار خطرناك است .

بالاخره مرد ها یی اند که دارای‌سرروشن که بعضی آنها را «تاس سر» میگویند. این نوع مرد ها بسیار جدی و محاسب‌اند. غرض اصلاح سر وشانه های قیمتی پول را بیجا مصرف نمیکنند . در بین مردم عوام ضرب المثل ذیل موجود است : اگر مرد در قسمت پیشانی موندانشت معلوم میشود که بسیار عاقل وهوشیار است . اگر در قسمت عقبی سر مو نداشت این نوع مرد ها بسیار خوش دارند که زنها را صید کنند . اگر در پیشانی ودر عقب سر مو نداشت هویدا است که از زنها به بسیار خوبی و مهارت‌غمخواری میکنند .

پس اگر میخواهید شوهر بگیرید بدون وقفه مرد تاس سر را انتخاب کنید این نوع شوهر قیمتی است ! با او در خانه همیشه خوش ومستریح میباشد.

نمایی از شوهران دلخواه

بقیه صفحه۱۶

اسرار جهیل طلائی

مقابل ماهی ها نسبتا کمتر اند.علت این حا دثه چیست ؟قسمیکه معلوم شده است این جهیل برای ماهی‌ها غذای کافی را دارا نمیبا شد زیرادر جهیل مذکور قسمت های وجودندارد که دارای عمق نا چیز با شند تاگیاه های مورد نیاز ماهی ها در آنجا ، بروید و منحیث(چرا گاه) ما هی‌ها از آن استفاده نمایند واز سوی‌دیگر سواحل جهیل‌صخره یی‌بوده ودارای نشیب زیادمیباشند. به این لحاظ درجهیل‌تیلسك فقط سیزده نوع ماهی موجود میبا شد . در ین جهیل نیز مانند جهیل بایکال ماهی های موجود اند که در هیچ نقطه دنیا یافت نمیشود. بطور مثال در سال ۱۹۴۹ در ین جهیل یك نوع ماهی دیده شده است که طول آن به ده‌الی دوازده سا نتی متر میر سد .

کار کنان استیشن تحقیقاتی مشا هدات دقیق را در ین قسمت انجام میدهند و نظر به نتایج‌تحقیقات آنها (گز ارش های سالانه هایدرو- لو جیکی) تر تیب میگردد . این گز ارش ها اقلیم و رژیم آب را در ین جهیل بطور واضح تشریح مینمایند. این معلو مات برای بیو لو جست‌ها، هایدرو لو جست ها، کار کنان زرا عت و مالداری بسیار ارزنده و مهم میبا شد ودر حل بعضی‌مسایل کمك شایانی مینماید.

از جمله عجایب متعدد جهیل تیلسك از عجیبه میتوان نا م برد که توسط دست . های طلا یی انسان‌ایجاد شده است . این عجیبه باغ بادرخت های میوه دار است که در شرایط ناگوار ودر صخره آباد شده است.

شخصی که در قسمت مشاهدات جهیل معروف است نیکلای سمیر- نوف بود ، این شخص در آنوقت اندازه گیری سطح آب را به عهده داشت . نیکلای در مسکو تحصیل میکرد اما مریض شد . داکتران به‌او مشوره دادند تا در یك قسمت‌کناره وخاموش زندگی کند. به این تر تیب نیکلای به جهیل‌تیلسك آمد وفکر ایجاد باغ را کرد . در سواحل‌صخره یی میخ های چوبی نصب کرد و خاك مورد نیاز را از ساحل مقابل در ، قایق نقل می داد . آب در اثرطغیان سه مر تبه باغ او را ویران کرد اما نیکلای باز هم به کار خود ادامه‌داد. در حال حاضر باغ نیکلای سمیر- نوف در ین نوا حی یگانه نیست .در قسمت های زیاد سا حل جهیل‌طلایی درخت های میوه دار دیده میشودو مردم از آنها استفاده مینمایند .

اکتشافهای علمی در جهان

افق جدید در تکنالوژی طبی امروز

درحدود نیم قرن‌قبل اوسط عمر ٤٥ سال درنظر گرفته شده بود، اما امروز بواسطه انکشافات علوم طبی ووسایل ضروری مبارزه علیه امراض این تخمین را تاحدودی بالا برده است چنانچه در جاپان امروز دوام عمر به ٧٦ سال برای زنان و٧١ سال برای مردان تخمین میگردد که‌این رقم در سویدن وناروی ز یاد تراز سایر کشور های جهان شمرده میشود ٠

گرچه دلایل وعلل مختلف درمورد ادا مه حیات موجود است اما عمده ترین این دلایل همان انکشاف وسایل طبی وعلم طب است‌که بعداز جنگ جهانی دوم بـه پیمانه وسیعی انکشاف وتحولات عمیق نموده است که ایـن وسایل راعمدتا میتوان عدسیه های برقـی ، فزیك هستوی وغیره دانست که در طبابت به پیمانه وسیعی قابل استفاده بوده که‌نه تنها درتشخیص امراض بلکه درراه علاج‌ودر مـان آن نیز قدمی مهم به پیش بر داشته شده است پروسس ارقام درسیستم های اداری شفاخانه ومعاینه خانه ها عمده‌ترین کاری است‌که امروز در جهان پیشرفته‌توسط‌کمپیوتر صورت می‌گیرد که توسط آن احصاییه‌وکرونولوجی دقیق‌مریض توسط کمپیوتر ترتیب وبصورت‌دقیق در اختیار دکتوران موظف قرار می‌گیرد ٠

سیستم معاینه دقیق اتو ماتیك مریضان در شفاخانه های مدرن امروز به‌پوسونل کمـی ضرروت احساس میکند این دستگاه اتوماتیك الکترونکی در مرکز یك عمارت واقع ووسایل وملحقات آن در معاینه خانه های اگر نصب می‌باشد که از همین جامیتواند مریض رابه صورت دقیق تشخیص امعاینه نماید ٠

چنین دست آورد های علمی در بهبـود شرایط زندگی خلـق ها نهایت موثر و ثبت تمام میشود انکشاف و بهبود وسایـل فایبروسکوب دکتوران مربوط راقادرمی‌سازد تا معاینات دقیق قلبی ،جگر وشش ها که در گذشته امکان پذیر نبود امروز به صورت‌دقیق معاینه نموده وحتی بتوانند ذرات‌وسلول های کوچك مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه ومعاینه قرار دهند ٠

طب(هستوی) یکی ازجدید ترین انکشا فات طبی است که بشر درباره آن تلاش ومجاهدات نموده اند واستفاده از وسایل موادرادیولوژی در تشخیص امراض افق جدیدی رادر ساحه طب امروزی‌گشوده که میتواند امراض‌ارگانیگ بدن راتداوی نماید٠ استفاده ازرادیو آترتوپ هادر وجود امروزیکی از پیشرفته ترین وسیله تداوی امراض ارگانیگ شمرده میشود کـه دکتوران موظف میتواندموقعیت بخصوص‌امراض سرطان ،تومور ، لخته شدن خون وغیره را در بدن به صورت واضح دریابند ٠

گرچه وسایل طبی‌امروزی‌تا حدودی ناراحتی های دروجود حین عملیات بوجود میاورد اما تلاش بعمل میاید تاچنین مشکلی رادر آینده بتوان مرفوع سازنداستفاده ازاشعه‌رادیو لوژی در تداوی امراض سرطانی نتایج درخشانی را تاکنون در جهان امروز نشان داده است در جاپان امروز دانشمندان در صدد پیدا نمودن وکشف وسایل مهمتر وموثر ترجهت مبـارزه با امراض سرطانی دیده میشوند چندی پیش باترزیق اشعه اکس وگاما باامراض سرطانی مجادله صورت می‌گرفت اما امروز بواسطه‌ذرات هستوی که بواسطه لین های سیکلو ترون ها تولید میگردد علیه ریشه های امراض سرطانی مبارزه ومجادله صورت می‌گیرد ٠

ذرات هستوی دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده زمانیکه مستقیما به امراض سرطانی متوجه گردد قادر است تا ریشه های مذکور را از اساس نابود و تخریب نماید ٠

بنابرین تداوی ذرات هستوی نسبت به‌امواج پراگنده تداوی‌شعاعی نهایت‌موثر ثابت گردیده است این طریق جدید تداوی در موسسه‌ملی مرکز رادیو لوژی در شهر شیبا به فعالیت‌آغاز نموده است ٠

بعداز چارهفته تداوی از جمله ٢٤ نفر ١٢ نفر آن کاملا صحت وسلامت بوده که بعداز ترزیق اشعه‌هیچ آثار وعلایم سرطانی در وجود شان دیده نمی‌شد آنهائیکه هنوز علایم سرطانی دروجود شان دیده می‌شد امانسبت به گذشته احساس آرامی ورضایت می‌نمودند ٠

حین که نتایج درخشان این امتحان موفقانه اعلام گردیدموسسات وسازمان های طبی در تلاش آن برآمدند تابکوشند راه های علاج موثرتری راجستجو واین سیستم‌تداوی‌راهرچه بیشتر در خدمت مردم قرار دهند اما عمده‌تراز همه تشخیص مریض بوده که‌بعدا بتوان‌درجای معین اشعه مذکور را ترزیق ومجادله را علیه امراض خانمان سوز سرطانی آغاز نمود٠

انکشافات پیشرفت های علوم ودانش بشررا قادر خواهد ساخت تا بتوانند نوآوری هاو انکشافات جدیدنموده وهمه‌انکشافات و دست آوردهای مثبت شان را در راه خلـق و خدمت به عالم بشریت انجام دهند هرقدردامنه انکشافات علمی‌وراه علاج ودرمان بیماری های مزمن ومخفی کشف میگردد به همان اندازه بسان خرافات واندیشه هـا ی ایدیالیستـی برچیده خواهد شد ٠

عملیه فایبروسکوپیك(مشاهده ارگان هـای‌داخلی وجود) ناراحـتی مریض را تخفیـف می‌بخشد٠

پرورشگاه‌مار

شش ماه قبل یك پروشگاه مار بظرفیت‌در حدود هزار مار دریکی ازشهرهای نـزد یکی هانوی (مرکز ویتنام) تاسیس گردید ٠زهرمار به‌پیمانه وسیع درفارمکولوجی مـورد استفاده قرار گرفته ودر مارکیت بین المللی یك گرام آن ٤٠ الی ٥٠ دالر ارزش دارد ٠ پرورشگاه مذکور می‌تواند بیشتر از ششصد گرام زهررا جمع وتهیه نماید٠

زهر مایع مار در طبابت فولکوریك ویتنامی ها به پیمانه وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد ودرنقاط کوهستانی وزمین های پایین شهاهای آن مملکت زهر مارا رابحیث بهترین‌دوا جهت معالجه روماتیزم وپولی آرتریتیز بکار میبرند٠

درسال ١٩٨٠ تعداد ماران پرورشگاه مذکور طبق پلان مرتبه به پنج الی شش هزار ازدیاد خواهد یافت ٠

چگونه موسیقی جاز در جهان معرفی گردید

برای نخستین بار موسیقی جاز در سال ۱۹۱۲ در ماسکو بر گذارشد که برای باراول موسیقی جاز سیا هپوستان از ایالات متحده امریکا به مردم اتحاد شوروی معرفی گردید این نمایش در ستدیوم بزرگ خلق در ماسکو به نمایش گذاشته شد چنین به نظرمی‌رسید که درب های ستدیوم بروی علاقمندان باز بوده هیچ گونه ممانعت درموردخول وجود نداشت.

این نخستین باری بود که درین زمان موسیقی کشور های اروپای غربی و همچنان ایالات متحده امریکا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردید موسیقی جاز در پروسه رشد ومراحل تکاملی خودراه‌های پرپیچ وخم‌وطولانی وتکامل رایکی بعد دیگری عقب گذاشته ودر ابتدا بارقص های هیجان آمیزنیز همراه بوده است که‌در هوتل هاورستورانت‌ها برگذار میگردیدماکسیم‌گورکی نویسنده‌ریالست اتحاد جماهیرشوروی‌این گونه‌رقص‌ونمایش را فقط وفقط هنر ویا موسیقی که‌برای اندوختن پول بود نام گذاشت .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ابتدای قرن بیستم موسیقی جاز مورد بحث وگفتگو های زیاد قرار گرفته بود عده زیادبرآن بودند که نواختن جاز رامنع نموده وعده دیگر درنقطه خلاف‌آن قرار داشته‌واصرار می‌نمودند که‌جاز هر چه بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گرد د یکی از روز نامه‌ها در مورد چنین نگاشته بود :

جاز موسیقی خوب است که میتواند در تسکین آلام روحی مددگار باشد .

این تاسال های ۱۹۲۹ بود که موسیقی‌جاز تاحدودی به شهرتش افزودوبه حیث آرکستری عمده در اتحاد شوروی سوسیالیستی تلقی گردید .

لیونید اوتوی سوف میگوید که وی در یکی وازنواحی بحیره سیاه چشم به‌دنیا گشوده‌این شهر (اودیسه) خیلی هادلچسپ و موسیقی آن خیلی گیرا بود وی میگوید : این امر با لا خره مو جب گر دید که عشق وعلاقمندی‌تام که‌به‌موسیقی درمن پیدا شده بود جزیی از اجزای بدنم گردد بنا بر همین عشق وعلاقمندی بودکه توانستم همرای گروهی آواز خوانان یکجا سرود بخوانم این گروه در ابتدا یك گروه کومیك بود بعدها توانست محبوبیت بین مردم پیدا نموده تعداد زیادی را بدور خود بکشاند .

او میگوید که شهراودیسه مرکز علوم‌وفنون مختلف بوده نویسندگان ـشاعران ـموسیقی نواز آن مختلف‌درآن‌جاچشم به جهان گشوده‌اند روی همین ملحوظ‌محیطی‌که سوتوف در آنجاتولد شده در رشد شخصیت هنری او نقش بس‌مهم داشته زیرا مقوله معروف است که محیط اجتماعی سازنده افکار اجتماعی است . ولی سوف درعنفوان جوانی یعنی زمانی که‌پابه‌بهار بیست وپنجمین‌خود گذاشته‌بود روبه موسیقی آورد واولین نمایش خود را در ستدیوم بزرگ آنجا به نمایش گذاشت .

اوتی سوف‌که ستاره‌درخشان موسیقی اتحاد شوروی سوسیالیستی است او بیش ازیك هزار پارچه شعر سروده که از جمله۷۶۰ آن ثبت وپخش گردیده ست او شاعروکمپوزر خوبی است‌که همه آهنگ ونغمه هارا خودش کمپوز میکند .

اوتی سوف علاوه برهمه‌شهرت هاو فعالیت‌های هنری اش موسس وبانی موسیقی جاز دراتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانسته میشود.

درمراحل نخستین ستیج های کافی‌برای نمایش هنر موصوف‌وجود نداشت‌در آخرقرن بیستم بود که یك تعداد ستیج های محقر ظاهر شد در آن زمان شعربه جمعیت زیاد از مردم سروده نمی‌شد بعدهابه‌اثرتلاش ومبارزه‌خستگی ناپذیر اوبود که اشعار کلاسیك ونو نیز در تالارهای بزرگ به مردم سروده می‌شد ودر آخر علاقمندان‌زیاد ازهرسن وسال به‌شنیدن آن به محافل مختلف رومیاوردندواین امرسبب می‌شد که روز به روز به شهرت هنرو موسیقی جاز افزوده گردد .

درین زمان بود که مبارزه جدی بین هنرهای نوو کهنه جریان داشته هنر مندان هم‌درجهت طرد اشکال کهن هنری که فاقد محتوی‌نوین بوده تلاش ومبارزه می نمودند تا اینکه توانستند با تلاش و فعالیت شباروزی شان هنررا در خدمت خلق قرار دهند .

پروسه رشد وتکامل موسیقی‌جاز طرازنوین بود زیرا باشکل مروجه موسیقی جاز ایالات متحده امریکا که سر چشمه اصلی آن پنداشته می‌شد کاملا متفاوت بوداما موسیقی جازدراتحاد شوروی تنها آن‌اشکال رااز موسیقی جازایالات متحده الگوسازی نموده بود که هنوزهم می‌توانست با خصوصیات ویژه موسیقی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توافق‌وهمگونی داشته باشد.

اوتی سوف بالاخره باخلاقیت هنری که داشت توانست اشعار دسته جمعی وعامیانه اتحاد شوروی را بانواختن موسیقی جاز توام سازد .یك گروه موسیقی جاز او متشکل برده نفر بود که درین جاز پیانو ـبنجو ـترومپت وسایر انواع آلات موسیقی نواخته می‌شد. اما بعدها گیتار وچنگ رانیز باآن توام نمود .

اعضای کارگران هنری او علاوه بر موسیقی نوازان شامل درامه نویسان ـشاعران ـهنر مندان دیگر نیز بود موسیقی‌جاز اتحاد شوروی حتی در فلم هانیز راه پیدا کرد چنانچه درفلم میری فیلو (رفیق خوش طیب) چارلی چاپلین امریکایی می‌نویسد که امریکایی هاهنررادر اتحاد شوروی خوب درك نموده اکنون این امررا نیزبه خوبی میدانند که چگونه تغییرات روانی نیز در روان مردم وخلق ایجاد گردیده که از گونه‌های مردم‌علایم صلح وسرورمی‌بارد واین بزرگترین ارمغان است‌که عالم هنر به آدمیزاد در آن‌نقطه جهان‌به‌ودیعه سپرده است.

بمناسبت فستیوال موسیقی جاز نمونه‌یی‌موسیقی‌جاز را از درخت ساخته وبه نمایش گذاشته اند

انسان‌های قدیم‌درمورد کائنات چه‌نظر داشتند؟

مصریان قدیم سه هزار سال قبل درمورد فضا چنین نظر داشتند که آسمان بشل‌یك گنبد بروی زمین قرار دارد و هر شام آفتاب رابه قلب خود فرو می‌برد وتمام شب درداخل وجودش سفر کرده وفردا جدیدا متولد میگردد.

یونانی های قدیم عقیده داشتند که یك سپر آسمانی الی زمین رااز آتش های که‌بفاصله‌دور وجود دارد محافظت می کند، وقتیکه ستاره‌ها می‌درخشیدند آنها تصور می‌نمود که شعله های آتش آنطرف سپراز سوراخهای سپردیده‌میشود

همچنان عقیده داشتندکه سیارات بوسیله‌فرشته ها ازیك جابجای‌دیگر منتقل‌می شوند درینوقت زمین مرکز تمام اجرام سماوی تصور می‌شد. حتی در قرن‌سوم قبل از میلاد مسیح یکی از علمای یونانی بنام (ارستار چپس) سیستمی را ارائه کرد که از آن فهمیده می‌شد زمین بدور آفتاب گردش میکند ولی نظریه اونسبت بعضی عوامل به اثبات نرسید تااینکه در قرن ۱۶ میلادی یك انقلاب علمی‌بوجود آورد وذهن انسانرا از توهم وغلط فهمی وارهانید .

کوپرنیك دانشمندی که بحیث اداره چی در کلیسای رومن کاتولیك ایفای وظیفه‌مینمودبا آوردن یك جنبش علمی‌زمین وانسان رااز مرکز کائنات مجزا ساخت . موصوف درسال ۱۴۷۳ در پولند متولدگردید اوتعلیمات‌جدید(رنسانس) راکه او رابحث‌فزیك دان،قانون دان اقتصاددان ریاضی دان وستاره شناس آماده ومجهز ساخت فراگرفت‌در آوانیکه‌کوپرنیك بحیث یك روحانی کلیسای فرامبور گ‌خدمت میکردحرکت سیارات

بقیه‌درصفحه۵۰

از وار نالس‌منتقد یونانی

ترجمه دکتور اسد الله حبیب

در باره سودمندی هنر

آیا سودی از هنر متصور است ؟ اگراست کدام ؟ در این نمیتوا ن شك دا شت که‌هنر مفید است . هر گا ه مفید نمیبود به وجود نمی آمد .

مگر گا هی که هنر مضر است هم و جود دارد . به سو الیکه چه وقت هنر مفید است و چه و قت مضر و سود و زیا ن‌هنر درچیست ذیلا پا سخ مید هیم :

هنرجوامع نخستین تحت عوا مل زیا دی به و جود آمد که در عین زما ن آن عوا مل اهدا ف آن هنر بود . هنر ابتد ا یی با مذ هب ، اقتصاد ، جنگ و غرا یز جنسی پیدا شد و در خد مت همه این ابعاد زند گی قرار گر فت .

در زما نها ی با ستا ن در میا ن یونانیان و رو میا ن قدیم گا هیکه هنر به ارزش‌های گونا گو ن تقسیم شده بود بعض اندیشمندان آنرا ابزاز پرورش اخلاق وبعضی و سیله معر فت (سقرا ط ـ افلا طون) میشمرد ند.

به سخن دیگر هنر راخد مت گزار نیکو کاری و حقیقت میدا نستند . مفاد عملی انوا ع «نازل » یا (صنعتی) سطح‌سودمندی تربیتی انواع «عالی» هنر»(سعر، های، پیکر ترا شی و غیره) را با لا برد . هنر حقیقت ونیکو کاری را به نحواحسن»می آموزد ، این تیوری تر بیتی اثر «عالی» در قد یم ، دو سده ها ی میا نه‌و در عصر انسانس‌رواج داشت.

بدینصورت هنر با ابزار دلپزیر خو یش چیزی را می آموزد که بیرو ن مرز خو دش است .

آیا این کا ر از هنر سا خته است ؟بلی، مشا به دیگر ارزش ها ی هما نند آن ازهنر هر چه سا خته است . ارزش ها ی مذکور که خو د هدف به نظر می آیند در عین حا ل و سا یل تحقق اهدا ف دیگر ی بیرون مرز خود اند . استقلال آنها نسبی است زیرا یك ارزش دارای چند ین هد ف میبا شد. ارز ش ها نه تنها از هم جدا می شو ند بل‌که تما یل به یك پا رچگی نیز دارند هر یك به نحوی بر دیگری تا ثیر مینماید و یك هد ف دیگری را رد نمی کند . این ناهمگو نی اهدا ف بدا ن معنی است که هر یك ار زشی نسبت بدا نچه می با ید

نتایج بیشتری بارمی آورد ونیاز مند ی ها ی و اقر ی را پا سخ میگو ید و تنها « تعدد اهدا ف » و تعدد معا نی» ارزش ها استقلال آنها را نفی نمیکند .

میرو یم بر سر نظر قد ما در با ر ه مفید بودن هنر . در با لا گفتیم که عقیده سقراط در بارهٔ مفید بودن هنر به چه (خیر) و عقیده افلا طو ن به چه چیزی (حقیقت) ونظر پلوتین به چه (پیو ستن به و حد ت) می انجا مد . اند یشمندا ن زمان های باز پسین که بیشترجا نبدار عمل بود ند در یا فتند که هنربا‌ابزارزیبایی تاثیر تربیتی وپرورشی بر روا ن وا حساس آدمی دارد .

ارستو فا ن در شعر (بقه ها) مطا لب جالب زیادی در باره شعر بیان میکند به عقیده او شعر برای بزرگسا لا ن چنان است که تعلیم برای خورد سا لا ن وظیفه‌هنر است «که مردم روی زمین را هو شیا ر ترو بهتر میسازد » سترا بون شعر را «نخستین فلسفه «ویکی از وسایل عاقل‌ساختن مردم می داند .

پلو تا رخ در اثر خو یش به نا م «در باره پرورش جوانان » تقریباً همان نکته را باز می گوید « به نظر اوفلسفهٔ ناب چیزی است که بدشواری فهمیده می شود ، گو یا « شرابی است بدون نوشا به دیگر » واز آنرو لازم است که شعر را در آن بر یزیم ، «طوری که باریختن نو شا به دیگر در شرا ب ما چیزی بد ست می آوریم که هم سو دمند ی اش را نبا خته است وهم زیان آور نیست البته‌ما نمیخوا هیم که شاخه شعر را بشکنیم وبنا بر آن نبا یدبه فکر پا سدا ری آن شد اما با ید در این زمینه اند کی اند یشیدن فلسفی را با ید آمو خت و با ید به یافتن ودوست داشتن سود مندرمطبوع عادت کرد .»

همچنا ن نظر هو را س کا ملا معروف‌است که می گفت : لذت بخشی یا آموز ش ،هدفی است که شعر ابه سویش میرونددیاهم این و هم آن !

مفید یا مطبوع وپلو تارخ نیز این نکته را با ز گفته بود :« آنچه مطبو ع است مفید است ».

در سده ها ی میا نه و در دور ۀرنسانس «شعر رادانش نشاط بخش » می نامیدند اما در دورهٔ جدید هیگل وشیللر دو شاگرد بر ازنده کانت هر چند از راه های مختلف مگر به یك عقیده متو سل شد ند که هنر ابزار تر بیت است . هیگل هنر را یکی از سه مرز معنوی (مذهب ، هنر و فلسفه) دانست که در آن ایده د رشکل احسا سی آن شنا خته می شود .

شیللر بر آن عقیده بود که هنر دارا ی همان هدفی است که در طبیعت سراغ می شود .

هنر با ید خو شی را عام سازد وخو- شبختی با ر آورد و علاوه میکند که :«بدین صورت هنر برا ی ما را ه زند گی اخلا قی را با ز میکند » . سخن شیللر را ست‌است مگر این یگا نه را هی نیست که هنر در برا بر انسا ن می کشا ید !

هومرشاعر برازندهٔ که درتمام قرون‌واعصار،از محبوبیت خاصی برخور داربوده‌است.

هنر در جایی آغاز می یابد که سودمندی پایان میپذیرد، وهر چیز مفید همینکه مفید نیست به زیبایی تبدیل می شود ،چون قفل ها، قصر های قرون وسطی، مـوبل کهنه، ظروف، اسلحه وغیره .

روح انسانی زمانی میتواند به تماشایزیبایی بپردازدکه تمام تصورات غیر زیبایی شناختی رادر بارهٔ سودمندی آن به دور بیندازد .

در فرجام فیخنر مولف باجـرات «زیبایـی شناسی تجربی» بابی ریزی تیوری زیبایی شناختی خود برپنای احساسات ساده (که در عین حال هنرهم نهاد «سنتیز» شناخته میشود) دانش در بارهٔ زیبایی را چون بخشی از دانش عمومی دربارهٔ دلپذیری شناخت . نظرلزدیکتر به این که توصیف تازه یی از هنر است (هر چند آنقدر تازه نیست !) عبارت اسـت از شناختن هنر چـون «بازی»، «تجمل» و «ضرورت به چیز های زاید» .

هنر درست است که «از احتیاج برخاسته است .» امانه احتیاج به چیز های زایدبل‌که «احتیاج به آنچه ضرور است .» هنرنیز چون حقیقت، حقوق واخلاق نمیتواند وجود نداشته باشد . درست است که هنر «بازی» است . زیراحین آفرینش اثر هنری تخیل وشخصیت خود هنرمند سهیم می شود منتهی هنرمند و پذیرندگان اثرهنری تخیل‌وشخصیت‌خودهنرمند هیـــچکـــدام آنـــرا بازی تلقی‌نمیکنند درهنر به قول شیللر کـــه طرفدار تیوری «بازی زیبایی شناختی»است :مابازی زندگی خویش را اجرا میکنیم.

(که وی بیشتر هنر دراماتیك رادر نظردارد). هنر همچنان تجمل است، زیرا لذتی که از هنر دست میدهد خصلت مادی ندارد . ایـن چیز لذت بخش اما از نوع دیگری است . اما چنان نوع دیگری‌که در واقع وجود دارد وآنرا بنابر «ارزش های ایدیالش» تا حـد قربانی های مافوق فردی میرساند .

پس هنر از مفید نبودن دور است واصـلا آنجاکه‌سودمندی تمام میشودآغازنمیابـــد

هیچیك از پدیده های روانی ما ساده و مستقل نیست . تمام عکس العمل هـــا ی فزیولوژیك وروانی انسان تا مرحلهٔ خا ص کلیهٔ درهم پیچیده یی میباشد .

شخصیت انسان به بخش های مجزا وخاص مانند : حسی، منطقی، اخلاقی، مذهبی وعملی وغیره تقسیم نشده‌است . شعور انسان واحد وتقسیم ناپذیر است . ناممکن است که علت (خارجی یاداخلی) که انگیزه کـدام پـدیدهٔ روانی شده است پنهان یا آشکار ا عناصری از دیگر زمینه های روانی در خود نـداشته باشد .

تاثر خالص روانی ازشی آرزوی ناخودآگاه مالکیت آنرا نیز در بردارد . وایـن آرزو آغازی برای عمل میباشد . آرزوی مذکـور باکوشش توام بادرك نمیتواند تحقق یابدزیرا در آنصورت فوری تصور تحقق نیافتن آ ن به میان می آید . کسی که از هکتور هومر به وجد می آید میخواهد مانند آن باشد . گوته در افگنی خویش می نویسد : «بگذار هر کسی قهر مانخویش را بر گزیندورهسپار اولمپ گردد» . آنکه‌از منظرهٔ کلودلـــوره به وجد می آید از نظر فکری با آن متحد می‌شود («اتحاد سمبلیك شخص با اثری کـه ایجاد وجد کرده است » از لیپس) . دراعماق هروجدی نوعی علاقمندی روانی مـــی تپد .

درست است که تاثیر مستقیم زیبایی هنری عبارت از تابع ساختن غرایز است . مگربرای کسیکه هنوز آماده نشده استشایدتولـــید اضطراب کند . چنانکه لوکیان (به صورت غیر جدی)دربارهٔعشق‌داغی با مجسمه افرودت حکایت میکند .

برمی گردیم به نظریات سپنسر . مثلیکه خوب ساخته شده است درروند تکامل جامعه بیکاره می شود بنابر آن بیکارگـی یعنی بی فایده‌گی خودبه زیبایی تبدیل نمیشود . شی مذکور از آغاززیبا بود وبرای آن ساخته شده بودکه زیبا (وبه همان اندازه مفـــید) باشد . و برعکس شی کـه بد ساخته شده است با گذشت قرنها نمیتواند زیبا شود . در موزیمها د ر کنار اشیاییکه تنها دارای ارزش هنری است (مجسمه ها وتابلو هـای نقاشی) اشیاییکه هم دارای ارزش هنری وهم دارای ارزش عملی است (اسلحه ، ظـروف وغیره)وبالاخره اشیاییکه تنها از نـــگاه باستانشناسی و تاریخی مهم است مـانـنـد «پنجهٔ دست» انسان ابتدایی، جمدسربازانیکه در جنگ مارافون شرکت داشتند ، جـراب بند نایلیون وغیره نیز گـــذاشته‌مـیـشود.

نژادشناسان تاکید میکنند که نیازمندی به آرایش تن در انسانها، بیشتر از تقاضای پوشیدن لباس ظهور یافته است . به پندار آنها انسان از روی ضرورت پیشه ور وازروی غریزه هنرمند می شود . (این عقیده درست نیست زیرا فعالیت زیبایـی شناختی انسان پدیدهٔاجتماعی است نه بیولوژیك) به سخـن دیگر دانشمندان نژاد شناس در مورد تابع تاریخی سودمندی وزیبایی عکس آنچه را می گویند که سپنسر گفته است . نژاد - شناسان تاکیدمیکنندکه زیبا پیشترازسودمند بوجود آمد امااین نظر اشتباه آمیـــزاست. زیبایی وسودمندی در جامعه با استفاده از نخستین ابزار کار توام به وجود می آید .

بحث بر مسالهٔ سودمندی هنر از آن رو دشوار است که‌این اصطلاحات هـم به معنای وسیع آن وهم به معنای محدودآن به کار برده می‌شود. مثلاگامیکه ازسودمندی چیزی سخن میرانند سود عملی یا آموزشی آنرادر نظرمیدارند . میگویند «هنر» گاه «شعر» و گاهی حتی ازآن زیبایی طبیعت منظور شان است . بیشتر طرفداران بی فایدگی هنر در میان نقاشان شعرا یـافته مـی شـو نـد. تانظر به پردازان منتقدین . دوگم «هنربرای هنر» فقر تقریبا تمام قرن نزده بوده است. طرفداران این دوگم تمام عناصر عقلـی و اخلاقی را از قلمرو هنر طرد میکنند . هنرناب میخواهند ! عاری از هر آمیزشی ! این هنر دست وپا بستهٔ سالونی ، هنر معمایی، هنر اشرافی، هنر ذوق های ممتاز وهنر ضداجتماع است . این قباحت در زمان مانه تنهاازواقعیت فرارمی کند بلکه ازعقل نیز مـی گریزد. هنرفرار، هنر آفتناك، بی مسوولیت وبی هدف است وآن نه تنها «بیهوده بلکه زیانمنداست. وآخرین حد تنزیل فورمالیزم (شکل گرایی) محسوب میشود .

هنرآنقدر هدف زیاد دارد وآنقدر با تمام جهات زندگی اجتماعی مـربـوط است کـه نمیتوان به مثابهٔ صرف بیهوده نیرو بـدان نگریست . بر عکس هنر سودمند تریـن پدیده یی است که تمامیت اجتماعی راصیانت میکند وآنرا انکشاف می بخشد . اما برای آنکه هنر به مقاصد غیر زیبایی شناختی نایل گردد تنها حسن نیت بسنده نیست . هنرپیش از همه باید به اهداف زیبایی شناختی خود برسد یعنی لذت هنری بار آورد وبرای این منظور لازم است تا تمام عناصر آن باهـم بیامیزد وبه اثر هنری تبدیل گردد . اگر هنر نمیتواند به اهداف خویش نایل آیدهرگز نخواهد توانست به کدام هدف دیگری نیز دست یابد .

لذت یابی از هنر خود نیازمندی بـزرگ اجتماعیست . جامعه هرگاه تنها مصروف کار های‌بسیار «عملی»و «مهم» عاری از لـــطف، تنها برای تسکین غرایز، بقای نفس وادامهٔ زندگی است نمیتواند تا دیری پاید . جامعه محتاج نشاط ونیازمند اید یالهاست . واضح است که رفع شدن نیازمندی های واقعـی لذتی همراه دارد اما این لذت حسی است ولذتی که هنر می بخشد روانی و هیجانـی است . با سروکار داشتن باتخیلات، عقـل ودل هر شکل نوعی «بازی» را دارد که تابع نظم وترتیب معینی است .

هنر زادهٔ هوس ایجاد کاری فردی نیست. هنر ثمر فعالیت اجتماعی است وطوری‌که‌گفتیم دارای قاعده های مافوق فردی میباشـــد . وقتیکه از تبعیت هنراز «نظم وترتیب» سخن میرود همین قاعده های مافوق فردی درنظر میباشد . نظربه عقیدهٔ ك . بوگلمه هنرمنـــد اختراع نمی نماید بلکه کشف میکنـــد.

ناتمام

هرکلیس وآنتی

نو شته : چخوف

ترجمه : صدیق رهپو

سال روز

کمیدی در یك پرده

با زیگران :

ادری شیپو چین : رئیس با نك قر ضه‌ن... آد میست نه چندان پیر و همیشه عینك یك چشم میپو شد .

تا تیا نا : زن رئیس بانك که ۲۵ سال‌دارد .

کر ین : ما مور سابقه‌دا ر بانك .

خا نم مر چو تکینا : زن مسن کـــــه‌با لاپو ش مد قد یمی به تن دارد .

سهمداران بانك .

کار منذا ن با نك .

حادثه در خود با نك قرضه ن ...رخمیدهد

پرده که با لا میرود، اتا ق رئیس بانك پد یدار میشود . در واز ه‌طرف چپ، بـــه دفتر عمومی با نك با ز میشود .

در اتا ق دو میز تحر یر گذاشته شده است . دفتر کار رئیس طوری با کـوچ و چو کی مخملی آتشی ، گلدا ن، هـــا ، پیکره ها ، قالین ها و تلفو ن تز یین‌یافته است که از آن شکوه میبارد . چاشت است .

کر ین به دفتر کا ر ش تنها نشسته‌است و کفشها ی گشاد به پا دارد .

کر ین : (در حالیکه کله ا شرا ازکلکینچه پهلو یش خا رج مینما ید ، فر یاد میزند) کسی ره به دوا خا نه روان کنین که یـك پا نزده کو پکه دوای اعصا ب آورده وکتی خود یك پیا له آپ هم به اتا ق رئیس صاحب بیاره ! نمیفا مم که چند دفه برای تا ن بگو یم ! (به طرف میز ش میرود .)از ای کا ر ذله شد یم ! چار روز میشه کـــه‌بشینم و شب و روز آنرا در ست کنـــــم بدون یك پلك خوا ینجه ده دفتر هم و ده خا نه هم پشت هم کار میکنم . (سر فه کلماتش را قطع میکند .) ای مصیبت دیگه ره ببی که تب هم ده جانم افتاده و کـــاره بتر می سازه تمام تنم میلرزه، جـــانـــم کوره آهنگری واره داغ اس، ســـــرفـــه دان ده دا نم نمیما نه ، زا نوا یم میلرزه‌و ده برابر چشما یم علامه تعجیبه با لا وپایین میشه !(مینیشیند .) ای رئیس مسخره ام میخا یه تا به جلسه شر کا ر اپور بتـــه با دی به گلو می اندازد و میگو ید که ، «آینده و هستی با نك . » چه مسخره ادمی! (شر وع به نو شتن میکند) ... یك ...یـك ...شش ... صفر ...هفت... مشیود شش ...صفر ... یك ...شش... او میخا یـه ده چشم همه خا ك بزنه .به همی خا طر مه با ید تما م عمره مثل برده کا ر کنم . اوهر چتی و پتی که میشه ، نو شته میکنه وبازمه ای کا ر ذله شد یم ! چار روز میشه کـــه‌بشینم و شب و روز آنرا در ست کنـــــم

ازراست به چپ :شیپوچین (درنقش‌وی ـوی‌ـ•وای • ستانیسین) مرچتکینا (درنقش‌وی‌ـآ•پی• زویوا)

مرچتکینا (درنقش وی‌ـوی•وای ستانیستین•

لعنت خدا به ای کار و با ر . (با تو‌وتوق، تکا ن مید هد .) تشکر ، دو ست عز یـز تشکر ! واجازه بده که بخاطر این روزگرامی، سا لروز ما ، ترا به آغو ش بکشم !(هردو بغل کشی میکنند .) من راستی را ستی بسیار خو ش هستم تشکر از کار هـــاو تلا شها ی خستگی نا پذ یر ت! تشکـــر دو ست من اگر من کدام کا ر با ارزش در این با نك انجام داده با شم ، همه از اثر تلا شها ی خستگی نا پذ یر شما همکا ران است . (آهی از دل بیرون میکشد .) بلی ، پیرمرد . پانزده سال ! پانزده سال ! همینطور باور دارم مثلیکه نام‌شیپـوچین‌است! (با اشتیا ق بیش از اندازه) گزا ر ش چطور شد ؟ کا ر ش نزدیك به خلا صی است ؟

کر ین : بلی فقط پنج صفه دیگه .

شیپو چین عا لی. خیر تا سا عت ســـــه تیار خوا هد شد ؟

کر ین اگه کسی مزا حم نشود . فقط‌چند لحظه باد تمام میشود .

شیپو چین : بسیار عا لی ! کا ملا عا لی همینطور یقین دارم مثلیکه نا مم شیپوچین است . جلسه عمومی ساعت ٤ شروع میشود برای اینکه کا ر زو دتر انجام شود ، بهتر است که نصف آنرا بد هی که بخوا نـــم تا خو ب به محتوی آن وارد شوم . بیا بده (نصف گزارش را میگیرد .) من تمام امیدم رابه این گزار ش بسته ام .

این گزارش برایم به منز له معجزه‌اهمیت دارد . با آن میتوا نم نما یش آتش با زی تر تیب کرده و چشم همه را خیره بسازم آتش با زی ! همینطور باور دارم مثلیکه‌نام شیپو چین است .(مینشیند وزیر لب‌گزارش را میخوا ند .) چقدر خسته شده ام !دیشب باز مرض نقرص به‌بند ـبند تنم هجوم آورد وتما م روز را هم ایسو و آنسو دو ید م‌تا کار ها روبه راه شود وحالا هم فضـــــای پر از هیجا ن ،چك چکها ... من بسیا ر خسته هستم !

کر ین : (مینو یسد .) دو ...صفر... صفر ... سه ...• ن نه ... دو ... صفر

شیپو چین (در دهن دروازه ایستاده است و برا ی همکا ر انش نطق مینما ید .) همکا را ن عزیز ، من این تحفه شما را به حیث یاد گار شاد تر ین روز های زند گی ام ، تا آخر عمر نگه خوا هم داشت !بلی، را ستی اقا یا ن !

یك با ر دیگر از شما تشکر میکنم !(با سر انگشتا نش به سوی آ نا ن بوسه

یی میفر ستند و به طرف میز کر ین .

میرود) دوست عزیز ، نزد یکتر یـــن کسا نم !

تما م مد تی که او روی صحنه ا ست کاتبی میاید و کاغذ ها را برای امضـــــا کرد ن میاورد .

کر ین : (از جا یش بر میخیزد .) صایب اجا زه بتین که پا نزده امین سا لروز با نکه به شما تبر یك عر ض کرده و امید نمایم که ...

شیپو چین : (با حرارت دستها یش را

...ازای ار قام چنا ن به نظر میا ید که همه چیز گل و گلزار است . سه ... یك ...شش ... چار ... یك ... پنج ...(با ترق تروق روی چوت کا ر میکند .)

شیپوچین : خبر بدبرایت دادم امروز صبح بازنت آمده بود واز توشکایت میکرد . گفت که‌تودیشب‌وی وخیاشنه انرا میخواستی باکارد نان بری بزنی . گرین ، این چه قسم رفتا ر است که تو میکنی ؟را ستی شرم نیست !

گر ین : سا یب اجازه میتن که به خاطر همی سا لروز از شما خوا هشی بکنم . مهر با نی کرد ه به امور خا نوادگی ما دخالت نکنین.) به‌لحاظ‌همین کار طاقت‌فرسایی که برای شما میکنم شیپوچین (آه) میکشد) هستی ولی بازنان چنان رفتارمیکنی‌کرین‌توآدم خوبی هستی مثل اینکه بیسواد و کهنه فکرباشی.نمی فهم تو چرا از آنا ن اینقدر نفر ت داری؟

کرین : وه نمیفهمم که چرا شما ایقه از او نا پشتیبانی کرده و دو ست شان دارین ؟

شیپو چین : کار مندان دیگر به من به تا ز گی یك البو م یاد گا ری هد یه‌کرده اند و میدا نم که سپهدارا ن میخوا هند برایم خطابه یی ایراد نموده و یك صرا حی نقره یی بخشش بد هند . (در حالیکه باعینك یك چشمش با زی میکند .) این کار بسیار عالی است. همینطور یقین دارم مثلیکه نامم شیپو چین است . به یقین کار بدی‌نخواهد شد . را ستی اگر با نك میخوا هد شهرت پیدا نماید باید کمی خرج‌وبرج کند خوب به هر تر تیب ، آنقدر مهم نیست.تو آدمی هستی که میتوا ن به آن اعتماد کرد و تو خود ت همه چیز را میفهمی .

متن این سخنرانی را خودم نو شته ام و صحراحی نقره یی راهم بنده خریده ام و همچنان پوش چر می رابرای نطق یا دشده خر یده ام . با آنکه اگر پوش چر می را برای متن‌سخنرانی نمیخریدم ، ٤٥ رو بل فایده میکردم ، ولی‌بالابه پسش . خود شان در اینمورد هیچ فکر نمیکنند ، که اینقدرپول از کجا میشود . (به اطرا فش نظر می اندازد .) چه جای خوبی است اینجا ! اوه؟ آنان عقیده دارند که من به همه چیز تو جه و دقت کا فی میکنم . در حالیکه تمام تلاش من اینست که در و دروازه ها خو ب جل وبل بزنند ، کار مندان نکتا یی ها ی باریك به گردن بزنند ، و نگهبان شیك پوش به دهان دروازه ایستاده شود . ولی ، نی آقا ، دروازه ها ی جل و بلی و نگهبا نشیك پو ش چیز های پیش پا افتاده و بی اهمیت نیست . من سعی میکنم اینجا مثل خانه ام رفتار کنم ، مانند یك خوك بخوابم ، وتا بینی نان بخورم وتا لحظه یکه سراز پا نشنا سم شراب بنو شم ...

کرین : لطفا خوده به اصطلاح ده دل ما شیرین نکو .

شیپو چین : کی بیکار است که در دل‌تو خود را شیر ین بسازد . تو عجب آدمی هستی ! من در خانه ادم معمو لی هستم و تسلیم هوی و هوس خشن - ولی در اینجا همه چیز باید با نزاکت وادب اجرا شود.اینجا با نك است ، بانك ! از همه چیز اینجاباید شان وشکوه ببارد . (توته کاغذی را بر میدارد وآن را در بخاری دیواری می‌اندازد.) بزرگتر ین خدمت من این است که شهرت با نك را بالا برده ام !اوه ، نا مش از همه چیز مهم هست ! نشنیدی که نا م بکش وبه غند ی بنشین ! شهرت . همنطور یقین‌دارم مثلیکه نام شیپو چین است .(گر ین با لاو پا یین مینگرد .)

پیر مرد ، چند ین بار برایت گفتم که ممکن همین حالا سر و کله سپهداران پیدا شودو تو هنوز همان کفشهای گشاد به پا داری واین دستما ل کهنه و فر سوده‌او به دور گردنت ! ببین ، رنگ چاکتت به کلی از بین رفته است . با ید یك دست لبا س فراك یا کم از کم یك‌در یشی سیاه به تن مینمودی .

کرین : چا نجوری برای مه مهمتر ازتمام سپهدارا نت است . می بینی که تب تما م جا نمه بیدواری می لرزانه ...

شیپو چین : ولی اینرا قبول کن که سرا پا یت از دیدن نیست . تو خوشنمایی بانك را که برای آن اینقدر کار شده است از بین میبر ی.

کرین : وقتیکه ای سپهداران آمدند ، مه خوده پت میکنم . ای کار چنجال نمی خا ید ... هفت ... یك ...یك...هفت ...دو ... یك ...پنج ...صفر... خو ش ندارم دیگر ای کلمه بد نماره به زبان بیاری هفت ... دو ... نه ... (باز ترق تروق‌دانه های چوت را بلند میکند .) بهتر میبود که‌ده میهما نی شو ز نهاره نمیخا ستی .

شیپو چین : چتیا ت نگو .

کرین: مه‌می فامم که امشو تو بر ا ی نشا ن داد نت ها ل ره از آنا ن پر خا ت کدی . بهتر بود که ده ای باره فکر میکردی اوناتمام چیزه خراب خات کدن. ز نها کاری دیگه نمیکنن جزای که مشکلات خلق نما ینند .

شیپو چین: بس کن دیگر. زنان‌جز حتمی محفل اند .

کرین : راست میگین ؟ ممکن زن شما از کدا م جنس خوب است ، ولی دو شنبه گذشته کا ری کرده که برای دو روز موی بر تنم را س استاد شده بود. یك دفه و بدون مقدمه از مه و او هم پیش همه میپرسه که،«راستی اس که شو هرم برا ی با نك اسهام چتی و پتی ره که نر خ انها در با زار اسهام لحظه به لحظه پا ییندیاید، خریده اس ؟ او بسیار پر یشان به نظر میا ید .» پیش اد مها ی بیگا نه ای گپ از زدن اسس ! مه نمیفا مم که شما چرابه اینا باور میکنین. میخا ین که شماره به زندان بیندازن؟

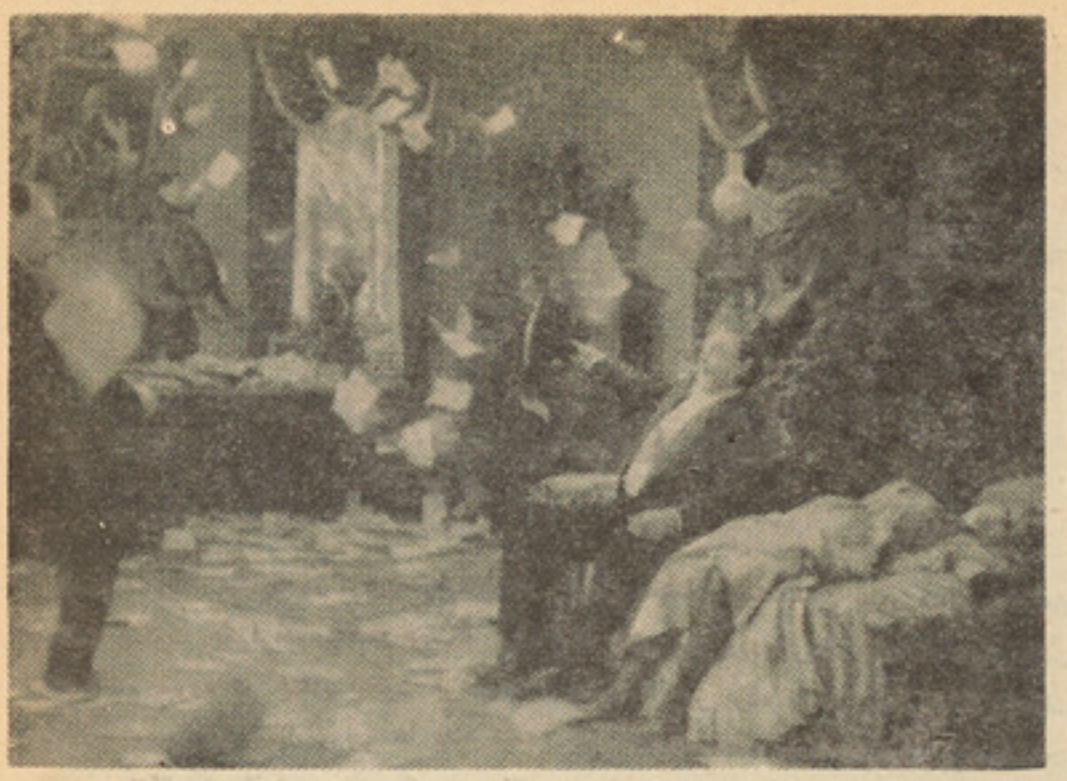

صحنه پایان فلم «سالروزه»

شیپو چین : گمشکو بس است . بیاسعی کنیم سا لروز مابه خوشی تیر شود. تصادفا تو بیا دم دادی . (به سا عتش نگاه میکند.)

با ید زنم به همین زود یها برسد . اگر را ست بگو یم من باید با او در ایستگاه ملاقات کنم ، ولی افسوس که وقت کم‌است... واز طرف دیگر، من به شدت خسته هستم اگر راست برایت بگو یم از آمد نش چندان خو ش نمیشو م . خوب تا اندازه یی خو ش هستم و لی اگر یك دو روز دیگر هم به خا نه مادر خود میما ند ، خوب میشد . او اصرار دارد که من تمام شب را با او باشم و ما تصمیم داریم یك شب زنده دا ر ی خو ش ، پس از نا ن شب، داشته با شیم... (میلرزد)این از تاثیر اعصاب است .نزدیك است غش کنم . چنا ن تا ر ها ی اعصا بم کش شده است ، که با کو چك تر ین تماس به‌گریه خواهم آمد! نی،ولی باید خو درا قوی نگه دارم ـ همینطور قوی مثلیکه نا م شیپو چین است .

تا تیا نا در حالیکه بالا پو ش با رانی‌به تن و بکسی دستی سفری به شا نه دارد، وارد میشود .

شیپو چین :ها! خرس را یاد کن !

تا تیانا: عزیزم !(به سوی شو هر ش میدود ویك بوسه دراز از وی میگیرد .)

شیپو چین : همین حالا در باره تو گپ میز دیم . فقط همین دقیقه ! (به سا عتش نگاه میکند .)

تا تیا نا : (در حالیکه نفس نفس میز ند.) پشتم دق شده بودی ؟ خوب هستی ؟ از ایستگاه بدون تو قف به اینجا آمد م .حتی به خا نه تر فتم. بسیار گفتنیها برایت‌دارم اینقدر زیاد که طاقتم نیامد زیاد تر صبر کنم . بالا پو شم را بکش . من فقط یك دقیقه اینجا هستم و بس . (رویش را به سوی کرین مینماید .) چاشت تان بخیر !(به طرف شو هر ش .) خا نه از هرطرف خیر یت است ؟

شیپو چین بلی عزیزم. دریك هفته گوشتی ترو زیبا تر شدی ... از سفرت لذت بردی؟

ناتمام

کرین (درنتس وی‌ـوی.او. توپورکوف)

ترجمه : احمد شاه

رمز سخنگویی حیوانات و پرنده ها

صحنه اززندگی حیوانات وپرنده‌هادرجنگل

قسمیکه دیده میشود در اوقات زمستان در جنگلات سکوت حکم‌فرما میباشد همینکه برف روبه اتمام میرود در جنگل سکوت برهم‌زده میشود، صدای قیل وقال پرنده ها بلند شده وتقسیم مناطق بین آنها صورت میگیرد.همینکه کدام پرنده قسمتی را تصاحب کرد به دیگر هم قطار ان خود توسط نغمه‌ها خبرداری میدهد تااز ورود در ملکیت او بپرهیزند .

بااینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشند طوریکه دیده‌شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین‌ترتیب یکی پی‌دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف های عاشقانه)او این است:(من‌مجردم ودراوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم)این صداها را بعضی پرنده ها (۲۳٤۰) مرتبه وبعضی ها تا(۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینماید. باشنیدن این نغمه ها و (تصنیف های عاشقانه) پرنده های ماده که نظر به پرنده های نر کمی پسانتر به جنگل رومی‌آورند نیزبه جستجوی جوره خود آغاز میکنند تااینکه باکدام یک تشکیل خانواده بدهند .

پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر به نغمه سرایی چندان جدو جهد به خرج نمیدهند .

مصونیت سرحدات:

ساحاتی را به صورت عموم جانوران در ملکیت خود داخل‌مینمایند‌از لحاظ‌مساحت دارای قیمت مختلف میباشند . بطور مثال پرنده‌های که بالای بحر ودریاپرواز مینمایند دارای‌ملکیت نسبتا تا چیز بوده که در وسط آن آشیانه آنها قرار داشته‌میباشد .ساحه‌ملکیت پرنده‌مساحتی رادر بر میگیرد که در صورت تجاوز دیگران بانول زدن از خود دفاع میکند . ساحه ملکیت بعضی پرنده هااز (۱۰) الی (۲۵۰) متر مربع رادر بر گرفته واما ساحه ملکیت عندلیب تا (۱۲۰۰) الی (۲۰۰۰) مربع متر می‌رسد .

نه‌تنها پرنده ها از مصئونیت سر حدات ملکیت خود حمایه میکنند بلکه حیوانات دیگر ازین قانون مندی پیروی میکنند . تقریبایکماه قبل از تخم گذاری حیوانات ماده محل آشیانه ویابود باش خودرا انتخاب نموده وبا صداهای مخصوص دیگران را هشدار میدهند تااز نفوذبه آنجا خود داری نمایند .

میمون هانیز با صداهای دلخراش ونا هنجار خود دیگران راباخبر میسازند تادر قلمرو آنها تجاوز نکنند یا بطور مثال جانورانی که‌در تندرا زندگی میکنند همینکه در فاصله کمی‌دور کدام جانور دیگر را دیدند یکی پی دیگر می‌ایستند واگر جانب مقابل به صف بندی‌آنها اعتنا نکنداز خود صداهای‌خطرناک بیرون‌میکنند درحشرات همچنین این قانون مروج بوده ونفوذ در ساحه‌ملکیت‌به پروتست‌شدید روبرو میشود در چرچرک هااین عکس العمل هابه اشکال صدای شدید اللحن ظاهر میشود.

بدون اینکه تصادمات خواه درآب ، درخشد بوقوع بپیوندد با اجرای مراسم خاصی محدود میشود. جانوران درین قسمت ازتسلسل‌آواز وصداهای معین کار گرفته ودر هر یك‌ازمراحل صداهای عجیب که حالت‌معین را منعکس‌مینماید ازخود بیرون می‌آورد . اولا صداهای اخطاریه رامیکشند بعد به حمله آمادگی میگیرند. حتی وقتیکه حمله حتمی باشد به جانب مقابل موقع داده میشود تادر همین لحظه تصمیم خودرا عوض نماید وحالات را متشنج‌ننماید.

اگر گذشته از اقدامات‌وتصامیم جنگ وجدال بازهم آغازگردد طبق‌معمول بسیار کوتاه‌میباشد ودیر دوام نمیکند . جانوران چه بزرگ وچه کوچك باشند بعداز حمله اولی ازفرارپر هیز میکند وبعداز ینکه فرار حتمی میشود تعقیب‌آن ازطرف حریف شکل نمایشی رابخود میگیرد.

دراثر تحقیقات متورد قانون مندی جالب کشف گردیده است . به هر اندازه که دعوا و جنجال بین جانوران صورت بگیرد بدون نیروی جسمانی همیشه مالك منطقه پیروز میگرددزیرا حق اولیت تصاحب ساحه به مالك آنجا بر- تریت روانی می بخشد.

به‌این ترتیب یکی از پرنده شناسان معروف بلاگو سکلونوف چندین نوع پرنده هارا مورد چنین‌آزمایش قرار داد. این شخص آشیانه یك پرنده رابه ساحه ملکیت پرنده دیگرانتقال میداد همینکه جارو جنجال برپامی‌شد پیروزی نصیب پرنده میشد که ساحه در ملکیت آن‌قرار داشت . بعد عملیه معکوس‌راانجام دادو ملاحظه نمود پرنده که چندساعت‌قبل پیروزی را کسب کرد درینجا ناکام بدر می‌آمد . به این ترتیب چندین صد تجربه را انجام‌دادوهربار مالك‌ساحه پیروزی بدست می‌آورد .

درین جایك تفاوت جزیی نیز بنظر میرسد که مجاورین به او کمك میرسانند . مشاهدات وتجاربی که در مجمع الجزایر یامال در بحیره کار سك انجام یافته عملیه فوق را به اثبات رسانید .

پرنده های که درین قسمت زندگی میکردند دیده شده که چندین بار به‌همسایه خودغرض ازبین بردن ویادور راندن‌دشمن کمك کرده‌اند. درین ضمن از پرنده های که بنام دم جنبانك مسمی میباشد میتوان یاد آوری نمود . دیده شده که سه پرنده نر همیشه به یکدیگرکمك میکردند بدون درنظر داشت اینکه درمحو طه

پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح)بستنددیگر نغمه سرایی نمی‌کند

تلاش های راکه جانورن غرض محافظه‌تخم‌وچوچه خود به‌خرج‌میدهند توجه‌همه را به‌خود جلب می‌کنند

کدام پرنده مهمان ناخوانده نفوذ کرده است هرنوبت دشمن رابه‌شکل مشترك دورمی‌راندند.

پرنده ها همیشه به عین ترتیب در مقابل نزدیکان خود متجاوز نمیباشند. همینکه زندگی فامیلی روبه‌اختتام میشودپرنده نسبتا مهربان تر را ودر مقابل‌دیگران نسبتا پرحوصله‌میشود دراثر تحقیقاتی که بالای پرنده های که‌بنام‌کله سر خك یاد میشود اجرا گردیده به‌اثبات رسیده است که‌چهل ودوفیصدوقت خودرابرای محافظه ملکیت خودبه‌مصرف میرسانند تااینکه آشیانه بسازند بعدا از عملیات متجاوز گرانه آنها بمراتب کاسته میشود . در مناسبات‌بین پرنده های دیگر نیز از عین قانونمندی پیروی میشود و مناقشات منطقوی اغلبا وقتی اتفاق می‌افتد که هنوز آشیانه‌ها ساخته نباشند.

کسب اطلاع از وقوع خطر ات:

اغلبا دیده شده است که مناقشات فامیلی درجانوران بطور غیر مترقبه وقتی‌قطع میشود که دشمن مشترك در ملکیت آنها رخنه کند. آنهائیکه چنددقیقه‌قبل باهم‌جنگ وجدال‌میکردند مناقشات را یکسو گذاشته ودشمن مشترك‌را تعقب می‌رانند .

قبل ازوقوع احتمالی خطرصداهای مخصوص خطررا میکشند . اغلبا این صداها توسط جانوران متعدد کشیده میشودو هر کدام طوری آنرا اجرا می‌کنند که‌برایش آسانتر باشنداین صداها مخصوصا در حالاتی شدید میباشد که دشمن عزم تخریب آشیانه را داشته باشد.

در سگ ها، موش های صحرایی سیستم اطلاع وبا خبری از نزدیك شدن دشمن نیز انکشاف یافته است وتوسط صداهای عوعوخود همه ساکنین منطقه را با خبر میسازند .بااین اطلا عات جانور های دیگر ازشکل خطر ورفتارو وکردار دشمن بخوبی باخبر میشوند .

وقتیکه در ساحه‌دید پرنده‌های دم درازگرگ ویاروباه واقع‌شود چندین صدای پی در پی میکشند واگر درنده هوایی را ببینند صداهای علیحده میکشند . واگر درنده هوایی به‌سوی زمین خودرا فرو آرد این پرنده صداها بعداز هشت ثانیه یکی پی‌دیگر میکشد به‌این‌ترتیب تمین پرنده در حالات مختلف از خود صداهای مختلف میکشد .

سار نیز توسط صداهای مخصوص همه را از نزدیك شدن دشمن اطلاع میدهد . اگرپشك نزدیك آید یکنوع صدا واگر انسان بخواهد نزدیك شود صدای دیگر را میکشد .

وقتیکه مار صدا میدهد همه میدانند که مساله ازچه قرار است. گرچه صداهای ماربی ضرراند اما همه رابه این نکته متوجه میسازد (من دارای سلاح خطرناك یعنی دارای غد وات زهری میباشم واگر ضرورت بیافتد بد ون تاخیر آنهارا بکار می‌اندازم .)

مارهای آبی طبیعتا دارای چنین سلاح‌نیستند اما همینکه صدا کشیدهمه رابه ترس می‌اندازد وبه عقب میروند . این نوع صدا تاحدی مروج است که از آن حشرات ، پرنده گاو جانوران نیز استفاده میکنند .

صحنه از زندگی پرنده های جنگل

صحنه‌های اززندگی در جنگل

پشك، گنجشك های زنبور خورنیز صدا میکشند . در کشیدن این نوع صدا غرض تر سانیدن دشمنان دارا کوب نیز ماهر میباشد .

تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم ، نوزادان خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب میکنند بطورمثال زاغچه هاباصدا های بلند در مقابل دشمن ازخود دفاع‌میکنند.

اگر نوزاد کوچك دشمن را ببیند به هیا هو می پر دازد ووالدین آن‌به. بسیار سرعت خود ر ابه‌محل حادثه می رسانند درنده را مورد حمله‌قرار مید هند و صداهای بلند جنگل را فرا می گیرد .

خرگوش هاکه بزدل و ترسو بشمار میروند در حقیقت چندان تر سونیست‌همینکه صدای چوچه خود را شنید ند به کمك آن میشتا بند . وقتیکه مردم چو چه‌خرگوش را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار نمی کند حتی بعضی او قات تلاش می‌ورزدتا توجه مردم را به خود جلب کند و آنها را هر چه دور تر از چوچه های خود ببرد . خر گو ش با لای پرنده های لاشخوربسیار شجا عانه به حمله می پر دازد.

روباه ها نیز از چوچه های خود بسیار دلیرانه دفاع میکنند مثلا اگرد ر نزدیك‌غار روباه سگ بخواهد چوچه های او را اذیت کند روباه دورتر فرار نمی کند و اگرسگ او را دنبال نماید بعد از چند لحظه دوباره خود ر ادر حوا لی غار خود می رسا ند.

مثا هدات در قسمت کر دار جا نور ان مخصو صا در حالات بحرا نی نشا ن مید هد که صدای یك پرنده و یا جانور تو سط جا نوران و پرنده های مجاور به عین معنی تلقی میشود . به این تر تیب بطور مثال اگر حیوانات سم دار افریقایی که درقافله های مختلف باهم جمع میباشند اگر یکی از حیوانات خود صدای خطر کشند همه لا وقه از خطر فرار میکنند میمون ها نیز به عین ترتیب عمل میکنند واز نزدیك شد ن‌دشمن مطلع میشو ند .

زاغ ها همینکه در چند متری خود انسان را دید صدا های «قاقا» میکشند . همینکه زاغ های دیگر صدا را شنید ند همه پرواز میکنند .

پرنده ها نه تنها هم نو عان خود را از نزدیك شد ن خطر مطلع میسا زند بلکه از شنیدن صدا ها ی آنها جا نو ران دیگر نیز احساس خطر میکنند . همینکه صیاد به جنگل داخل شود زاغچه ها صدا میکشندو باشنیدن این صدا ها آهو وغیره جانوران از ور ود صیاد به جنگل مطلع میشو ند.

پرنده ها دارای یك نو ع صدا ی‌مخصوص دیگر میبا شند که در مو قع بسیار حساس از آن استفاده میکنند این صدا های کوتاه و مسلسل به‌همه پرند گان از احتما لخطر بسیار جدی اطلاع مید هد - یکی ازپرو- فیسو ران علوم بیو لوژی بنام ایلیچوف‌صدا های خطر پانزده نوع‌پرنده ها را تحلیل نمود ودر نتیجه به اثبات رسانید که‌شیمپای تلفظ «آنها با هم شبا هت تقر یبا تا مدارد به این ترتیب جا نوران از خود در مقابل خطر ات احتما لی دفا ع مینما یند .

خاطراتی از زندان پلچرخی

دارودسته و باند امین درپهلوی سایر جنایات وخیانت های بیشمار حتی حقوق واحترام بزن را نیز لگدمال کردند اعمال ضد انسانی آنها نه تنها خلاف کلتورو عنعنات ملی خلق افغانستان بود بلکه این دوره در جهان در شما دوویاسه دوره‌ظلم‌تاریخ بحساب می‌رود .

باند امین به نصف های شب بخانه هاحمله می‌بردند وبهانه‌های گوناگون‌دختران وزنان‌مردم را راهی شکنجه گاه ها وزندان هامیساختند . جهت معلومات وآگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله ژوندون مصاحبه ای بایك زن جوان‌و یك دختر جوان که مدت چندماه در دژخوفناك باندامین زندانی‌بوده اند داریم که اینك‌از نظر شما میگذرد :

این‌دو جوان باوجوداینکه‌سرحال‌وشادصحبت می‌کردند اما آثار خستگی وکسالت ازچهره هایشان هویدا بود وقتی از آنها خواستم تادر مورد خاطرات خویش از زندان پلچرخی برای ما حکایت کنند. ابتدا صالحه روستا شروع به صحبت نموده ودر جواب این سوال که‌روی کدام جرم شمارا بزندان انداختند گفت:

علت واضح بود به جرم عشق بوطن ،آتش در جان دشمنان مازبانه می‌کشید ودرصددبهانه بودند که مارا توقیف کنند ودر شرایط بسیار بدمخصو صا بعداز کودتای فرزند و فا دار (سیا) در داخل حزب تلاش تمام رفقا دراین بود که سازمان وبه صورت کل حزب رازنده وپای برجا نگهدارد ودوست های سا زمانی باتمام قوت دراستواری سازمان‌رزمیدندوموفقانه ازعهده آن برآمدند که این همه کارها دشمنان مردم راسرسام‌ساخت‌ودست به توقیف‌وشکنجه هازدند که‌بعد ازشکنجه دوراه بود یاباستیل‌و یاپولیگون ،ومن بدینترتیب گرفتار شدم روز ۲۸ جوزا که‌در دفترکار خودبودم ساعت یازده‌ونیم یکنفر آمد وگفت بیا که باتو کار داریم من مخالفت کردم ، دیدم که کارت اکسارانشان داد ومرا باتفنگچه تهدید نموده وسوار موترکرد موتر روانه وزارت داخله گردید وبعداز لحظه انتظار دریك اتاق تاریك درعقب وزارت داخله یك اتاق شکنجه بود که‌در آنجا فورمه برایم دادند که خانه پری نمایم بعد ساعت دوشب مرا به صدارت بردند تافردا ساعت ۹ شب انتظار کشیدم وساعت ۹بود که هیات تحقیق آمد وگفت شما انسان های بسیار خوب معلوم میشوید هر چیزیکه میدانید بگوئید . در جوابش گفتم‌که چه‌چیز را بگویم؟ گفت هرچه‌را راکه‌میدانی بگوو من گفتم که هیچ چیز نمی‌دانم بالگدی که بمن زدندسرم‌گیج‌شدوبدیوار خوردم گفتند که‌بازهم نمی‌گویی؟ زود بگو باکی ارتباط داری ، عضو ارتباط توکیست ؟ظاهرا میگفتم که با کسی ارتباط‌ندارم امادردل‌میگفتم که‌اگر مراتکه تکه هم کنی این جواب رانخواهی‌گرفت ووقتی که‌در باره سازمان‌ورفقای رهبری پرسان کردند که چطور مردم‌هستند باتمام‌قوا از شرف وناموس سازمان و رفقا دفاع کردم که‌این خود مایه خشم آنها وشکنجه دادن مامی‌شد. چه خوش است که دشمن از شکنجه دادن‌خسته شود ونتواند چیزی بدست آورد وباچهره‌عبوس وعنمناك عرق های خودراپاك کند .

بالاخره نوبت برق دادن رسید ،برق رادر پاها ودستهایم بسته کردند. ازشدت درد فریادم برآمد بایك روچایی چرك وخون آلود دهانم را بسته کردند وبعد از دو شب‌شکنجه روانه زندان پلچرخی کردند.

ناگفته نماند که آنها مرابه بهانه پخش‌شب نامه دستگیر نموده بودند والبته مادر پخش شبنامه دست داشتیم مگر بکلی از آن منکر شدیم بخاطریکه پخش آن ازراز حزب وسازمان بودو ومابابد انکار میکردیم .

صالحه روستا درموردخاطرات پلچرخی چنین اظهار عقیده میکند :

خاطرات در داخل زندان نزد اشخاص فرق میکند ، خاطره یك زندانی که‌به ناحق زندانی شده ، خاطره یك‌زندانی متعهد، خاطره خورد سالان که‌بی موجب در سلولهای زندان میلولیدند . اما اندیشه من همیشه به حزبم رفقایم ، فامیلم و مخصوصافرزند دونیم‌ساله‌ام که‌در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته‌بودم خیلی بامن انس گرفته بود موجود بود فراق‌هم یك خاطره بود و همچنان این خاطره که باوجود امکانات محدود می‌توانستیم به رفقائیکه پایواز نداشتند ویا قوماندان قهار زندان مانع ازکمك فامیل هایشان می‌شد ند مددرسانیم ویا بعضی اطلاعات راکه حاصل می‌کردیم به سمع رفقا می‌رساندیم وخاطره های را بیاد میاوردیم‌واز اطفال خود سخن می‌گفتیم ودر چهار دیواری پلچرخی باهم صحبت میکردیم وبالاخره خاطره ای را بیاد میاورم که چگونه دانش های انقلابی خویش را در خدمت یکدیگر می‌گذاشتیم و همچنان خاطره ایمان وشجاعت وانظباط پذیری دوستان هم اتاق خویش‌را همیشه بیادمیاورم

س- از آنجائیکه در وطن محبوب ما سابقه نداشت که زنان را تاکنون به این قسم بهانه ها بزندان بیندازند . ممکنست بگوئید که عکس العمل فامیل شما هنگام باز گشت چطور بود؟ .

در جواب گفت : فامیل خودم وفامیل شوهرم ازراه ،عقیده واندیشه‌من وشوهرم اطلاع‌کافی داشتند ومی‌فهمیدند که راهی راکه مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزی است ویا مرگ مادرم چون یك پسرویك دختر ودامادهایش زندانی شده بودند بعد کافی رنجیده‌وخسته

فامیل خودم وشوهرم از راه وعقیده‌من‌وشوهرم‌اطلاع داشتند وقبول کرده بودند راهی‌راکه‌مادر پیش گرفته‌ایم انجامش پیروزیست ویا مرگ

شده بود از همین سبب زندانی شدن مرا ازوی پنهان کرده بودند وبرایش گفته‌بودندکه صالحه مخفی شده است وعکس العمل فامیل شوهرم درست بمثابه یك برخورد بایك عضو فامیلی -که متعهداست باحزب ووطنش پیمان بسته است که تا آخرین لحظه حیات درسنگر حزب است برخورد میشد باتمام قدرت بخاطر آسایش‌وآرامی من در داخل زندان میکوشیدندو بخصوص که‌از ناحیه کودك خودبه تشویش بودم ، آنها در حالت های گوناگون ازوی‌عکس می‌گرفتند دربین قطی ها برایم می‌فرستادند.

-خوب صالحه جان هنگامیکه خبر آزادیتان‌را شنیدند چه احساسی برایتان دست داد؟

-من در لحظه ایکه خوشی سراپایم رافرا گرفته بود یکبار بفکر زندگی حزبی قبل‌از زندانی شدنم ، بعد زندگی داخل‌زندان‌وتمام خاطره‌ها ازپیش‌چشم‌مانندپرده سینمامی‌گذشت واگر شماآقای خبرنگار ازکام امین نجات پیدا نمی‌کردید ومانند هزاران هموطن دیگر زندانی می‌شدید و در همان وقت احساس یك زندانی را خوبتر درك می کردید واحساس مرادر همان لحظه رهایی میدانیستید.

-فعلا چه پیامی برای‌زنان ودختران‌کشور دارید ؟ پیام من این است که دوشادوش‌دیگر خواهران و برادران خودمانند یك موجود فعال در تحت رهنمایی حزب باتمام قوادر آبادی‌و سربلندی این کشور بیچاره که‌سالها رنج‌زحمت بخوددیده بگوشند.

بعد از شنیدن سخنان صالحه روستا که‌خالی از دلچسپی نبود دختر جوان که سیمین نامدارد ومحصل آکادمی تربیت معلم میباشد بنام تخریب کار از اکادمی منفك گردیده‌بودو بزندان افتیده بود رشته سخن رابدست می‌گیرد .

هر روز در زندان باخاطره سپری‌میشد مگر متاسفانه که قلم وکاغذ بدسترس‌نداشتیم تاهمه را یا دداشت می گرفتیم خاطراتیکه شکنجه های روحی آن خواب رااز چشمان مادور کرده بود مثلا یکی ازآن خاطره ها درشب وقتیکه تاریکی وسکوت مرگبار فضای زندان‌را فرا میگرفت‌ساعت‌یك‌یادوشب صدای دریش نگهبان زندان سکوت را درهم میشکست وموتر داخل زندان می‌شدبعدچندین جوان وپیربیگناه در حالیکه دست هایشان به پشت سرشان بسته میبود آنها رابه موتربالامی‌کردند وموتر دوباره از زندان خارج میشد . فراموش نشود که‌باید بگویم اتاق مادر بلاك اول یعنی‌بلاکی‌که قوماندان زندان در آن بودموقعیت داشت وماازداخل اتاق بااستفاده از یك چوکی‌آهنی که در اتاق داشتیم حادثات‌بیرون را تاجائیکه امکان داشت می دیدیم .چوکی رازیر پنجره قرار می دادیم و بالای آن‌ایستادمی شدیم ،بلی شبهای بیشمار موتر ها راکه مردم بیگناه‌مارا از زندان بیرون می‌برد تعقیب می‌کردیم وقتیکه موتر به سرك کابل میرسید سمت حرکت آن مخالف به سرك کابل تغییر می‌کرد و مقابل قوای چهار زرهدار که کشتار گاه ساخته بودند بنام پلیگون ایستاده می‌شد . بارسیدن موتر چراغ پلنگون روشن میشد وبعداز چند دقیقه صدای گلوله شنیده می‌شد وشعله های سرخ آن به هوای تاریك نمایان می‌شد . دوباره‌از چوکی پائین آمده وبه بستر خواب به فکر می‌رفتیم ،به فکر کودکانیکه پدران خودرا از دست میدادندومادر انیکه دلبندهای‌خودرااز دست میدادند . بمجردیکه صدای پا به‌دهلیز می‌شنیدیم ازتفکرخوددوباره‌به بسترمی‌نشستیم که حالا دروازه زده می‌شود ومارا هم به کشتن می‌برند ، روز ها وشب ها بهمین ترتیب در انتظار سپری میشد انتظار مرگ‌ویاموفقیت تاماه چدی این صدای‌نجات دهنده یعنی موفقیت رابگوش خود شنیدیم .

-سیمین جان اینکه‌ترا چطورودر کجادستگیر کردند برای ما صحبت کن .

-باید بگویم که در مرحله اول درسال۱۳۵۷ محصل صنف ۱۳ اکادمی تربیه‌معلم‌بودم‌که بنام تخریبکار ازاکادمی بطور قطع منفك‌شدم در حالیکه صرف چند روزبه شروع امتحانات نهایی سمستر دوم مامانده بود . بعد هرچه به جستجوی کار شدم موفق نشدم وکسی‌برایم کار نداد تااینکه دریکی از شب‌های ماه جوزا درخانه که جزمن وخواهرم کسی دیگر نبودهمه مهمان بودند ، وساعت‌دوی شب بود که دروازه بابسیار شدت کوبیده‌شد .وقتیکه دروازه‌حویلی رابازنمودیم اشخاص موظف مانند گرگ های گرسنه ومجهز باماشیندار بدون اجازه به‌حویلی داخل شدند وچهار طرف حویلی رامحاصره نمودند وچندتن از آنها داخل‌خانه شدند بعداز تلاشی نمودن تمام‌خانه هاو حویلی ازمن خواستند تا خانه را ترك گفته باایشان یکجا بروم چون ازهمان اول الی‌وقت‌دستگیری برای خدمت بوطن از هیچ‌چیز نمی‌ترسیدم درینوقت نیز هراسی بخود راه ندادم ،باخواهرم خدا حافظی‌نمودم مگر اوازآنهاباگریه می‌خواست که‌بگذارند مادرم رابیینم وبعدبروی اتاق افتاد اورا بهمان حال وتنها رها کرده همرای آنها به طرف موتر رفتم . دیدم‌سه موتر برای بردن من‌آمده دست درموتر وسط نشستم، موتر حرکت کرد، چون شب تاریك بود نفهمیدم‌کجا می‌رویم بعداز موتر پیاده‌شدم وبیك اتاق رفتیم که‌درآنجاشخصی پشت‌میز به‌چوکی‌خوابیده بود بمن گفت تو سمین هستی ؟ گفتم‌بلی . گفت‌مابرای خودت‌کار میدهیم (معلمی) من‌خنده تمسخرآمیز زدم وگفتم شما بسیار لطف دارید ومن ازشما تشکر میکنم که‌درین وقت شب بفکر بی کاری من شده‌اید ،از آنجا مرابه اتاق دیگر که اتاق شکنجه پود بردند چهارطرف اتاق مردهانشسته بودند. مرا گفتند بنشین‌چشم من‌بیك جای‌خالی افتاد وبراه افتادم که به بنشینم مگر فریادی مرا متوقف کرد که به زمین بنشین بعد شکنجه‌با تهدید، توهین، مشت‌ولگدهمرای برق شروع شد وقتیکه شکنجه بپایان رسید ،روشنی صبح تازه همه جا دمیده بودمرابه اتاق‌دیگرفرستادند ودرآنجا بایك تعداددیگر دختران وطنپرست روبرو شدم که همه خسته‌ومانده از اتاق‌شکنجه آمده بودند آنهاگفتندکه‌اینجا اگسا ست بعد ازآن در فکر خانه وخواهر تنهایم‌افتادم ،چهار شب بهمین ترتیب سپری شدو بعد به پلچرخی‌فرستاده شدیم‌البته یك کاروان بسته بودیم که‌از پنج الی شش موتر تشکیل میشد موتر ها پراز مردان مبارز ووطنپرست‌بود وتنهامعاون‌اگسا(نواب) باموترخودمارا همراهی تانقریبا یکماه فامیلیم ازمن هیچ‌اطلاعی در دست نداشتند هر چندایشان روزها تاشام‌همه روزه به دفاتردولتی جهت‌مطلع شدن ازچگونگی مجرم بودن ومحکومیت ام مراجعه نموده بودند اما تااین مدت هیچ اطلاعی برایشان داده نشده بود .

سمین:

متاسفانه قلم وکاغذ نداشتیم‌تا تمام جریانات‌را یادداشت می کردم.

راستی آنهامی‌خواستند که ما باکی ارتباط داریم وبه کجا ارتباط می‌گیریم ووطنپرستان رابه آنها معرفی بداریم مگرماباداشتن اندیشه مردمی وآزادی به‌این شکنجه ها ورنج‌های‌آنها اعتنای نکرده‌وامیدواری‌به‌آینده مستقل‌وپیروزمند به مقاومت خود علیه هرنوع استبداد آنها ادامه میدادیم.

باشنیدن‌پیغام آزادی‌زندانیان‌سیاسی مسرت زیادی برایم دست دادفکر میکنم درهمان لحظه چنان هیجانی بمن دست داده بود که هیچ‌چنین لحظه رادر زندگی ام‌بیادآورده‌نمی‌توانم‌ویکبار دیگر حس مسولیت وخدمت به خلق‌درروحم که‌به جرم آن زندانی شده بودم واز فعالیت‌باز نگهداشته شده بودم دمید. برای یك دختر وطنپرست ازین بیشتر جای خوشی ومسرت نخواهد بود که موقع‌بیاید تادوش بدوش مردان وطنپرست درراه اعمار جامعه نوین حصه بگیرد ازوی خواستم تادر مورد صفات یك زن‌مبارز چیزی بگوید .

-بنظر من یك زن یادختر مبارز همیشه حقیقت بین بوده ودر تاریکی مبارزه را پیش نبرد، یك زن مبارز همیشه همرای اجتماع هم صحبت بوده واز چگونگی زندگی‌مردم خودباخبر باشد ودر راه مبارزه خود علیه یك جامعه ایکه از هر حیث عقب مانده از هیچگونه شکنجه و

بقیه درصفحه ۵۰

سلیان لایق

بهار دروغینه

بیار ساقی گلچهره بادهٔ د و منی
که نقش تازه بریزیم و طرح انجمنی
ازین بهار دروغینه بوی خون آید
مرا رسیده ز حافظ اشارت سخنی
« ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
درین چمن که گلی بوده است یاسمنی»
چنان زچرخ فلک سنگریزه می بارد
که نی بسبزه‌چمن ماندونی به‌گل وطنی
زهر که می‌شنوم‌حرف «سوختم» بالاست
به هرچه مینگرم تیغ و آتش ورسنی
هنوز قطرهٔ خون تازه کار خویشتن‌است
بدامنیکه نگنجد درآن دگر لجنی
بهوش باش‌که این رهزنان بازی زور
خدای تازه تراشند و هیکل وثنی
متاع باغ کهن پرورند و سینه زنند
بنام خار بیابان و سبزه ای خشنی
تو آسمانی و اندیشه ای تو ابر بهار
تونوربخش زمینی ، تومغز وجان وتنی
تو نقشبند جهانی ، تو خلق کارگری
تو بسته بند حوادث ، توقدرت شکنی
بنوش باده مردی وراه چاره بجوی
که چاره جوی نجوید فراغت چمنی
به خار های بیابان اگر نمی نرسد
بهار چیست که لاف ز باغ نسترنی

۱۷ر۶ر۱۳۵۷
کابل

* * *

دبند خوند

خلوینیت کاله آزاد ژوند هسی پوخ نکړم
لکه پوخ چی کړم یوکال عمر دبند
دآزاد ژوند په ارزښت باندی خه پوهوم
چی بندی شوم متی پوه یی شوم پهخوند

دوکتور زیار ، څر خی زندان ۲۳ر۸ر۱۳۵۸

سرود خشم

آهنگر ان پیر،همه پتك ها بدست
باچهره های سوخته ،در نور آفتاب
چون اختران سرخ، بتاریکی غروب
چشمان پراز نوید فرح بخش انقلاب
پتك گران بدست ودهانها پراز خروش
فریاد شان گسسته در آفاق شامگاه
رونیده در دیارافق، خوشه های‌خشم
افسرده برلبان شفق ، بوسه های‌ماه
پنداشتی غریو خدا یان آسمان
پیچیده در کرانه ی خاموش زندگی
بگرفته از فروغ شفق ، رنگ انتقام
آن گونه های که‌سوخته ازشرم بند گی
پنداشتی که خشم فرو خورده‌ی قرون
جوشیده از خرابه‌ی فر توت روزها
پنداشتی که شیون قربانیان جنگ
آتش فکنده در دل آتش فروز ها
از سینه ها رسیده بلبها سرود خشم
افگنده در حریم دل آسودگان هراس
گفتی بر آستانه ی‌این شامگاه تلخ
درهم خزیده سایه ی مردان ناشناس
در چشمشان طلیعه ی توفانی شفق
آرد خبر زخنده ی خونین صبحگاه
فریاد شان گسیخته در آسمان شهر
خشم سیا هشان همه جوشیده در نگاه
درهم شکسته است توگویی سکوت‌مرگ
در رستخیز این شب تاریك وا پسین
برقی دمیده از دل آفاق دور دست
تاسایه ی کبود شب افتاده بر زمین
خوانده بپاس روز ظفر ، باد شامگاه
شکرانه ی گسستن زنجیر بندگی
آهنگران پیر ، همه پتك هابدست
در چشمشان ، طلیعه ی خورشیدزندگی

((نادر نادرپور))

گلها

ومن در شام آن هستیی سامان سوز
همی غارتگران باغ را دیدم
که هر صبحی گلی از شاخه می‌چیدند
وپرپر مینمودند، میدریدند
خنده میکردند ومیرفتند ۰
چه گلهایی !
گل سوسن ، گل سرخ وگل نسرین
گلی زیباتری از زهره و پروین
ولی غافل از آن بودند که روزی
بجای یك گلی
صدها گلی در باغ می‌روید

هارون‌یوسفی

روزنهٔ امید

با عزم و امتنان
با شور شعف وشوق
با قلب پر امید
در کار زندگی
هر دم روان گرد .
• • •
خیر اسه ت گر ترا
آن نیروی شاب
در بازو ها وپنجه
دیگر نمانده است .
• • •
تو غصه راه مده
گر چرخ روزگار
هم مال و مکنتت
ز دستت ربوده است .
• • •
هرگز پریش مباش
گر نخلهای مستی
وان گلبنان عشق وصفای شباب
در بوستان قلبت
پژمرده گشته است .
• • •
افسردگی مکن
از گردش ایام
گر تارو پود هستی ات
از کین و انتقام
فسرده است .

در غم مباش
از نور چشم خویش
کز درد انتظار
گردی کشیده است
امید ز دست مده
گر چند پیر گشته یی و
بسان گذشته نیستی
اما -
آنچه دست داده ای
با جامهٔ دیگر
همراز رزم تست
اکنون تو شادباش و
با غرور تام
در کار زار هستی
جایی به پیش گیر
امروز -
امروز تو میتوانی
با نیروی اراده
با حب وعشق مردم
با لذت ایثار
در نور حق وراستی
باراد مردی تام
هر آنچه خواسته باشی
اتمام آن کنی

شمس الحق - یاسا

***

ویل کول

ویل کول سااوبدن دی انقلاب ته
یوبی بله انقلاب نشی راوړ لای
لـــه ویل سره کول ملګری یو یه
تش ویل هسی هستی نشی لرلای

دوکتور زیار ،امینی شکنجه خای.
۱۷ر۱۱ر۱۳۵۷

ایه های زمینی

آنگاه خورشید سردشد
وبرکت از زمین ها رفت

وسبزه هابه صحرا ها خشکیدند
وماهیان به دریا ها خشکیدند
وخاك مردگانش را
زان پس به خود نپذیرفت

شب درتمام پنجره های پریده رنگ
مانند یك تصور مشکوك
پیوسته در تراکم و طغیان بود
وراه ها ادامه ی خودرا
در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
دیگر کسی به فتح نیندیشید
وهیچکس
دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غار های تنهایی
بیهودگی به دنیا آمد
خون بوی بنگ وافیون می داد
زنهای باردار
نوزاد های بی سر زایدند
وگاهواره ها از شوم
به گور ها پناه آوردند

چه روزگار تلخ وسیاهی
نان ، نیروی شگفت رسالت را
مغلوب کرده بود
. . . . . .
. . . . . .
. . . . . .
در دیدگان آیینه ها گویی
حرکات ورنگها و تصاویر
وارونه منعکس می گشت
وبر فراز سر دلقکان پست
وچهره‌ی وقیح فواحش
یك هاله‌ی مقدس نورانی
مانند چتر مشتعلی می سوخت
مرداب های الکل
با آن بخار های گس مسموم
انبوه بی تحرك روشنفکران را
به ژرفنای خویش کشیدند
وموش های موذی
اوراق زرنگار کتب را
در گنجه های کهنه جویدند

خورشید مرده بود
خورشید مرده بود وفردا
در ذهن کودکان
مفهوم گنگ گمشده یی داشت
آنها غرابت **این لفظ کهنه را**
در مشق های خود
بالکه‌ی **درشت سیاهی**
تصویر می نمودند
مردم
گروه سافط مردم
دلمرده وتکیده ومبهوت
در زیر بار شوم جسد هاشان
از غربتی به غربت دیگر میرفتند
ومیل دردناك جنایت
در دستهایشان متورم می شد

گاهی جرقه‌یی ، جرقه‌ی ناچیزی
این اجتماع ساکت بیجان را
یکباره از درون متلاشی می کرد
آنهابه هم هجوم می آوردند
مردان گلوی یکدیگر را
با کارد می دریدند
ودر میان بستری از خون
با دختران نا بالغ
همخوا به می شدند

آنها غریق وحشت خود بودند
وحس ترسناك گنهکاری
ارواح کوروکودنشان را
مفلوج کرده بود
پیوسته در مراسم اعدام
وقتی طناب دار

چشمان پر تشنج محکومی را
ازکاسه بافشاربه بیرون می ریخت
آنها به خود فرو می رفتند
واز تصور شهوتناکی
اعصاب پیرو خسته شان تیر می کشید

اما همیشه در حواشی میدان ها
این جانیان کوچك را میدیدی
که ایستاده اند
وخیره گشته اند
به ریزش مداوم فواره های آب

شاید هنوز هم
درپشت چشم‌های له شده، در عمق انجماد
یك چیز نیم زنده‌ی مغشوش
بر جای مانده بود
که در تلاش بی رمقش می خواست
ایمان بیاورد به پاکی آواز آب ها .
شاید ، ولی چه خالی بی پایانی
خورشید مرده بود
وهیچکس نمی دانست
که نام آن کبوتر غمگین
کز قلبها گریخته ، ایمانست .

آه ، ای صدای زندانی
آیا شکوه یاس تو هرگز
از هیچ سوی این شب منفور
نقبی به سوی نور نخواهد زد ؟
آه، ای **صدای زندانی**
ای آخرین صدای صدا ها

فروغ فرخزاد

از سیوتنیك

ترجمهٔ ع ،س

تاثیرات نوعیت بازیچه‌ها بالای انکشاف روحی وفکری اطفال

چطور میتوا ن در طفل از او ایل روزهای زند گی اش رو حیه اجرای کا ر ها را به تنهائی پرورش داد ؟ در حال حا ضـر بالای حل این پرابلم تعداد زیـادی اد با روان شناسان داکتـر ها ومختـر عـین کا ر میکنند . چند ی قبلی در مسکو به این مقصد کا نگر س .نهم «شورای بین‌المللی اختـرا ع صنعتی » دایر گرد ید ه‌بود وبرای او لین بار در آن سکشن «اختـراع برای اطفا ل » جا داده شد ه بود .

قسمیکه اشکا را ست اطفا ل در حا ل حا ضر زود تر رشد و نمو میکنند . درینجا اغلبا این سوال مطرح میشود کـه غـرض نموی هر چه بیشتر اطفال‌از کدا م نو ع باز یچه ها با ید استفاده شود .

با در نظر داشت تقا ضا ها ی عصـر لا بر ا توا ر انستیتو ت با زیچه ها در اتحادشوروی سیستم معین با زیچه ها را برای اطفا ل پیشنهاد نموده است . با لای هریك از ین انوا ع با زیچه ها که ذیلا از آنها نا م برده خواهد شد سه متخصص یعنی ادیب ، روا ن شنا س و طرا ح کا ر ها ی زیا د ی‌را انجام دادند .

هنوز از عمر طفل یکما ه‌گذ شته‌نمیباشد که مادر مهر با ن در چیر کت طفل انواع مختلف با ز یچه ها را با رنگ های شو خ میگذارد اما طفل تنها درین وقت به طر ف سقف طاق می بیند . ایا با زیچه هـا درین و قت رو ل معین خود را پیش برده میتوا نند ؟ قسمیکه تجارب متعدد نشا ن داده است کـه در یـن سن ا شیـا ی سا کن تو جه طفل را جلب کرد ه نمی توا نند اما به مجرد اینکه با زیچه درمقابل طفل حر کت داده شود چشم های طفـل‌از حر کت او دنبال میکنند اگر با زیچه‌صدا دار با شد توجـه طفل را اضافه تر جلـب میکند .

مو دل جد ید ی که تو سط انستیتو ت با ز یچه ها در اتحاد شوروی پیشنهاد شده از چو ب سا خته شد ه اما قسمی عیـار شده که برا ی دست بزرگ سا لان‌مساعد است نه برای دست های ا طفـا ل . دستهٔ با زیچه به پا رچه چو ب مدور خا نه می یابد و از بین سوراخی که درین چـوب سا خته شده تار عبور داده شده و در انجام تا ر دو پا ر چه خورد چو ب بشکل مدور او یزا ن میبا شند که دا رای رنگ هـای مختلف هستند .

در ابتدا بازیچـه به طفـل نشان داده میشود بعد از ینکه طفل کمی بزر گ‌شد خود سعی میکند تا آنرا بد ست گیرد و بالا خـره طریـق در ست گر فتن آنـرامی یا بد . این با ز یچه دارا ی صدا ی‌بسیار ملا یم میبا شد همینکه طفل یکی از پا رچه های مدور را بد ست گر فت دفعتا پارچه طرف مقا بل بحر کت می آید . این‌حالت به طفل مشغو لیت بهتر را ایجاد میکند به ایـن ترتیب طفل می‌آموزد تابه چه تـرتیب اشیا را در دست بگیرد و آنرا نگه دارد در نتیجه ما هیچه ها ی انگشتا ن دست‌های طفل خو بتر نمو میکنند .

همینکه طفل گرفتن اشیا را آمـو خت میتوان در پهلوی بازیچه اشیای خورد دیگررا او یزا ن کرد همینکه طفل آنها را بدست گر فت چند ی‌بعد می آموزد که اشیا به حالت سخت ، ملایم ،سرد وداغ مو جـود میبا شند . به هر اندازه که اشیا اضا فه تر با شند به هما ن اندا زه تجر به طفل درین قسمت مکمل تر میشود .

طبق عقیده روان شنا سا ن طفل درانر فعالیت نموی بیشتر میکنند. بـر ا ی این مقصد انستیتو ت مذ کور با زیچه دیگررا پیشنهاد کرده که همچنین صدا دارمیباشد در تار پارچه های مدور ، استوا نه مـانند و حلقه ها او یز ان هستند اما هر کدا م اینها دارا ی اندا زه ها ی‌مختلف میبا شند اندازه ها ی پا ر چه ها ی استوا نه نـی و مدور نظر به اندا زه حلقه خورد تر هستند به این تر تیب میتوا نند از حلقه بگذ رند . هر با ر که طفل با این‌بازیچه بازی کند معلوما ت جدیدی را می‌آموزد زیرا این با زیچه امکا ن مید هد تا طفل راجع به اندازه اشیا و مقیاس آنهـا معلو ما ت پیدا کند . به این تر تیب‌سعی شود تا طرق جدید درین قسمت برا ی‌اطفال پیشنهاد شود تا معر فت اطفا ل را جع به محیط پیرامون هر چه زود تـر رشـد کنـد اختـرا ع و طفل این کد ام مفهو م را ارائه میکنند ؟

قسمیکه معلو م است اطفال به محیط‌پیرا‌مو ن به بسیا ر هیجان و علا قه نگا ه میکنند و هر چیزی که رنگ شو خ‌داشته باشد توجه آنها را به خود جلـب میکند . همینکه والدین به این نکته متو جه شدند دفعتا تعداد زیاد با زیچه ها را میخر ند و همه را خود به تر تیب در پهلوی طفـل میگذ ارند و طفل درین صورت منحیث نا ظر به همه نگا ه میکند . وا لد ین درین قسمت اشتبا ه را مر تکب میشو ند زیـرا آنها خود در طفل رو حیه بی علا قگی را پرورش مید هند . زیرا طفل و قتی که در حدود ۳ الی (۵) سا ل داشته میباشـد نه تنها شکل ، تنا سب و مو قعیت اشیارا می داند بلکه نکته مهم اینست که طفل‌خود میتواند که جهان بازیچه های خود را خـود قشنگ سازد .

په‌وړکتون کې‌ماشومان خپل ښوونکي ته‌په‌خیـــر سره متوجه دي

ـ ـ ته خیرونو خخه

دبر یا لی علی زاد ژباړه

دماشوم دشخصیت پر وده باندی دوړکتون اغیزه

کله چې ما شوم لو یږی پخپلو پښودریږی او پر لاره روا نیږی او هم خپله خوله په خبرو پرانیزی مور او پلار یې پدی فکرکیږی چې خنګه باید هغه وروزی تـــرڅو دهغوی خخه د ټو لنی یو فعال غړی جوړ شی .

دهمد غی مسئلی په ارتباط له شوروی مقا ما تو خخه دهغو کو چنیا نو د روز نی په هکله چې لاښو ونځی ته دتګ تا کلـــی عمر ته ند ی رسید لی زیا تی پو ښتنـــی شوی ۰ ددغه شان سوالو نو په ځواب کـــی با ید وویل شی چې وړ کتو نو نه ددغـــه شان مسئلو په بشپړ او صحیح حـــل کـــی دکو رنیو سره په زړه پوری مر ستـــــی کوی .

دشوروی اتحاد په اسا سی قانو ن کـــی پدغه هکله داسی څر ګند ونه شوی (دشوروی اتحاد دولت دهغو کو چنیانو دروزنی پـــه برخه کی چې دښوونځی ټاکلی عمر ته‌نه ـ وی رسید لی د ځا نګړ و مو سسود پرا خو شبکو په ایجـاد کـــورنیوسره نه‌ستړی کیدونکی مرستی کوی ۰)

دشوروی سو سیا لیستی جمهوریتو نـــو داتحاد حکو مت داستقرار د لو مړنیوکلو نو را هیسی د هغه هیواد په عره بر خه کـــی دوړ کتو نونو جوړول پیل شوی او ورځ‌پـه ورځ مخ په پرا ختیا ده ا وهمدا او س‌ید غه هیواد کی ددولسو ملیونو تنوخخه زیـات ما ـ شو ما ن شیر خوار ګا ووته سپا رل کیږی‌او وړ کتو نونو ته ځی .

په لویو صنعتی ښارو نو کـــی زیاتـــره کور نیو خپل ما شومان لـــه‌دری ګـــلنی خخه دښو ونځی‌تللو تـــر عمره پـوری هغو وړ کتونو نو ته چې دهـــغوی دکارځـــــای او یا کورته نږدی واقع دی سپا ری او په عادی تو ګه ما شو م دسپا ر له اتو بجـو خخه دماز دیګر تر پنځوبجو پوری په وړکتونو ـ نو کی وی .

دلته شا ید سوال پیدا شی چې و لـــی میندی او پلـرونه د خپلو ما شو ما نودروزنی دپا ره دټو لنیزو موسسو خخه ګټه اخلی؟

دکوستر وماډښار(چې‌دوالګاکی دسیـــند په غاړه پروت او دوه سوه پنځو س زره‌تنه او سید و نکی لری) ټو لنپو ها نو د هغو تحقیقاتو د تحلیل او تجز یٌ خخه چې ددغه ښار په شپږوبیلا بیلو صنعتی واحد ونو کی سر ته رسو لی دغه نتیجه تر لاسه کړ ی چې ورکتو نونو ته دکوچنیا نو د سپار لوپه بر خه کی ما دی ګټی په نظر کی نیو لودو ـ ستی ځای لری . ځکـه چې په سلو کـی پنځه تنو میند واو پلرو نو دهمد ی مقصـد دپاره خپل کــوچنیان وړ کتونـــو نوتـــه سپا ری .

کو رنیو دغه مو ضو ع چې دما شو ما نو سا تنه په وړ کتو ن کی د کور په پر تله ارزانه‌تما میږی یو عادی‌کار بـــــولی ۰

په شوروی اتحاد کی په عادی تـــوګـه‌دما ـ شو ما نو د ساتنی ځلور پر پنځه بر خه خرڅ په وړ کتو نو کی ددولت له خواورکول کیږی او هم دهغو کو رنیو دما شو ما نو ټول خر څ چې زیات کو چنیا ن و لری ددو لت له خوا ور کو ل کیږی .

دځینو ټولنپوها نو پـــه عقیده څـــرنګه چې په شوروی اتحاد کی مورا و پلارد واړه‌له کور خخه دبا ند ی کا ر کوی او په کور کی هیڅوک نلـــری چې د هغو د ماشومانو سا تنه وکړی نو مجبور دی چې خپل ماشومان وړکتونونو تـــه وسپاری۰

مګر دوی تیرو تلی دی ځکه چې په‌سلوکی یواځی اته خلوېښت کورنیو له همدی کبله خپل کوچنیان وړکتـــونـــونـــو ته‌سپاری پــــــداســـی حال کـــی چــی زیاتره کو رنی دټو لنیزی روزنی په مقصد دغـــه کا ر کو ی او دوی عقیده لری چې‌ټو لنیز روزنه تر کورنی روز نی غوره ده نو پد ی توګه په زغرده ویلای شو چې دما شومانو په روزنه کی وړکتو نونه ښه دکور نیو باوری مـــر ستنـــد و ی د ی ا و په حقیقت کی (د ر و ز نـــی په برخـه کی) ا و س د ښوونځیو په شان عـــامه ښه‌غوره ګرځیده او هم دیو لړ څیړنوپه نتیجه کی دا حقیقت تر لاسه شوی چې دیو نسل رو حی اوجسمی روغتیا او اخلاق په وړ کتو نو نو کی دکو ـ چنیا نو دروزنی سره نه شلیدو نکی اړ یکه لری .

دشوروی سو سیا لستی جمهو ریتو نـو داتحاد په اساسی قانون کی دا هم ذکـــر شوی چې (دشوروی اتحاد دولت خپله دنده ګڼی‌چې دانسانی شخصیـــت دسالمی ودی دپا ره هراړ خیز پراخ امکا نا ت تا میـن کړی) ۰

اوس وینو چې آیا د فردی شخصیـــت وده کله پیل کیږی .

دایو انکارنه منو نکی حقیقت ده چـــی دشخصیت وده‌دمعلو ما تو دترلاسه کولـــو خخه پیل او د معلو ما تو لاس ته راوړ ل اووده موده غواړی نو پد ی توګه یو اووده‌عمر په کا ر دی تر خو دمعلو ما تو په ټولولو سره د شخصیت ودی ته پرا ختیا ورکـــړ شی.

دایوه تصا دفی مسئله نده چې د شوروی اتحاد دوړ کتو نونو په ورځنی مها ل ویش کی ښو ونه ، حسا ب، لو ستل خبری کول او طبیعت پیژندنی ته ځای ورکړ شو یدی بلکې دیو لړ تجربو په‌نتیجه کی ثابته شوی چې دا ټول دما شو مانو د معلو ما تو پـه زیا توالی او پد ی تو ګه د هغوی دشخصیت په وده کی خو را اغیز من دی .

په همدی تو ګه په هغه مهال ویش کی چې دشوروی اتحاد دښو و نی او روز نــی ووزارت له خواتصویب شوی دهرځـــــه‌نه زیات تا ښو مانو لوبو ته زیاتــه‌پاملـــرنه شوی او ورسره چو ځت ماشو مانوته دنقا ـ شی، مجسمه جوړ ولو، ډول ډول صنا یعو، لڅا دشعر اوسندری ویلو زده کړی تـه پـه ګلکه اشا ره شوی . همدا رنګه په‌دغـــه مهال ویش کی داسی شیا نو ته ځای ورکړ شوی چې دما شو ما نو دفکری ودی سر ه جو ځت د هغوی احسا سا تو ته هم و ده ور کوی . دمثال په تو ګه که کوم ماشوم داسی مشخصات ولری چې دنورو ماشومانو پام ځان ته واړوی اونورو ته داحتـــرام پـه ستر ګو و ګوری ښو ونکی نی مجبور دی‌چې دغه‌صفتونه د ښو ونی او روزنی په مر سته په هغه کی و زیږوی . نو پدی تو ګه‌باید هر کم جراءّ ه او آرام ما شوم باید دااحساس پیدا کړی چې نور ورته احترا م لری اود احترا م وړدی . اوکه نه‌امکا ن لری دژوند تر پایه پوری ځان بیو زلی اومعیوب‌احساس کړی .

هر ښو ونکی باید خپل شا ګر دان پـــه مختلفو لارو داسی تشو یق کړی تر څوهر یوبی وکولای شی‌خپل حال او پټ‌خـــصو ـ صیتو نه په خورا جرات سره څر ګندکړی دمثال په توګه د یو ماشوم زیات شمیـــر کیسی زده دی ، بل ماشوم کولای شی چې خواړه په ښه توګه پر میز با ندی تنظیم کړی او ځینی نور ما شو مان دموټر ونـــو مختلف ډو لونه ښه پیژنی ښو و نکی‌ددی دپاره چې دماشومانو پام یـــی دهـــغو دغـو خصو صیتو نو ته‌په ښه توګه اړ ولی وی‌باید په واد سره هر ماشو م ته‌په لوبوکی غوره برخه ور کړی چې پدی تو ګه هـــرمـــا شوم ځان پر دی نه بولی اوپر ځان بی اعتماده نه وی له‌دی ټولو سره سره بـــیاهم وړکتونډ ماشوم‌پـــه روزنه کی دکور ځای نشی‌نیولای۰

مګر بیا هم دمیندو او پلرونه سره‌دهغه ستر او د روند دندی په ترسره کولو کی چې دخپل ما شوم دسا لمی روزنی له امله په غاړه لری دلیدووړ اوپه زړه پوری‌مرستی کوی .

سیری در جهان هنر

هنر و نقش آن در انعکاس واقعیت های عینی زندگی

زندگی اجتماعی پر از فراز ونشیب هـای است که فراز ونشیب گاهی نهایت دشوارو جانکاه است ومقابله باآن شرط لازم وضروری زیست وادامه پراتیك اجتماعی. دانشمندان و هنرمندان جامعه که اندیشه های والای مردمی داشته دربدترین شرایط اختناق ترور، وحشت واستبداد همیشه جناح مردم را گرفته واقعیت های تلخ زندگی را به اشکال مختلف وطریق مختلف بیان نموده اند .

زمانیکه هنرمند تحت شرایط ویژه استبداد مطلق العنانی درباریان قرار داشته باشدپیوسته کوشیده تا جناح های مختلف حیات اجتما عی راکه درزیر پاشنه‌های آهنین جلادان بشریت خرد وخمیر گشته بواسطه عـلایم، سمبـول وتصاویر وکارتون ها انعکاس داده ونویسند گان اشعار که‌مبین مبارزه مختلف ، آواره گی پریشانی وفقر وشکنجه جانکاه بوده بیـان نموده‌اند مجسمه سازان مردمی همیشه مجسمه وهیکل های ازمردم ستمدیده را که‌باهیو لای زندگی مقابله نموده ودر نبرد رویاروی قرار داشته بوجـود آورده ونقاشان چیـره د ست مردمی همیشه نابرابری ها، فشار وبی‌عدالتی اجتماعی را در تصاویر گویای شان که چهره منحوس استبداد وقت راباز گو نموده‌گنجانیده که همه وهمه در خدمت خلق ومردم خویش بوده اند ونام شان در اوراق تاریخ با خـط زرین درج گردیده ومردم وتوده های ملیونـی ستمکش همیشه به‌نیکویـی از ایشان یـاد نموده وسپاس گذار آنها اند .

امابرعکس بودنـد هنرمند دلقـك پیشه وشاعـر درباری که افسار دربار رابه گـردن گذاشته چکیده های ادبی ، هنری وغیره را به مدح وتوصیف اقلیت مفت خوار ستمگر جامعه وقف نموده اند .

اما از آنجائیکه زندگی اجتماعی درجوامع طبقاتی ، مهر طبقاتی داشته وطبقات ستمگر جامعه در هرم جامعه قرار داشته بـا کمك هنرمندان ، نویسند گان ومورخین گماشته خویش همه دست آورد های فرهنگی ، مدنی واجتماعی را که خلق وتوده های مردم بـه حقیقت آفریننده آن بوده‌اند به خود ودرباریان خویش نسبت داده اند وکمتر نامی ازشاعران هنر مندان ونویسند گان مردمی را تذکـر داده اند . اکثر چنین نویسندگان ، هنـر- مندان درعالم گمنامی بدنیا آمده در عـالـم گمنامی جهان را بدرود حیات‌گفته‌اند .

امروز که روند تاریخ در دایره مخالف‌آن یعنی به نفع توده ها وستمکشان جامعه دور می‌زند وپیشاهنگان جنبش های مترقـی و پیشرو که از آیده‌لوژی طبقه پیشرو وانقلابی الهام می‌گیرند درین تلاشند تا آثـار شان را مطابق به خواست زمـان وایجابات وقت مطابق به‌قانونمندی علمی پدیده های اجتماعی که تخطی ازآن منجر به‌نابودی شخص‌میگردد به جامعه عرضه نمایند هم چنان کاوش ها وتحقیقات در مورد فرهنگ وکلتور پارینـه بعمل آورده آثار هنری که هنر مندان‌گمنام جهات کلی وتا برابری های اجتماعی وقـت را ترسیم نموده بودند در پیشگاه هنرمندان علاقمندان و محققین قرار دهد تابا استفاده‌از آن دانش پژوهان جوان عصر ، بتـوانـنـد گذشته را دقیقاً مطالعه نموده وبا مطالعـه گذشته وحال آینده جامعه آدمیزاد را بصورت دقیق‌تر ، عمیقتر وژرفتر پژوهش وپی ریزی نمایند همه این هنر های که در گذشته‌های دور مقابله ومبارزه انسانها وطبقات را وانمود می‌نموده است الهام بخش آن اندیشه هـای در دماغ ومغز انسانها وهنر مندان ، شاعران ونویسند گان مردمی گردید که همیشه در جهت منافع ومصالح توده ها اندیشیده وتوده هارا آفریننده تاریخ قبول نموده‌اند.

این تابلو نمایانگر ازدواجهای غیر اصولی‌است‌که بی‌عدالتی وقلدری طبقات ستمگر جوامع رانشان میدهد

مستضعفین که‌دست تکدی بسوی‌رهـروان‌سنگدل دراز کرده‌اند این تابلو صبغهٔ مـردم داری هنرمند را وانمود می‌سازد.

ژونـدون

طفلکان معصوم نیز مورد استثمار بی‌رحمانه‌ستمگران بوده که تابلو نمایانگر آن است.

آنچه هنر مندان امروز به آن می‌اندیشند این است که هنر نباید فقط در خدمت هنر قرار گیرد زیرا درین صورت آثار هنری از وراء واقعیت های عینی نشئت کرده سبقت گرفته وفقط در دایره هنر هنر برای هنر ویکنوع تکلف وپیچیده گی های را بمیان میاورد که از زندگی مردم وازواقعیت‌های عینی کاملا تجرید میگردد اما هنر برای مردم درخدمت مردم جهت ارتقاوتکامل‌زیربنا وروبنای هستی اجتماعی شده واقعیت های عینی جامعه نقطه گره ها ومشکل هارا بازگو نموده وجهتی را وانمود می سازدکه‌مطابق به قانونمندی عینی تکامل پدیده هاسیرو حرکت میکنند هر گاه هنر در خدمت مردم قرار گیردوبتواند جهات‌کلی زندگی اجتما عی ر وانمود سازد گفته میتوانیم که پروسه رشد وتکامل حیات اجتماعی نهایت موزون و مطابق به قوانین عینی تکامل بوده نهداب اساسی محکمتری ردر جهت رجحان وار تقای کامل می پیماید .

ترجمهٔ : س . ا

اوبدنیا آمد تاهنر رقص را به‌اوج آن رساند

پیشگویی هادر قسمت هنر متاسفانه‌همیشه تحقق نمی‌یابند . اغلبا اتفاق می‌افتد که‌یک استعداد جوان مانند ستاره روشن میدرخشداما چندی بعد خاموش میشود . به این لحاظ در مورد پیشگویی در قسمت هنر از احتیاط کار گرفته شود . اما نادیا پاو لووه این (عجیبه کوچك) هنوز چند سال بیش نداشت که همه رابا مهارت خاص درین قسمت تسخیر کردو به پیشگویی های مردم جامهٔ عمل پوشانید. دوسال بعد از نمایش موفقانه خود در مسابقه سر تاسری شوروی دو باره در سال ۱۹۷٤ در مسابقه بین المللی هنر پیشگان بالت که در مسکو دایر گردیده بود اشتراك ورزید . نادیا درین وقت هفده سال بیش نداشت .

درینجا برای اولین جوره نادیا هنر پیشه

هردو خوش وخندان به سوی تیاترمی‌روند

جوان ویچسلاوگردیف که چندی‌قبل‌در گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ مسکو شامل شده‌بود انتخاب شد . در نتیجه قرعه معلوم گردید که یکی از آنها نمبر (۹۹) ودومی نمبر (۱۰۰)را انتخاب کرده بودند . در مقابل این دو هنر پیشه جوان ستاره های درخشان جهان هنر بالت نمایش های متعدد اجرا کردند . اماوقتی یکی از روز نامه نگاران از نادیا پرسید کـــه قبل از اجرای نمایش چه احساس‌میکند . نادیا جواب داد احساس(مسرت) .بلی احساس مسرت نه پراگندگی این نکته خود پسندی هنر پیشه جوان نبود بلکه از احساس پاك درونی او حکایت میکرد که همیشه هنر پیروز میگرد ونه خود پسندی .

بعد از قسمت اول مسابقات نادیـــا۱۱ر٦٥ از (۱۲) نمره ممکنه بدست آورد . سپس دو- قسمت دیگر مسابقات نیز پایان یافت و معلوم شد که گردیف مدال طلایی و نادیا پاولووه همچنین مدال طلا را صاحب شدند . نکته‌جالب این است که همه اعضای هیات ممیز به اتفاق اراء به این عمل موافـــق رای دادنـــد.در ترکیب هیات اشخاص ورزیده جهان بالت مانند هنر پیشه درجه اول تیاتر بزرگ یوری‌گریگو روویچ، بالرین‌معروف کیوبا الیسیبا الونوس بالرین فرانسوی کلود بیسی ، ستاره های معروف‌بالت شوروی گالینا اولانووه ومایا- پلیستسکایا شامـــل بودند.

این شناسایی بالرین جوان در بالت‌حادثه غیر عادی بود، زیرا بالت خود یك جهان‌مغلق ومتضاد است . کدام نکات ومشخصات نادیارا از هنر پیشگان رقص بالت متفاوت میساخت؟ آیا تخنیك پر مهارت ؟ نه خیر زیرا در آن اوقات نادیا هنوزبه این‌نکات چندان وارد نبود.

نکته جالب که همه را متوجه او ساخته‌بود این است که او در رقص به اصطلاح زندگی میکرد وقابلیت آنرا داشت . بخاطر می‌آورند وقتیکه نادیا کوچك در مکتب مسلکی بالت در شهر پرم مصروف تحصیل بود در یکی از نمایشات امتحانی پروگرام ذیل ترتیب‌یافته بود. قهرمان او دختر کوچك با پیراهن نازك سفید بود که میخواست به پدر خود طوری نشان دهد که رقص‌بالت رافرا گرفته ومیخواهد درین رشته تحصیل نماید . برای این کارخود قیافه ها وژ ست های متنوع رابه او تمثیل ونشان میداد . درین‌پروگرام بسیار کوتاه‌نادیا به‌اندازه حیله ومکارگی طفولیت را تمثیل‌کرد که صد فیصدبه واقعیات‌زندگی مطابقت داشت.

نادیا هنوز چند سال نداشت که‌در نمایشات بالت در مکتب مسلکی وحتی در تیاتر شهرپرم در مقابل تماشاچیان ظاهر شد . اما نه‌درمکتب ونه در تیاتر بادختر کوچك محاسبه انجام می‌گرفت همه می‌گفتند : هنوز بسیار کوچك است .)

بعداز اجرای نمایشات در مسکو نادیا وگردیف باگروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ عازم امریکا شدند . این پرو گرام را کار گردان معروف سول یورك ترتیب کرده بود . قسمتی را که نادیا وگردیف‌درآنجا اجراکردندتوسط مطبوعات امریکا بنام (قسمت پرهیجان نمایشات) یاد کردند .

درسال ۱۹۷٤ نادیامکتب مسلکی بالت‌شهر- پرم رابه پایان رسانید وبه حیث رهبر گروه در تیاتر او پراوبالت شهر پرم شناخته شد. چندی بعدبه مسکو به تیاتر بزرگ دعوت‌شد. این دعوت بسیار مهم وارنده ودرضمن‌بسیار مشکل بود . زیرا اگر چه نادیا درین وقت‌از باریکی های هنر رقص بالت آگاه بود اماضرور بود تابسیار کار نماید تارول های جدید رابه طور موفقانه آن انجام دهد .

بتاریخ ٦ نوامبر سال ۱۹۷٥نادیا وگردیف هردو منحیث‌قهرمان های رول عمده رادر بالـت (ژیزل) در ستیژ تیاتر بزرگ اجرا کردند ودر همین روز عروسی خودرا نیز جشن گرفتند.

در حال حاضریکی از شخصیت های‌برجسته هنر رقص بالت ولادیمیرواسیلیف بااین جوره ممتاز نمایشات خودرا اجرا میکند . اول کار دسته جمعی اینها تحت عنوان (ایکار) اجرا گردید که در آن گردیف رول انسانی را که میخواهدبه اسمان پرواز نمایدو پاولووه بحیث دوست صدیق او درین قسمت کار میکردند. ایـن نما یـش از طرف تـماشاچیان‌به‌بسیار گرمی استقبال شد. دریـــن اواخر این‌جوره ممتاز در چنین نمایشنامه های معروف مانند قهر مانان (قشنگ خوابیده)، (دون کیشوت) (سپارتك) رول های مهم و ارزنده را ودرضمن به بسیار خوبی اجرا میکردند . نکته مهمی‌ودر ضمن مخصوص که این جوره را از دیگـــران متفاوت میسازد اجرای رول هابه شکل عجیب و صداقت در کارآنها میباشد. دریکی ازروزها از هنر پیشه عمده تیاتربزرگ یوری گریگورو ویچ پرسیدند که این جوره را باگه مقایسه میکند ؟اوجواب داد .(باهیچ وتکالیف‌بوداماناديا

راهی را که این جوره در قسمت هنرپیموده فکر میشود بدون رنج وتکالیـــف بوداماناديا پاولووه وگردیف این را بخوبی درك کرده‌اند که‌با شخصیت های برجسته هنر تیاتر بزرگ رقابت آنها کار ساده نیست . درین ضمن متخصصین بر جسته هنر هوشدار میدهند که فقط تسخیر تماشاچیان توسط حرکات الاستیکی وسپورتی کفا یت نمیکند . چیزی که برای‌دختر پانزده ساله ، بالرین معروف عصر حـــاضر (عجیب) است مراحل سپری شده اودر هنرش میباشد .این که تاکدام اندازه این جوره‌به‌حال فعلی خود باقی میمانند پراکتیك آینده نشان خواهد داد .زیرا قسمی که گفته شد پیشگویی درقسمت هنر شکل اتفاقی وناگهانی را دارا میباشد .

مترجم : حفیظ‌الله عمادی

چگونه علاج امراض را میتوان با مواد آرسنیک انجام داد

در سال ۱۹۱۵ زمانیکه پال ایرلیچ دانشمند بزرگ‌آلمان جایزه نوبل را صاحب گردید او به تحقیق راه درمان ونجات آدمیزاد را از مرض تباه کن سفلس کشف نموده بود او بصورت ساده‌و آسان توانست حق‌الامتیاز ادویه کشف شده هایدرو کلوریك دای اوکسی مینورسی نوبنزول را بدست‌آورد.

اما باوجود کشفیات بزرگ‌پال‌موادی را که به دسترس مطبوعات قرار داد خیلی ها ناچیز بود. مواد ی که دانشمند مذکور روی‌آن تجربه وتحقیق‌می نمود ۳۲ فیصد موادآرسنیك (زهرحیوان کش) راکه خیلی هابه‌حیات ز نده جان ها مضر وکشنده است تشکیل میدادامادانشمند دگری که بااو یکجا تجربه وتحقیق می نمود از نتایج تحقیق وامتحانات‌خویش خیلی ها محظوظ وخورسند به نظر می رسید زیرا بعضی تزریق های موادمذکوردر بعضی حالات نتایج خوبی‌داده بودکه بالاخره‌توانستند تداوی موثری را برای امراض سفلس‌کشف نمایند در گذشته ها قبل از تداوی سفلس باموادآرسنیك توسط فشار وعکس العمل سیماب صورت می گرفت که این عمل‌منجربه تخریب عده از ارگانیزم وجود وسلول ها میگردید .

مرض سفلس در ابتدای قرن ۱۶ ازایالات امریکایی توسط کشتی های اسپانوی به‌قاره اروپا وارد گردید که این مرض مانند کولرا طاعون به زودی اثری از خود بجانمی‌گذاشت اماوجود داشت. تعداد زیاد مردم مبتلا به آن پدرود حیات گفتند این مرض بعد ها به اثر رشد وتکاملش ستون فقرات را نیزمورد حمله قرار میداد .

ممکن است علت مبتلاشدن به سفلس رااطبا وپزشکان متجربه‌در یافته‌بودند مگر نمیدانستند که چگونه میتوانند بااین مرض خانمان سوز مجادله نمایندامادانشمندپال ایریچ‌به‌اثرزحمات وتلاش های پیگیرش توانست درین راه موفقیت نصیب گردیده ودر مان موثر رابرای مبارزه‌و مقابله با آن کشف نماید .

پال در سال ۱۸۵٤ در شهر سلیسیاچشم به دنیا کشود او بعد ازین که تحصیلات خودرابه پایان رسانید در رشته طبابت قدم گذاشت او از همان زمان در نگهداری وپاکی حجرات موفقیات بدست آورد این کار و موفقیت‌اوباعث گردیدکه راه را برای رابرت کوخ‌دانشمند شهیر دیگر در مورد کشف توبر کلوز هموار سازد . که بعد ها رابرت کوخ در موسسه تحقیقاتی وعلمی برلین مصروف کشفیات و تحقیقات علمی گردید . پال ایریچ باکمك ایمیل بهرنیگ توانست تاثیرات ناگوارمرض دیفتری را ثبت‌واندازه نماید که این مرض تباه کن باعث‌نابودی وقتل‌بسیار اطفال درسنین طفولیت میگردید.سیستمی را که‌پال برای‌اندازه گیری شدت مرض دفتری کشف نموده است تاامروز حیثیت‌بین المللی‌داشته واز آن‌استفاده مزید به عمل میاید .

پال درسال ۱۸۹۹ در موسسه تجربوی‌شامل کار شد که از آن موسسه پول کافی در یافت می‌نمود که‌کلیه مخارج زندگی او راتا مین نموده میتوانست ودرآنجا به‌آرامی مصروف کاروتحقیق شده که این امرزیادتراو رابه عظمت وشهر تش رسانید . او عقیده داشت‌که تداوی امراض با تطبیق سیروم آنقدر موثر تمام نمیشود زیرا ثابت شده بود که تطبیق سیروم نمیتواند امراض ساری رااز بین ببرد اما تداوی و تطبیق سیروم تنها به امراض که

بقیه در صفحه ٥٤

دانشمندجاپانی حین مطالعه‌دیده می شود

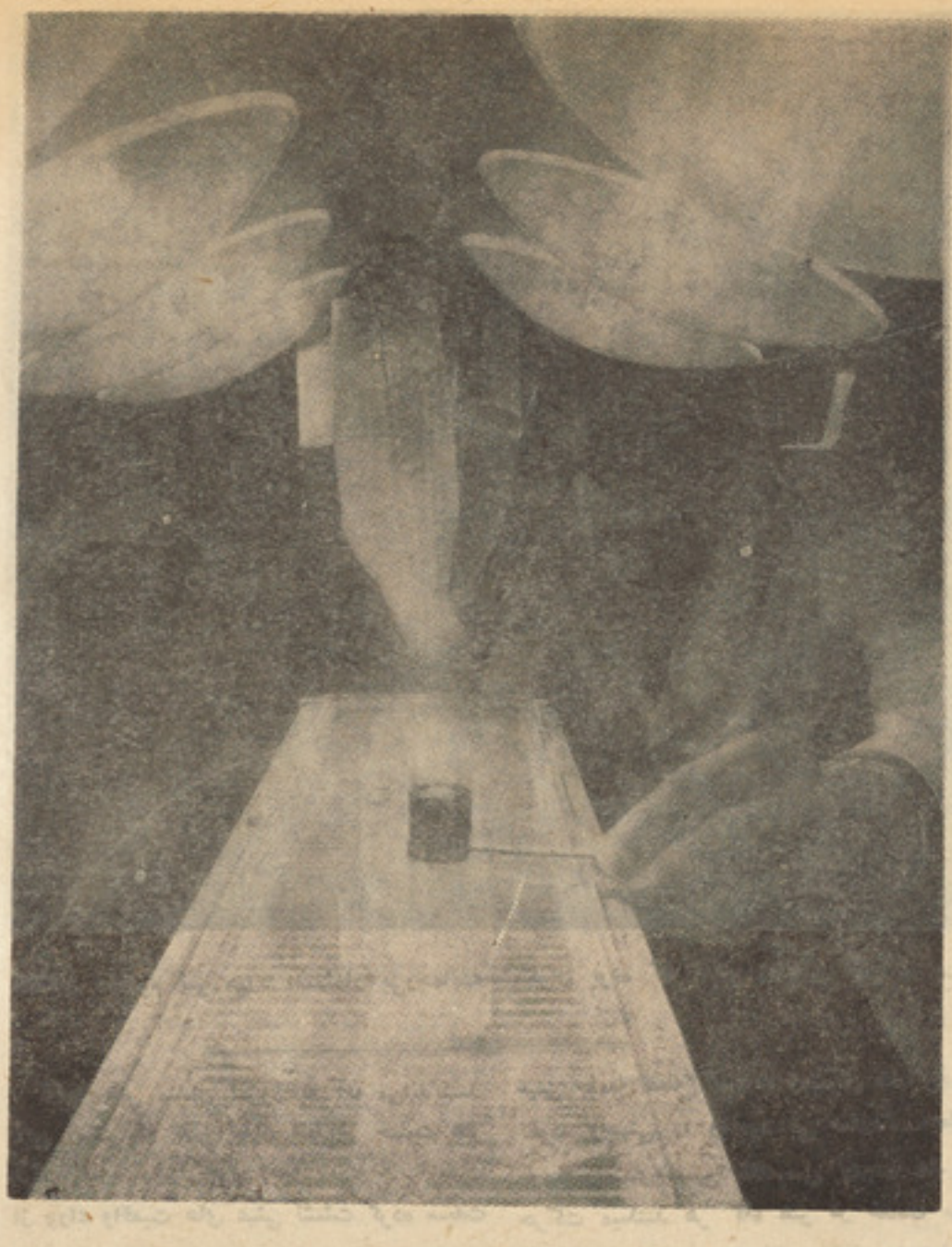

دانشمند کیمیا حین تحقیقات مواد کیمیاوی‌درلابراتوار دیده میشود

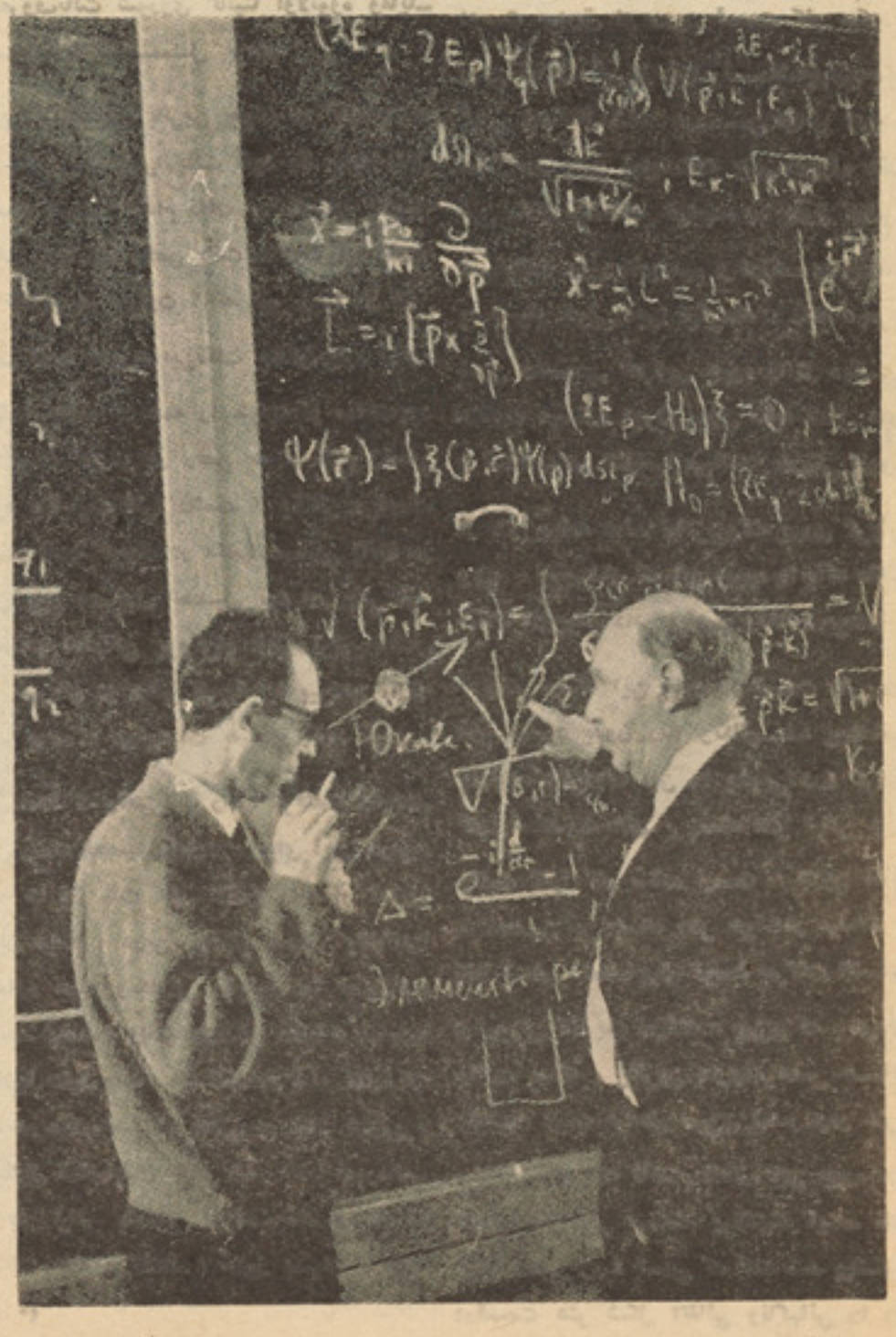

دانشمندان درحل فورمول های مربوط درلابراتوار مناقشه مینمایند.

صفحه۳٦

دع (غیور) ترجمه

په پرمختیایی هیوادونوکی له‌قحطی‌سره‌مبارزه

په‌دی وروستیو وختونو کی‌دیو گوسلاو یا دزاگریپ په لرغونی ښارکی دنړی د (۵۹) هیوادو دشپږزره پنځه سوه‌موسسو اوسازمانونو په گډون داستهلاکی مالونو نړیوال نندارتون پای ته ورسید .

سږکال ددغه نندارتون دگډون کوونکوهیوادو په ویاړ دلومړی‌خل‌دپاره‌دپرمختیایی هیوادونو یومدور میز جوړشو.په دغه میزکی‌دپرمختیایی هیواد ونو خخه یوزیات شمیر استازوته دگډون گولو چانس پیدا شو . دپرمختیایی هیوادونو مدور میز په خبروکی اصلی‌موضوع‌په دغه هیوادونو کی دکرنی دسکتوردودی‌اوپراختیا مسله وه . ددغه اصل له مخی په مدور میزکی دبرخی اخستوونکو هیوادونو استازودگرنی‌په برخه کی ددغو هیواد ونو ترمنځ دزیاتوهمکاریو دتشویق اوراجلبولو دپاره مهمی پریکړی‌وکړی خرنگه‌چی ددغه‌مدورمیز اجنداداماهیت‌اوکیفیت‌له نظره دنورو براعظمونو په نسبت اسیایی افریقایی او دغه راز دلاتین امریکی هیوادونوته متوجه وه نو ځکه دپر مختیایی هیوادو په‌مدور میز کی دآسیا ، افریقا او لاتین امریکی ځخه دیرشو نمایندګانو ته بلنه ورکړی شوه چی دنورو نړیوالوارګانونوتر خنګ‌دگرنی اومالداری په سکتورونو کی پخپلو مربوطو هیواد ونو کی دزیاتو مرستو او خووړخیزو همکاریو له پاره شرایط اوپه زړه پوری امکانات وڅړی. په زاګریپ کی پر مختیایی هیوادوداستازو په وروستی مدور میزکی په دی‌خبره‌باندی زاته رنا واچوله شوه چی په ځان باندی‌دمتکی کیدلو اصل په پرمختیایی هیواد ونو کی د لوړی اوقحطی سره دبریالی مبارزی‌گولو یوازنی لاره ده.

پرمختیایی هیواد ونه په‌ځانګړی ډول مکلفیت لری چی‌دخان‌دپاره دغذایی موادویوه ستراتیژی وضع کړی اوپه خپلو مربوطو سیمو کی‌دلوړی قحطی او دغذایی موادو دلړوالی داوستی بحران دله منځه‌وړلو دپاره یونوی‌فارمول‌طرح‌اوتر تطبیق لاندی یی ونیسی .

دمدور میز په خبروکی برخی اخستوونکو استازو پریکړه وکړه چی دغذایی موادو دیوی ستراتیژی دطرح کولودپاره‌باید ټول پرمختیایی هیوادونه سره یولاس اویو موتی شی‌اودیوه نوی‌نړیوال اقتصادی نظم فارمول ته‌عملی بڼه ورکړی . دغه راز دا هم ددغو هیواد ونو ستره و نده اوو ظیفه ده چی دملګرو ملتو د مؤ سسی دکر نی او خو را کی مواد و دسازمان په همکاری دغذایی مواد و دبحران دمخنیوی له پاره دیوه نړیوال کنفرانس دجوړیدوله پاره زمینه برابره کړی.

لکه چی وروستیو راپور ونو اوستراتیژیکی تحولاتو څرګنده کړیده تر اوسه پوری نړیواله ټولنه (دلویدیځی نړی دسیاسی تشویق‌د نشتوالی او ناوړوسیاسی روشونو او پالیسیو اثر) په دی نه ده بریالی شوی چی دغذایی مواد و دکمبود دستو نزو دحل دپاره اقدام وکړی. همدارنګه نړیواله ټولنه په دی هم نه‌ده بریالی شوی چی دنړی دغذایی چارو د غوره انسجام دپاره «امنیت سیستم» جوړاوپه کاریی واچوی .

دنړی دکرنی او خوراکی موادو دسازمان دیوه وروستی راپور له مخی دروانی پیړی‌په پیل کی دمغو کسانو شمیر چی دلوړی ، فقر او غذایی مواد و دکمبود له ستونزو سره مخامخ دی (۳۶۰) ملیون تنرته رسیده حال داچی اوس اوس شمیریی خه دپاسه نیم بیلون تنوته رسیږی .

له بلی خوا په اقتصادی لحاظ دنړی په وروسته پاتی هیواد ونو کی دغذایی موادو دتولید اتو او حاصلاتواندازه‌هم په تدریجی‌توګه مخ په کمیدوده نوځکه په دغو هیوادونو کی دوارداتی حبوباتو نرخونه مخ په لوړیدودی. لکه چی خرګند ه شویده یوازی په (۱۹۷۹) کال کی به ددغو هیواد وپه تجارتی بازارونو کی‌دوارداتی حبوباتو اندازه خه‌دپاسه (۸۰) ملیون ټنو ته‌ورسیږی. دغه کار داسی معنی ورکوی چی ددغوهیوادواو سیمونکی مجبوریږی چی‌خپل ضرورت وړ حبوبات په لوړونرخونوکی باندی تر لاسه کړی اوددغه کارپه نتیجه کی دانفلا سیون سره مخا مخ کیږی .

په اوسنیو وختونو کی یوزیات ار قام او احصاییوی راپور ونه موجوددی چی ښیی په پرمختیایی هیوادونو کی دغذایی مواد و دکمبود دله منځه وړلو دپاره زیات پروګرامو نه‌طرح اوتر اجرا لاندی نیول شویدی خو بیاهم دغه اندازه غذایی تولیدات په نومورو وسیموکی دلوړی اوغذایی‌موادوبحران‌ته‌خواب وویلای‌شی.

لکه چی د پرمختیایی هیوادونو داستازو دمدور میز وروستیو پراووونو کی ویل شویدی په وروسته پاتی او پر مختیایی هیوادونوکی یوازی دغذایی‌موادو زیاتوالی‌په نومورو‌سیموکی دلوړی بحران نشی له منځه ولاړی‌بلکه دغه کار سره جوخت داهم ضروری ده چی دکلیو دپراختیا او دځمکو ددموکراتیکو اصلاحاتو دوروستی کنفرانس داعلامی له اهدافو سره‌سم

پاتی په ٥٤ مخ کی

بقیه صفحه ۱۸

سیاست‌همزیستی ...

روابط با کشور های بزرگ سرمایه داری جهان سوسیالیستی علاقه مند بهتر سا ختن روابط با کشور های کوچك سرمایه داری‌نیز می باشد .

اروپا از نظر سیاسی واقتصادی و ساحات دیگر در میان ممالك گیتی بصورت کل نقش مهم وفعالی دارد اما خود کشور های قارهٔ اروپا بین خود پرابلم های بزرگی دارند که تنها از طریق داشتن تماس وروابط حسنه با کشور های قارهٔ دیگر می تواند حل‌شود. این حقیقت مسلم است که امنیت بین‌المللی یکی از مسایل حاد اروپا می باشد وبه یك ارزیابی چند جانبه نیاز دارد ، این مسئله بهیچوجکه مسئله تازه، لااقل دریك نیم قرن گذشته نبوده وبه شکلی از اشکال در اوقات مختلف بمیان آمده، دو جنگ جهانی که در این قاره بوقوع پیوست تلاش قبلی را دراین مورد بی ثمر جلوه داده یکی از درس های گذشته می آموزاند که مسئلهٔ امنیت اروپا تنها می تواند با جد وجهد مشترك، داوطلبانه، برادرانه وهمه جانبه حل گردد کـه تما م ممالك را از خورد تابزرگ دربرخـواهـد گرفت .

کشور های جهان صلح باید، عقیده اند که دو نوع صلح درعالم وجود داشته می تواند، یکی صلح بمعنی وقفه موقتی بین دو جنگ، که در ین وقت هیچ دولت ، نامزد جنـگ نمی باشد اما هریك فعالانه برای جنگ و پیکار آمادگی می گیرند، همین نوع صلـح بود که در تاریخ گـذشته بشریت بیشتر عمومیت داشت مخصوصا در مرحله سرمایه‌داری چنانچه دو جنگ جهانی شاهد ایـن ادعاست وهر یك به حیات ملیون ها انسان خاتمه داد .

شکل دیگر صلح عبارت از وجود روابـط حسنه است بین دولت های دارای سیستم‌های مختلف اقتصادی واجتماعی که جنگ را بکلی رد نموده وهمکاری همه جانبه را توسعـه می بخشند، . منظور از «امنیت» و «امنیت اروپا» موجودیت همین نوع روابط است بین دولت های دارای نظام های مختلف اقتصادی واجتماعی ... اما حقایق نشان میدهد کـه دیتانت بین المللی چیزی نیست که یکبار و برای همیش وخود بخودی بدست آید . هر قدر هم دیتانت ریشه های عمیق داشته باشد بازهم موضوع مبارزهٔ حاد در عرصهٔ بین‌المللی است . نخست از همه موضوع مبارزه بیـن نیرو های صلح وامپریالیزم ودر داخل کشور های سرمایه داری بین محافل حاکم و توده های وسیع دوام دارد .

دلایل آن قرار ذیل اند : نخست از همه باید بخاطر داشت که حتی در شرایط امروز، که با تناسب جدید نیرو های جهانی متصف است ، سـرمـایـه داری است که تهاجم ، ملتاریزم و استثمار خلق ها ی ممالك خود شان وکشور های دیگر جهـان کار برد جبرنه تنها در داخل کشور مربوطه بلکه در سایر کشور ها خصوصیت ذاتی‌آنرا تشکیل میدهد، این حقیقت باید به آن علاوه گردد کـه عقده ها و امور مغلق نظامی ، صنعتی کشور های بزرگ سرمایه داری به عامل بزرگ اقتصادی، سیاسی تبدیل شده که عمل کرد حکومتها، پارلمان و احـزاب بورژوازی همه را تحت تاثیر قرار میدهد .

نیرو های ارتجاعی بسیار متعصب ، منا فع سیاسی خود را بالاتر از منافع ملی کشور هـای شان قـرا ر داده، از جنـگ سرد استفاده کرده بعضی ازگروپ ها رادرپارلمان های ممالك امپریالیستی زیر نفوذ واثر خود قرار می دهند، احزاب راست افراطی که از دیر ببنام احزاب محافظه کار یادمی شوند با نیرو های ارتجاعی یکجا قدم برمی دارند ، و از پشتیبـا نـی ر هـبـر ی ا تحـا دیه هـای کـار گری دست راستی بر خوردار می باشند عامل عمدهٔ دیگر ایدیولوگ هـای بورژوازی اند که با تعصب بر ضدایدیولوژی دورانساز طبقهٔ کارگر دارند سد راه دیتانت میگردند .

نیروی چپ افراطی عامل دیگری است که با ارتجاعی ترین نیروهای بین المللی همدست شده دیتانت یعنی صلح وآرامش را مانع می گردند وخودرا با اصیل ترین مدافعین جنگ همنوا می سازند .

یکی از راه هاییکه محافل مرتجع جها ن می خواهند دیتانت را رد نمایند این است که آنرا مانند «جادهٔ یکطرفه» جلوه داده میگویند که تنها کشور های سوسیالیستی و مملکت های جهان سوم از آن بهره مند میگردند ... بادر نظرداشت این عوامل ودلایل چه‌میتوان دراین مورد گفت؟.. آیـاتـمام کشور ها از خورد تا بزرگ، کشور های سوسیالیستی و امپریالیستی به صلـح عـلاقه مند نیستند ، پس حصول صلح تنها از طریق دیتانت می تواند انجام پذیرد وبصراحت می توان گفت که همزیستی مسالمت آمیز و دیتانت بر ای امنیت جهانی اهمیت حیاتی دارد وهمه کشور هااز خورد تابزرگ ـ صرف نظر از نظـام سیاسی شان باید به آن علاقه مند بوده‌ودر تعمیل وتطبیق آن بکوشند ..)

هغوی چی ژوندی دی

« ژان لافایت »

دمثال په توګه کله چی دیوی ورځی دکړ-
او نه‌ډك کار څخه وروسته ددمه کولو وخت او
دډوډی خوړلو وخت رارسیږی دغه وچ فرمان
موږ ټول لړ زولی :

(اوزوهیر) • یعنی بایدسره بیل شو•سپږی
ولټوو میاشی وشړو دیخوا وبو دوش ونیسو
وتلل شواود اسی نور کارونه • پرعینی حال

کی باید خپلی خولی‌پطلون کمیس نیکرقاشوغه
اولوښی هم وساتو په تیره بیانه ښایی چی
دډوډی کوپون یوه شیبه له ځانه لری کړو
یوه‌ګړی په‌یخه هواکی‌لوڅ لپړدریږواوانتظار
باسو اویاداچی په منډه ساراناستی ته‌ځواو

یایو یو دبلوك درئیس په وړاندی تیریږو،
ددغو ټولو کارو نو په ترڅ کی نه ښایی‌چی
دکالیو اوډوډی غوټه‌له ځانه لری کړو . په
اونی کی دوه ځلی او ځنی وختونه دری ځلی
سپږی لټوو . دیوکټ پر سر لوڅ دریږو او
سلمانی راځی یولاسی څراغ سره زموږ تخرګ

او د پښو منځ په ډیر ځیر سره ګو ر ی
پـد ی تـر څ کـی زمـوږ کمیسیونـه
او نیکرونه د«اشنوبد په‌نست» له‌خوا معاینه
کیږی بدمرغه به هغه څوك وی چی یوه سپږه
یی‌په کالوکی‌ولیدله‌شی.هرکله چی‌کومه‌سپږه
پیدا کوو باید هغه ووژ نواو نښه نښانه یی

هم له مینځه یوسو . ددی کار لپاره ډیـری
دری چاری شته چی دلته دمثال په توګه به‌یی
یوه نمونه تاسی ته ووایم •

سپږه په یوه معینه درجه تود وخی کـی
له مینځه ځی له همدی امله نازیان سړی د
صفر لاندی یخنی کی لوڅ لپړدروی وروسته
له څو شیبو څخه سړی ډاډه کیږی چی نورد

سپږ وزړ ی هم له مینځه تللی دی اوسړی
خپله هم که مقاومت ولری ژوند پاتی کیږی

کله چی تفتیش پای ته ورسید ښایی کالی
بیرته و ا غـو ستل شـی او خپل بړستن

په اوږ وواچوی او دخوب دځای دلټولو لپاره
بیړه وکړی او د بریالیتوب په صورت کی
ددغه ځای دخوندی ساتلو لپاره هڅه وکړی‌چی
ددغه کار په ترڅ کی اخ اوډب هم واقـع
کیږی . اوپس له‌دغو کارونو څخه کله چی
سړی خپله وچه ډوډی په لاس‌کی نیسی نور
پخوانی اشتهاله مینځه تللی وی. زموږغلیمان
ددغه فن متخصصین دی . دوی‌کولی شی چـه
ډیرساده اوعادی کارونه په‌مشکل کارونوبدل
کړی •

دشقاوت واقعیت پدی کی نده چی یوواحد
درد پرسړی باندی دتل دپاره‌تحمیل کړی،
سړی ورو ورو ددغه دردپه زغملوعادت کوی‌که
دهغه ټپ سر چی لږ ښه شوی وی • بیرته
خلاصی کړو درداو کړاویی لا ډیریږی دادی
دنازیانو رمز او فن دانسانی حساسو رشتودله
مینځه وړلو په لاره کی • ددغه فن په نتیجه
کی او پدی توګه یوپه بل پسی له مینځه‌ځی.
کله چی دلته راغلو موږ ته یی ویلی :
(تاسی به هیڅکله څه‌شی ونه لیکی•) خوموږته

دغه فرمان حیرانوونکی نه وځکه چی پوهیدو
دڅه ډول غلیمانو سره مخامخ یوخویوه ورځ
یی دبند یانو ترمنځ کار تونه وویشل چی څه
پکی ولیکی • موږ ویلی چی پدغه موضوع کی
به کومه اشتباه پیښه شوی وی • خودوی
زموږ په ځواب کی وویل :

ـ لکه دنوروغوندی‌تاسی هم حق لری چی
پنځه ویشت کلمی ولیکی •

اوموږهم‌ولیکل، له‌بی‌ساری شوراوزوږسره
چی د لیکلو لپاره ښی کلمی مونده کـړو .
بواځی مور، هوکی دغه ګران موجود کولالی

موپه‌کارتونوکی ولیکل. څومره زیارموایسته
شوای چی زموږ دلیکو نو په معنی پوه شی•
(شریبر) کارتونه ټـول کړل . مـوږ سو چ
کاوه چی : کارتونه بی یی لیږلی وی • باید
لیږلی وی •

اوس به هرو مرو رسیدلی وی ، داداسی
کارتونه ووچی کولای‌شوای‌چی فرانسوی کور-
نیوکی حتی دیوی ورځی لپاره عشق اوخوښی
ژوندی کړی •

نن سبا به ځوابونه را ورسیږی • اوس
پوره دوی میاشتی کیږی چی کارتونه مولیږلی
دی •

یوه شپه کله چی دنورو ورځو څخه‌زیات
ستړی وواو باران هم اوریدلی دی (شریبر)
دحاضری په وخت کی موږته زیری راکوی‌چی

دلیکونو ځوابونه مورارسیدلی دی • دغـه
خبر زموږ لپاره بی ساری او خوشحالونکی دی
داځکه چی بالاخره موږ ته هم دخپلو غریزانو
خبر راورسید •

دزیری او خوشحالی څخه موسترګی بریښی•
دچا لپاره به ځواب راغلی وی !

موږ ټولو لپاره . (شریبر) او دبلوك رئیس
بداسی حال‌کی چی کټ‌کټ خاندی اودخنداله

زوره یی بډوډی خوږ یږی هماغه کارتونه چی
موشپږاونی مخکی لیکلی ووبیرته راکوی دوی
اصلا دغه کارتونه ندی لیږلی او یواځی غوښتی
وچی پر موږ باندی ملنډی ووهی•

د (سوشو) کارګر (لویی بزرګه) پر هغی
تلتلکه باندی چی زماتر څنګ اواره ده‌ناست
دی اوهغه کارت چی په‌هغه کی یی خپل ټولی
هیلی او عشقونه لیکلی وو دخپلو ډنګروګوتو
په منځ کی تاوه وی • زه پوهیږم چی دوه
پنځه اواوه کلن ماشومان لری •

پرډنګر مخ باندی یی یوه قطره اوښکه
لویږی . دغه سړی چی له‌کوم شکایت څخه
پرته یی دبند یخانی‌ټول رنځونه اوکړ اوونه
زغملی و ددغه روحی صدمی څخه به‌له پښونه
ولویږی •

او، بیشرفو نازیانو! سره له‌دی داسی‌وخت
به‌راشی چی تاسوبه ونشی کړای چی موږ
رشخند کړی • یعنی هغه شیبی چی تاسی‌خپله
پخپله ورځپانو اووینا وکی اقرار کوی چی‌ماتی
موکړی ده دغه شیبی چی دتاسی دپوره‌ماتی
نښی نښانی دی زمودژوند ډیری ښی شیبی‌دی
دډاډ اوزړه ورتیا شیبی دی •

(داستراحت ګړی)

ـبیا هم یوبل بریالیتوب •

دکاراونی پای ته رسیدلی ده کار دشنبی
ورځی په مازدیګر پای ته رسیږی او بیاد
دوشنبی په سهار پیل کیږی . ښایی‌پوشتنه
وشی چی دکانو کارګرانو ته ولی دومره اوږده
رخصتی ورکوی • دلیل یی ساده ده • پداسی
شرایطو کی چی‌موږ کار کوو که همدغـه
استراحت نه‌وی یو معمولی سړی نشی کولی
چی څواونی ژوند ی پاتی شی ، خو پدغه‌شکل
دقیدی دقوی تحلیل څوموده اوږد یږی اویو
معمولی سړی کولی شی چی تر شپږومیاشتو
پوری مقاومت وکړی • نازیان چی دتدریجی
وژلو متخصصین دی همدغه موده یی دمعمولی
انسان دپوره له‌مینځه تللو لپاره‌اټکل کړی
ده خوسره له دی دهغه سازمان په مرسته‌چی
فرانسویانو منځ‌ته‌راوړی‌دی‌شل کسه‌فرانسویان
اته میاشتی ژوندی پاتی شوی دی • ژان او
(لویی بزرګه) مړه شول زموږ دری کسه‌نور
ملګری روغتون ته منتقل شوی دی •

دغه حالت دشار لودبریالیتوب غږته خاصه
بڼه وربخښی .

دبلو ك په غولی کی دحاضری‌نه وروسته‌قید
یان خپل ټول کالی باسی او خپلو پښولاندی

یی ږدی سلمانی موږ هریوه ته‌یوه‌ټوته‌صابون
راکوی • سره له دی چی لمر شته خوساړه
ډیر سخت دی او موږ ددی لپاره چی ځانونه
ګرم کړوټوپ وهوو • هغه دروازه چی موږپه
اغزی لرونکی مزی سره داردوګاه دنورو برخو
څخه بیلوی خلاصیږی او قیدیان په ځغاسته
دحمام خواته درومی • غښتلی کسان کوم‌چی
دنورونه ړومبی ځانونه حمام ته رسوی نیکمرغه
دی ځکه چی خپل ځانونه دټولو نه مخکی له
یخنی څخه‌ژغوری . فرانسویان طبیعتاوروستی
کسان دی • موږ په آزاد ه هواکی دهغه سمنتی
ارهرو په سیوری کی چی داردوګاه او دکالی
مینځلودخونی ترمنځ واقـع شوی دی دخپل
نوبت په انظار ولاړ یوله نیکه مرغه ټول‌لړ-
زیږ واوکه نه ډیره دخنداوړ صحنه وه• پـه
پرانستی لاسونه اووازو پښودهغه بنـدی
له مخی چی زموږ دضد عفونی کولو مسوول
دی ، تیریږو • دضد عفونی کولو دستګاه‌یوه
اوږ ده لوله ده چی دیوی ډبلی سره تړل‌شوی
ده اوپه ډبلی کی (سولغاتی) مواد اچول شوی
دی • دضد عفونی کولو مسوول سړی زموږپه
نس او تخرګ باندی مواد شیندی‌داسی ښکاری
چی دډیر سوړ شاور لاندی ولاړ یو، ساړه
موکیږی • خولاتر اوسه پوری کار پای ته‌نه‌دی
رسیدلی کله چی دبدن‌دمخکنی برخی ضدعفونی
کول پای ته رسیږی یوبل زندانی یو لـوی
برس د ضد عفونی کولو مواد په ډبلی کی
ننه باسی او زموږپه کـو تاټی کـی موښی
دالومړی ځل ندی چی دغه شان ته ازموینی
پر مو ږ عملی کیږی خو ددغو عملیاتـو
بدلیدل وجریان دتنوع سبب کیـږی
پدغه هکله دبلوك قیدیان یوه نه‌هیریدو نکی
خاطره لری . هغه داچی‌دیوی اونی په‌اوږدوکی
هره شپه‌یی په‌یوخاص شکل سره‌یی‌موږآزاد-
ولو • ددغه ازار وروستی پړاوداو چی پوره

پنځه دقیقی دخواوبوتر شاور لاندی‌ودریږو
واو وروسته بیاد معتد لواو پوپه یو ه حوص
کی داسی کښینو چی اوبه موپرسر واوړی .
دبلوك رئیس موږ باندی اوبه اچوی . موږدغه
ورځد (حوض دورځی) په نامه یادوله نوځکه
دابه ډبره عادی خبره وی چی موږ دداسـی
پیښو څخه حیران نه شو •

دضد عفونی کولو نه وروسته ښایی چـی
دحمام کولو لپاره زیر زمینی ته ننوځو • دغه
دګرمواو بوحمام موږ ته خورا خوند راکـوی
دخپل ځان‌دو چولو لپاره هیڅ شی نلرو لنده
خیشته دزیر زمینی نه بیرته پورته کیـږو
زما ځوان‌دوست (تونی) دکالی پری مینځلود
کوټی دکړ کی له لاری یوه قدیفه در کـوی
زه وروسته له‌دی چی‌خپل‌ځان وچوم‌قدیفه‌نورو
ملګروته ورکوم . تونی یوډیر نجیب ځوان
دی عمریی دښارلود عمر په اندازه دی • دی
دوه کاله مخکی دکمونیست ځوانانود یـوه
سازمان دجوړ ولو په تور نیول شوی دی •

دی دفرانسویانو دلومړی کاروان سـره
اردوګاه ته‌راغلی دی اوددی لپاره چی په‌بهرنی
ژبو پوهیږی کولای شوچی په‌یوه‌ښه‌کوماندو-
کی ځانته مناسب ځای ومومی •

زه په اردوگاه کی دنده ملګرو سره‌دده‌په وسیله اړیکی ټینګوم • روبرت له یوکاروان سره داردوګاه څخه ټلفلی او هیڅ احوال یی نشته•• (تونی)دهغو کسانو څخه‌دی چی‌د(تاتاو) په ګډون داردوګاه دپټ سازمان لارښوونه په لاس کی لری •

هغه‌په ډیر شور او زوږ سره‌چی‌دهغه د مهربان طبعیت زیږ نده دی کارکوی • هغه کله‌چی قدیفه ماته را کول په عوږکی‌یی راته ورو وویل : «کی‌یف»خپلواک شوی خوالمانیانو دغه موضوع رسماً تائید کړی‌نده د غه خبر د اورد چا و نی په خیر دفرانسویانو ترمنځ خپریږی داسی ښکاری چی وزرونه مو خلاصی شوی وی•

کله‌چی دشپی ډوډی خوړل پای‌ته ورسید، دغولی په یوه څنده کی سره تولیږو •

اندره زما څخه پوښتنه کوی :

ـوګوره چی درواغ ونه وایی ، بابا؟

ـته پوهیږی چی زه هیڅ وخت درواغ نه وایم •

ـنوهر کله چی المانیانو څه‌نه دی ویلی، ناسی له‌کومه خایه خبریاستی•

ـدادراز ساتلو اصل دی • خبره دلته ده‌چی دغه موضوع حقیقت لری• نه‌ښایی چی‌آن‌ډیر- ونږدی دوستانوته ووایو چی په اردوګاه کی دمخابری یوه پټه دستګاه شته‌چی په‌هغی‌باندی یواځی خوتنه خبردی اوبس اوګه زه دغه‌راز ونشم ساتلی څنګه کولای شم ډاډه وواسم چی هغوی زمادغه خبره نورو ته نه وایی •

موریس پوښتنه کوی :

ـنوپدی اساس دوستان پولی ته‌نږدی کیږی اودی خواته راځی ؟

سمیون ځواب ورکوی :

(دکی‌لیف) خپلواکی هغوی ډیولند دبولی دوه سوه کیلو متری ته رسوی •اوس ښایی چی‌د (ژیتومیر) خواته پرمختګو کړی•

اندره په خوشحالی سره وایی :

ـنو داسی ښکاری چی کار پای ته رسیدلی دی ؟

(سریر) ځواب ورکوی :

ـ(نه بابا)لاتر اوسه پوری پای ته‌نه دی رسیدلی . زه‌نه پوهیږم چی ته‌دیوسترسین څخه دیو ستر پوځ دټیرولو په‌ستونزو باندی پوهیږی که‌نه ؟ پداسی حال کی چی دغه‌سین (دنی پر) یو کیلو متر پلن والی لری• برسیره پردی ښایی پوه شی چی روسان دخرابواوو- یجاړ وسیمو څخه تیریږی• بایدپدغو سیموکی چی داړیکی ټینګولو وسیلی له مینځه تللی‌دی ډیوځ دخوراک موضوع اودجبهی دشاسره‌اړیکی ټینګی وساتی •

ـددوهی جبهی څخه هم خبر نشته؟

ـژریاځند به‌دغه جبهه هم پرانستله شی• خوظاهر ! تراوسه پوری‌لاروسان ډیروژل شوی نه‌دی !؟

ـنو موږ به‌د(نوئل) اختر همدلته‌تیر کړو ؟

ـډیر امکان لری •

(سریر) بی له دی چی وخاندی پوښتنه کوی:

ـخه‌فرق‌کوی؟ دادی نه خوښیږی؟

کوی :

ـیعنی مطلب می‌داده چی دنوی کال اخترپه بل خای کی را باندی بنه تیریږی •

(سریر) اعتراف کوی :

ـاوګه ددغه خای نه زه وژغورل شم پـــه راتلونکی وخت کی به دازماویاړوی چی‌دلته می‌دغه شان ورځی تیری کړی دی •

اندره وایی :

ـزه بر عکس • که موږددغه جهنم نه ژوندی ووخو هیڅوک به زموږ په خبرو باورونکړی دمثال په توګه موږ ته‌دلته (مجرمین) وایی‌زموږ لقب مجرم دی • او موږ ته‌په همدی نوم غږ کوی ، ته خپله سوچ وکړه کله چی زه وغواړم خپلوملګرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف خپلوملګرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف کړم چی څرنګه مجرم شوم او جرم می‌څنګه‌زده کړه زما خبری به‌ومنی ؟ اوبرسیره‌پردی دغه ژوند هیڅ تعریف هم نلری •

کله چی دخوب نه یاخیږی باید ډیر ژر خپل سامان په لاس کی واخلی دمتروکو لـه ګدارونو نه تیر شی او خپل ځان په یوکار باندی (هر څه چی وی) بوخت وښیئی‌تر څـو چی له وهلو او ټکولونه‌خلاص‌شی •آن مستراح ته (دسارناستی خای) هم باید خپل سامان او لوښی له ځانه سره یوسی که‌نه در څخه غلاکیږی •

ددی لپاره چی دحاضری په وخت کی دلغتو او خپیر و څخه ځان وژغوری ښایی چی دټولو څخه مخکی هلته (دحاضری ځای کی) حاضر شی او هلته هم باید کوشش وکړی چـــی دبلوک درئیس څخه لیری ځای پیداکړی‌که‌نـه شبیه دهغه خیره درسیږی یعنی هروقت‌دلیك دسر او آخر څخه ځان لیـــــر ی وساتی کله چی کارته ځی نه ښایی چی داس‌اس‌د افزادو ځنګ کی لاړ شی •

لاسونه ونه ښوروی • مخصوصا باید خولی وباسی • دزینو څخه دښکته کیدلو په وخت کی باید دلیك‌منځنی برخی کی ځای ونیسی• دحاضری په وخت کی باید خود نمایی ونکړی کوماندوکی تر ټولونه مخکی حاضر شی ،دکار دپیل په وخت کی هیڅکله دزنبیل دوړلـــو داوطلب نشی ، په تیره بیا زیار وباسی چی خارجیانو (بهرنیو) سره یواځی پاتی نشی ، دکار په وخت کښی ښکته پورته ښی اوکین ته ځیرو اوسی ، خپل قدمونه‌او حرکتونه باید ښه وسنجوی تر څو چی قوت دی بیځایه خرڅ نشی• پرته له‌ډیر ضروری‌وختونونه خپل‌انرژی مصرف نکړی ،هیڅکله خپل ځان‌ونه ښیئی‌اوتل باید زیار وباسی چی ګمنام او پټ‌پاتی‌شی•

داش دوپشلو په وخت کی‌باید پداسی‌نوبت کی‌ودریږی چی ددیګی لاندنی او وروستی برخه دی په نصیب شی •دډوډی خوړ لونه وروسته د(کاپو) دټولو څخه ځان لری وساتی او یواځی خان هغه وخت وښیی چه کارونـه‌او مسو- لیتونه ویشل‌شوی‌وی خان‌داسی‌عیار کړی چی په آفتابی ورځوکی په‌سیوری‌اوپه سړووړځوکی په لمړکی کاروکړ ی •دا باید زده کړی چی په زړیل کی دټیرو ټیرو دځای کولو په وخت کی دی لاسونه اوګونی ټیی نشی‌دیی توجیهی له مخی دکار په وخت کی دی باید خان خوږ نشی• تل باید داس ساس په څت کی خـای ولری او هیڅکله تش لاسونه او بیکاره دهغه په وړاندی ونه دریږی • دکار دپای ته رسید لونه وروسته سدسل کسیزوډلوپه لمړی لړی کی ځان ته خای ونیسی تر څو چی په‌اسانی سره لـه ز ینـو څخه پورته شی• دهغولیکونو څخه چی دټیپانو دوړلو لپاره دی لکه طاعون غوندی وتښتی • ددی لپاره چی دهازدیـــګر حاضری نه وروسته ډوډی درته لږ ونه رسیږی باید دخپل نوبت خیال وساتی •

اوبیاد خوب په وخت کی باید داسی یوه تلتکه لاس‌ته راوړی چی نه لنډوی نه‌نازکوی اونه نری ، او هغه وکړی‌چی ددوو فرانسویانو منځ کی څملی اودخپل ځان لپاره ارت ځـــای مینده کړی اوداسی هغه‌وکی‌چی ژر ویده شی•

دادی په پورتنی تعریف سره ګوریی چی زموږ دغه (جریمه یی) یعنی دمجرمیت ؟!ژوند چندانی خوند نلری •

شار لووایی :

ـاوله دغو ټولو کارونو دسرته رسولوسره بیاهم دخوب په وخت کی دجورابو نو دنـــه ایستلوله امله یوه درونده ځپیره خوری •

ـچورت دی مه خرابوه (دمده) چانه روسانو ځانونه (کی یف) ته رسولی دی •

ـهوکی ، دامو نیکمرغی ده •

همداسی چی غږیدو ، وخت ډیر تیر شوی او دمازدیګر دحاضری وخت را رسیدلی دی• یونیم ساعت په لیك کی او یوساعت دډوډی لپاره دریدل • نن یوه قاشوغه مربا اویوه‌ټوټه سپین پنیرهم په پروګرام کی شته • موږخپل وچه ډوډی بنه ځیره او خپل پنیر او مرباپر هغه باندی موښو، چی پدی‌توګه ښکلی رنګ غوره کوی •

ـآوشزیهن !(آلمانی کلمی یعنی دکوټی‌په لور ! •••

خـــه پیښه ده چـــه ؟ طبی کتنه؟ نـــه هیڅ یویی هم نشته • دسپږ و دلتولو لپاره راغلی دی • او موږ پدی‌توګه دخپل میلمستیانه دخوند اخستلو وخت له لاسه ورکړ• په هره توګه چی وو خپلی دډوډی ټوټی موږه بیـړه سره له ستونی نه تیری کړی یوځل بیاموکالی وایستلی او لوڅ لپرودریدو• دغه پلټنه هـم یوساعت اوږد شو • پس له هغه نه دکوټی مسوولین خو ټوټی کاغذ دتلتکو پرڅای پرمخکه باندی غوړوی • دادری میاشتی کیږ ی چی‌دسپږ ودډیر والی له کبله په تلتکو باندی نه‌ځملو • یواځی آلمانیان او خوکسه خواص دغه امتیاز لری او هغوی له دی امله دکوټی نیمایی برخه نیسی اودسلو کسوبند یانو څخه اتیا کسه دکوټی په منځنی برخه کی ځملی زه لکه نورو شپو غوندی د(سریر) او (شارلو) به منځ کی یم • سره غږ یږ و• پرون‌داکتوبر دستر انقلاب دکالیزی جشن و • تصمیم نیسو ددی ورځی په ویاړ چی د(کی‌یف) دخپلواکه کیدلوسره یی‌سمون خوړلی ده دخبر و اترو یو مـجلس جوړ کړو •

شارلو دلوږی له زوره خپل نس په‌سولاوهی او وایی :

ـډیره عجیبه ده ، کله چی سړی وږی وی، صحیح سوچ هم نشی کولی •

(سریر خواب ورکوی :

ـهمداسی ده ، دهادی احتیاج په وړاندی هرکار او هر سوچ له مینځه څی •یوه هسپانوی ماته ویل چی دخپل دښمن په لمړی کال کـــی دخارویو په خیر یواخی پدی سوچ‌کی وم چی څرنګه کولی شم دخپل ډوډی ورځنی جیرمزیاته کړم • اوس اوس هغه دکوټی مسوول دی‌او کولی شی هرڅومره یی‌چی زړه‌غواړی‌آش‌وخوری اوس نور دپروسږن فکریی‌په سرکـــی‌نشته، خولاه بدمرغه شوی دی څکه چی تل خپلـه ښځه اودری کوچنیان چی اوه کاله کیږی هغوی یی نه دی لیدلی ، یادوی •

شارلو خواب ورکوی :

ـډښتیاده، زه تاسوته اعتراف کو م چـی پدغه شیبه کی‌دهیل مور اوخور په‌هکله‌چرت نه‌وهم • دلته انسان دخاروی بنه غوره کوی•

ـباید ویده شو شارلو! اودتادلوږی پـــه هکله هم سوچ ونکړو •

پدی ترڅ کی (پتی لویی)دسارا ناستی څخه بیرته راستنیږی اوغواړی چی پخپل خـــای کی دفرانسویانو په منځ کی څملی خوله بده مرغه یو او کراییني دهغه خای نیولی دی او هیڅ خبره نه‌اوری ، هردلیل چی ورته وایی نه‌یی منی • (پتی لویی) چی ددغی وضعی زغم نشی کولی خپل ځان په‌یواړخ‌اچوی او کراییني هغه بیرته دفرانسو یانو خواته ټیل وهی او فرانسویانو هم زور وهی چی مبادا ځایونه یی تنګ شی• په آخر کی‌پتی لویی ځان‌ځایوی اونور بند یان غور یږی•

ـروهه فرانسو زن(آلمانی‌کلمی‌یعنی‌فرانسو- یانو چپ شی)••

پتی لویی ورو وایی :

ـهر ځوك چی ماته لاس نږدی کړی خوله به‌یی ماته‌کړم•

(نوربیا)

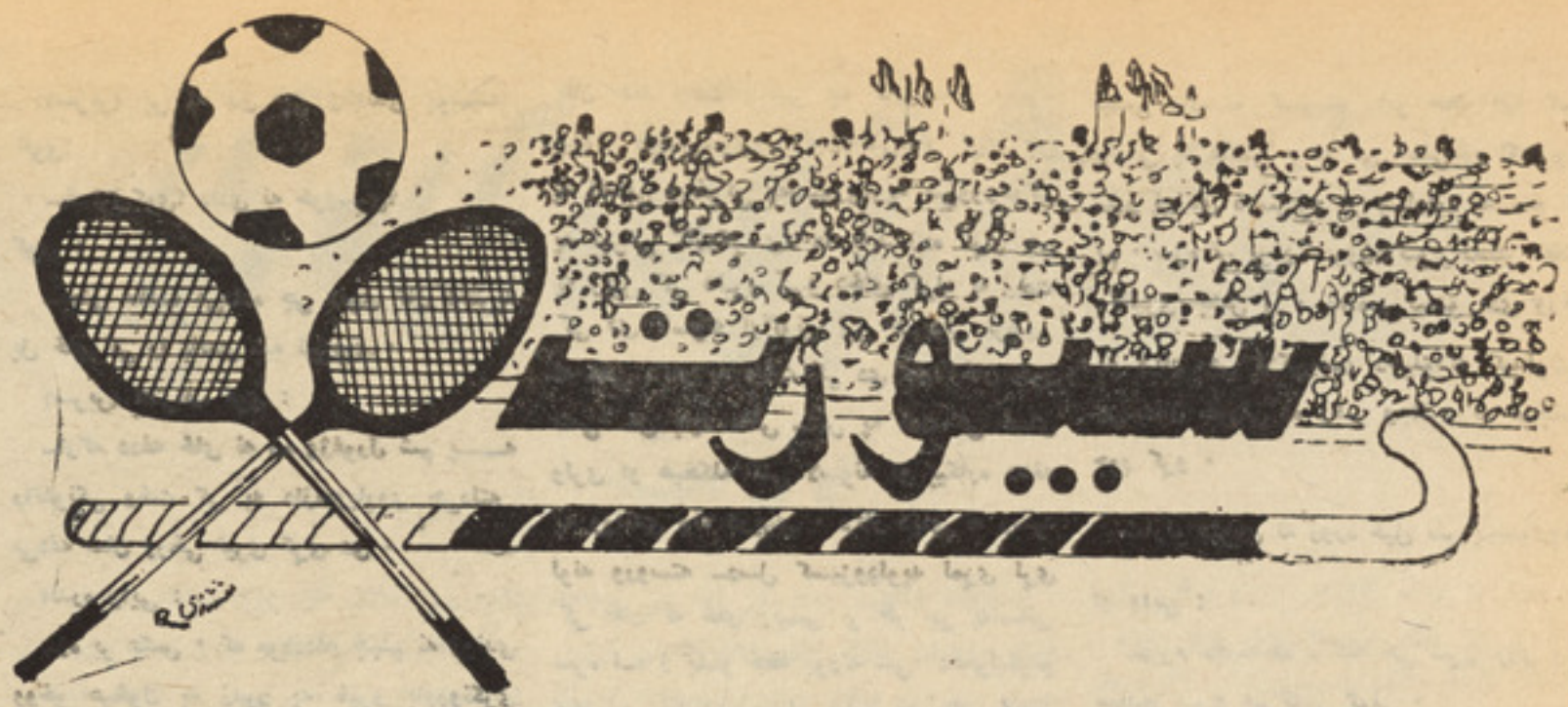

مترجم : ح عمادی

جمناستیك مدرن و یا آنچه را که المپیك فاقد آن است

درمورد جمناستیك مدرن امروزی نظر یات متعددی وجود دارد اینکه آیا این جمناستیك بصورت عمده یك ورزش است یا اینکه نوع از هنر. بنابرین گفته میشود که جمناستیك مدرن امروزی یکی از عمده ترین ورزش ها است که اشکال ظریف هندی را نیز با خود همره داردودر مسابقات اولمپیك بین‌المللی مقام ارجمندی را کسب میکند .

نظریات نادرست هم در مورد ریشه واساس جمناستیك مدرن امروزی وجود دارد که می گویند جمناستیك مدرن مذکور از مکتب‌رقص بالت که در سال۱۹۲۳ تاسیس گردیده الهام وسر چشمه میگیرد این مکتب رقص بالت توسط یك نفر امریکایی بنام دونکن در ماسکو افتتاح گردیده بود .

گفته میشود که جمناستیك امروزی تا اندازه به رقص شباهت نزدیك پیدا کرده زیرا در ین جمناستیك زنان با حرکات موزون بدن شان چنان حر کات جمناستیکی

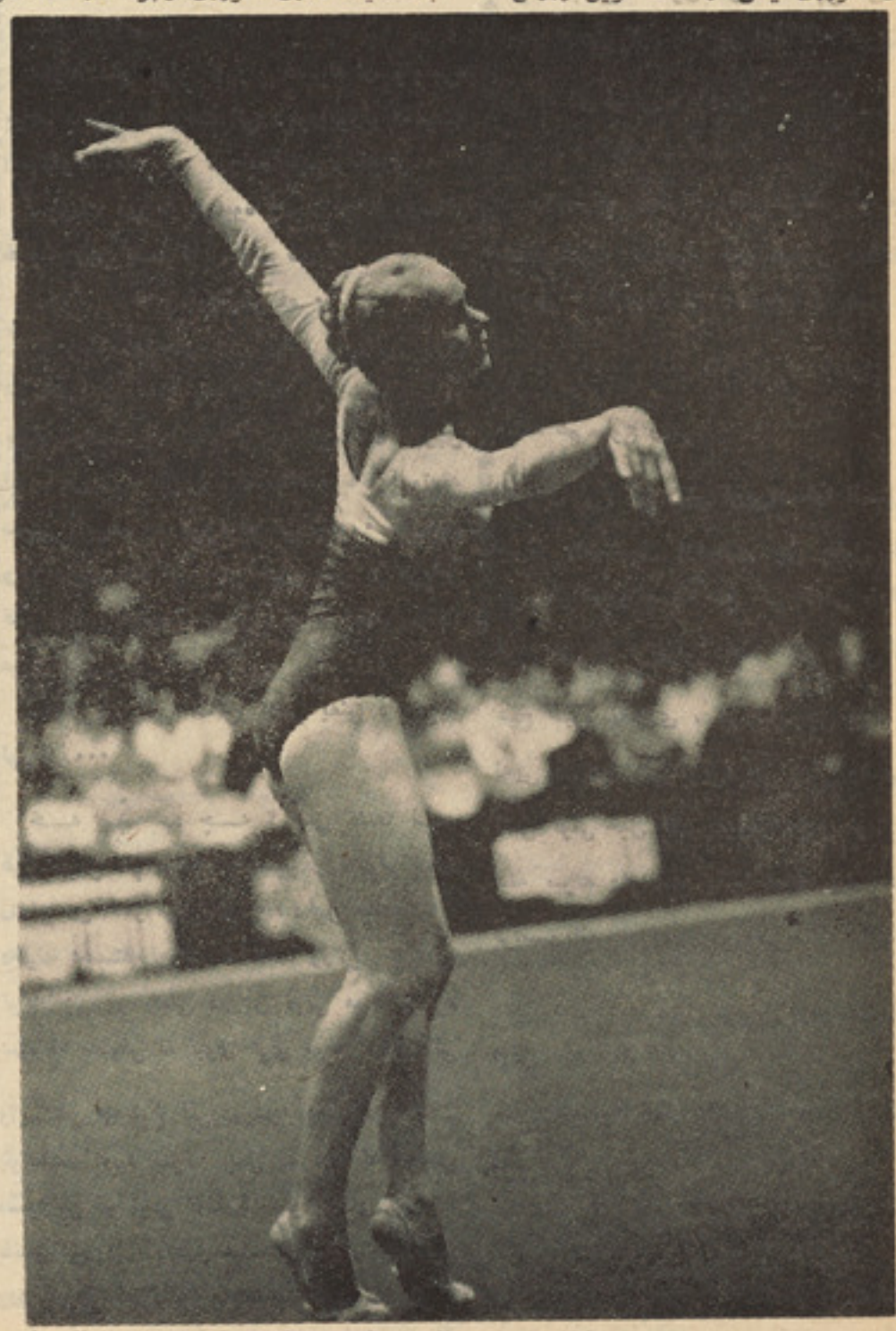

ورزشکار بازی جمناستیك مدرن درحال اجرای این بازی

بازی بانواریکی‌ازخصوصیات‌عمده این‌جمناستیك رامی سازد.

را نمایش واجرا می نمایند که به رقص شباهت تام را می رساند که گویا موسیقی نیز در آن دخیل است .

حقیقت درین است که جمناستیك مد ر ن امروزی در مرحله نخست به رقص‌دانش‌توجه نداشت وبعضی حرکات رقص اکروباتیك را اجرا می نمود که بعد ها به حیث یك سپورت مستقل تبارز نمود.

گالیما چنان با مهارت توپ را دردست داشته وورزش را اجرا میکند که‌بینند گان تصور میکنند که‌گویا توپ دردستها، با ز و واندام‌او وکاملا چسپیده است‌وقتیکه‌اوتوپ را بدور می اندازد بصورت معجزه آسا توپ دوباره به او نزدیك میگردد همه این کارها با نوازید ن اشارات مخصوص موسیقی می تواند صورت گیرد .

در نمایش های‌که انجام شده زنان به‌خوبی نشان دادند که چگونه بصورت خوب میتوانند هنر رقص وورزش را با هم یکجا به نماشاچیان نشان دهند .

بعد ها بعضی از عناصر رقص اکروباتیك جز این ورزش گردید بنابرین گفته‌میشود که رقص های‌اکروباتیك نمیتواند باجمناستیك واساسات جمناستیك مدرن امروزی در تضاد واقع گردد .

متخصصین این فن عقیده دارند که بازی کنان جمناستیك مدرن که به تدریج ازرقص فاصله می گیرند این امر باعث میگردد که به تدریج وبا گذشت زمان جنبه های احساساتی وعشقی خودرا از دست بدهند . در عوض مهارت وظرافت دختران تنها درقسمت تمرینات فزیکی تکامل خواهد نمود .

هر قدر ورزشکاران این‌جمناستیك‌را که‌دخترن تشکیل میدهند درتمرین این ورزش دقت‌به خرج‌دهند بصورت خوبتر می توانندهنرورزش شانرا بهبود وتکامل بخشد چنانچه گالیما یك ورزشکار ورزیده این جمناستیك است.

او یك ریسمان قاری را با مهارت خاص به پیش انداخته خودش به تعقیب آن حرکت میکند دفعتا خیززده با پا آثرامیزند این عمل او سبب میگردد که ریسمان مذکور شکل بیضوی وحلقه را بخود اختیار نماید باتشکیل این کار او چندین تمرین رقص‌اگروبایك ر اجرا می نماید .

بازی کنندگان ا ین هنر جمناستیك عبارتند از دریوگینادر اتحادشوروی گی گووا در بلغاریا ریسچر در جمهوریت فدرالی آلمان سندوك در جاپان که بامهارت توانسته اند با انجام این ورزش‌شهرت بسزایی درجهان کسب نمایند .

ژوندون

دختران حین اجرای نمایش بامهارت حرکات‌موزون را اجرامی نمایند.

همچنان اجرای این تمرینات باریسمان نوار نیز عین حقیقت بازی دلچسپ را نشان میدهد . دلچسپی وخارق العاده بودن این ورزش تعداد زیاد مردم را بخود کشانیده است ومیلیونها تما شاچی ازمسابقات مهم و دلچسپ این ورزش دیدن بعمل می آورند .

در اتحاد جما هیر شوروی سوسیالیستی هزاران زن ودختر درین جمناستیك مد ر ن ثبت نام می نمایند که ازجمله ثبت‌نام کنند گان سیزده نفر شان توانسته اند سرآمد همه گردیده ومدال های بدست آورند ، که در حدود دو هزار ورزش کار در جمناستیك مدرن امروزی درجه ماستری بدست دارند .

تلاش های در جریان است که این ورزش جدید را به حیث یك مضمو ن درسی در مکاتب نیز همدوش سایر ورزش هابه شاگردان بیاموزند . این ورزش جدیدمختص زنان و دختران است وگفته میشود تلاش های مثمر در جریان است که این ورزش د ر مسابقات بین المللی نیز مقام های ارجمندی را حاصل وبه جهانیان معرفی گردد .

قسمت سوم

نگرشی برسوابق تربیت‌بدنی و تحولات‌ورزشی در اتحادشوروی

گاپلونوف بسال ۱۹۶۳ شامپیون‌وزنه‌برداری شد، ویکتور کوز نتسوف‌وولادیمیر گولو وانوف درسال ۱۹٦٤ از جمله قهرمانان وزنه برداری اروپا واززمره قایم کنندگان ریکاردهای جدید این رشته شناخته شدند ، اینان با شرکت‌شان در بازیهای توکیو یك مدال طلا ودو مدال نقره را ار مغان آرودند • الکسی واخونین معدنچی وآموز گار وی رودلیف پلیوفیلدر کارگر برق قهرمانان المپیای توکیوشدند• ایوگنی گریشین دونده ماهر در بازیهای المپیك ۱۹۵٦ و۱۹٦۰ که مسابقه دویدن پنجصد ویکهزار وپنجصد متری رابرنده شد ، دومدال طلا وبسال ۱۹٦٤ یك‌مدال نقره را بدست آورد ، اکثر اعضای خانواده اش در بازی روی‌یخ هم مهارت‌بسزایی دارند • ازآنجمله (مارینا) خانمش از چهره های قهرمان اتحادشوروی شناخته شده است تیم ها کی یخ‌شوروی طی سالهای۱۹٦۳ـ، ۱۹٦٤ ، ۱۹٦۵ ، ۱۹٦٦ و ۱۹٦۷ برای مدت پنجسال مقام قهرمانی رادر جهان داشته است بوریس مایار وف کپتان این تیم به سال۱۹۵۲ در بازیهای هاکی قدم گذاشت وبا (سپارتك مسکو) پیوست • تیم یاد شده برای نخستین بار در بازیهای ستاکهولم (پایتخت سویدن) مقام قهرمانی دنیارا حاصل کرد•ولادیمیرکوتس یکی از قهرمانان بازیهای المپیك ملبورن، شامپیون اروپا وقایم کنندهٔ ریکارد جدید در مسابقه دویدن است• به‌نحویکه درسال۱۹۵۷ در روم ریکارد پنجهزار متری را قایم کردکه برای مدت هشت سال ثابت ماند ودیگر ورشکاری آنرا نتوانست‌بشکند • وی دراگست سال ۱۹۵۳ طی مسابقه بین المللی بخارست (پایتخت رومانیه) در برابر ایمیل زاتوپك) دونده تندگام چکوسلواکی وبرنده سه مدال طلایی از بازیهای المپیك هلسنکی‌پیشی جست واورا شکست داد• یکسال بعد در مسابقات قهرمانی برن (سویس) بازهم‌ولادیمیر کوتس نسبت به زاتوپك‌ورزشکار

بقیه درصفحه ٤٤

ورزشکاران ما باید آراسته به اخلاق سپورتی باشند

خوا نند گا ن گرا نقدر صفحه ور زش مجله ژوندون آگاهند کـه چندی قـبل مسا بقا ت ور زش تور نمنت خز انـی سمت شما ل در و لایت بلخ خا تمه‌پذیرفت که در این مسابقات تعداد کثیری از ورزشکا را ن آن و لا حصه داشتند چند روز قبل یکی او ورزشکا ران زیبا یی اندا م ولایت بلخ به کا بل آمد ه بود که ازطرف ریا ست عا لی ور زش جهت مصا حبـه به دفتر ژو ندون معر فی گردید ، خبرنگار مجلـه قسمتی از صحبتش را کـه با ورزشکا ر مذ کور انجام داده جهت آگاهی شما ومعرفی بیشتر ورزشکا ران بـدست چا پ سپرده که خد مت شما ورزش‌دوستان تقد یم است .

جوا نی با چهره جذاب و برخوردشیرین ومواد یانه وارد دفتر ژوندون می شود بعداز احـوال پـر سی میـگویـد : مصا حبه شما می کنید . میگو یم بلی بفر ما ئید میگوید ، ازمزار شریف آمده ام وور زش کا ر زیبا یی اندا م می با شم .

•خوب چی‌میشود اگر خود را بـه خوانند گان محترم ما معر فی کنید .

• اسمم محمد اسمعیل و در ور کشاپ های تفحصا ت نفت و گا ز مزار شر یف مشغو ل و ظیفه می با شم .

•چند سا ل می شود ورزش می کنید .

•دو سا ل قبل به ورزش زیبا یی اندام پا نهاده ام . چند مدتی از فعالیت ورزشی ام نگذ شته بود که تکلیف مر یضی به سرا غم آمد ، بعدا ء به خا رج از کشور جهت‌سیاحت ر فتم کـه د ر پهلو ی آن به تداوی ام نیز تو جه کرده و صحت شدم ، و قتی دو با ره به وطن با زگشتم به تمر ین سپور ت مورد علاقه ام ادا مـه دادم که تا حا ل جریان دارد . نا م برده افزود : در مسا بقات تور نمنت خزا نـی وبهاری‌ایکه از طرف آمریت ورزشـی ولایت بلخ صورت گرفته حصه داشتم که‌در هر دو مسا بقه در کلا س متو سط قهرمان شنا خته شده و کپ ها ی ور زشی را نصیب شد م که در مسا بقا ت دور خزانی رئیس ریـاست عـالی و ر زش هیـات همراه شا ن نیز از مسا بقات ما دید ن کر دند .

بایدبگویم کلب‌هایکه‌قبلا درآن عضو یت دا شتیم کلـب هـا ی آزاد بـو دند که‌در مسابقات هـم حصه‌نداشتیم بعـد از پـیروزی انـقـلاب شکو همندتـور

بقیه درصفحه ٤٤

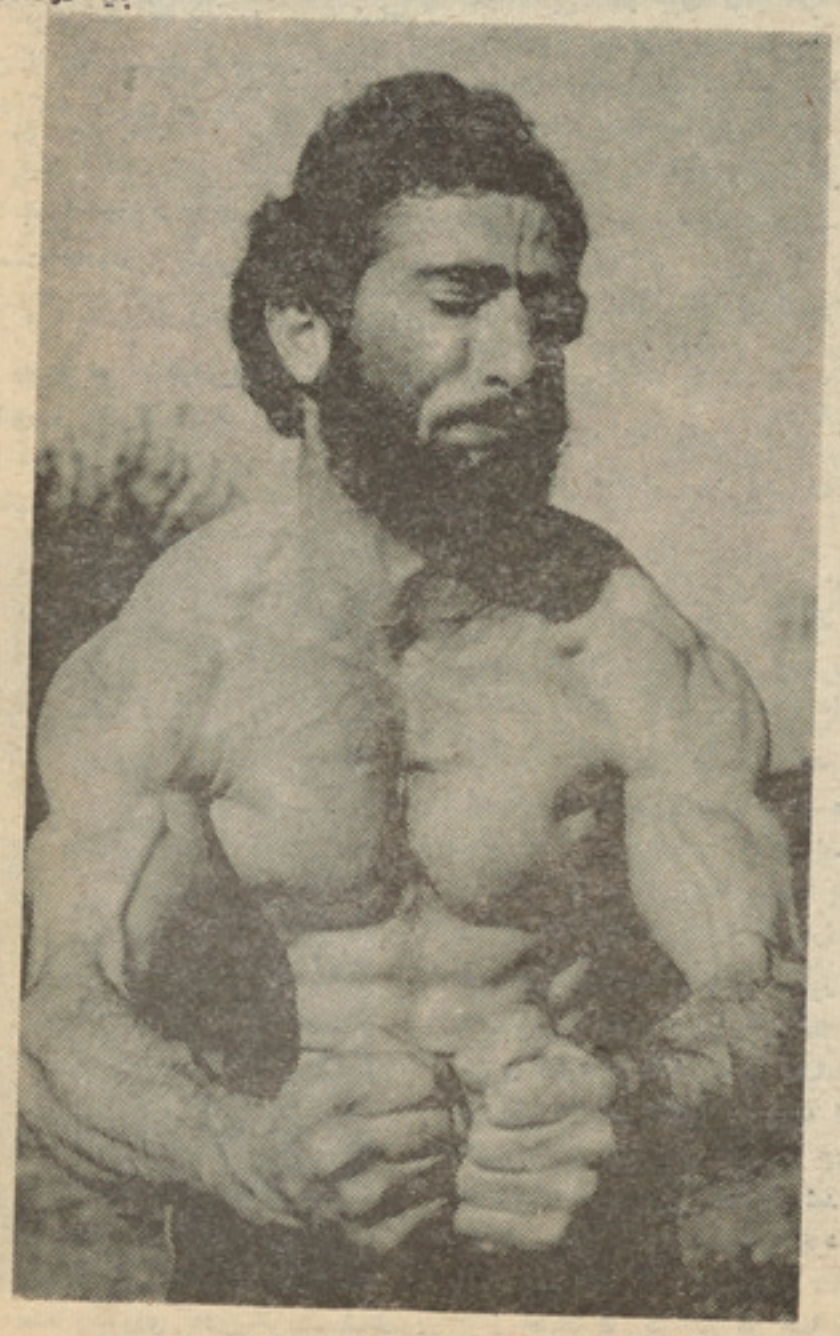

محمداسمعیل ورزشکار جـوان وخوش اندام

ترجمه عبدالله «سعیدی»

از سمیو تنیك

قهرمان جهان شطرنج
اناتولی کارپوف

(۹۳) روز مسابقه شطرنج غرض کسب لقب قهرمان جهانی که در تاریخ مسابقات شطرنج از نقطه نظر مداومت بی نظیر بود دوام داشت . درین مسابقه هیجان انگیز که بعضی اوقات حالت‌در اماتیك را بخود میگرفت جوانان (۲۷) ساله بمقام پیروزی رسیدو لقب قهرمانی رایکبار دیگر حاصل کرد . این جوان اناتولی کارپوف نام دارد .

او لین بازی غرض کسب لقب قهرمانی جهانی در سال (۱۸۸٦) صورت گرفت در نتیجه ستینتس لقب قهرمانی رابدست آورد .از آنوقت تا حال نفر بیا (۹٤)سال میگذرد . درین مدت (۲۹) بازی‌غرض کسب لقب قهرمانی جهانی مسابقات شطرنج بوقوع پیوست و (۱۲) نفر لقب قهرمانی را حاصل کردند . بعد از ستینتس لاسکر، کاپابلانکی ، الیوخین ، ایوی ،بوتوینیك ، سمیسلوف ، پترو سیان ، سمایسکی، فیشرو کارپوف با التر تیب‌لقب قهرمانی را حاصل کرده اند .

بزرگترین شطرنج باز روسی الکساندر‌الیوخین تا دقایق مرگ‌خود لقب‌قهرمانی را حفظ کرد . شطرنج باز امریکائی روبرت فیشر بدون کدام عامل ازاشتراك در مسابقه ابا ورزید و لقب قهرمانی رااز دست دادودرین شش سال درهیچ یك از مسابقات شطرنج اشتراك‌نه‌ورزیده است و به عوض او جوان (۲۷)ساله‌ازلیننگراد اتحاد شوروی بر مسند قهرمانی شطرنج تکیه زد .

موفقیت های پی هم کارپوف در مسابقات

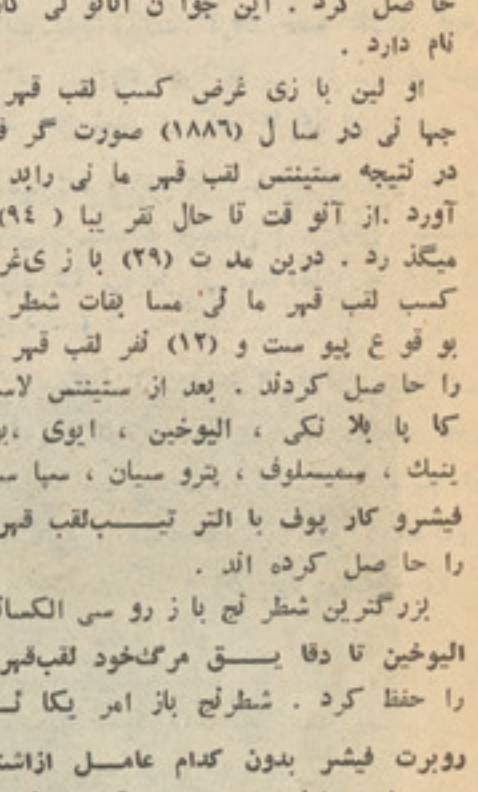

کارپوف بعداز پیروزی بالای حریف‌خود

داخلی و بین المللی برای کسانیکه به قهرمانی او مشکوك بودند دیگر جای شك وتردید باقی نگذاشت .

یکی از نمونه های بارز موفقیت های‌او در مسابقات افتخار دریافت پنج مجسمه کوچك نقره ئی است که فعلا تزین دهنده خانه او میباشد . این مجسمه ها جوایز «اوسکار» اند که سالانه از طرف‌اتحادیه زورنالستان مسابقات شطرنج برای بهترین بازیکن شطرنج سال اهدا میگردد کارپوف بار دوم غرض حفظ لقب قهرمانی خود برای اجرای مسابقات عازم فلپاین‌شد درین وقت شهر باگیوتو جه ژورنالستان جهان را بخود جلب کرده بودو از همه اطراف واکناف زمین به شهر باگیو سرازیر شده بودند . اناتولی کارپوف انسان متواضع وبا همه به بسیار نرمی رفتار می کرد دیری نگذشت که تو جه مردم را درین شهر بخود جلب کرد . در مقابل حریف بطور دیگر رفتار می کرد . کورچنوی که در مقابل کارپوف قرار گرفت یکی از بزرگترین استادان شطرنج است اما در پهلوی این صفات خوب خود در وقت مسابقات جارو جنجال های را برپا می کند که به شطرنج‌هیچ ارتباطی ندارد وهمه خوبی های‌او را برهم میزند درسال ۱۹۷٤ وقتیکه کورچنوی در مقابل اناتولی کارپوف مغلوب گردید نمیخواست خودرا مغلوب تسلیم دهد و درهر قابل حکم از رفتار های غیر سپورتی کار میگرفت و تاحدی رسید که بالاخره از بازگشت دوباره به وطن خود یعنی اتحاد شوروی ابا ورزید .

وقتیکه ویکتور کورچنوی به مانیلا رسید نه‌تنها پروگرام سپورتی باخود داشت بلکه میخواست که بازی های شطرنج خود را جنبه سیاسی بدهد همینکه به فلیپین رسید دریك مصاحبه مطبوعاتی حریف را به باد دشنام گرفت واعلام داشت که در حین مسابقات اوضاعی را بوجود خواهد آورد که برای کارپوف غیر قابل تحمل باشد . کورچنوی‌ازینکه انسان خود خواه است و از لفظ تواضع‌هیچ خبری ندارد در فلپاین در مصاحبه‌مطبوعاتی با یکی از خبرنگاران مجله امریکائی «سپورتس الیوستریتد» چنین اظهار داشت : «من پیروز خواهم شد حریف را پار چه پارچه خواهم کرد واین رابه اثبات میرسانم که کدام شطرنج باز حقیقتا قویترین در جهان میباشد.» حکم بازی پیشنهاد کورچنوی را مبنی بر استفاده از پیرغ سویس رد کرد . حکم های بازی که در جمله آن شطرنج بازان معروف جهان قرار داشت‌به پیشنهاد های مشابه دیگر او جواب منفی داد . بعد از ینکه حکم جواب منفی خودرا درین موارد اعلام داشت کورچنوی حکم بازی را متهم کرد که گویا انها از اناتولی کارپوف و طرفدارا ن او پشتیبانی میکنند.

کورچنوی طبق اعلام قبلی خود سعی میکرد تا به هر ترتیبی باشد فضای‌بازی را خیره کند ودرین قسمت از طرق مختلف استفاده میکرد . این نکته به هنگام معلوم است که در جریان پنج ساعت بازی شطرنج بازان چای قهوه وغیره نوشیدنی ها مینوشند حتی بعضی اوقات تسکین اشتها میکنند .عجیب است وقتی که کارپوف از طرف یکی از حضار از طریق حکم بازی گیلاس ماست را در یافت کرد کورچنوی‌پروتست‌خودرا درین قسمت نیز اعلام داشت .به فکر او ماست نوعی از اشاره هاست تاکارپوف را کمك کند .

در قسمت دیگر اظهار داشت که یکی از اعضای هیات شوروی اورا دراغما میگیرد به این ترتیب هر بازی که بازی رامی باخت از رخوت واغما سخن میگفت

کاخ‌کنگرس ،در این جامسابقات‌ادامه‌داشت

بعد از ختم بازی هند هم وقتیکه ویکتور کورچنوی شکست خورد روایت جدید را پیش کش کرد و اظهار داشت که نه تنها او را در اغما می گیرند بلکه کارپوف را نیز درین حالت قرار میدهند و به‌او کمك میکنند تا خوبتر بازی کند . به‌این لحاظ حریف پیشنهاد نمود تا پرده آینوی نصب شود برای اینکه بازیکنان از تاظرین دور تر قرار بگیرند تا دیگران آنها را نبینند . این تقاضای غیرمنطقی او طبعا رد گردید .

دیری نگذشت که به اعمال جدی تردست زد . در وقت یکی از بازی ها در نزد یکی کورچنوی

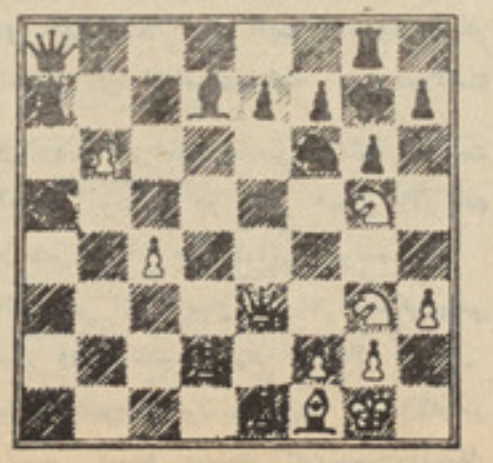

بازی نهایی کارپوف وکورچنوی

کیك باشمع‌ها (سه‌پیروزی سه‌شمع) ازطرف دوم باگیو

هیئات نمایندگی اتحاد شوروی مردوزن جوان بالباس سرخ جا گر فتند. اینها دو تبعه امریکائی از گروه مذهبی «افاندهمارگا»ستیون دوایر وویکتور بیاشپارد بودند که از اثر سوقصد وعملیات ترور یستی با لای دیپلوماتهای هندی در سال ۱۹۷۸ توسط ارگانهای دولتی فلپاین به هفده سال حبس محکوم شده بودند وتحت ضمانت با المان تاغوراستیناف آزاد گذاشته شده بودند . قسمیکه بعد معلوم شد ستیون دو یکتور یا به شهر باگیود عوت شده بودند تا منحیث‌معاوینن کورچنوی فعالیت نمایند و حتی بحیث اعضای رسمی هیئات نمایندگی خودکورچنوی آنها را اعلام داشت .

دخول این نوع اشخاص مجرم وتروریست در فضای بازی های جهانی شطرنج بی سابقه میباشد . هدف از دعوت این دو نفر این بود تا بدینوسیله کورچنوی بتواند با لای حریف خود، اعضای حکم بازی فشار روانی وارد نماید . هیچ کس این را پیشگوئی کرده نمیتوانست که ترور یست ها ی که به هفده سال حبس محکوم شده اند چه جنایاتی را مرتکب خواهند شد . این نکته را سازماندهان بازی خوبتردرك کرده بودند نخست از ورود ترور یست ها به صالون بازی و بعد مانع دخول آنها به اطاق های دیگر شدند .اما در مقابل کورچنوی تا ختم مسابقات بااین دو نفر ارتباط خود را قایم کرده بود.

چندی نگذشت که کاسه صبر اعضای حکم بازی لبریز شد واین اعمال کورچنوی را که جریان نورمال و مساعد مسابقات را برهم میزند وبه اسامنامه فدراسیون جهانی شطرنج مغایرت تام دارد بشدت محکوم کردند وتقاضا کردند تا بدون گفتگو تروریست ها از شهر باگیو خارج شوند . کورچنوی از اعمال اعضای حکم انتقاد شدید کرد ارگانهای دولتی فلپاین و سازماندهان بازی را متهم ساخت که آنها از اناتولی کارپوف جانبداری‌میکنند .

بقیه‌درصفحه۵۳

بقیه‌صفحه ۱۱

کاخ‌موزیم پاولوفسک...

به این تر تیب فیو دور پروژه اعمار مجدد قصر را آغاز کرد .

ایـــن شخص د ر وقـت کار به همه در مو ضو عا ت مختلف کمك میکرد و هیچ‌گاه اشتباه نمیکرد . رسا می ها ی واقعی مطالعه میگر دید و غر ض اعمار مجدد مواد زیـاد جمع آوری گردید . بزودی در جلسه اعمار مجدد کاخ های لیننگراد ازطریقـه زیبینووه سخن گفته شد . هریك از صا لو ن ها از خود دو سیه مخصو ص دا شت . همه عکاسی هاجمع آوری میشد ومطالعـه میگردیـد تـا کمبو دی ها و نقا یص آن بر طرف شـود ویا اگر ضرورت پا شد سر از نو ایجـاد گر دد .

پـلان پارك تـوسط خـط هـای مخصو ص که علا ما ت در خت ها ی قطع شده رانشان میداد پر شد . ضرور بود تا اسناد قبل از جنگ دیده شود و نسل در ختان قطع شده هو یدا گردد زیرا پارك با ید شکل سابقه را بخود میگرفت .

برای اجرای این کار عظیم به نیرو ی‌کار زیاد ضرور بود .به این تر تیب در روزهای رخصتی همه به کار های داو طلبا نه مـی پرداختند.

بعد از کا ر ها ی مقد ما تی مجسمـه سا زان ، نقا شان ، تخته فرش کنندگان و مطلا کا را ن به موزیم سر از یر شد ندو ضا یعا ت را جبرا ن کردند .

زیبینووه چـون دو لسان خـارجـی را میدا نست به او پیشنهاد کردند تا درسازمان یو نسکو منحیث مشاور هنر شنا س درقسمت احیای یاد گا ر ها ی مهند سی کار کند محلات کارنیو یارك ، ژنو ، و پـاریس تعیین گردیده بود. اما زیبینووه در مقابل جوا ب منفی داد وا ظهار دا شت که ازموزیم پا ولو فسك جدا شدنی نیست .

گرو هی از مردم اند که فکر میکنندنظر به اشخا ص دیگر به بسیا ر سهو لـت زند گی میکنند و همه کارها را به عهـده خود میگیر ند و درین قسمت فکر نمیکنندکه میتوا نند کا ر ها ی مذ کور را متحمـل شو ند .

این زن از محاصره لیننگراد (۹) سا ل بدون استراحـت و تفریـح به‌کـار شدیـد پر داخت تا اینکه با لاخره به تو بر کلو ز چشم مبتلا شد. چنـدی بعد زیبینووه بـه دوستان خود چنین مینو شت:« نمیدا نـم حاضر جوا بی خودم ویا داکتر ان دید چشم را به من باز گشتا ند ند اما با ز هم پنـج صفحه در یك روز ! من قوه را در ما ها ی اول بمصرف رسا نید م به این لحاظ دوباره به مر ض چشم مبتلا شده ام . در کا رهای ما با ید محا سبات دقیق نبا شد زیرا بـا این عمل هنرو کار ما خشك تر جلـوه میکند .! »

در سا ل ۱۹۵۷ او لین صا لو ن مو زیم غر ض نما یش اماده شد ودر سا ل (۱۹۷۰) تما شا چی از تما م صالون ها ی آن دیده کرده میتوا نست.

زیبینووه چنیـن میگو ید : « من ازآمـدن مردم به موزیم بسیار خو شو قت میشو مزیرا این هم علا قه مردم شوروی و خا رج از شو روی را به موزیم نشا ن مید هد .درین جمله اشخاصی اند که در قسمت هنر مهارت تام دا شته میبا شد بعضی ها که در قسمت هنر چند ن مها رت ندارند منحیث روز های جشن روز خود را سپری میکنند . ایـن مهم نیست که کدا م اشخا ص در نو بت غرض تماشای موزیم ایستادند بلکه مهـم اینست که به هر یك کمك شود تا از اشیا ی مقبو ل و دید نی تما شا کنند .»

نمایی ازداخل کاخ‌موزیم پاولو فسك

بقیه صفحه ۱۵

تضادهای درونی...

با زی کند که بر نده و غا لب با شد و تا هنوز در زمره کشور ها یی امپر یا لیستی دارای فرصت هـا ی متناسب بخاطر کسب ثـروت بوده، عـلا وتا در دنیای سرما یـه داری ، دارا ی نیروی اقتصادی و نظا مـی شا مخی است . که در وا قعیت امر ایـن ایالات متحده امریکا است، که‌مرکـز عمـده ایدو لو ژی سر ما یه داری میبا شد .

هر چر خش عظیمی که در پیشر فت و انکشا ف او ضا ع بین المللی رخ میدهد، به هما ن اندا زه در بین کشور های‌سرمایه داری رقابت فز و نی می یا بد ، و این نوع خصو مت ها و اختلا فا ت زیاد ترآنو قت بمر حله حاد و شد ید خود میر سد که بحرانات در حال تکو ین با شد .

ایـالات متحده امریکا سعی فـر ا و ا ن بخرج میدهد تـا ارزش دالـر ش را در مناسبات تجاری و بازار هـا ی فـروش کا لا در مار کیت های رقبای سر ما یـه‌داری اش بلند ببرد ، به همین منظور است که منا سبا ت اقتصادی و ما لی بعضی‌اوقات در بین دول سرمایه درای به اندازه مغلـق و پیچیده میشود ، که به تضاد ها ی طرفین مید ل میگر دد، خصو صا بین ایا لات‌متحده امر یکا ، جا پان وکشور ها ی اروپا ی غر بی .

درین اواخر یعنی چند سا ل قبل سـه مرکز عمده کشور ها ی امپر یا لیستی در بر خورد با پرا بلم ها ی جها نی طر حی جدا گا نه و مجزا از هم داشتند ، که در سا حه بین المللی برای همه کس رو شن و مبر هن است ـ هم چنان رقا بت هـای اقتصادی در بین کشور های متذ کره بخاطر کا هش بلاك ها ی متخا صم نظا می درجهان نسبت پیاده شدن پروسه دیتانت و شکست فاحش امپر یا لیسم متجا وز اتا زو نی در جنوب شرق آسیا همه و همه پرو سه‌ها ی اند ، که دول سرمایه داری رابه نسبت‌از دست دادن ما رکیت ها غرض فرو ش کالا ها دررقابت ها ی خصو مت بار مبتلا ساخته و عر صه مخا لفت شا ن هر روز و سیعتر گر دید ه و میگر دد .

علاوتا درین اواخر کشور های اروپا ی غـربی این درك واقعبینانه را کسب کـرده اند ، که به جز از پروسه دیتانت کـدام التر نا تیف دیگری و جود ندارد تا تشنج را در ین قا ره کا هش دهد . یك چیا رم این دول نسبت به اتا زو نی این مسئله را بار ها خو ب فهمید ه اند که به کا ر اندا ختن مبا لغ هنگفت بمنظور مسا بقات تسلیحاتی عمل پو چ و نا معقو لی ا ست که این خود نقش منفی را در منـا سبات بین ما و دو ل سوسیا لستی که با ما دارای منا سبا ت مرزی و سر حدی انـد میگذ ارد ، و قا ره ما را به عر صه‌مسابقات تسلیحاتی بیهوده و پوچ مبـدل سا ختـه مصونیت وآرامش را برای همه اقباعـی این سر زمین از بین خوا هد برد .

دیتا نت در اروپا تا ثیرا ت مفید وقابل ملا حظه در تما م عرصه ها ی زند گـی اجتما عی خصو صا در منا سبا ت بین‌الدول گذاشته و بر کشور های اروپا یی است که دیتا نت را هر چه زیاد تر در قاره خود تعمق و تحقق دهند ، اکثر یت رهبرا ن سیا سی بورژ وازی معتقد اند که کنفرانس «۱۹۷۵» ارو پا بخا طر پیاده شد ن دیتا نت درین قاره یك واقعه اسا سی بین المللی بشما ر میرود وا گر به اسا سا ت ایـن واقعه تاریخی احترام گذاشته شود و بـه منصهٔ تطبیق قرار گیرد اروپا آینده رو شنی خوا هد داشت .

امروز همه کس از سعی و تلا شی اتحاد شوروی ، دول برادر سو سیا لستی و تمام نیرو های صلح دوست این‌تشکر واحترام را بجا می آورند ، که ایشا ن د رپیاده‌نمودن دیتا نت مبا رزه خستگی نا پذیر نموده و این دیتا نت است که سیا ست بلاك بازی را دچا ر انحطا ط و بحرا نا ت شد ید نموده و نیرو ها ی متجا وز را موا جه به نا کا می ، ودر عین زما ن مخا لفت های بین دو ل امپر یا لستی را کمی نر مو ملایمت بخشیده است. و لـی بهر حـا ل نشرا ت غرب بصورت وا ضح و رو شـن یاد اور میشو ند که حا لا اتا زو نی در ارتباطات اقتصادی و سیا سی خود نسبـت به قبل ضعیف تر گردیده یعنی آن عـادت

بقیه درصفحه ۵۱

بقیه صفحه۴۱

نگرشی بر سوابق تربیت...

چکوسلواکی پیروز شد ودر مسابقات پراگ بمقابل چریس چاناوی ورزشکار انگلیسی ودر مسابقات المپیك ۱۹۵۶ هم پیروزیهای رانصیب شد .

فتبالبازان اتحاد شوروی در مسابقات المپیای ملبورن نیز باکامیابیهای زیادی مواجهه شدند، مخصوصا شطار تهای لیو یاشین گولکیپر تیم (دیناموماسکو) بنفع مسکو ، اتحاد شوروی اروپا و جهان افتخار اتی را حاصل کرد. یاشین بسال ۱۹۶۳ ضمن مسابقات فوتبالیکه باتیمهای معروف یکتعداد کشور های دنیا صورت گرفت در مطبوعات سپورتی لقب (قهرمان مسابقه) را صاحب شد . درسال ۱۹۶٤ بمقابل تیم یوگو سلاویا ریکارد جدیدی را قایم کرد. در مسابقات قهر مانی جهان به سال ۱۹۵۸در سویدن بمقابل تیم آستریا ودر سال ۱۹۶۳ در روم بمقابل تیم ایتالیاکپ قهرمانی اروپا را برنده شد ، موصوف تاسال ۱۹۶۵ درپنجاه وهشت مسابقه شرکت کردو عضویت برجسته را در اداره فدراسیون فتبال اتحاد شوروی حاصل کرد . همچنان (ایگورنیتو) یکی از چهره های درخشان فتبال در مسابقات المپیك ملبورن از شهرت فراوان بر خوردار شد ودر بازیهای سکی واتلتیك نیز مهارتهای را از خود نشان داده وبا اشتراکش همراه تیم سپارتك بسال ۱۹۴۹ در ناروی ، تیم اتحاد شوروی رامعروف ساخت وکپ بزرگ سپورتی را دستیاب کرد. در سال ۱۹۵۲ عضویت تیم المپیك شوروی راکمایی کرد و تاشانزد هم می ۱۹۶۵ برای

مدت دهسال کپتان تیم خودبود ودر یکتعداد زیاد ممالك خارجی افتخار شمول رادر مسابقات بزرگ نصیب شد ، ازاثر مساعی وتوجه او تیم شوروی در مسابقات المپیك ملبورن شامپیون گردیده وبسال ۱۹۶۰ کپ قهرمانی اروپا را بدست آورد. وی درپنجاه مسابقه شر کت کردوبرای مدت هشت سال بهترین لفت آف تیم خود بود . علاوه تاوی در بیش از سه صد وشصت بازی تیم (سپارتك) وبازیهای قهرمانی اتحاد شوروی سهم داشته است .

گریگوری کریس فتبالباز معروف که در المپیای توکیو از خود مهارتهای پرمایه را نشان داد ، آموزگار واستادش لیافت واستعداد خلاقه سپورتی اورا بارها توصیف کرده است، چنانچه درسال ۱۹۵۸ مقام قهرمانی رابدست آورد

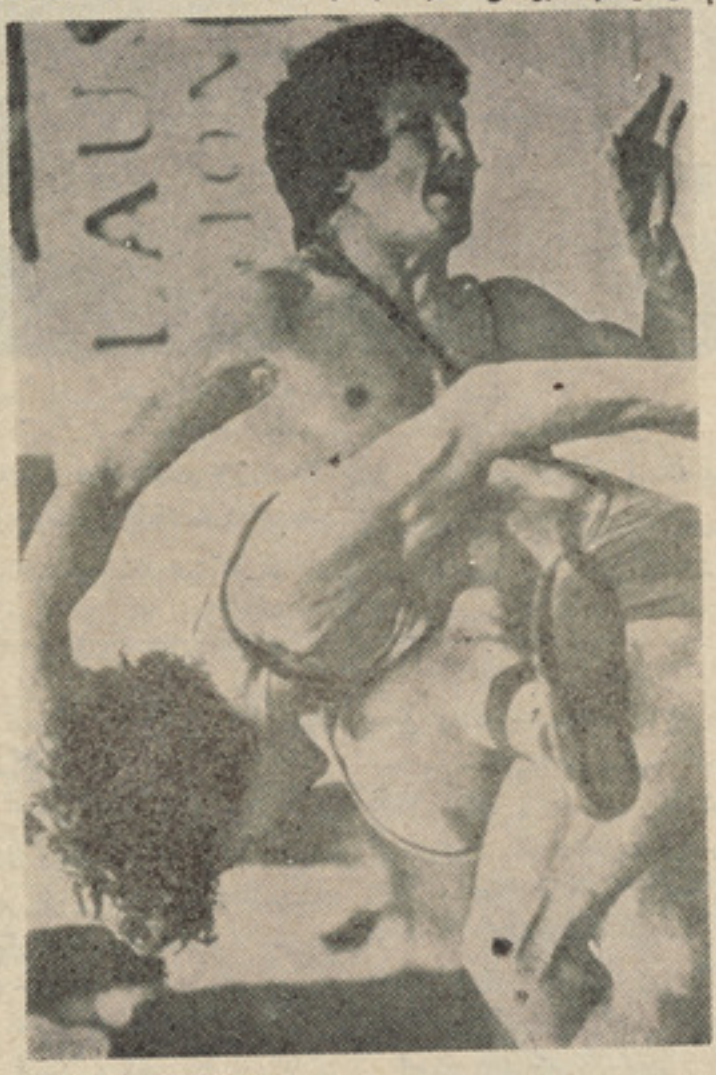

ویك مدال برونزرادر قهرمانی تیم خویش حاصل کرد همچنان دارندهٔ یك مدال طلایی از المپیای توکیو شد. رویهمرفته ورزشکاران شوروی تنهادر سال ۱۹۶۵ طی سی وسه مسابقه تیم قهرمانی اروپا وجهان شرکت کردند ودر عجده مسابقه مقام اول رابدست آوردند ، ورزشکاران اتحاد شوروی از جملهٔ یکصد وشصت وپنج مدال طلای مختص مسابقات باخذ یکصد وشانزده مدال نایل گردیدند . بدنبال چهره های معروف ورزشی از میخاییل وروتین برنده چندین مدال طلا وقهرمان سال ۱۹۶۶ جمناستیك در (دور- تموند) میتوان یاد آورشد که انجمن مطبوعاتی سپورت بین المللی اسم او را در ردیف ورزشکاران ممتاز جهان معاصر ماقلمداد کرده است ، وی درسال ۱۹۶۳ ضمن یك تورنمنت از خود کار روایيهای مهیج وشور انگیزرا تبارز دادویکسال بعد شامپیون ماسکو شد وسپس افتخار شمول رادر المپیای توکیو نیز صاحب گردیده ودر سال ۱۹۶۵ با حصول مقام قهرمانی ملی در عالم ورزش شهرت پیدا کردو متعاقبا بسال ۱۹۶۶ در بازیهای دور تموند تمام موقف شایانی گرفت. درسال ۱۹۶۷ میخاییل وروتین وویکتورلیسیتسکی درمسابقات شامپیونی دنیا واقع (تامپری) فنلیند نیز پیروزیهای رابدست آوردند . درسال ۱۹۶۶ تیم فتبال خردسالان اتحاد شوروی در بلگراد موفقیتهای را حاصل کردند وبسیاری از آنان بعدا در مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۰ نیز پیروز بدر آمدند . حصول جایزهٔ بزرگ مسابقه بین المللی اتحادیه فدراسیون فتبال اروپا از دستاوردهای مساعی پیروز مندانه شان است تیم مذکور باتیم خردسالان ایتالیا که دریوگوسلاویا مسابقه دادند ، مقام اول را احراز نمودند.

در اتحاد شوروی بیش از شصت رشته ورزشی المپیایی معاصر بین المللی واضافه از یکصد رشته ورزشهای ملی وبازیهای محیطی بین مردم رواج دارد . مانند : موتر رانی واکروباسی، کوهنوردی ، بدمنتن ، باسکتبال ، بوکس بایسکل سواری ، قایقرانی ، اسپ سواری وسوار کاری ، جمناستیك ، فتبال ،والیبال، هندبال ، بازی روی یخ ، سکی بازی ،دویدنها، پهلوانی ،هاکی روی یخ،هاکی روی چمن،شناوری دوومیدانی ، سرسره بازی ، تینس ، شطرنج، بلیارد ، پنگ پانگ ، بگی دوانی ، کرکت، چوگان بازی وانواع رشته‌های دیگر که ذکر همهٔ آن درینجا نمیگنجد . از آنجمله در رشته پهلوانی ، پهلوانان شوروی همیشه در مسابقات بین المللی پیروزیهای رابدست آورده اند.

بقیه صفحه۴۱

ورزشکاران ما باید...

ازطرف ریاست عالی ورزش درولایت ما آمریت ورزشی تاسیس وتمام کلپ های آزاد مربوط به آن گردید که فعلا تحت رهنمایی‌های خوب آن آمریت به تمرینات خود ادامه میدهیم البته درپهلوی رهنمای های تخنیکی وتاکتیکی ایکه از آن آمریت بر خوردار هستیم مشکلات دیگر ماهم از ناحیه ندا شتن جای مناسب تمرین ووسایل ورزشی حل گردیده که این خود سبب تشویق و بلند بردن سطح ورزشی درجامعه ما شد .

محمد اسمعیل کارگر په سا سخ سوالی سخنان خودراچنین ادامه داده گفت:

یك ورزشکار وقتی موفق بوده می تواند که تمرینات مداوم را فراموش نکرده در پهلوی تمرین به خصوص زیبایی اندام که ازجمله سپورت های ثقیله می باشد خوراك درست هم داشته باشد . که به نظر من هر ورزشکار باید از طرف صبح اگر توانایی داشته با شد یك گیلاس شیر و یکدانه تخم بخورد چرا که اگر انرژی کامل تهیا شد توانایی بلند کردن دمبل راکه نسبتا کم وزن می با شد نخواهد داشت و یا اینکه حرکات ورزشی را به صورت درست و فنی آن انجام داده نخواهد توانست .

نامبرده افزود : به نظر من هر بازی سپورتی و هر حرکت سپورتی در نگهداری صحت به اندازه یك خریطه دوا موثر می باشد چنانچه از روز یکه خود ورزش می کنم از جا رو جنجال با دو کتوران رها یی یا فتبال بخصوص دکتور را نیکه نسبت به مریض و تشخیص مرض بابول زیاد تر علاقه داشتند به هر حال درپهلوی صحت کامل ، ورزش تمام افراد جامعه را نیرو مند تر می سازد وهمچنان بین افراد جامعه صمیمیت زیاد تر بار می آورد که نمیتوانایی ورزش را در چند کلمه ویا چند سطر خلاصه کرد و همین انگیزه باعث شد تا یك ورزشکار شوم از روز یکه ورزش می کنم فکرم آرام و علاقه ام به کار دو چند ان گردیده امیدوارم تمام ورزشکاران جوان ما در گسترش هرچه بهتر بازی های سپورتی تاحد امکان بکوشند .

خوب عملیکه باعث برد در مسابقه زیبایی اندام میگردد چه می باشد ؟

در قدم اول ورزش کار زیبایی اندام باید دارای اندام متناسب به زیبایی اندام باشد ، عضلات سپورتی داشته تمرین زیاد کند و مهمتر از همه یگانه چیز یکه در برد مسابقه زیبائی اندام رول عمده و بسزا دارد (فیگور) می باشد اگر یك ورزشکار زیبایی اندام حرکت فیگور را درست انجام داده نتواند بنظر من موفق نخواهد بود .

خوب اسمعیل جان اگر به ورزشکاران جوان جامعه ما پیامی داشته باشید بگویید!

پیام من به عموم هموطنان وورزشکاران جوان ما اینست که اولتر ازهمه ازانقلاب ظفرآفرین ثور تا پای جان دفاع کنند .ودرنگهداری ناموس وطن از هیچ گونه فداکاری دریغ نه ورزند، تانیا ورزشکاران ما دا یما آراسته به اخلاق سپورتی باشند و هم چنان در بلند بردن هر چه بشتر سطح ورزش درجامعه ماکوشش خستگی ناپذیر بنمایند

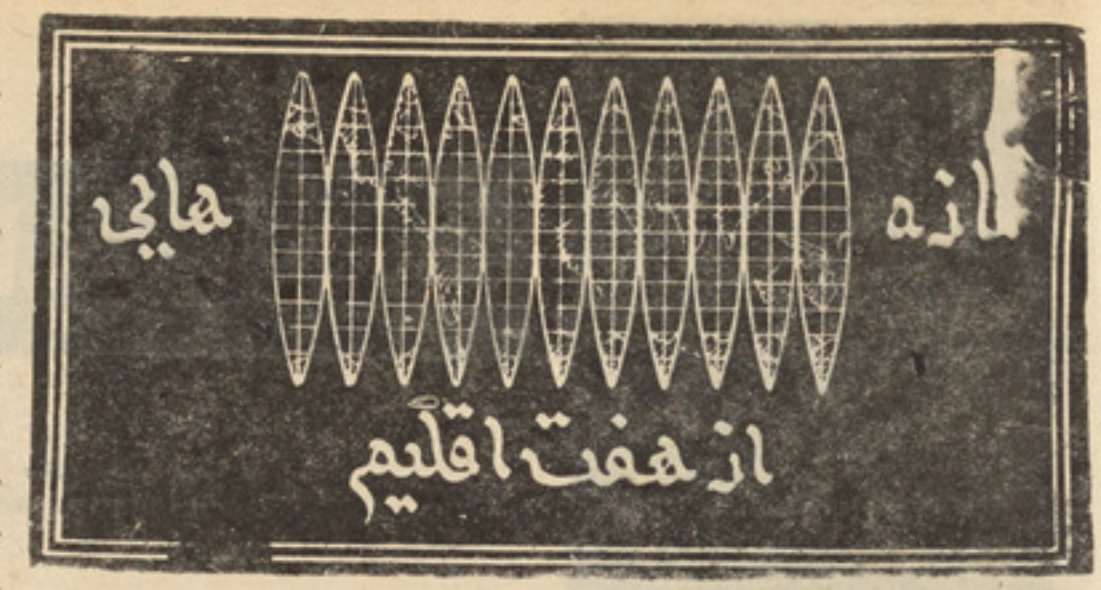

پوگاتشوفا هنرپیشهٔ نوعدوست برسکوی شهرت

در هو تل متعلق به جیو لو جست ها که در شهر کو چکی بنا م (زالیخارد) درنزدیك دائره قطبی قرار دارد .صدای‌دل انگیزگیتار آدم رابـو جدمی آورد. ازمـیان پنـجره شفق قطبی بدرون اتا ق نو ر افشا نـی مینماید . درین‌محیط شاعرانه کـه‌کارگـران معدن وزمین شنا سا ن اقا مت گزیده‌اند صدا ی ملیح و پر جاذبه دختر جوانی توجه آدمی را بخود می کشد . ملا حت و گرمی صدا بحدی است که تا اعماق قلب‌شنونده‌و مستمع نفو ذ میکندمگر این زیاد ارزند ه‌و قابل تقدیر نیست که دریك سر زمیـن متـروك محلیکه نـه‌درخت، نه بته و نـه آثار چرخ‌های ارابه ها هیچکدام آنجا دیـده نمیشود چه آنجا رفته نمیتوا ند و فقـط در فو اصل دور جلگه هایی جلب تو جـه میکرد . زیبا ر ویی در و سط سا لو ن‌که دارای سقف سفید تیز بود آواز می خوا ند در طول راه قبل از آنکه به مهما نخا نـه «نیگورین» با چیـز هـای جالب و دیـدنـی بر خورد یم ، با قیا فه ها ی حنسته وز له کار گرا ن معادن نفت و گاز ، با قیافه‌های آنانیکه تازه ازطیاره فرودآمده بـو د نـد در کـانتین جیو لوجست ها گرد آمده بـودند تاازلود سپیکر هاصدای موزیك دل انگیـز راکه آنسوتر کنسرت داده میشدبشنو نـد.در تا لار کنسرت جا ییکه کا ر گران و سایر جیو لو جست ها برای رفع خستگی آمـده بودند یك و یلنی بچشم میخورد و در واقع این «الاگا تشو فا» هنر پیشه مرد می‌بو دکه با آواز فر یبنده اش و با قیا فه خو ش ترکیبش نگاه ها رابخـود میکشید و تـا اعما ق قلب تما شا گر اثر می بخشیـد او پیهم آواز میخوا ند ، خیلی ها خو ب میخوا ند بگو نه که شنونده را تحر ك و تهیج می بخشید . او خودش ندا شت‌میان آهنگ ها یش و قفه ایجاد گردد و خو دش به تفر یح بپر دازد زیرا او یك هـدف داشت که بایدبرآورده میشد وآن عـبارت بود ازخورسندی جیـولو جست ها و رفـع خستگی آنها که برای آسوده خا لی مرد م عر قر یزی میکر دند . این آواز خوا ن و هنرپیشه صاحب نام باری سوار بـر کشتی کو چك ، تا نزدیك لبه ها ی بحر و سواحل کشتی ا ش را می را ند تا به کار گرا ر حفر معادن منطقه (تیو من) که سخت‌مصروف کا ر بودند ، بسر ا غشان‌بشتا بدو چنا ن آواز بخـواند که او شانرا مسحور نمـوده تو ا نا یی کار بیشتر بد هد و با آهنگهای خویش باعث رفع کسالت شان گـر دد .

این اتفاق یکسا ل قبل بود آنو قت(الاپوگا‌تشو فا) هجده سا ل داشت . مو صوف هنر پیشه ا یست سخت گیرو مشکل پسند کمتر به اشعار و کمپو ز های دیگرا ن‌قناعت میکند واین بـدان ملحـوظ که‌خود یـك کمپوزیتور موفق است ودرانتخاب استعاریـد طو لا دارد و خو د ش از موزیك چیز هایی می فهمد . از نگا ه او میا ن نغما ت و میلو دی هاواشعار یك ارتباط عمیق و جـود دارد و همین ار تبا ط است که در رو ح و قلب شنو ند ه یا بیننده اثر میگذ ارد «الاپو گاتشوفا» معتقد است که جـنگ زدن هنر به قلب د وستدار هنر کا ر سا ده‌ای نیست بلکه خارق العاد گی می خوا هد با یستی موثر تر ین و کو تاه تر ین راه رابرای تسخیر قلب‌ها وخوشنودی علا قه ـ مندان هنر و تسکین رو ح در موا قع‌ناراحتی با لاخره اتخاذ کرد .الا پو گا تشو فا گا هگا هی پا رچه ها ی تر اژ ید نیـز میخوا ند و ازعهدهٔ ایفای نما یشا ت تراژیك نیز پیروز مندانه بدر شده میتوا ند چو ن او دیگر تنها یك آواز خوا ن نیست بلکـه هنر پیشه تیاتر و هنر پیشه فلم نیـز است ، او هنر پیشه ایست صا حب کرکتر های متعدد . گا هی قیا فه در د آلود بخود میدهد ومـریض بچشم میرسد ، د فعـتا بیحد خورسند جلب نظر میکند، بـا ر ی شو خی و مزاح را راه اندا خته و چه بسی لحظا تیکه شدید به گر یستن متو سـل میگر دد و بخا طراینهمه پختگی در کارآواز خوا نی و تمثیل است که وی به یـن تا ز گی ها در فستیوا ل فلم در بلغا ریـا سهم گرفت ودوستدارانش بیـحد مبهـو ت ساخت. مو فقیتش بحدی بـود که جا یـزه طلا یی را که بنا م (افسا نه طلایی) موسوم بود به‌وی دادند. متعاقبا وی در (زوپـوت) یکی از شهر ها ی پو لیند دریك مسا بقهٔ آواز خوا نی بین المللی سهم گر فت آنجا نیز پیروزی ازآن الاپـو گا تشوفا بـود یکی از عوا ملی که تا اینحد در شهر ت (الاپو گا تشو فا » یا ری نموده هما نـا دستر سی اودر فهمیدگی ووارد بـو د ن در شعر است . او اشعاری به پختگـی اشعار شکسپیر را تحلیل مینما ید و مـی خوا ند . خا صتا زمانی «الا پو گا تشوفا» بر سکو ی شهر ت تکیه زد که شعر :(من بخود حسرت می خورم، تو هم میخوا هـی بسا ن من برایم حسو د با شی) شکسپیررا بگو نه خوا ند که شنو ند ۀ رادیو انگشت حیر ت میا ن لب گذاشت واز دل و جـان خر یدا ر ا ستعداد و هنر او گر دید .

الا پو گا تشو فا» را عقیده بر ینست که هنرباید درخدمت توده هاوخـلق بـا شد با ید برای خو شنودی همه مرد م در هر گجا یی که اند چه با لا ی مز رعه چه در کارگاه ، باید کوشید.

پوگاتشو فـا هنرپیشه ، صاحب نـام تیا تر ، تلو یز یون ، فلم و آواز خوان موفق .

پوگاتشوفا درحال آوازخوانی دیده میشود

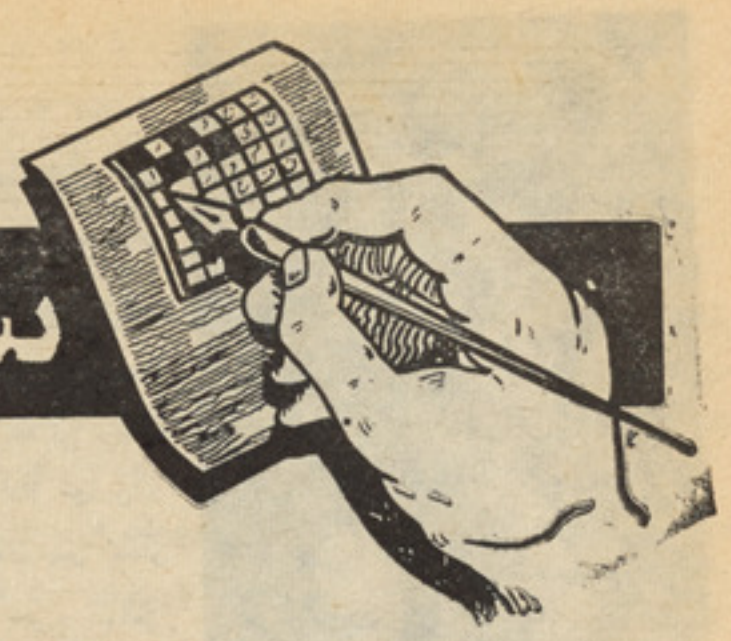

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :ـ

۱ـ ازآبهای مشهور، حرف‌ربط ۲ـ آغازاسم احمد غیرفعال پښتو، آله‌موسیقی، نوعی از خوردنی‌ها ، ۳ـباساقی همراه میباشد،حالت خطرناك ،٤ـ ازهردو طرف‌یك شکل دارد، هنوز در درخت است، آغاز یاری ـ٥ـمنظم آن پیشه اکثر مردم کشور مامیباشد، بایکجا شدن ض وم ضخیم‌میگردد،ضدپیش،هم چشمی ـ٦ـ در قلم بجوئید ، نوعی ازپول باکم کردن یك‌حرف فکر میشود، سرالف‌باآغاز رشید ـ۷ـبرهنه پشتو، از طرف اخیر اسم مؤنث ،اول ملنگ، خودش نون، ۸ـفعل‌امر، از هر دو طرف‌به یك قسم خوانده میشود، خودش واوست ، اسلحه‌خطرناك، ۹ـ باعلاوه‌شدن‌یك حرف معنی غیرت در پشتو، باخانه یکجامیباشد ، یك‌منطقه درکشور مابا علاوهٔیك حرف، آغاز نگار ـ۱۰ـ ابتدای دنیا، درابر پیدا میشود ، یك کشور صنعتی اخبار رابه سمع خلق می‌رساند ، ۱۱ـ اسم یکی از کوها ، در خود پیدا ، پیدا میشود ، ازآنطرف‌یکی ازحیوانات ، درباطن دیده میتوانید، ۱۲ـ خوردن آن ضروری است مگر به عین شکل خورده نمیشود ، باعلم جیولوجی سرو کاردارد، دربهار وا قع میشود، ۱۳ـ مسترد کردن،نصف ساعت، معنای آن نوآوری‌میشود، برای دوست نزدیك گفته میشود .

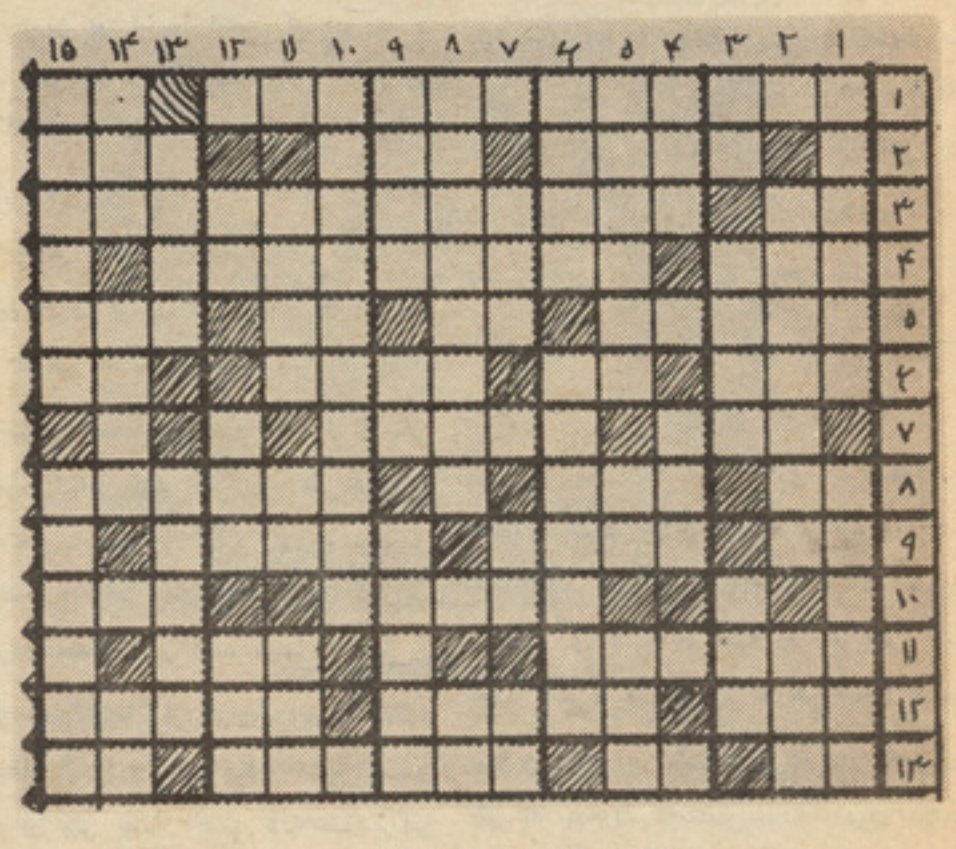

طرح از: شیرمحمد هوتکیار

عمودی :ـ

۱ـ شهر تاریخی کشور ما، یك‌ولایت‌کشور۲ـ در روح است ، دریکی از ولایات واقع‌است ضدزن ، ۳ـعبور ومرور ازنگاه عوام دریکی از قسمت ها ، نوعی از ساعت ، چیز یست‌که دیده نمیشود، ٤ـ ضدزنده درپشتومگر حالت‌جاری آن ، در اخیر اول،درماشین‌بکارمیرود (پشتو) ، درلنگ موجوداست، سر سر ـ٥ـ به مردم نرسید وبه ..... مواجه شد، بواسطه آن‌حرکت صورت میگیرد ، سرسیمارااقطع بسازید . ٦ـ حالت دیوانگی ،ازمیوه‌جات در پشتو ، ۷ـ خودمیم ، ضد زندگی ،در کلمه‌مالك موجود است، اشاره‌به خود ، نصف‌لاکت، ۸ـ منظم آن از خوانند گان رادیو ، بدون‌آن‌برنده ناتکمیل است، زندگی زیروح به آن بسته گی دارد ـ۹ـ منعکس کننده آرزوی‌مردم،عددی در پشتو ، باکم شدن یك حرف چیزیکه از بین رفته باشد ـ۱۰ـخواهان آبادی‌کشوراند نصف کی ، ۱۱ـ الف‌الف ، هر زیروح توسط آن محفوظ است ، نیم آبله ، مرض ، ۱۲ـدربین هلن، تکرار یك‌حرف، قبول کردن پشتو، گردن بند، ۱۳ـمنظم آن خرسك‌است، یك آله موسیقی ،۱٤ـ اگر به صورت‌درست نوشته شود معنای مرغ‌رادر دری میرساند، باموی سرو- کار دارد ، خودش الف است ، هرگاه یك حرف باآن علاوه شوداتومیشود، ۱٥ـ یکی‌ازبزاعظم‌ها، باکم کردن یك حرف انسان میشود .

طرح از (شیر محمد هوتکیار

نگاه اندوه و یا تفکر

دختر زیبایی رادرین کلیشه میبینید آیا او بکدام جهت نگاه می کند و یا اینکه در تفکر فرور رفته است هر چه فکر میکند و لی از شما میخواهیم که از نگاه روان شناسی بنویسید وبایك قطعه فوتو ی خویش ارسال دارید تابامضمون شما یکجا چاپ گردد.

چه تا ثیر دارد .

به این عکس خو ب متو جه گردید بعضی ما د ران عادت دارند که دایما اطفال خودرا با اشکا ل گو نا گون تهد ید مینما یند خوب هرچه که درین عکس می بینید وازآن بر داشت می نما ئید در با ره به این سوالات ما جوا ب بگو ئید :

۱ـ در همین لحظه در فکر کود ك ازنگا ه رو حی چه انگیزه خلق میشود .

۲ـ از نگا ه رو حیا ت با لای کو د ك‌چه تاثیر دارد .

۳ـ در آیند ه این کودك چه‌نوع به جامعه تقدیم میگردد .

٤ـ با کودك چطور رفتار گر دد تا نتیج آن مثبت با شد .

٥ـبهتر ین راه برای جلو گیری از قهر و غضب با لای اطفال کدا م است .

جوا ب سوا لات فو ق را از نگاه روحیات برا ی ما بنو سید و در ضمن یك قطعه‌فوتوی خو یش را ضمیمه ان برای ما ارسال‌دارید.

اسمای این ستاره گان را برای‌ما ارسال دارید .

شا ید شما ستا ر گا ن زیادی را درروی‌پر ده سینما دید ه با شید که شهرت جهانی را کسب نموده اند واسما ی شا ن در تاریخ‌سینما درج میبا شد ما از جمله آنها چها ر چهره زیبای سینما یی را درین صفحه‌چاپ‌نمود یم واز شما میخوا هیم که تنها اسمای این چها ر ستا ره زیبا ی سینما ئی رابرای‌ما بنو یسید .

فاروق حریق

دخلکو انقلاب

دا انقلاب دنـوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنـوی خوند انقلاب
د هیلو ډک انقلاب
دنوی خونده سره
دنوی ژوند انقلاب
له ارمغانه سره
زمونږ هیواد تهراغی

له عزم اوسانه سره
بنائی هدا انقلاب
له هر افغانه سره
دا انقلاب دنـوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنـوی خوند انقلاب

دآبادی انقلاب
دپرگنو انقلاب
دادبنادی انقلاب
دهر بزگر انقلاب

دهر کارگر انقلاب
دهیواد گوت گوت تهمو
دخوشحالی انقلاب

دا انقلاب دنـوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنـوی خوند انقلاب

احترام

لشکر زحمتکش انسان سلام
بر همه انسان جهان احترام
صلح بخلقان جهان آرزو
کار بانسان زمان آبرو

مشت شود کار گیتی ما
پست شود دشمن هستی ما
لالهٔ سرخ آرزویم چنین

شاهد پاکم آبرویم همین
شادتر از این سخنم کی سخن
سبز تر از این چمنم کی چمن

شعر ازمحمد نذیر «زهیر»

وجدان

ـ همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم به‌محکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای بی نظیر وقاضی بی طرف است . (مونتسکیو)
ـ رضائیت وجدان بالاترین مسرت هاست. (ژول شیمون)
ـ وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج‌به قاضی ندارد .

(. . . .)

ـ کسیکه د ر هر امری وجدان خودراتابعیت می کند هیچگاه خسته نشده و از زندگی ملول واز روزگار متالم نیست . (باکون)

فرستنده : ملك «شرف»

نامهٔ عاشقانه

عزیزم سلام برآن چشمانت مانند چراغهای‌مرسدس بنز سه‌صد که‌فاصلهٔ دو صد متری را روشنی میبخشد . هلیکوپتر خیالم درفضای‌توهر لحظه چون مگس بی پروا باطراف پیالهٔ چای در طیران است ومیتروجودم ازفراقت هرآن فیوس میبراند نمی دانم که در سوجبورد قلبم چه دست بازی کرده ای‌گروپ چشمانم کم‌نور وچراغ خطر رخسارم هرلحظه سرخ میشود . دیشب از غمت رینج‌فراق را گرفته بدفورد خنده را از دهانم کشیدم وبه عوض آن بطری اشک وآه راچارج نمودم تانو بدانی که از هجرت چطور چاقو دسته میکنم وآن وقتی که تفنگچه‌نگاهت رابه من نشانه گرفتی و با کارتوس خنده بمن فیر نمودی دیگر یاری سخنرانی‌برمن حرام شده بود، جز اینکه بم آه را بربالینت منفجر سازم. بعدازین قصد کرده‌ام‌که پلك گوشهایم را چارج نمایم تا دیگر هرگز آواز ترا نشنوم .

ریدیتور وجودم از سردی عشق تو لعابهٔ‌دیزل میخورد، کاربیتر سینه ام ازچرت‌صدای آرکستر جاز راگرفته است. به‌استیشن سرم‌چنا ن صد مه وارد کرده ای که اکنون لودسپیکر دهانم از خبر های مهم وجودم جزنالش چیزی دیگر را برودکاست نمیکند .

افسوس که اشترنگ صبر از دستم رفته‌است وبرك تحمل فیل گردیده وداینمو هم کار نمیکند وپای غضب هرآن بی تاقتی راسلف میزند وگرنه کلچ رسوایی رازیر پا گرفته گیرعشق را تبدیل میکردم .

خیر بهر صورت از خداوند خواستارم که‌ویرنگ وجودت شارت گردیده وگیر بکس اشتهایت را بسوزاند واز غم وپشیمانی هرشب‌هارن بزنی .

میهن

من عاشق دیـــار فروزان میهنم
من بلبل بـهار گـلستان میهنم
قلبم بوصف خاك مقدس همی تپد
آری همیشه مرغ غزلخوان میهنم
تا جان مراست حب وطن دردلم‌بود
من زادهٔ شجاعت مردان میهنم
به‌قله های شامخ این‌مرز بوم قسم
دلدادهٔ شهامـــت شیران میهنم
آزاده‌ام به‌یمن سعادت درین دیار
پروردهٔ محبـــت احسان میهنم
ای مدعی‌بچشم حقارت مبین کسی
من جانفدای کوه و بیابان میهنم
در بادبان رحمت این مرز «باقری»
من قطره سحاب خروشان میهنم
درآرزوی عظمتش ازجان‌ودل (نیاز)
رخشنده بـاد اختر تابان میهنم

سرودهٔ محمد نیاز وشربت باقری

کارگر

تو ای کارگر !
تویی سازندهٔ تاریخ
تویی روشنگر شب‌های تاریك
تویی شگوفه آفتاب زندگی

• • •

تو ای کارگر !
فخر دارم به تو

فخردارم به‌توای ضامن فردای‌روشن
فخردارم به‌نامت‌ای معمارآزادی وخوشبختی
فخردارم که‌زنجیر ها شکستی

• • •

تو ای کارگر !
بتو می‌بالد امروز خلق های رنجبر
بتومی بالد امروز روح مزدوران‌ومظلومان
بتومی‌بالد امروز قلب محنت‌بار ز جمتکش
کز چنگال ددمنشان رهاندید انسان را
غریب نواز

سیل خروشان

طوفان موج خلق
خشم بی امان او
لانه دشمنان ریخت
بازوی دهقان
نعره کاریگران
ظلمت شب را شکست
سیل خروشان خلق
نعره شادمانه اش
صخره خارا شکست
بازوی توانای خلق
موج بی امان او
گردن اعدا شکست

حشمت ربی

برای پدرم معلوم شود

عاشق دلخسته که از جفای دلدار به‌تنگ آمده بود بالاخره تصمیم آخر را گرفت وبالحنی جدی به دختر جوان گفت :

ـ عزیزم ! این آخرین حرف من است . اگر حاضر نشوی بامن ازدواج کنی با یك گلوله مغزم راتکه تکه میکنم .

دخترکه از شنیدن این حرف بسیارخوشش آمده بود خنده ای قشنگی کرد وگفت :

ـ بسیار دلم میخواهد چنین کاری رابکنی. این کار جواب دندان شکنی به‌پدرم خواهد بود . چون او فکر میکند که اصلا مغز نداری .

بدون شرح

بدون شرح

مستی وراستی

دریك می فروشی شهر لندن بعد از آنکه کله ها تا اندازه ای گرم شد یکی ازمشتریان مردی را کنار کشید وآهسته به اوگفت :

ـ میخواستم موضوع خصوصی ومحرمانه‌ای‌راخیلی دوستانه به تو بگویم . یك ساعت پیش که میخواستم به اینجا بیایم اتفاقا ازپیش منزل تو گذشتم پنجره اتاق خوابت روشن بود وپرده های آنرا هم نکشیده‌بودند .

ـ خوب، خوب ....

ـ بلی، آنوقت دیدم که زنی و مردی‌مشغول معاشقه اند .

مرد فکری کرد وگفت :

ـ مردچه شکلی بود ؟

قدش کوتاه نبود ؟

ـ چرا ؟

عینك نداشت ؟

ـ چرا

مرد سری تکان داد وگفت :

ـ فهمیدم ، ژوژ بوده است .

او با هر زنی که پیش بیاید عشقبازی‌میکند .

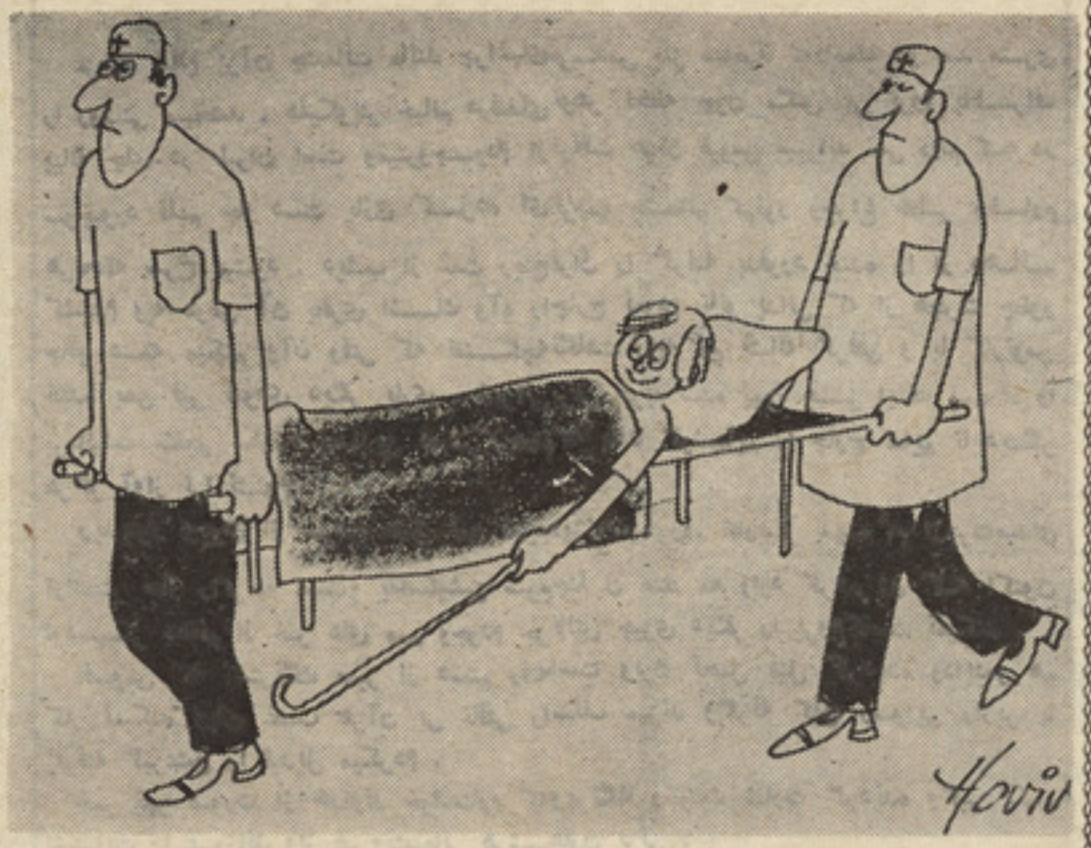

بدون شرح

ازبالا به‌پائین بدون شرح

زن محتاط

دریك روز قشنگ وآفتابی آقاوخانم د ر خیابان قدم میزدند. خانم نوزادقشنگ ومقبول رانیز دربغل‌گرفته بود . وقتی پیش یك لبنیات فروشی رسیدند خانم به شوهرش گفت :

ـ برو دوازده دانه تخم مرغ بخر .

مرد برای اجرای دستور رفت وچنددقیقه بعد با پاکت تخم مرغ برگشت .

زن گفت :

ـ بسیار خوب . حالا تخم مرغ هارا به من بده وتو بچه رابغل بگیر .

ـ چرا ؟

ـ چون من ترا خوب می شناسم هروقت که مردی از کنار من عبور کند وبامن‌تصادم کند، هرچیزیکه به‌دستت باشد به ز میـــن میزنی !

به‌من احتیاجی ندارید

در وسط سرك ایستگاه راه آهن خـــانم‌مسنی بعد از آنکه مدتی سراسیمه به‌اطراف نگاه می کرد چشمش به یکـــی از باربران‌ایستگاه افتاد. اورا صدازد وگفت:

ـ آه : آقا، بزحمت بیایید اینجا . من‌یکس وبستره را راگم کرده ام .

باربر شانه هارا بالا انداخت و جواب داد: ـ خوب . بنابراین به من احتیاجی ندارید.

تکت دیشب است

تازه نمایش شروع شده بود که آقا و خانمی نفس زنان از راه رسیدند ولی مامور کنترول سالون نگـــاهی به تکت های آنها انداخت وگفت :

ـ متاسفانه با این تکت هائی توانید به سالون بروید .

چرا : عیب ونقصی دارد ؟

ـ عیب ونقصی ندارد . فقط تکت دیشب است .

مرد بطرف زنش برگشت وگفت :

ـ هزار دفعه گفتم قدری عجله کنی تابه موقع برسیم وتو گوش نکردی .

ژوندون

از :نیوتایمز
ترجمه :خان محمد گوارا ٠

آی، ال، او: درفضای همکاری

تغییرات مثبتی که طی چند سال گذشته در اروپا رخداده تاثیرمساعدی‌بالای فعالیت‌سازمان های‌بین المللی این قاره داشته است، بجای اختلافات سیاسی‌وایدیولوژیک‌آنها(سا زمانها) حالا به کثرت راه های توسعه تفاهم متقابل واتخاذ تصامیم مشترك را جستجو می‌کنند٠ ثبوت تازهٔ این مدعا کنفرانس ناحیوی سازمان بین المللی کار (آی، ال ،او) میباشد کـــه اخیرا در جنوا برگذار گردید ٠درین کنفرانس هیات های نمایندگی بیش از سی‌کشوراروپایی ونمایندگان شعبات اختصاصی ملل‌متحد و دیگر سازمان های دولتی و غیر دولتی حضور بهم رسانیده بودند ٠

بسیاری از هیات های نمایندگی خاطرنشان ساختند که حمایت موثر از منافع کارگران،که یکی از اهداف منشور آی،ال، اومی باشد، بدون مبارزه موثر بخاطر صلح، منع مسابقات تسلیحاتی ،و گذار به خلع سلاح واقعی ، غیر قابل تصور می‌باشد٠ تاکید گردید که برای اجرای این‌اهداف ،ابتکارات سیاست خار جی اتحاد شوروی که‌هنگام سخنرانی لیونیدبرژنف دربرلین پیش کشیده شده است دارای اهمیت بسیار می‌باشد ٠

کرکترسازنده این کنفرانس از روی ایـــن حقیقت آشکار است که کنفرانس مذکور باآرای موافـــق نه فیصله نامه را بـر خـــلاف سه فیصله‌نامه‌کنفرانس گذشته) به‌تصویب‌رسانید٠

چیزیکه مهم‌است، تعداد فیصله‌نامه‌ها نیست بلکه ماهیت این‌فیصله نامه هاآنست کـــه ساحـة وسیع از جـر یانات کـــار را، در حدود صلاحیت سازمان بین المللی کار،دربر می‌گیرد٠ درمیان این ساحه وسیع، بهبـــود شرایط کار وماحول تولید ، همکاری درساحه تامین اجتماعی ، انکشاف تبادله تجارب ناحیوی در سازمان وتنظیم فابریکه ،نتایج استفاده تخنیك جدید ، حقوق اتحادیه های کارگری روابط کار ، مسایل مربوط به مهاجرت‌کارگران ومقررات وظایف برای نو جوانان ، قرار دارد٠

البته ، هریك از اسناد ، به صورت جداگانه مهم وباارزش می‌باشد ٠

گـر چـه ، عمو ما احساس می شد کـــه احتمالا مهمترین فیصله نامه ،سندی که همهٔ اسناد دیگر رادر بر می‌گرفت ، عبارت می‌باشد ازسندی که‌توسط کشور های سوسیا لیستی تضمین گردیده بودوبه سهمگیری سازمان بین‌المللی کار در همکاری اروپا تعلق می‌گرفت٠ این سند به دارالانشاء سازمان بین المللی‌کار هدایت می‌دهد که به زود ترین فرصت ممکن نتایج تحقیقاتی مربوط به جوانب اجتماعی و اقتصادی خلع‌سلاح ،و طرح پلان پیشنهـاد‌یـرا درباره سهمگیری ممکن سازمـــان بیـن المللی کارجهت‌مطالعه نتایج‌اجتماعی واقتصادی خلـــع ســلاح وارتباط بین خلع سلاح و انکشاف برای مطالعه متخصصین‌دولتی‌ملل‌متحد، تقدیم نماید ٠

این حقیقت که نمایندگی های اختصاصی ملل متحد ،خصوصا سازمان بین المللی کار، برای حل مساله خلع سلاح اشتراك مسا عی خواهند نمود ، دارای اهمیت کمی نمی‌باشد، اسامبله عمومی ملل متحد این سازمان هارا موظف به سهمگیری دراین امر مشترك نموده است ٠

مسابقه تسلیحاتی که از طرف حلقه های معین در غرب براه انداخته شده منابع مادی‌و قوای بشر ی عظیمی را می‌بلعد ، می‌توان آن را برای اهداف تولیدی مورد استعمال قرار داد، که بار سنگینی را برذوش مردمان کارگر کشور های سرمایه داری می‌گذارد ٠ نظامی‌گری روز‌افزون اقتصادی رشد سریع بیکاری راتعجیل می‌بخشد ٠

گروپ متشکله میشگان درباره تحقیق منافع عامه ، بطور مثال ، پیشبینی می‌نماید ،که‌یك ملیون وسه صدو شصت هزار وظیفه (محل‌کار) امسال در ایالات‌متحده در نتیجه مصارف‌فوق‌العاده نظامی از میـان خواهد رفت ٠ عین‌پروسه در مورد اروپای غربی،جائیکه‌به استناد سازمان بین المللی کار بیکاری به سطح عظیمی‌مجموعا هشت عشاریه شش ملیون رسیده است ، ودر یك عده کشور هابه صعود خود ادامه می‌دهد، درنظر گرفته شده می‌تواند ٠

تصمیمی که از جانب کنفرانس به ابتکار کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردید بـــه ضرورت توسعه همکاری اروپایی در مورد تهیه وظیفه وریشه کن ساختن بیکاری اشاره می‌کند به‌علاوه، قبول اتخاذ (اقدامات قانونیکه هد ف آن دادن اطمینان از حق انتخاب آزادانه کاربدون تبعیض می‌باشد) به وظیفه درجه اول ارتقاء داده شده است ٠

این امر میرساند که‌کنفرانس‌درمورد تجارت اقتصاد وهمکاری های علمی وتخنیکی و تاثیر آن بالای سطح استخدام‌دلچسپی فراوانی نشان داده است ٠بخصوص ، خاطر نشان گردیده است که سفارشات شوروی برای بیش ازیك ملیون‌نفر در اروپای غربی‌وظیفه تهیه می‌نماید٠

کشور های سوسیالیستی بطورتغییرناپذیری به‌توسعه همکاری باشرکای غربی خوددر عرصه های مختلف آمادگی نشان داده اند٠ لیونید کوستین رئیس هیات شوروی در کنفرانس‌تاکید به‌عمل آوردکه(پایان‌مسابقه تسلیحاتی،انکشاف همکاری اقتصادی بائمرمتقابل ، پیوندهای تجارتی و علمی‌وتخنیکی بین شرق وغرب ،بین شورای تعاون اقتصادی متقابل وجامعه اقتصادی اروپا، بین ممالك انکشاف یافته‌وروبه‌انکشاف «می‌تواند و باید بتواند به ازدیـاد در جـــه رشد اقتصادی،حل مسایل‌اجتماعی وکار درتمام کشور هاموفقانه کمك نمایند»٠

نظر هیات شوروی فعالانه از جانب دیگر اشتراك کنندگان کنفرانس حمایت‌گردیدودرعین زمان ، نیروهای محافظه کار،آنانیکه هنوزتاثیر قابل‌ملاحظه بالای سازمان بین المللی کاردارند از سازمازن‌می‌خواهند که محض‌با جوانب‌تخنیکی جریانات اجتماعی وکار سروکار داشته واز مسایل حاد امروزی بدور باشد ٠ آنها آرزو دارند به بهانه غیر منطقی «دوری از سیاست) سازمان بین المللی کار رابه موقف (صلـــح طبقاتی) و (همکاری طبقاتی) سوق‌دهند٠

گرچه ، تجربه نشان میدهد که بهبود شرایط زندگی وکاردراروپا نمی‌تواندا‌ز طریق انزوابلکه از طریق همکاری دو جانبه و چندین جانبه دول وتمام قوای عامه‌باهد ف اطمینان بخشیدن از صلح‌دوامداروتکمیل دیتانت‌سیاسی بادیتانت در عرصه نظامی حل شده میتواند ٠

جمع آوری تکت های پستی

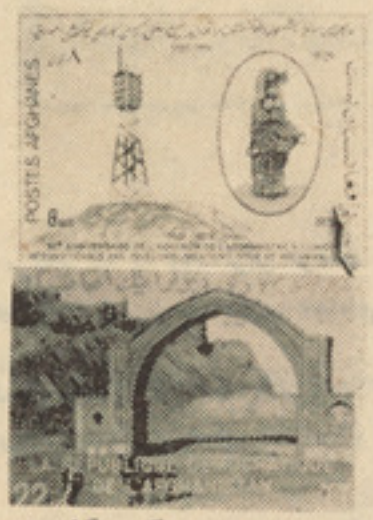

انسا نها در زند گی اجتما عی نظر به تماسهای ما حول خو یش بجمع آوری اشیای طرف تو جه مثلا جمع آوری آثار هنری ، تابلو ها ، نقاشی ها ، کتب ، مجلات روزنامه ها نسخ خطی و یا بعضی اشیای زینتی کم قیمت و گلهای طبیعی پروانه ها و غیره که شا مل هزار هاقلم خوا هد گردید میپر دازند .

اها نظر به گذشت زمان برای همه ثابت گردیده که بهترین چیزوسرآمد سایر علایق جمع آوری تکت های پستی میبا شد که دارای فواید و مزا یای زیاد میبا شد که از جمله نکات چندی آنرا ذیلا جهت مزید معلو مات ع لاقمندان توضیح مید هیم .

(۱) جمع آوری تکت های پستی باعث ازدیاد معلو مات علمی ،هنری ،نقاش ، کلتوری تاریخی طبیعی، جمع کنند گان تکتهای پستی میگردد زیرا تصا ویر تکتهای پستی که آثار هنری نقاشان رسا مان ،عکاسان متبحر جامعه بوده معرف کلتور هنر ، تاریخ وثقافت اصیل یک مملکت میبا شد .

(۲) باعث انکشاف ذهن جوانان و اطفال میشود زیرا تکت های پستی که اثر نقا شان ورزیده و عکاسان ماهرمیباشد ذوق هنری جوانان را که آثارلطیف وزیبا طرف تائید شان است بر می انگیزد همچنان آمیزش رنگها ، نفاست خطوط احساسات اطفال و جوا نان را بیدار میسازد .

(۳) باعث معرفی وآشنا ئی بیشتر علاقمندان تکتهای پستی میشود به این معنی که انجمن های فلا تیلی وکلکسیو نرهای تکتهای پستی حین تبا دله تکتهای مورد نظر بایگد یگر تماس نز دیک گرفته باهم آشنائی بیشتر پیدا میکنند که این انجمن ها در هر محیط و مملکت متفاوت میباشد علا و تا شا گردان مکتب نیز حین تفریح و در اوقات فراغت میتوانند جهت اکمال کلکسیون های پستی خویش باهم تبادل افکار نموده تکتهای مورد ضرورت یکد یگر را تهیه و بد سترس هم دیگر بگذارند .

(٤) کلکسیو نر های تکتهای پستی با جمع آوری تکتهای پستی مناسب طرف توجه خود میتوا نند بطور غیر مستقیم عمل پس انداز راانجام دهند وبدین ترتیب برای مصؤنیت آینده خویش یک اندو خته مادی داشته باشند زیرا کسا نیکه تکتهای پستی را جمع آوری مینما یند تکتها را نظر بقیمت روی آن تهیه اما در صور تیکه بعد ازسپری شدن چند سال دوباره به فروش برسانند بایک قیمت خو بتر و بلند تر امکان دارد آنرا بفروش برسا نند .

(٥) ازینکه در تمام ممالک جهان سالانه به هزار ها منا سبت تکتهای پستی طبع و نشر میگردد وجمع کنندگان میتوا نند تمام آنهارا جمع آوری کنند آنها نظر به ذوق و علاقه خویش تکتهای همان منا سبت های بین المللی ، ملی وهنری را تهیه میکنند که طرف تائید و علا قه شان باشد و این تکتها را در یک یا چند جلد البم پستی بااستفاده ازانبور (پنس) مخصوص تکتهای پستی جابجا نموده کلکسیون خویش را تکمیل مینماید.

(٦) برای رهنمای بهتر علاقمندان متعلمان و جوانان عزیز شعبه رهنمایی موزیم پستی فیلا تیلی وزارت مخابرات حاضر است به سوا لات وپر سشهای آنها جواب قناعت بخش ارایه نماید علا وتا جهت آشنایی و تامین علاقه جمع کننده گان تکتهای پستی افغا نی یک موزیم در منزل اول مقابل دروازه ورودی وزارت مخابرات تا سیس وبه فعالیت خویش ادامه میدهد .

بقیه صفحه ۲۱

انسان های قدیم ...

وستاره ها را تحت مطالعه قرار داده یک کتاب بزرگی را که نمایندگی از مفکوره و نظریات او میکرد تالیف کرد . کوپرنیک درین کتابش اظهار عقیده کرده بود که آفتاب اداره کنندهٔ فامیل سیارات بوده و تماما به دورا دور او گردش مینمایند به همین قسم گردش زمین بدور محورش و تغییرات شب وروز را توضیح کرد.

عالم دیگری که بعضی زاویه های تاریک این پدیده را روشن ساخت واجسام سماوی را بهتر وروشن تر مشاهده و مطالعه کردعبارت از گالیله می‌باشد . موصوف بحیث یک فزیک دان ایتالوی اولین کسی بودکه توسط تلسکوپ کائنات را نظاره کرد وبا خوشی زایدالوصفی کوه های سطح مهتاب ونیس وچهار ستاره نزدیک به جوپیتر را کشف نمود او ستاره‌های بی‌شمار دیگر راکه‌قبلاهیچ‌دیده وشناخته‌نشده بود دید او استنباط نمود که آفتاب هم بدور محور خود گردش میکند .

دانشمند دیگری که توانست در موردسیر وگردش اجسام فضایی نظر بهتروقناعت بخش تر بدهد بنام کپلر مسمی بودوی درسال۱۵۷۱ در جرمنی متولد گردیده است . کپلر شخصا آنقدر به سیارات نظاره نمیکرد ولی باستاره شناس بزرگ دنمارک بنام تیوچو کار میکردو معلومات و مشاهدات تیوچو رادر زمینه سیارات تحت مطالعه وتدقیق قرار میداد . کپلر برای ابدآن نظر کوپرنیک را که میگفت سیارات حرکت انتقالی خود را دریک‌مدار دایروی انجام میدهند از بین برد در عوض او کشف کردکه سیارات برعکس نظر کوپرنیک این حرکت خودرا دریک مدار بیضوی انجام میدهند .

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش میکنند قانون قوه جاذبیت را که اقمار و سیارات رادریک مدار معین نگاه‌میدارد، بوجود آورد بنام نیوتن یادمی‌شود . همزمان با او کپلر راز سیروگردش سیارات را که در چه نوع مدارحرکت خودرا انجام میدهند، افشاء کرد ولی ازینکه چرا سیارات دریک نوع‌مدار بیضاوی سیر می‌نمایند موضوعی است جداکه نیوتن آنرا تحت مطالعه و تدقیق قرار داده ودر نتیجه قانون جاذبیت را اختراع کرد و اظهار داشت که اجسام یکدیگر رابه فشار متناسب به‌حجم کتلهٔآن وفاصله‌آنهااز همدیگر جذب‌مینمایند اواین مفکوره رابه قانون حرکت ارتباط داد چیزی راکه کپلر از لابلای‌مشاهدات تیوچو کشف نموده بود اکنون نیوتن‌در باره هر کدام از سیارات توضیح داده وحساب مینماید .

دست آورد های نیوتن دریک کتاب بنام (پرنسیپ های طبیعی ریاضی) بطبع رسیده است . این کتاب قانون حرکت وجاذبیت اورا دربر داشت از فهمیدن قوه جاذبیت او تاثیر مهتاب را برمد وجذر میتوان تشخیص کرد. او اولین تلسکوپ انعکاس نور را که تا حال بحیث یک اثر در موزیم حفظ گردیده است اختراع نمود . کشفیات قابل ملاحظاودر مورد اینکه میتوان توسط یک منشور روشنی رابه اجزای آن (رنگ های مختلف) جدا نمود. سبب پیشرفت معجزه آسای درزمینه مطا لعه سیارات گردید .

عالم برازنده دیگری که درین راه خدمات ارزنده یی‌انجام‌داده‌است البرت‌انشتین می‌باشد. درسال ۱۹۱۹ وقتیکه ساینس دانان مصروف مشاهده آفتاب گرفتگی بودند انشتن تیوری هیجان آور را که(جاذبیت روشنی راخم‌میسازد) بوجود آورد به سرعت تمام تیوری نسبی اویک اصطلاح روز گردید.

انشتین که‌در آلمان تولد گردیده بود به عمر ۲٦ سالگی کتاب مخصوص تیوری نسبی خودرا در ۱۹۰۵ بطبع رسانید اودر ۱۹۱٦کتاب دوم یاکتاب تیوری عمومی جاذبیت رابچاپ رسانید در ۱۹۲۱ نسبت کشفیات او بشمول روشنی وبرق فزیک دان موصوف جایزه نوبل رابدست آورد .

بقیه صفحه ۲۹

خاطرات زندانی

قربانی در راه نیک بشریت هراس نداشته‌باشد یک‌زن مبارز هنگام مقابل شدن باهرکسی برخورد صمیمانه‌ودوستانه‌میداشته‌باشد ، بنظرمن صفات یک‌زن‌مبارز اجتماعی بودن، برده‌بار بودن وخوش خلقی او میباشد وهمراه‌با برادران مبارز خود دست همبستگی واتحاد داده ودر راه ساختن یک‌افغانستان شگوفان ونجات‌آن‌ازفقرو فاقگی صادقانه خدمت نماید.

حقیقت مسلم وانکار ناپذیراست که‌وطن‌از همه‌افراد خود چه زن وچه مرد خدمت میخواهد من‌به حیث یک خواهر از همه دختران وزنان افغان توقع دارم که‌با روحیه انقلابی‌وخستگی ناپذیر درراه عمران وشگوفانی هرچه بیشتر افغانستان عزیز خدمت نمایند تاوطن عزیز ماازدسایس شوم دشمنان خلق این دیار پاک گردد.

خوانندگان عزیز گرچه‌شنیدن صحبت‌وحکایت خاطرات زندان پلچرخی صالحه‌جان وسمین جان خیلی دلچسپ وشنیدنیست مگرنگارش همه‌آنها از حوصله مجله مابیشتر میباشد که مابه همین اندازه ازخاطرات شان اکتفا می‌نماییم.

کمیدین معروف تیاتر...

ودر ضمن خطر نا ك ترین وظیفه‌خلق ما جنگ علیه فا شیزم هتلری بود .»

ار کادی رایکین نه تنگ در دست گرفته ونه علیه دشمنان‌جنگیده ونه‌توپ هارا با شانه های خود از جا های‌صعب‌العبور گذ شتا ند ه و نه پل ها را منفجر سا خته و نه کدام قهر ما نی دیگر دریں موارد از خودنشان داده است . اما اوازروز اول تا ختم جنگ (۱۹۴۱ـ ۱۹۴۵) درجبهه جنگ قرار گرفته بود (به استثنای اوقاتیکه تیاتر به قریه جات و شهر ها در مقابل مردم غیر نظامی نما یشنا مه ها اجرا می کرد) ار کا دی را یکین نیز و ظایف محو له‌خود را انجام داد در مقابل عسا کر خشکه‌وبحری و قو ما ندا ن ها ی جنگ نما یشنا مه ها اجرا کرد و اغلبا نما یشنا مه ها را طو ری عیا ر میسا خت که مسا یل حر بی و نظا می را در بر می گر فت یعنی عسا کر را اضافه تر در مقا بل فا شیست های هتلری تحریك میکرد وآنها را به کمك نما یشا ت خود وامید اشت تا اضا فه تر به و ظا یف‌خود بی ببر ند و هر چه زود تر فا شیست ها را نا بود کنند . هنوز سه روز از آغاز جنگ نگذ شته بود که ار کادی را یکین در پرو گرا م نما یشی خود قسمت «صحنه شیطا ن » را جا داد . درین نما یشنا مه صحنه ها ی از عصبا نیت هتلر را تمثیل مینمود .

درین چار سا ل جنگ ار کادی رایکین فاصله های زیاد را از یك جبهه‌به‌جبهه دیگر جنگ طی کرد . عسا کر کوششس میکردند تا هر چه خو بتر از ایشان‌محافظت کنند اما با ز هم او قاتی میر سید که از ریسك کا ر می گر فتند .

اغلبا نما یشنا مه ها ی او در جا ها ی اجرا میشد که در پهلوی آن گلو له های توپ وطیاره اصابت میکرد راه هایی را طی میکر دند که از طرف هتلری ها هر روز تحت گلو له با ری قرار میگر فت عسا کر در اطراف انها جمع میشد ند اضا فه تر از همه رقا صا ن تیا تر درشرایط خرا بتر قرار میگرفتند زیرا او قا تی میبود که طبق در جه حرارت هوا لبا س در تن نمیدا شتند یا ا شیا ی را که با لا ی‌میز بمقصد پیشبرد نما یش قرا ر میدا دندتوسط باد به دو ر برده میشد . تما شا چیان مشکلات آنها درك میکردند ویکی‌از عسا کر به آنها کمك میکرد همه را دوباره به تر تیب با لای میز میگذ اشت .

بصورت عمو م تما شا چیا ن در آنو قت که در شرا یط بسیا ر د شوار نما یشنا مه ها صورت میگر فت از انها به گر می استقبال میکر دند نه کدا م خط فا صل بین اجرا کنند گا ن نما یشا ت و تماشا چیا ن نه کدام پرده و نه کدا م دیکور خا ص مو جود بود اما یك نکته مهم این بود که همه به‌اینها اعتماد تام داشتند .

در روز نهم ماه می سا ل ۱۹۴۵ روز پیروزی خلق شوروی با لای فا شیزم‌هتلری تجلیل میگردید . این روز بدون شك روز تولد مجدد بشریت گفته میشود .

درین روز در همه جا خو شی بر پا بود و فکر میشد که ز جرو شکنجه ها ی راکه مردم شوروی و خلقها ی بسیا ری از کشور ها از اثر اشغا لگری ار تش اشغا لگر فاشیستی المان متحمل شد ند در خـواب دید ه با شند .

در زنـد گی وفعالیت هنـری ار کـادی‌را یکین یکی از هنر مندا ن معر وفجهان چارلی چاپلین رول مهم را بازی کـرد ، است . بد ین منا سبت ار کا دی را یکین چنین میگو ید : « چندی قبل شخصی از جهان چشم پو شید که با او شنا سا نی شخصی نداشتم امادر مقابل منحیث معلم اساسی در قسمت هنر خود فکر میکرد م‌این شخصی چا ر لی چا پلین بود . این ضایعه بزرگی بود که نه تنها جها ن هنر بلکه بشریت از اوصدمه دید. » مشکل‌است گفته شود که کدا م چیز او را به همه بزرگ نشا ن میدا د اما به فکر ار کادی را یکین چیزی که او را نزد همه محبو ب نشا ن میداد این بود که چار لی چا پلین بـه بسیار مهارت چیز های مضحك و اغـراق های هنـری را بـا افسرد گـی و غمگینـی انسان توام میساخت.

پدر ار کا دی را یکین حفا ظه جنگلات را بعهد ه دا شت و سعی می ور زیـد تا را یکین نیز شغلی را انتخاب کند کـه پدرش به آن علاقه مند است و همه وقت کوشش میکرد تـا ار کـا دی رایـکین از هنر مند ی دو ر نگه داشته شود . پـدر رایکین معتقد بود که هـنر شغـل نیست به فکر او شغل و حر فه وا قعی‌حقو قدانی، دا کتری و محا فظه جنگل بود .

را یکین با پدر ش زبا ن مشترك پیدا نکردند وبه این ترتیب رایکین در لیلیه به زند گی‌پر داخت و در انستیتوت تیا تر به‌تحصیل آغاز کرد . را یکین میگو ید «من خود را حق به جانب فکر میکرد م و دوستانم از من حمایت کـامل میکـردند و هر یك از آنها سعی میکرد ند تا به این و آن تر تیب عنعنات فا میلی را بر هـم زنند . ما فکر میکرد یم کـه پـد را ن و ما درا ن ما افکا ر عقب مانده را در سر می پرو رانند و به چشم در ست به زند گی نظر نمیکنند .

ما میخوا ستیم بطر ز جدید زند گی کنیم.»

را یکین افکار پد ر را و قتی در ك کرد که‌خودپد ر شد و بعد به در جه پد ر کلان رسید . او تشو یشا ت پد رش را فهمید زیرا او فکر میکرد که پسر ش اشتباه غیر قا بل اصلاح را مر تکب شده است . در نتیجه یگا نه آرزو یش که پسر ش نظر به او باید بهتر زند گی کند بر آورد ه شـد را یکین درین مورد چنین می گـو یـد : اگر چه این به اثبات رسید که من در قسمت انتخاب شغل خود حق به جا نب بودم و ارزو ها یم بر آورده شد اما با زهم همه را در مقابل پدر نمیکشیدم زیرا در ینو قت گـذ شتـه هـای خـو د را بخـاطر می‌آوردم زیـر ا ضرور است تا از هـمـه نـتایـج زند گی در س عبرت گر فته شود .»

رایکین میگو ید : « از انتقا دا تی که‌از اطفال میکنند خوشم نمـی‌آیـد اضافـه تـر نکا نی انسان را غمگیـن میسا زد و قتـی گفته شود که همه نقا یص در اطفال اثرات بدمیگذارد.

این‌گمراهی بزرگ است. اگر اطفال‌مانظربه مـا خـوبتر و بهتر زندگی نـه کـنند ز حـمـا ت و غـمـها شخصیـت انسا ن را پرورش مید هد. انسا ن درموجو- دیت خو شبختی پرورش میشود و این‌وقتی است که هیچ از ما یشا ت زند گی به او مشکل تما م نمیشود .

من‌د رین قسمت به گفتار بعضی اشخاص پیر اسا سی را نمی بینم که میگو یندکه جوا نا ن در سا بق عا قل و در خت هـا سبز تر بود ... جوا نا نی که من با آنها ملا قا ت کرده ام‌بسیا ر جلب تو جـه میکنند و قا بل ستا یش اند . و نه تنها ایـن که آینده از آن آنها ست بلکه آ نهـا کار و زحمت را دو ست دارند در مقا بل زحما ت مقا و م همتند و سعی میکنند تا نظریات متر قی خود را در عمل پیا د ه‌کنند من به جوا نا ن نظر می اندا زم و مـی دانم که همه به جا ی خود است . مـا دارای نسل آینده بسیا ر قابلی ستا یش هستیم . اینطور با ید با شد !

بقیه صفحه ۴۳

تضادهای درونی ...

همیشگی خود را که در پی سود جوی زیاد بود از دست داده است .

چیز ی دیگر یکه بصورت و صفی در تضاد های کشور ها ی امپر یا لیستی‌افزوده میشود هما نا موا جه شد ن این دو ل به پرا بلم ها ی و سیع جها نی است ، کـه یکی ازین پرا بلم ها برا ی این کشور ها همانا جنبش طبقه کـارگـر و طـر فـداران این جنبش است . که بورژ وا زی انحصاری قبلا متوجه این مشکل نبودند ، و لـی حا لا که در کشور ها ی امپر یا لستی‌شکل مالکیت بر و سا یل تو لید انحصا ر ی گردیده ، جنبش طبقه کار گـر در مخالفت بابورژ وازی انحـصاری عرصه‌رابـرای انحصا ر گر ان تنگتر سا خته است .و این مشکلی است بزرگ که بورژ وازی به آن موا جه است .

در کنفـرانس برلیـن احزاب کـمو نست و کار گری در سند آخری خویش ایـن فیصله را درج و تثبیت کردند که :

«در کشور ها ی سرمایه داری فعا لیت طبقه کا ر گر ودیگر نیرو ها ی سیا سی واجتماعی آنقدر در حال پیشرفت و انکشاف اند که حامی صلح و همکار یهای متقابـل بین مردم بوده واین خود فکتور فوق العاده مهم و با ارزشی است که در مبارزه بخاطر استحکام وتقویت دیتانت نقش قا طـع و تعین کننده را دا را است »

در تحت تا ثیر تغیرات بین‌المللی‌موجوده اصلاحات قابل ملاحظه ای در روابط بیـن کشور ها ی سر ما یه داری نیز بو جود آمده است ، بهر حا ل در سیا ست‌خارجی اتا زونی نسبت مشکلات و پرا بلم ها ی مو جود ه جها ن این چر خش بو جود امده است که در تما م مسا یل جها نی‌مشوره جا پا ن و کشور ها ی اروپا ی غربی را خوا هان میبا شد و خود سرا نه ما نـند سابق عملی را مرتکب نمیگرد د . و هـم دول امپر یا لیستی سعی بخر ج مید هند تا اگر میتوانند تضاد ها واختلا فا ت درونی خود را حل و فصل نمایند .

وا ز طر ف دیگر مبا رزه نیرو ها ی‌صلح وسو سیا لیزم ودمو کراسی وجنبش طبقـه کار گر چنا ن به فعا لیت خستگی نا پذیر خود ادامه مید هند که نیرو ها ی متجاوز وامپر یالیستی‌را لحظه‌به لحظه‌به‌پرتگاه‌نیستی ونا بود ی می کشا نند ، و لی دول سرمایه داری بمنظور انکه دیتا نت را موا جه به شکست نمایندسعی میدارند تا اختـلافات درونی خود را باتشدید اختلا فـات‌بین‌المللی مستور و پوشیده دارند ، و لـی بهر حا ل تغیرا ت بین المللی به نفـع صلح ، دمو کراسی و سو سیا لیزم بوده و شرا یط بهتر و بهتر تری را اماده نیرو های صلح دوست میسازد .

سگرټ پلورونکی

هو ! خوار سگریټ پلو رونکی هره ورځ سهار وختی له کوره راوو ت، بازار ته راته ، دهمدی مهربانه او زړه سوانده دکاندار، دکان ته یی چی د دوی یوازینی غمخور ؤ ا وخپله مرسته یی نه‌تری سپمو له ، ځان را رساوه دوه دری ډبلیه سگریټ یی دخر ځلاو له پاره په‌پور تری اخیستل ، اووروسته له هغه چی سگریټ به‌یی له دکانداره تر لاسه کړه ، نو هغه وخت به دده اصلی کار پیل شو ، په منډه به یی په واټونو اوسړ کونو کی گرځید ل شروع کړه ، دهر هر چا مخی ته به یی سگریټ نیول که گوندی کومه دانه تری و پیری . ترما ښامه به یی همدا کار ؤ او کله چی به مانښام ستړی ستومانه دسگریټو له خر څو لو را خلا ص شو ،نو غونډی رو پی به یی دسهارنی دکاندار مخی ته کښیښود لی ، لومړی به یی دهغه دسگریټو بیه ور کړه او په ور پاتی رو پیو به یی چی دده دټو لی‌ورځی دکار او زحمت گټه وه ، دوه دری وچی ډوډی وپیرلی او مخا مخ به دخپل کور په خوارهی شو ...

ووړ سگریټ پلو رونکی په خپلو چور تو نو و کی و رك ؤ او دوخت تیریدو ته یی هیڅ پام نه ور او ښت . هغه سړو غونډو کرخت کړی وو اوسر تر پایه د چناردپانی په شان ریږ دیده ، خو پدی‌وخت‌کی هغه ته تر دی ټولو خبرو دی کار دیر ار زښت در لود چی بیا هم څو شیبی همدی سړو او یخنی ته طاقت راو ړی او ځان ور ته کرخت کړی که گوندی‌چیری‌یو دوه‌سگریټه نور هم و پلور لای شی . آخر ...، نشوه کو لای‌چ ی ژر کور ته لاړشی دا څکه چی له دری ډبلیه سگریټو څخه داو پوره څوار لس دانه سگریټه لا ور ته پا تی وه‌او تراوسه پوری یی هیله په هیله چی دبیی روپی پوره‌کړی وی. شپه‌تیاره‌وه‌خو هغه باید چی نور هم معطل شوی‌وای او سگریټ یی خرڅ کړی وای‌ترڅو چی اقلا دو چی ډو ډی رو پی‌خولاس ته ور شی . ..

ماشوم سگریټ پلورو نکی همدغسی سړو او یخنی ته ولاړ ؤ سر تر پایه ریږ دیده ، په ډیره امید واری یی غمڅپلی سترګی یوی او بلی خوا ته اړ و لی ، په مات زړه به یی ساه په ستونی کی سره را غونډه کړه او ناری به یی کړلی:

ـ سگریټ ... سگر یټ ... دغه دی سگریټ ..، خو څوك پرمخه نه ور ته ، او که به چیری کوم لاروی دده له مخی تیر هم شو نو غیر له دی چی کومه دانه سگریټ دی تری و پیری‌همد غسی به‌یی‌خپله لار ونیو له او په خپل کار پسی به لاړ .

شپه داوه اوس پوره تیاره شوی وه ، خوار سگریټ پلورونکی لا په بازار کی ددکان مخی ته ترمنا لاندی و لاړ ؤ او دباران په شدت اورید لو ته یی کټل ، چی یو وارله لری دیوه موټر دڅراغ رڼا ترسترګو شوه چی دده په خواراځی .سگریټ پلورونکی همد غسی په خپل ځا ی ولاړ ؤ او له ستر گو او پزی څخه‌یی دسړو له شد ته او به بهیدلی ،چی موټر دده و حد ته را ورسید او له مخی یی تیر شو ماشوم هلکی په موټر پسی تر شا و کټل او ویی لیدل چی موټر ودرید ، بیر ته په شا راغی او دده مخی ته ودرید . سگریټ پلورونکی لا همد غسی حیران په خپل ځای ولاړ ؤ چی دموټر دکړ کی هنداره کښته شوه او په موټر کی ناست ځوا ن چی‌غټ غو ښینی مخ اوسری سری‌پرسیدلی

ستر گی یی در لودی ، ده ته لاس و ښوراوه او ور څخه و یی غوښتل چی نژدی ور شی . سړ واخیستی هلکی و غوښتل چی دموټر خوا ته ورشی ، خو د باران اوریدلو ته‌یی پام شوه او دځان او سگر یټودلند یدلو و پری بیرته په خپل ځای ودراوه ، خو لنډی شیبی لا په‌همدی تر تیب‌نه و ی تیری شوی چی په موټر کی ناست ځوا ن په ډیر کبر او غرور ور ناری کړی چی دهغه خوا ته ور شی ، سگریټ پلورونکی نوره معطلی ونکړه او په بیړه یی دځوا ن خوا ته ورمنډه کړه ، دموټر دکړکی خوا ته ودرید او په‌ریږدیدلی آواز یی ور ته وویل :

ـ زه دی په‌کارو م؟

په موټر کی ناست ځوان دهلکی د دی پو ښتنی په اورید لو او ږی پور ته ور غور خو لی، بیایی له ځان سره څنگ ته ناستی ښکلی او ښایسته نجلی ته په معنی داره نظر وکټل ، دواړو په زوره زوره وخندل او وروسته له هغه په وړینو جامو کی پټ ځوان په ډیره له تکبر او ریشخنده ډکه لهجه سگریټ پلورونکی ته وویل :

ـ هو «پلاره !» ته می په‌کاروی خپه خونه شوی ... هاهاها ... او بیا دواړو په لوړ آواز په سړو اخیستی ماشوم باندی وخندل او وروسته له څو شیبی خندا په موټر کی ناست ځوان په داسی حال کی چی د ډیری خندا له لاسه یی په سترګو کی او ښکی راټو لی شوی وی ، هغه یی په خپل چاغ ور غوی پاکولی ، هلکی ته مخ ور واړاوه، ویی ویل :

ژر شه ، یو ډبلی سگریټ راکړه !

ماشوم په خورا معصو میت ځواب ورکړ :

ـ کاکا جانه یو بشپړ ډ بلی خو نشته ، بس دغه څو دانی پاتی دی ، که یی غواړی چی در یی‌کړم... او په موټر کی ناست ځوان په داسی حال کی چی دهلکی دخو لی پیښی یی کو لی په ډیر قهر ور ته وویل :

ـ څو دانی سگریټ دی ستاسروخوری ... زما بشپړ ډ بلی په کار دی او ته وایی چی «خودانی پاتی دی !» ... هی ...

څو لحظی چپ شو ، وروسته له هغه یی زیا ته کړه :

ـ ښه څنگه ر ډ رډ ر اته گوری ؟ چی بشپړ ډبلی نشته یوه دانه خو به وی که یه ؟... ژر شه هله چی شپه می همد ی ستامنحوس په څنگ کی تیره شوه ...

دا یی وویل او تر څنگ‌ناستی نجلی ته یی سترګی ور واړو لی ، په ډیر شوق یی ور ته وخندل اوپه سپینه غاړه کی یی لاس ورواچاوه.

سگریټ پلو رونکی ، چی سر تر پایه باران لوند کړی ؤ په بیړه یوه دانه سگریټ له ډبلیه راویو ست او له اور لگیت سره یی یو ځای ځوان ته ونیو .

ځوان ، سگریټ تری‌واخیست ویی لگاوه او وروسته له هغه یی بیر ته په څنگ کی ناسته نجلی‌په غیږ کی ونیو له .

وړو کی سگریټ پلو رو نکی څو لحظی همد غسی چپ په خپل ځای و درید که گوندی ځوان یی د سگریټو رو پی ور کړی ، خو چی ویی لیدل چی، هغه لا همدا سی بی خیا له په موټر کی له نجلی‌سره لگیا دی ، نو په بیړه او ریږ دیدو نکی آ واز یی ور ته وویل چی

دسگریټو رو پی یی نه دی ور کړی. او چی ځوان بیا هم ځواب ورنکړ،نو خپله خبره یی په لوړ آواز دوه دری واړه ور ته تکراره کړه .

پدی وخت کی ځوان خپلی سری سترګی مخا مخ د سگریټ پلورونکی مظلو مو سترګو ته ونیو لی ، سر تر پایه یی ور ته وکټل ، لمړی یی څو شیبی‌ور باندی وخندل او وروسته له هغه یی‌پداسی حال کی چی قهر او غضب یی له ورایه په سترګو او خیره کی بریښیده په ډیره غضب ناکه او له سپکاوی څخه ډکه لهجه ور ته وویل :

ـ پیسی غواړی ؟ ... دځه‌شی پیسی ؟ ... ها؟ ...،

بیایی ما شوم د سر لندو ـ ویښتانو ونیو د خپل ځان خوا ته‌یی ور کش کړ او ورته تکرار یی کړه :

ـ ووایه دځه شی پیسی ؟... ها ؟ ....

او و ړوکی سگریټ پلورونکی په ډیره ویر جنه او وار خطا لهجه ځواب ور کړ :

ـد .... س .... سگ

سگریټ پیسی ...

او مغرور ځوان چی دما شوم له دی ځوابه لا په قهر شو ، په‌ډیر قهر هلکی بیا دځا ن وخوا ته‌ورکش کړ ، ورته و ویل :

واخله ! ! ... ها ،ها ، ها ....

اوله دی خبری سره سم یی هغه په ډیر شدت پوری واهه ، بی گناه هلك په لندو ختوکی و لوید، سر تر پایه په ختو ولړل شو ، دژړه سو ځوونکی ژړ اږغ یی په سړه هواکی د ځوا ن له مغروری خندا سره وپیچل شو او په ډیر شدت دموټر دخو ځید لو ږغ‌دالړی پریکړه .

لوندون

بقیه صفحه ۴۲

قهرمان جهانی شطرنج...

با زی ها در با گیو (۹۳) روز طو ل کشید . در طو ل این مدت حر یفا ن باهم (۳۲) با زی شطر نج را ادامه دادند که‌ازین جمله (۱۱) بازی آن با نتیجه خـــاتـمه یا فت حر یفا ن (۱۵۲۷) حر کت انجا م دادند و در عقب میز شطر نج (۱۷۵)ساعات راسپری کردند. ایـن دور مسابقات کـار- پوف وکورچنوی نظـر بـــه سال گـذ شته بسیار حاد و هیجان انگیز بود حتی نظر به مسا بقا ت سال (۱۹۷۲) بین رو برت‌فیشر و بور یس سپا سکی در ریکجا و یك‌مرکز مملکت ایسلیند که نتا یج مسا بقات در بازی ها د هم الی دواز دهم خا تمه یا فت بمرا تب جا لب تر و دید نی بود .

هفت با زی او لی‌بین کار پو ف وکور- چنوی با موفـقیت های متغـیروبی‌نتیجه پا یا ن یا فت در دور با زی هشتم کارپوف بـا قـر بانـی یکی از «پیاده » های وسطی توا نست (شاه) حر یف را تحت حملـه شد ید قرا ر بد هد و با زی را به نفع خود خا تمه دهد .

بعد از سه با زی دیگر حر یف توانست توازن را بر قرار ودر با زی سیز د هم ابتکا ر را در دست گر فت و در لحظه‌بازی نا تما م به روز آینده مو کو ل میشدکور چنوی در شرایط مسا عد تر قرار دا شت در روزی که با زی نا تما م با ید خا تمه می یا فت کور چنوی بطور غیر متر قبه رخصتی گر فت .

در روز ها ی که با زی ها بشکل ناتمام با قی ما ند لابرا توار ساز ند گی کارپوف شب و روز کا ر میکرد . درین لابرا توار معا و نین کا ر پو ف شا مل بود ند و عبا رت بود ند از :

ـ یوری با لا شوف که‌در قسمت شطرنـج دارا ی فکرو خا طر بسیار عا لی میبا شد.

ـ ایگور زا یتسف شطر نج با ز بادا نش عالی که در قسمت حل نا گهـانی شطر نـج از مبا رت زیاد بر خور دار بود .

ـ قهر ما ن جهانی سا بق شطرنج‌میخائیل تال که به گفته خود ش از شعبه کنترو ل تخنیکی (لابـراتوار) با زرسی می نمـود و نقا یص را زود تر درك میکرد .

تحلیل مسا یل معمو لا به شکل جوره‌ئی صورت میگر فت و بعد با همد یگر درمورد مذاکره میکردند . درعین تحلیـل مو ضوع کار پو ف نکته ضعف را بطور آنی در ك میکرد و مبا حثات سر از نو آغاز میشد.

رفقای کا رپوف‌به‌بسیارزحمت‌او را وادار میسا ختند تا به خواب برود و برای بازی های آینده نیروی خود را حفظ نماید . سا عا ت چارو یا پنج شب میبود که کـار- پو ف به بسیار زحمت موافقه میکرد وصبح با نو شته ها و نظر یا ت جد ید نزد رفقا می‌آمد . این نظر یـات رادر و قتـی طـر ح میکرد که همه معتقد بود ند او خوا ب است . روز آینده با زی چا ر دهم آغاز گر دید . در یك روز با ید دو با زی‌فاتمام خا تمه می یا فت در حا لیکه حر یف در هر دو با زی شا نس خو بی دا شت امـا مسا بقـات را شا نس خـو ب نـه بلکـه با زی کیفی انا تو لی کا ر پو ف به نفع خود کشا نید .

کور چنوی و معا ونین فنی او که از شطرنج‌بازان انگیسی کین،ستین، شطر نـج با ز ار جنتاین پا تو و شطر نج با زاسرائیلی موری تشکیل یا فته بود نتوا نستند به‌نکات با ریك بازی سیزدهم پی ببر ند . درلحظات اول حر کا ت دلیرا نه کا ر پو ف برا ی حر یف غیر متر قبه بود . در نتیجه حریف رشته را ازدست داد وبـازی سیـز د هـم را با خت . به عین تر تیب در با زی‌چاردهم نیز مغلو ب گر دید . انا تو لی کارپو ف با سه پیروزی ویك با خت ابتکار را در دست گر فت .

در با زی هفد هم از ویکتور کورچنوی حوا د ث بسیار نا گوا ر استقبا ل کردند

درین با زی کور چنوی با ز هم نتوانست به عملیا ت کار پو ف پی ببرد و مغلو ب شد .

پیروزی کا ر پو ف بطور نها ئی‌بسیار نزدیك شده بود . درین و قت کورچنوی رخصتی میگرفت وعازم ما نیلا شد. در مانیلا به مقا ما ت رسمی پیشنهاد کرد تا برده آینوی گذاشته شود وتما شاچیان نتـوانند از جـر یان مسابقـات دیدن نما یند بعد از شش روز تفر یح مسا بقات دو با ره آغاز شد و نتا یج چا ر مقابل یك در کارپوف احسا سا ت منفی را بو جود آورد زیرا فکر میکرد که پیروزی در چند قد می او قرار دارد به این لحا ظ بود که در با زی های هژ دهم ، بیستم ، بیست و دوم و بیست‌پنجم کا ر پو ف به بسیار مها رت با زی ها را آغاز کرد اما در لحظه نها ئی اشتبا ها تی رخ میداد که‌به‌نفع اوصدمه وارد میکـر د ند بعد از ینکه کور چنوی با زی بیست‌ویکم را به نفع خود خا تمه داد فا صله بین هردو نزدیکتر شد .

بعد از با زی مو فقا نه در دور بست هفتم کا ر پو ف توا نست دو با ره با لای حریف پیروزی حاصل نماید و نتا یـج را تا سه نمره اضا فه تر به نفع خود بکشا ند و ضرور بود تا یك پیروزی دیگر حا صل نماید ومسابقات رابطور نهایی بـه نفـع خود بر سا ند . اما تا وقتی که این پیروزی نها ئی را حا صل کرد روز ها ی د شوا رو در اما تیك را تحمل نمود .

چو ن کا ر پو ف درین وقت رو حـا وجسما بسیا ر خسته شده بود در با زی های او اشتباهات دیده میشد. قبل از ینکـه کارپوف عا زم با گیو شود پنج ماه مسلسل از تخته شطرنج دور نمی شد و روز و شب بطرف دانه های آن میدید ومـــسایـــل مغلق آنرا باخود حل میکرد در نتیجه بسیار خسته شده بود . رخصتی های که در خلال مسا بقا ت کا ر پو ف میگر فت ا صلا رخصتی گفته نمیشد ند زیرا درین روز ها هم کا ر به شد ت ادامه می دا شت و با رفقای خود در مورد مسایـل مغـلق شطرنج مذاکره میکرد .

درنتیجه پیروزی نزدیك با لای‌کـارپوف تاثیر روانی را وارد نمود. زیراوقتـی کـه فکر شود کـار تقریبا به اتـمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میبا شد و انسا ن نمیتوا ند در لحظا ت اخیر فعا لیت مکمل خود را بکار اندا زد کا ر پو ف به عین تر تیب این نکا ت را یاد آوری میکرد و به بسیار تر می اعتراف می‌کرد « من انـتظار تسلیمی را دا شتیم به این ترتیب اناتو لی‌کار پـــوپدر طول سه سال که قهرما ن شطر نج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقـط (۶)آنرا بـاخـته بود در باگیو نیز فقط دوبار مـغلوب شـد در عین حال از چار با زی سه با زی آنرا (که دو با زی در نتیجه اشتبا ها ت صریح بو قو ع پیو ست) که در عین حال برا ی کور چنوی نیز غیر متر قبه بود با خت و با زی به مر حله پنج مقا بل پنج رسید .

درین و قت‌ضرور بود تا کار پوف ازتاثیر روانی مغلو بیت ها ی خود دور تر شود بنا رفقا یش تصمیم گر فتند تا عازم مانیلا شود . درین و قت تیم منتخب با سکتبال اتحاد شوروی در ما نیلا در با زی نها ئی قهر ما نی در مقا بل تیم باسکتبال‌یوگوسلا- ویا قرار گرفته‌بود . گر چه تیم باسکتبال اتحاد شوروی درین مسا بقه مغلوب شدامما کار پوف به حالت بسیار خوب به شهرباگیو بر گشت و ما نند دو نده ها ی که‌فاصله ها ی زیاد را طی میکنند در دقا یق اخیر نفس دو می پیدا می شود با حالت نورمال وارد مسابقات شد.

در با زی سی و دوم کا رپوف به حملات نهائی پر داخـت ومعتقدبود کـــه این بازی نها ئی خوا هد بود که به پیروزی اش خواهد انجامید . کارپوف بازی نـهـا یـی را ما نند قهر ما ن ها انجام دادو به حر یف مو قع نداد که به حملات متقا بل دست‌بزند غر ض اتما م‌بازی نا تما م سی‌و نو م‌کور- چنوی حا ضر نه شد . همچنین در محفل رسمی اختتا م با زی ها نیز حا ضر نگردید وبه بسیار زودی ازشهـــر باگیو عـــاز م ما نیلا شد وپرو تست نو یتی از خود به اعضای حکم گذاشت. حکما، سازمان د هـان با زی ها ، رئیس فدرا سیون جها نی شطرنج و بعد کا نگر س فد را سیون جها نـی شطر نج تقا ضا ها ی بی اسا س کورچنوی را بکلی رد کردند .

در با زی اخیر کا ر پو ف استعدادمکمل خود را ظا هر سا خت . در نتیجه در تا ریخ مکتب شطر نج‌اتحاد شوروی صفحه د یگر زرین جا گر فت .

بقیه صفحه ۹

شمه یی از جنایات ضد بشری...

وزارت خارجه کمپوچیا طی ابلاغیه یـی که‌در جولای ۱۹۷۹ بارتباط به کمك عساکـر ویتنام‌به عساکرکمپوچیاانتشار دادگفت بموجب معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری خلـق کمپوچیا و جمهوریت سوسیالیستی ویتنام، اردوی خلـق ویتنام به اقامت خوددر کمپوچیا بمنظور کمك بانیروهای مسلح کمپوچیا برای از بین بردن عناصر باقیمانده طرفدار رژیـم فاشیستی پول‌پوت، ینگ‌ساری وسایر عناصر مرتجع ادامه خواهند داد. موجـودیت اردوی خلـق ویتنام در کمپو چیا کاملامربوط به‌روابط برادرانه دو کشور است وکدام کشور دیگر را تهدید نمی‌کند ، مادامیکه توسعه کلبان‌منطقه وامپریالیستان طرح های مداخلوی خودرا راجع به کمپوچیا ترك داده ، استقلال وحاکمیت ملی جمهوری خلـق کمپوچیارا برسمیت بشناسد آنگاه اردوی خلق ویتنام بلافاصله‌ازکمپو چیا خارج خواهد شد .

جمهوری خلق کمپو چیا باپیروی‌از سیاست زیست باهمی مسالمت آمیز ودوستی‌باهمه‌ملل بدون‌هرگونه تبعیض وبراساس احترام‌متقابله وعـدم مداخله درامور داخلی یکد یگر، طـور روزافزون حمایت‌ملل‌جهان‌راجلب میکند خلـق کمپوچیا با پشتیبانی بین المللی جمع نیروهای طرفدار صلح‌وموکراسی‌وترقی‌اجتماعی مخصوصا باحمایت‌دول مترقی وسوسیالیستی برجمیع‌طرح های امپریالیستی علیه کشورشان غالب‌خواهند شد وکار عمران مجدد ملی واعمار یك جامعه پیشرفته وعاری از هر گونه ظلم‌واستثماراراطور مطمین به پیش خواهد بـــرد.

د۱۳مخ پاتې

خواړه تاسی جوړوی...

رشد کی زیات مو ثر دی دژوندا نه دپیل نه‌د بلو غی (خوانی) ترپایه پوری دبدن په وده او نه تکا مل کی تعین کوو نکی نقش لو بوی .او دامید وا ری اوشیدو ور کو لو په‌وخت کی‌دوجوداړتیا دی ویتا مین ته زیاته وی .

داویتا مین دکلسیم او فا سفور جذب دکلمو څخه ممکنوی ددی ویتا مین کموا لی‌دهډو کی دپا سته کیدواوکړیدو سبب کیږی . ددی ویتامین دکموا لی له کبله دکلسیم‌او فا سفور دزیات اخیستلو سره سره دهغوی جذب دکو لمو پوا سطه‌صورت نه نیسی څر نګه چی دهډو کی پاسته کیدل او کوږوا لی په ماشومانو کی زیات لیدل کیږی لدی کبله دګرانی میندو پا ملر نه دی ټکو نه اړوم .

ویتا مین لازم مقدار دلمر دوړا نکو دمعرو ضیدو لیاړی وا خلی .

باید ووایم چی زموږ دګران هیواد افغا نستان شین اوځلیدونکی آسمان په نړی کی بی سا ری دی موږ ته لازمه ده چی دهغه‌نه دګټې اخیستلو لیا ری زده کړو اودطبیعت ددی ارزا نی نه‌چی زموږ هیواد په‌حق کی لری زیا ته انداره استفا ده وکړو .

ویتا مین ای :

څرنګه چی وو یل شو چی دا ویتا مین په‌غوړو کی‌دمنحلو ویتامینو له ډلی څخه دی او دتو دوخی په‌مقا بل کی مقاوم دهغه کموا لی‌د عضلو یو ډول التهام منځته راوړی چی دبدن دعضلا تو دکمزور تیاا و سستی سبب کیږی . غو ړی پنبه‌دانه ،جوار ،کا هو او د نا رنج پوست ددی‌کا فی مقدار په ځان کی لری .

مین دی په کموا لی اخته نشی باید هغوی‌دلمر وړا نګو ته‌وا چول شی که په ورځ کی۵ـ۳۰ دقیقو له پاره ما شوم لوڅ لمر ته وا چول شی کافی اندازه ویتا مین دی د هغوی دبدن په پو ستکی کی جوړیږی ور یځ دوړی ،کا لی شیشه‌ددی ویتا مین دجو ړ یدوما نع دبدن په پو ستکی کی کیږی .ددی‌ویتامین مقدار په هغو غذا ګا نو کی‌لکه‌د چرګی هګی ، کوچ، شیدی ،څکر نظرو بیلو بیلو مو سمو او ځای توپیر لری .چی دمحا سبی له نظره د ډاډ وړندی . لدی کبله که دځان اوخپل ما شو ما نوروغتیا سلا متی او ښکلا غوا ړی نوددی

نوربیا

بقیه صفحه ٣٦

چگونه علاج امراض

ازطبیعت بوجود آمده باشد میتواند موثر ثابت شود .

امروز به‌اثرزحمات دانشمندان مواد کیمیاوی زیاد کشف گردیده که میتواند با علل دایشه امراض مبارزه نموده آنها رااز ازدیادو تکثراز حدبیش تر میتواند جلو گیری نماید . این که چگونه میتوان بامواد کمیاوی علل امراض مانند سفلس ودفتری رااز میان برداشت‌زحمات زیادی ر لازم وضروری داشت . کشفیات‌پاک ایریچ در مورد مبارزه و محودیشه های‌امراض سفلس مانندګلوله‌بودکه‌فقط ریشه‌واساس‌مرض را مورد حمله قرار داده بود .

پال آدم عجیب بود اواز طعن واتهامات که‌به اومی بستندهیچگاهی‌دل‌افسرده وپژمرده‌نمی‌شد اوبا دقت واحتیاط کارش را دنبال میکرد او عقیده راسخ‌داشت که براتهامات ناجوانمردانه آینده‌پالیزم میتواند بابر هان عملی وقوانین عینی تکامل غلبه حاصل کند که کارو فرجام کارش نیزبه همینگونه که او عقیده داشت‌منجر گردید .

دانشمندبزرگ جاپانی‌سیوچی روهانایزباپال در تحقیق وکشفیات علمی کمك های لازم بعمل آورد دوش به دوش بااو باهمکاران وشاگردان که در موسسه به آنها کار می‌نمود در آموزش پیدایش علل امراض موفقیت های بدست میامدند .

بودجود آوردند در ابتدابنام ایریچ- هاتا ٦٠٦ ادویه را که آنها برای تداوی مرض‌سفلس یاد می‌شد بعدها این‌نام به اسم سلفرنن‌مسمی گردید ودر سال ۱۹۰۸ موفق به دریافت جایزه لوبل گردید کمپنی هوخست برای اولین مرتبه به مقدار٦٥٠٠٠ این ادویه را تولید نموده طور مجانی به اطب در سراسر جهان تقدیم داشت.

پال در روز ١٦ ساعت کار میکرد در آن روز گار رهبران متعصب مذهبی اورابه باد تکفیر بستند وجزای برای او تعیین نمودند.

پال درسال ۱۹۱۵ به عمر ١٦ سالگی چشم از جهان بست . او در زندگی کم نان میخورد- کمتر سگرت می‌کشید اما ٢٤ دانه سیگار رادر یك روز کار ترجیح میداد . پال کمتر علاقه به تقریح وخوشگذرانی داشت .

درسال های ۱۹۳۳ و ۱۹٤٥ تلاش های صورت گرفت که مستبدین‌طرفداری هتلر کلیه دست آورد هاو کشفیات اورا نابودسازند. اما باوجود تلاش های مذبوحانه آنهانتوانستند جلو رشد و تکامل علوم را سد سازند بعدها موسسات تحقیقاتی دگری بنام پال درسراسر اروپا باز گردید که‌در هرجا نام اوبه افتخار وکمال احترام یاد می‌شد .

په پرمختیایی ...

په بیلابیلو پرمختیایی هیزادو نوکی‌دکار اوعمل پروګرام طرح اوپه کور نیو زیر مو اوبشری قواو باندی زیاته قوه واچوله شی .

دزاګریپ په ښارګی دپر مختیایی هیوادو په منور میز کی درایوپه قاطع اکثریت موافقه وشوه چی په ځان باندی دانکاداصل دپیاوړو تیا او دیوه نوی نړیوال‌اقتصادی نظم دجوړولو دپاره دپرمختیایی هیوادو په‌مینځ کی دصمیمانه همکاریو موضوع دیره مهمه اویوضروری کار ګڼل کیږی. همدارنګه دغذایی‌موادو دتولیداتو دسطحی دلوړولو اوپه اقتصادی او تخنیکی چارو کی دیوه کیفی بدلون درامنځ ته کولو دپاره دپرمختیایی هیوادو نو ترمنځ په زړه پوری همکاری یو مهم کار بلل کیدای شی.

پرمختیایی هیوادونه‌که چیری‌وغواړی چی‌دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم‌دجوړیدو دپاره کاروکړی بایدتر ټولو دمخه پخپلو مینځو کی سره یوموتی شی او هرډول کپتالستی‌اقتصادی مانور وسره مبارزه وکړی .

په زاګریپ کی دپرمختیایی هیوادونو استاز وپه دی خبره باندی ټینګار ګړیدی چی داجتماعی اصلاحاتو ستر اتیژی‌په پرمختیایی هیوادو نوکی دلوړی دله مینځه وړلوسره لوبه مرسته کولای‌شی.

دمدور میز په خبر وکی موافقه‌وشوه چی دځمکو ددموکراتیك اصلاحاتو داصل دپه نظرکی نیولو سره باید کروند ګرو او باغ لرونکو دکرنی ضرورت وړ ماشین الات برابر کړل شی اوپه ضمن کی ورته دکرنی دترویجی او اصلاحی چارو په باب ټولی نوی طریقی او عصری میتودونه و ښودل شی .

بقیه صفحه ٤

امپریالیزم عمده ترین...

پو شیده نیست . این به اصطلاح مدا فع حقوق بشر طی بیست‌سال تجاوز وجنگ افرو زی در ویتنام صد ها هزار انسان بیگناه ووطن‌پرست را مقتول ویا معدوم نمودو پست تر ین اعمال‌غیرانسانی‌وخلاف کرامت انسانی وحقوق بشر رادرین سر زمین مر تکب شد. ا ز نا پالم گرفته تا بمب های مکرو بی‌وکیمیاوی برخلق ویتنام قهر مان‌استعمال نمود مزا رغ رابه آتش کشیدوحتی بااستعمال مواد کیمیاوی زمین ها را غیر قا بل زرع سا خت .

آری، این است شمه‌ای ازخدمت گذا ری های بشر دو ستا نه‌و آزا دی‌طلبانه ای !؟ امپر یا لیزم که امروز بابرخ کشیدن پر ده‌ی حقوق بشر!؟ وآزادی!؟ جاروجنجال بزر گی‌را براه اندا خته است. وهر قدر انسان هاآگاه تر می شو ند امپریا لیزم نیز جامه بدل می کندو تازه تر ین شکل تعمیل امیا ل استعماری خو را علاوه از طر یق مستقیم ومدا خله مستقیم سرو‌صورت می دهد بلکه با دست نشا نده ساختن و منقاد ساختن وتطمیع مما لك مختلف در منا طق مختلف جهان بهر سو دست اندازی می کند .

امپر یا لیزم ودر راس امپر یا لیزم امر یکابا براه ا ندا ختن‌توطئه ها ودسیسه ها درمناطق‌مختلف جهان فکر می کند که در هر جا که بخوا هد مانند چلی‌پنو چت هارا بر سر قد رت آورد وآنرا محا فظه نماید تا خلق رابه خاك‌وخون‌بکشد ولی این امر در عمل ثا بت شده است که نا ممکن می باشد چنا نچه پنو چت وطن ما (حفیظ امین جاسوس)راباوجود بکار بردن هرنوع‌حیل ونیر نگ نتوا نست از طو فان خشم خلق برها ند .

جای بسیار تا سف است که در مناطق مختلف جهان مرتجعین برسراقتدار کشور ها ی آله ای ـ دست وپیا ده کننده ای نقشه های محیلا نه امپر یا لیزم ه ی گردد که خلقهای خود آنکشور ها درطول تاریخ مورد دستبرد امپر یا لیزم قرارگر فته اند .

امروز دو لت مصر در شرق‌میانه وپا کستان در منطقه ی‌جنوب آسیا، پیاده کنند گان‌نقشه های دسیسه کارا نه‌ای امپر یا لیزم امر یکا می باشد چنا نچه :

دو لت فعلی مصر با سر دمداری سا دات این معا مله‌گر نا مدارتاریخ همه اعمال ودسا یس ونقشه‌و دشمنی های امپر یا لیزم را که در حق خلق عرب وبخصوص ملت‌مصر نموده ببا د فرا مو شی‌سپرد ه‌وعلاوه از آنکه باسا زشی ننگین کمپ‌دیوید نام‌سیاه خود را در تا ریخ ثبت نمود اینك بحکم امپر یا لیزم امریکا، دسا یس آن دولت وآقای کار تر رادر حا شیه ای سر حدات ماعملی می‌نماید واز دا را یی خلق تاراج شده ای مصر کمك های حا تم طایی مابا نا ه ای با به‌اصطلاح مها جرین افغا نی انجام می‌دهد .

هکذا جنرال ضیاء الحق که زمام امور کشور بیرا در مسلمان وهمسا یه ای ما رابدست دارد با اعمال عا قبت نه‌اند یشا نه‌ی خود با صلح وآرا می منطقه بازی میکند .دولت پا کستان تحت قو ما نده جنرال ضیا ء کچکول خودرا از کمك های ؟!مما لك مختلف مملو سا خ ته است وبا اصرار زیاد به ولی‌نعمت خودوسعت این کمك هارا طا لب است .

چندی قبل هنکا م یکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه وسر گردان) نغا ره به اصطلاح مو ضوع افغانستان را بگردن دا ش مت ووا رد پا کستان شد. جنرال ضا حب مصرا نه‌از در بار امپر یا لیزم‌خواهان کمك ه ای وسیع تر شد.

آیا جنرال ضا حب اعمال دوستانه وغمخوا را نه‌ای امپر یا لیزم‌انگلیس (سلف امپر یا لیزم ا مر یکا) رادر مورد نیم قاره‌فراموش کرده‌است‌که حالا کشور اسلا می وبرا در ما را به‌زراد خا نه‌ای امپر یا لیزم تبدیل می نما ید. به همه مر تجعین به صرا حت اعلام می گردد که هر نوع‌تبلیغات واعمال تحریك‌آمیز تنها به سود امپر یا لیزم واستعماراست ومنطقه رانا آرام‌ساختن است.امپریا لیزم امر یکا که بااین فعا لیت های خود می خوا هد ژا ندا رم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپر یا لیزم‌امریکا رضا شاه را در ایران با پلان های وسیع پنتا گو ن بمثابه ژاندارم استعمال می کرد وطور یکه تا ریخ شا هد است خشم خلق ایران بابراه اندا ختن انقلاب‌اسلامی ضد امپر یا لیستی این تو طئه ها ونقشه هارانقش بر آب‌سا خت که این مو ضوع برای هم مه کسا نیکه آله ای دست امپر یا لیزم قرارمی گیر نداز جمله‌جنرال ضا حب سخت آمو زنده است)وتو سط آن نقشه های تجا وز کا رانه‌و مغرضانه خودرا عملی سا زد ، امپر یالیزم امریکا که سخت در ج هان تجر ید است وهمه به ما هیت اصلی آن‌پی برده است اکنون می کو شد که به زعم خودبا براه انداختن مو ضوع نام نهاد افغا نستان ذهنیت جهانیان‌رااز اعمال شوم خود منحرف سازد .مگر همین حالا خلق آزاده ی‌ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشر یت وجهت اعتراض‌علیه دفاع وپناه دادن شاه فراری ایران لانه‌ی جا سو سی امپر یالیزم امر یکا را از صد روز به اینطرف در اشغال خودندا رد؟

امپر یا لیزم امر یکا که با از دست دادن اجنت خود در افغانستان (حفیظ الله امین) سخت دستپا چه شده است وصر یحا مغر ضا نه علیه افغا نستان اقدام وتبلیغ می نما ید جز رسوایی وندا مت چیزی دیگر بدست‌نخواهد آورد .چنانچه در مورد مو ضوع مغر ضا نه ای امپر یالیزم امر یکا بعداز پیرو زی مر حله دوم و تکاملی‌انقلاب ثور در مصا حبه ای تا ریخی هجدم دلو ۱۳۵۸ نطاق وزارت امور خار جه افغا نستان چنین گفته شده است :

«مسا فرت بر ژینسکی به پاکستان وبعضی کشور های شرق‌میا نه وبطور خا ص دیدا ر وی از آنچه‌منا بع امپر یا لیزم کمپ پنا‌هگز ینان می نا مند ،ادا مه مو قف مغرضانه ای است‌که‌امپر یا لیزم امر یکا در مورد افغا نستان بعد از مر حله ی‌جد ید انقلاب افغا نستان اتخاذ کرده‌است ...» خلق های مسلمان سرا سر جهان از افغانستان وپا کستان ومصر وغیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپر یالیزم ودر راس امپر یا لیزم امر یکا ست که‌باعث سر گردا نی آوا رگی بیچا ر گی وفقر آنها شده است وبه مقد س تر ین مقدسات مذ هبی آنها خیره سرانه بازی می‌نماید واسرا ئیل صهیونیست را بمثابه او باش تجاوزگر تطمیع‌و مسلح می سازد .

زنده باد خلق های آزاده جهان

روی‌امپر یا لیزم مانند همیشه سیاه باد

دیوار های جدید

ود یکو زیشن برای زیبا یی منا زل دانست .کسیکه تا اندا زه در این هنر آشنا یی دارد می داند که این نو ع نقا شی ها بیشتر جنبه تفر یحی دارد تا هنری بهر حال چه این نقا شی ها بر خوردار ازمحتوا باشد یا نباشد برای دیوار ها وسا ختمان ها بیکه فاقدزیبایی اندیکنوع پوششس بشمار میرود ، ولی‌این بو شش‌نظر بذوق نقا شی فرق میکند ، وشاید نقاشی هم دراین امرمسولیتی‌نداشته واو بیشتر ذوق ونظر فرما یشس دهند ه‌رامرا عات‌نموده باشد .

بهر صو رت این نقا شی های دیوا ری نظر به دید اشخا صی‌فرق میکند .یکعده آنرا ستوده اندو عده دیگر هم‌از آن انتقاد نموده اند وآنرا فاقد زیبا یی‌وهنر دا نسته اند ،تا نظر شما چه باشد .

صفحه ٥٥

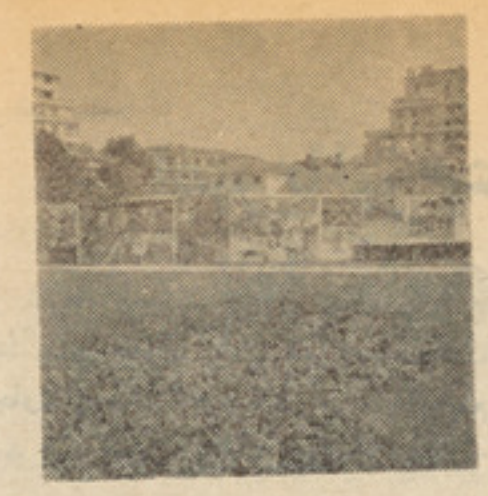

چند نمو نه از دیوار های رنگـ ـ شده

نقا شی های که در بعضی از دیوار هادیده میشود فا قد این تا زه گی اسمت زیرا نه با معیار های قبول‌شده نقا شی برا بر اند ونه تو جـــه بیننده را جلب میکند .

بعضی از این نقا شی ها عـلاوه از اینکه فاقد زیبایی اند آزاردهنده نیز است ما نند دیوار های منعکس کننده که از رنگ‌های‌تندو درخشان بیشتر کار گر فته شده است .

این نقاشی های دیوا ری‌بیشتردر سا ختمان های بکار رفته که فا قـد زیبا یی منظره بیرو نی اندو صرف بخا طر پو شا ندن عیوب این دیوارها است .رهگـذر نا بلد وسیاح که این نقا شی ها را مشا هده میکند بادیدن آن متا ثر میگردد زیرا تصور مـی نما ید که هنر نقا شی چقدر رو به زوال نهاده است . واین هنر زیبـاو کهن‌صرف‌به‌همین‌نقاشی های دیواری محدود ما نده است‌و بسی .

یکعده کسا نیکه این نقا شی ها رادیده اند در مورد چنین ابرازنظر میکنند بعضی آن نقا شی ها ماننـــد سراب است وفر یب

مسافر یکه از دور این نقا شی هـــا ی دیوار ی‌را می بیند بتصور اینکـــه هر چه است در همین جا ست بسوی باغ‌و بو ستان می شتا بد ولی هر قدر نزد یك‌میگردد بیشتر به حقیقـــت آگا ه‌میگردد وبا لاخره جز دیوا ر رنگ شده چیزی نمی یا بد.

باید گفت که این نقا شی هـای دیوا ری چیز تا زه‌و بکری نیست. این شیوه هزا ران سال قبل از امروز رواج داشته است ،با ایـــن تفا وت که در آن روز گاری نقا شی هـای دیـوا ری از وسا یـــــل محـدود تری نسبت به امـــرو ز برخوردار بود ند . ونقا شی تـازه راه خود را در قطار سا یر هنـــر هاباز کرده بود .

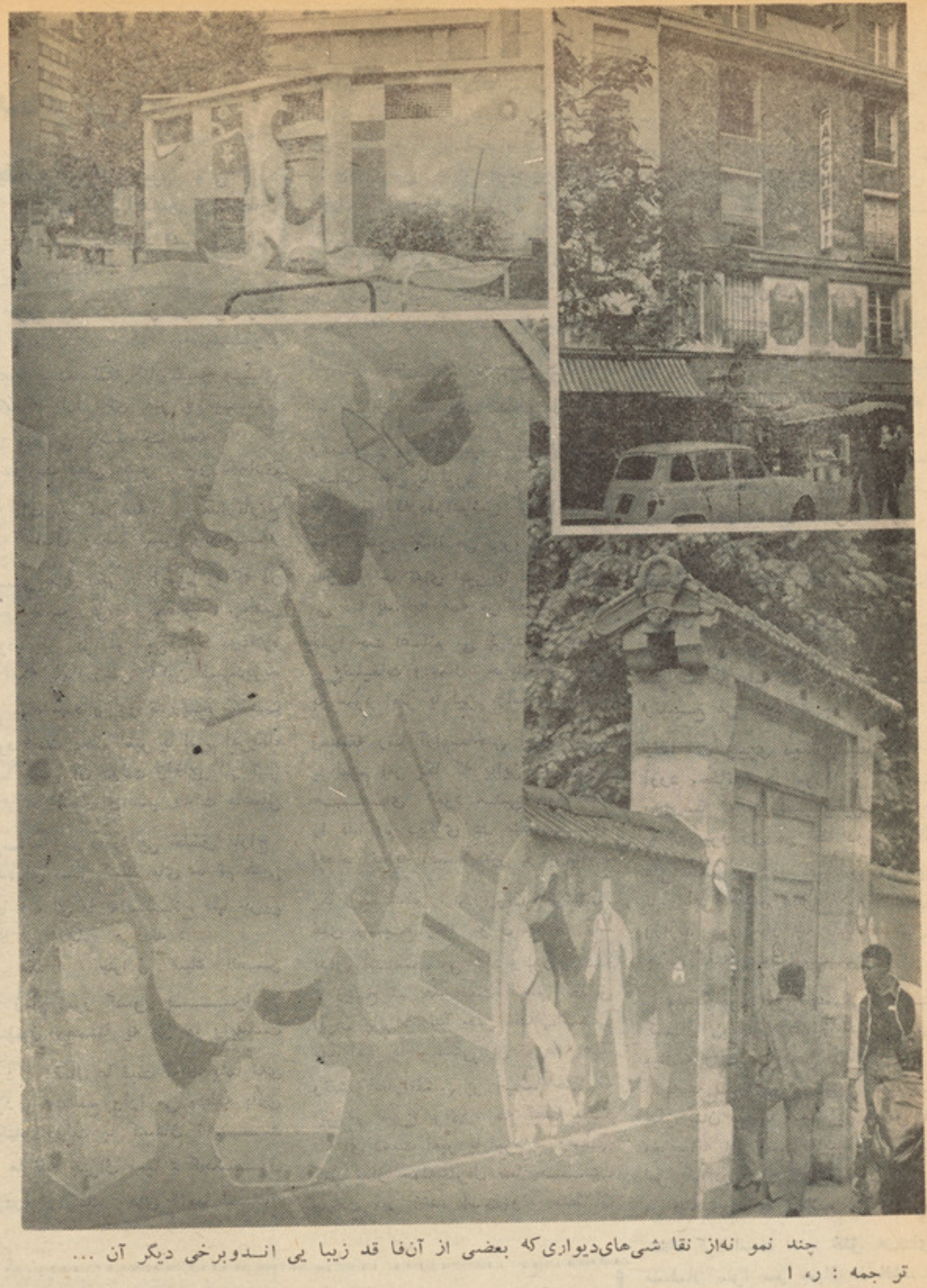

چند نمو نه‌از نقا شی‌های‌دیواری‌که بعضی از آن‌فا قد زیبا یی انـدوبرخی دیگر آن ...
تر جمه : ر، ا

دیوارهای جدیدبرای‌شهر

نقاشی‌روی‌دیوار یا پذیرنده‌یی تازه که‌راه‌خودرا باز کرده‌است

از چندی بد ین طرف موج‌نقاشی های روی دیوار در ارو پا رواج‌فرا‌وان یافته است .بعضی از ایـــن نقاشی ها طوری است ک بیننـــده و تماشاگر را متا ثر میسا زد، زیـرا این نقاشی ها جزرنگ آمیزی روی دیوار های کج‌و معوج چیزی دیگری نیست ،اما بر خی دیگر آن تا اندازه دارای زیبا یی اند که میتوان به آن نقا شی گفت .

نو آوری وتا زه آفر ینی امروز در بسیا ری از هنر ها دیده میشودلاکن

گا هی این نقا شی ها فر یبنـده‌است

در نقا شی دیوا ری که امروزدر ارو پا رواج پیدا نموده است‌عـلاوه بر پو ششی دیوار ها تو سط رنگ ورو غن، احیای هنر قد یم بیشتـر مدنظـر است .وقتیکه به ساختمان هاومعا بد قد یمی نظر می اندا زیـم بعضا روی دیوار های این معا بـد وسا ختما نها نقا شی هـــای را های را مشا هده میکنیم که تر سیم کننده زند گی آن عصر بوده‌ونشان دهنده هنر نقا شی آنز مان‌میباشـد از این رو تر سیم روی دیوار هـا وساختمانهایکی‌هم حفظ‌هنرقدیم‌است این‌سخنان را یکی از نقا شان بیان داشت .

یك مو ضوع دیگر هم در امـر نقاشی روی دیوار ها وجود داردو آن‌زیبا سا ختن پس منظر ایـن دیوار ها وپنهان نگهدا شتن نـاز- یبا یی های دیوار از چشم ها ست. اکثر این نقا شی روی دیوار هـای فا بر یکه هاوسا ختمان ها ییکـه از طرف بیرون منظره زیبا یـی ندا رند صورت گر فته است .

اما بطور کلی این نقا شی هـا صرف برای پو شا ندن عیوب دیوار ها نیست ،بلکه بیشتر این نقا شی هاجنبه هنری دا رد .

مثـلا در فرانسه در بعضی سـا- ختما نها مخصو صا روی دیوارهای بیرو نی نقاشی های وجود دارد که واقعا اززیبا یی زیا دی بر خوردار است .

در نقا شی های دیواری هدف عمده دیگری نیزمطرح است وآن عکس العمل شد ید یك عده‌نقاشان جوان در برابر سود جو یی ها یی شخصی ومنفردانه بعضی میلو نـر هاوصا حبان ثروت این نقا شی‌هایی دیواری باعث شده که یکعده زیادی از نقا شان وهنر مندان جوان مصر- وف کار گردند وکار مشتر کی برای آنان ایجاد گردد .یکعده هم چنیـن عقیده دارند که تغییر دادن دیوارها وسا ختمان ها تو سط نقا شی یـك مساله مهم ویك پرو بلم عمده نبوده اگر از جنبه یی سمبو لیك ایـن نقا شی ها بگـذر یم، باید گفتـه شود که این کار ها فرود ونزول‌هنر نقا شی را نشان مید هد .وتمـام این‌کارها جز تظاهر چیزی دیگـری نیست .

اما بعضی از این نقا شی هـای دیواری وا قعا زیبا وجا لب است یکی از بیند گان در مورد این نقاشی هاچنین ابراز نظـرمیکند: منـــزل من‌نزد یك این‌سا ختمان های نقـا- شی شده است . من‌هر روز مشاهده میکنم که عده زیا دی از این‌نقا شی هادیدن میکنند واین امر با عـث شده که بازار یك عده از دو کـا- نداران رونـق داشته با شد .

آر تیستا نیکه این نقا شی ها را بو جود آورده اند یك عمل مثبـت رابرای اجتماع شان انجـام داده اند... وقتیکه برای نقاشان‌وهنر- مندان کاری در آتیله ها وکار گـاه های شان وجود ندا شته با شـد این مصرو فیت ها تا اندازه میتواند آنان را را ضی نگهدا رد واین عمل شان نو عی ار تباط معنوی اسـت با اجتماع شان .

عده دیگر هم چنین عقیده دا رند: برای زیبا سا ختن دیوار ها وسـا- ختما نها این چنین نقا شی ها امـر لازمی وحتمی نبوه بلکه‌میتوان از راه های دیگر نیز بر زیبا یی‌آن‌افز- ود مانند پاك نگهدا شتن‌این سـا- ختما نهااز دود وبعضی کثا فات دیگر .

یکعده دیگر با تما شای ایـن نقا شی های دیوا ری میکو یند : وقتی انسان به این رسمها مینگرد فاصله وتفا وت که میان آثار نقا- شان حر فوی وپرو فیشنل وآماتور وجود دارد بخو بی مشا هده‌می نما- یند هر قدر انسان به این رسمهـا دقیق گردد بیشتر این فا صله‌وتفا- وت‌هارا می بیند لاکن با تمام اینها این‌شیوه‌واشکال در ذات‌خودبی‌نتیجه وخا لی از فا یده نیست . مهمترین اصل که در این نقا شی هامشاهده میشود کار جمعی را نشان مید هد واین خود وسیله ار تباط است بیـن نقاشان وهنر مندان .بهرصورت‌این نقاشی‌های‌دیوار هارا می‌توان تزئین

بقیه در ص ۵۵

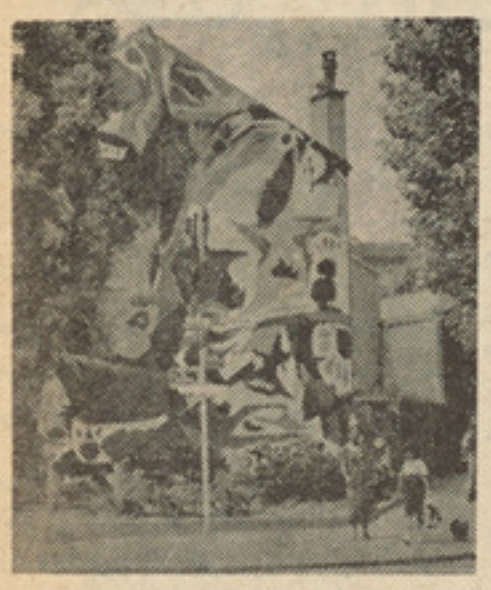

بعضی از این نقا شی هابه‌شیـوه خاص ترسیم شده

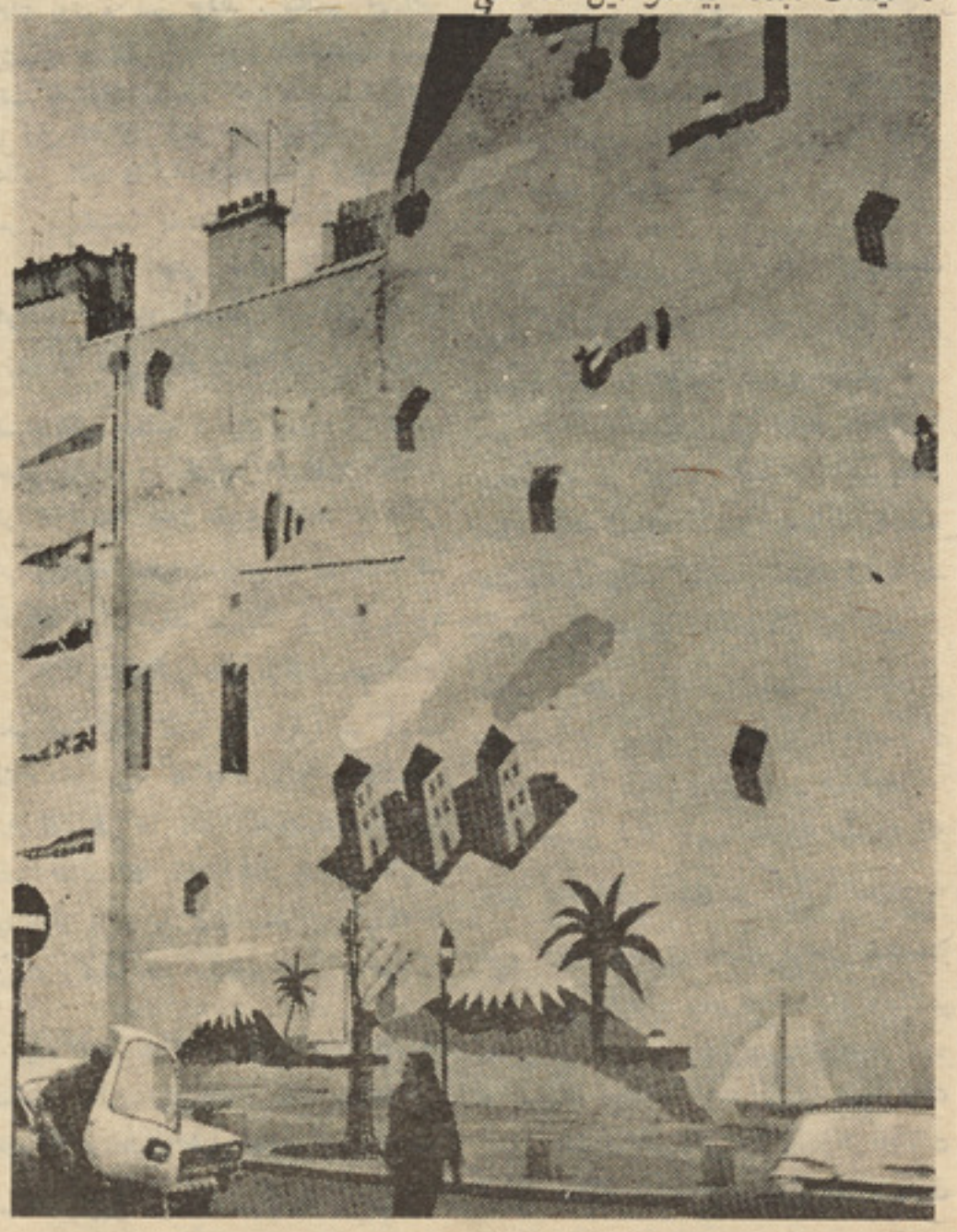

نمونه‌یی از نقا شی روی دیوار کـه‌بیشتر برای زیبا سا ختن منظره بیرو نی بکار رفته است .

درباره‌سودمندی ...

تصحیح وپاد آوری :

باپوزش وعذر خواهی فراوان ازخوانند گان‌ارجمند ،متذکر میشویم که‌در مضمون «دربارهٔ سودمندی هنر» این شماره کسیختگی رو نماگردیده است که‌در واپسین دقایق چاپ مجله ملتفت گردیدیم. بنا بعداز سطر «برابرانسان‌می‌کشاید» «صفحه ۲۲» مطلب ذیل همین چوکات مطالعه شود، وآنگاه به آغاز صفحه(۲۳)مراجعه گردد.

تولستوی که طرفدار جستجوی عا رفا نهٔ حقیقت بود سا لها بر این سوا ل مـــی اند یشید که «چرا می نو یسم ؟ » وبالاخر بدان نتیجه رسید که هدف هنر مشابه هدف زبا ن است .

وآن و سیله متحد سا ختن مرد م میباشد درزیر سایه خدا و ند وکلمه ار تباط نیز از آن منشاء گر فته است . از این رو هر هنری که این یکپارچگی تیولوزیك مردم را بر هم بزند معیوب است .

بد ینصورت به وضا حت دید ه می شود که‌تیوری های گوناگون زیبایی شنا ختی به سو دمندی هنری و بدا نکه هنر درخدمت اهداف غیر زیبا یی شنا ختی قرار می گیرد باور دارند . واین مطلب صادق است بدون نظر دا شت آنکه اهدا ف مذکور تکا مل تاریخی را ممداند یامخل.

در وا قع هنر هم لذت می بخشدو هم می آموز د . هم تنو یر میکند و هم بر انگیز ند ه فعا لیت و پیشر فت ا ست در اینجا سخن بر سر هنر پیشرو است هنر ارتجاعی بانکای غرایز پیش از همه لذت می بخشد و مرد م را به پستی می کشاند، به بیراهه می برد و تخد یر مینما ید . هنر ا رتجا عی ما نع پیشر فت و تحقق ضرورت تا ریخی است چنا ن‌هنری منفی ، معیو ب و درو غین است و اما در دورا ن معیو ب و بلهو س تنها همین هنر ار تجا عی را هنر می شنا سند و تنها از آن پشتیبا نی میکنند و آ فرینند گا ن آنرا هر نو ع مکا فات مید هند .

و اما این دوره نیز میمرد و هنر ارتجاعی فقط مرگ اجتناب نا پذیر آنرا تسر یع میکند . در چنا ن دوره یی هنر را ستین ، مثبت ومولد زند گی تنها هنر انقلابی میتوا ند با شد و آن هنری سود مند است ، در چنان هنر فعالیت بر تیوری وتخیل می‌چربد.

درکنار تیوری های سود جویانه زیبا یی شنا سی که ذکر شد تیوری ها ی مخا لفی نیز و جود داردکه جد ید نیست .

ایراتوسفن «نخستین ادیب» الکساندری چنا ن نظری را پیش کرد که مطا بق آ ن «شعر سرگر م می سازد اما نمی آموزد ». این نظر را ستر ا بون رد کرد ه ا ست در زما نها ی اخیر کا نت مفید نبود ن را چو ن یکی از چها ر صفت مشخصه زیبا یی ذکر کرد . به تعبیر دیگر آثار زیبا بدو ن توقع سودی از آن ها خوش آیند میباشند یعنی کاملا بی غر ضا نه . این گو نه تشخیص زیبا یی انکشا ف عقیده دیگر فیلسو ف مذکور میبا شد که عبا رت است از « هد ف بود ن بی هد فی » بدا ن معنی که « هد ف زیبا یی خود آن است «یعنی» خود غایه خویش » است .

پستر سپنر با پژو هش در قوا نین تکا مل فر هنگ (تغییر ساز ما نهای مختلف واهداف‌ووسایل نیل به‌اهداف) تاییدکردکه: دنبا لهٔ آنرا در صفحه ۲۳ بخوا نید

غو خه تو گه دا سخته بر بښی چې درانلونکی هغه دوران داب او هوا په باب چې کنګل پکې نه وی خه وویل شی . خو په هر صورت ددغه دوران آب او هوا به بیخی دننی آب او هوا په نسبت بیخی تو پیر ولری.

دار کتیك ددایمی کنګلو نو دو یلی کید و په نتیجه کی به زمون او سنی ټر ی آب او هوا د پلیو سینی دوری ته شبا هت پیدا کړی . د څمکی دپا سه د پلیو سین دوره له دوو خخه تر دریو میلیونو کلونو څخه پخوا وه . ددغی دوری اقلیمی حا لت د څمکی داتمو سفیر داو سنی حا لت سر ه پوره ور ته وا لی لری . همدا ډول دد غی دوری د سمند رو نوا ووچو حالت هم داوسنی ټری سره ورته وا لی لری . د پلیو سین د دوری ا قلیمی حالات دا خرګندوی چې‌ددغی دوری‌د تو دو خی اندازه د څمکی د شما لی نیم ګړی کی د سا نتی ګراد له دریو خخه تر څلو رو در جو پوری ددغی سیمی داوسنی تو دو خی په نسبت زیا ته وه . په همد ی تر تیب په دغه دو ران کی شما لی ارو پا داب او هوا تو دوخی د سا نتی ګراد لـه منفی پنځو در جو خخه نه زیا تید ه .

از مجله ساینس ورلد — ترجمه پریالی علی زاد

درصرف نمودن گوشت باید محتاط بود

ممکن سوالات گوناگون راجع به طرز تغذی انسانها در ادوار مختلف تاریخ نزد هرکس خلق شود وشاید یکی ازین سوالات این باشد که آیا مردمان مغاره نشین چه میخوردند ؟

اکثر مردم جهان به این عقیده اند که مغاره نشینان ابتدایی ترین واو لین گوشت‌خواران روی ز مین بودند . مگر در اثر کاوشهای خستگی ناپذ یر دانشمندان این حقیقت به اثبات رسیده که اجداد ما درازمنه های قبل التاریخ گیاه خوار بودند .

داکتر الان واکرانتروپولوجست پوهنتو ن جانس هوپکینس بمنظور اینکه فقط دریابد که اجداد مادر ادوار مختلف تاریخ چه میخوردند دندانهای فوسیلی انسانهای را که در زمانهای ماقبل التاریخ درروی زمین زیست داشتند تحت مطالعه قرار داد . (دندان فوسیلی دندانی را گویند که نظربه گذشت زمان به سنگ تحول نموده باشد .) داکتر واکر درنتیجه تحقیقات پیگیرش در یا فت نمود که انواع ذرات سیلیکا (ریگ) موجود در غذا خراشیده‌گی های میکروسکوپیك را بردند انها تولید مینماید . اینرا هم باید خاطر نشان نمود که واکر میتواند بامشاهده دندان فوسیلی در تحت میکروسکوپ‌مخصوص معلوم نماید که آیا صاحب اصلی دندان گوشخوار بوده یا گیاه خوار ویا اینکه از گوشت وگیاه بطور مختلف تغذی مینمود .

باید گفت که داکتر واکر دندانهای آن انسانهای ماقبل التاریخ را تحت مطالعه قرار داده که درسالیان خیلی قدیم ازهوموارکتس (اسلاف قرین مردمان مودرن) میزیستند . ودرنتیجه در یافت که اوشان میوه خوار بودند .

همچنان در نتیجه تحقیقاتیکه بالای طرز تغذی انسانانیکه همین حالا بشکل ابتدایی زیست مینمایند صورت گرفته چنین نتیجه بدست‌آمده: غذاییراکه‌اوشان‌صرف مینمایند (۶۰ـ۸۰) فیصد آنرا میوه جات و نباتات تشکیل میدهد . وهم در نتیجهٔ مطالعات صحی که بالای ایشان بعمل آمده این حقیقت به اثبات رسیده که‌این مردمان نادراً به‌امراض فرط فشار خون، چاقی وآفات شرایین اکلیلی قلب مصاب میشوند .

از روزیکه تمامی امراض فوق ،راه انکشاف سریع را نزد اشخاصیکه بخش عمده غذای روزمره شان را گوشت تشکیل میدهد د ر پیش گرفته دانشمندان طب اظهار داشته‌اند: اشخاصیکه از گوشت کمتر واز سبزیجات ومیوه جات استفاده بیشتر مینمایند نسبت به‌اشخاصیکه‌گوشت بیشتر بیشترصرف‌مینمایند صحتمند تر ودارای عمر طولانی نیز اند . همچنان معتقدند که : انسانها میوه جات و سبزیجات را نسبت به گوشت ، ماهی و گوشت مرغ زودتر وبهتر هضم مینمایند .

از حقایق فوق چنین استنباط میگردد که تغییر دادن طرز تغذی از گوشت خوری به میوه خوری وسبزی خوری متضمن صحت کامل وعمر طولانی برای ماست . و هم دانشمندان علم طب اظهارعقیده نموده‌اند که: در صورت استفاده بیشتر وبهتر ازسبزیجات ومیوه جات امراض قلبی وعایی، چاقی ودیابت (مرض شکر) راکه عامل عمده شان صرف نمودن گوشت وغذاهای‌نا در ست و غیر متنوع قبول گردیده تقریبا رخت میبندد .

د۱٤ مخ پاتی

دځمکی دآب‌اوهوا...

شته که چیری دار کتیك دسمند ر گی دا نمی کنګلو نه و یلی شی ددغی سیمی پەزیاترو سیمو کی به بیا دژ می دموسم کنګلو نـه تشکیل نشی .

دځمکی د تو دو خی زیا توالی دسمندرونو دسطحی څخه د بخار ونو پورته کید ل هم زیا توی او احصا ئیو دا هم جو ته کـړی

دتوخی په صورت کـی ولـوړ و عـر ض- زیا توا لی داویو د تبخیر اندازه په پوره اندا زه زیا توی لکه چې پورته ذکر شـوی

دتو دو خی په صورت کی د لوړ و عر ض اللبد ونو دسیمو تودوخی د ټیټو عـر ض - البلد و نو د سیمو په پرتله لوړ یږی . د تو دو خی دد ر جو دغه تو پیر په تدریجی تو ګه کمیږی . دکنګلو نو د ویلی کیدو او داویو تبخیر د سمند رو نو او به زیا تـوی او دا امکا نا ت مو جو د دی چې د څمکی پر مخ دو چو خمکو سا حی هم کمی شی دغه حقیقت به دځمکی د کر ی په طبیعـی پرو سواو د بشرپه اقتصادی فعا لیتو نوکی هم دپا م ور انګیزی و کړی .

داو پره هم شته چې دمنځنیو عرض‌البلدونو سیمی یعنی د آسیا ، ارو پاواو شما لی امریکا په سیمو کی داو بو نشتو ا لی ا حسا س شی . دغه شان حالات په (۱۹۳۰) کا ل او (۱۹٦۷) او(۱۹۷۳) کلونو کی‌هم‌په تو مـوږو سیمو کی خه نا خه ولید ل شول خو پـه

جواب به نامه های شما

سلام به همکاران عزیز !

بعد از دعای سلامتی، تجدید مطلع میکنیم ومیگوییم که درشماره گذشته میبایست بجواب نامه های شما میپرداختیم اما توفیقی نیافتیم واقبالش را از کف مادر ربودند واز سوی چه باید کرد ؟ من مامورم ومعذور ، وشما هم همینگونه ... بهر صورت :

دوست عزیز محمد نذیر (زهیر) مامورفنی برق دستگاه پروان !

خوب کار میکنید و هیچ اندیشه یی بخود راه ندهید: آنقدرهم، این هردو(شعروتخنیك) از هم دور نیست که باهم جوش نخورند، گرچه دربادی امر این کجا وآن کجاست وشعر کجاو تخنیك کجا ... اگر از جز بیات شعر گفتن و کار فنی کردن بگذریم ، برای پاس داشتن علاقه وسلیقهٔ شما، توجه شمارابه این قسمه جلب میکنیم :

میگویند وقتیکه فضا نوردان شوروی در آن سفینه تنگ فضایی خویش . در آن فضای بی انتها ولایتناهی دردل آسمان ره میزدند ، باترنم ترانه هاوسرود هادلتنگی خودرا رفع مینمودند وشادمانه به انجام کارفنی خود مشغول می شدند ..

وگویی اگرشعر وترانه نمی بود، دل فضانوردان درآن سفینه یی تنگ ودل آزاز از دلتنگی به ترکیدن می آمدو آنان رااز کارشان بازمیداشت!! بهر تقدیر اینهم گره خوردگی صنعت وتخنیك باشعر وادب .

دوست عزیز، اشعارشما رااز نظر گذراندیم وبنابه خواست شما توصیه یی ماابنسیکه شعر بسیار بخوانید . اگر نوبه شعر گفتن دست یازیده اید ، حرفی نیست وبقول حافظ:

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
که در ازست ره مقصد ومن نوسفرم

در غیر آن در اشعار شما استحکام وبلندی کلام، دید شاعرانه، نحوهٔ بیان، وسعت وژرفا واژه ها جای ندارد وفقط کلمات در قالب موزون کلام ریخته شده است ودیگر در فکر نبوده اید که کدام کلمات درقالب شعرریخته شود که شعر پخته شود ... عجالتا یك یادو پارچه شعر شما را به رعایت نوبت، درصفحه دوستان به نشر میسپاریم و حرف بقیه را میگذاریم به بعدکه چه میفرستید. اما مورد اینکه گفته اید (این پارچه شعر بعداز چاپ در مجله ژوندون ، بایست توسط رشیده مژاله .... ازطریق تلویزیون نیز قرائت گردد...» مارا متعجب ساختید وفکر مارابه قصه یی انداختید که خود هم می فهمیدبرای برهیز از پرگویی، قصه را مختصر میگوییم، میگویند: اسب سواری را به ده راه نمیدادند ولی او تقاضا داشت که اسپش رادر خانه ملك بپندند به انتظار همکاری تان .

دوست گرامی ا، س، ج متعلم صنف دوازدهم

فکاهی ارسالی تان رسید، ودریکی ازشماره های آینده بچاپ میرسد وانتظار فکاهیات پرخنده یی دیگر شما را داریم وراستی نقشه رافمیفهمید اگر نه پدر محترمش هم چنین کلان کلان نمی گفت . به امان خدا ملانصرالدین ..

دوست مهربان عبدالقدیربران متعلم صنف یازدهم لیسه رحمن بابا !

سلام علیکم پارچه شعریکه به استقبال از صفحه زنان ودختران فرستاده اید، رسید، تشکر از لطف ونظر تان ، اینهم گزیده یی از آن :

بساط نام تو در جهان به دختر افغان
بانام نامی رابعه ات کافی است همین
که از تودر گوشه دنیا سخن آیدعجب خواند
اندر صفت تو ((غرق آزادی)) باخون رنگین
ای دخت سرنوشت خودرا خود کن تعیین
بدست قلم به دست دیگر تفنگ زرین
به گیتی سر بلند باشی ای دختر افغان
جاوید زی باشی به مهین رهین

دوست ارجمند میر حبیب الله شفق عضو مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع

ماهم سلام هایکه گرمی رااز خورشید و شیرینی رااز عسل وام گرفته باشد ، تقدیم شما دوست عزیزمینمایم و سلامتی آرزومی کنیم از لطف ونظر نیك تان تشکر پارچه شعر (بیتوی) شماراکه خدانکندبی اوشوید، دریکی ازشماره های آینده بدون درنظرداشت نوبت بچاپ میسپاریم و علتش اینکه نوبت رااز ماه هاپیش گرفته اید وباردیگر انصاف نمیشدکه باز هم برعایت نوبت بایستید ، خدا حافظ

دوست عزیز محمد همایون هزیر عضواتشه تجارتی ..... در کویت .

سلام میفرستیم وسلامتی شماهمکارمان را آرزو میبریم . خرسندیم که درباد ما اید وهمکاری خویش را پیوسته دنبال میکنید مضمونی بایك قطعه عکس وشعرازشمادریافتیم که مضمون تان به صفحه جوانان بچاپ میرسد وپارچه شعر شما در صفحه دوستان ، به انتظار همکاری تان ، خدا حافظ .

دوست عزیز احمد فواد دامع !

یادداشتهای سودمندتان که حاوی گریختاندن موش ها از خانه ها، وحفاظت کاهو ها از حشره ها وتفکیك تخم خوب ازبد بود به ما رسید وسپردیمش به متصدیان صفحه خنده ودوستان که در صورت لزوم به چاپ بسپارند. موفق باشید ..

همکار مهربان فاطمه حمیدی متعلم لیسه آمنهٔ فدوی !

بپذیر سلام مرانیز، مطلب شما را به متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها تحویل دادیم که در امر نشر ش اقدام نماید. خدا حافظ تان .

رفیق ارجمند محمد یاسین محصل پوهنځی انجنیری !

سلام علیکم دوست عزیز ، داستان شما رسید و اگر با اسلو ب داستان نویسی هماهنگ بود ، همزمان باطلیعهٔ بهار داستان شما نیز از صفحا ت مجله ژوندون طلو ع خواهد کرد .. ولی درغیر آن چیز های دیگری بفرستید ...

برادر بزرگوار محمد شریف پیغام !

پارچه شعر، چکیده ازذهن جستجوگر تان بمارسید ، سپردیمش به متصدی صفحه دوستان که بادرنظر داشت رعایت نوبت به به نشرش مبادرت ورزد، کامروا باشید ....

دوست عزیز فضل هادی وزین متعلم مدرسه عالی دارا لعلوم عربی کابل !

«نگاه گرم» شمارا ازپسته رسان گرفتیم و کمی هوای سرد امسال آن نگاه ها را سرد ساخته است . اگر از شو خی بگذریم این پارچه شعر شما از پختگی کلام عار یست که حتما در آینده ، با همکاری های دیگر تا ن جبرانش را میکنید وواقعا «نگاه های گرم» میفرستید موفق باشید .

رفیق مهربان غ.ح. چولی نای !

دو پارچه شعر از شما دوست عزیز در یافتیم و عنقریب یکی آن که با مرامنامه نشرا تی مجله وفق دارد به حلیه طبع آراسته میگردد. مطالب بیشتری بفر ستید و همکار ی خویش را پیوسته ادامه دهید .

دوست مهر بان ا.س. جنبش !

سلام میگو یم و خو شوقتیم که همکار ی خویش را با مجله ژوندن آغاز یده اید . مطلب بنام «زن در اجتماع» وجواب به پرسش صفحه مسابقات و سرگرمیها را خواندیم . هر دو مطلب رابه متصد یان «دوستان» و «سر گرمها» سپردیم که در نشر شن تو جه بدارند ، مو فق باشید.

برادر عزیز غلام سخی !

متقابلا سلام میگویم . ولی حتما میتوانید هر چه دل تنگ تان میخوا هد بگو یید و بما بفرستید : و بازهم عرض کنیم که حتما بجایش اقدام میورزیم مشروط بر اینکه با موازین واصول نشراتی مجله وفق داشته باشد مطمین باشید، خداحافظ تان .

رفیق مهربان شیرمحمد هوتکیار محصل اکادمی تربیه معلم !

جواب جدول شماره (۳۷) مجله ژوندون رادریافتیم ویادداشت که در ذیل نام خویش نگاشته اید درست وصحیح است . مطلب تانرا به متصدی صفحه سر گرمیهاومسابقات سپردیم که قناعت تانرا فراهم سازد و اسم شمارا درزمره حل کنندگان جدول مسابقات بگیرد . موفق باشید .

مطالب دیگری نیز به مجله رسیده است که موفق به ارایه پاسخ نشدیم ودر آینده کوشش مینماییم که به جواب بپردازیم عجالتا از آنهاییکه به مانامه فرستاده اند و جواب نگرفته اند، فقط اسم شانرا ذکر می کنیم که نامه های شان بما رسیده است :

دوست عزیز، فینون وری عین
دوست عزیز، عبدالقهار امان
دوست عزیز، سیدرحیم متعلم لیسه شبرغان
دوست عزیز، ا. س. جنبش
دوست عزیز، عزیزه رسولی
دوست عزیز، نادر
دوست عزیز، میرمن ماری
دوست عزیز، پشیراحمد
دوست عزیز، نعمت الله «نیکبین»
دوست عزیز، عبدالحی «غروب»
دوست عزیز، یارپور
دوست عزیز، ناصر آرین
دوست عزیز، بسم الله «حریف»
دوست عزیز، محمدیاسین محصل انجنیری
دوست عزیز، محمد عاطف عثمانی
دوست عزیز، سید حسن
دوست عزیز، احمدالله رهین
دوست عزیز، سوریان
دوست عزیز، شیرمحمد هوتکیار

انیس
ژوندون

مدیر مسوول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
مهتمم : نوریه
آدرس : انصاری وات، مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹
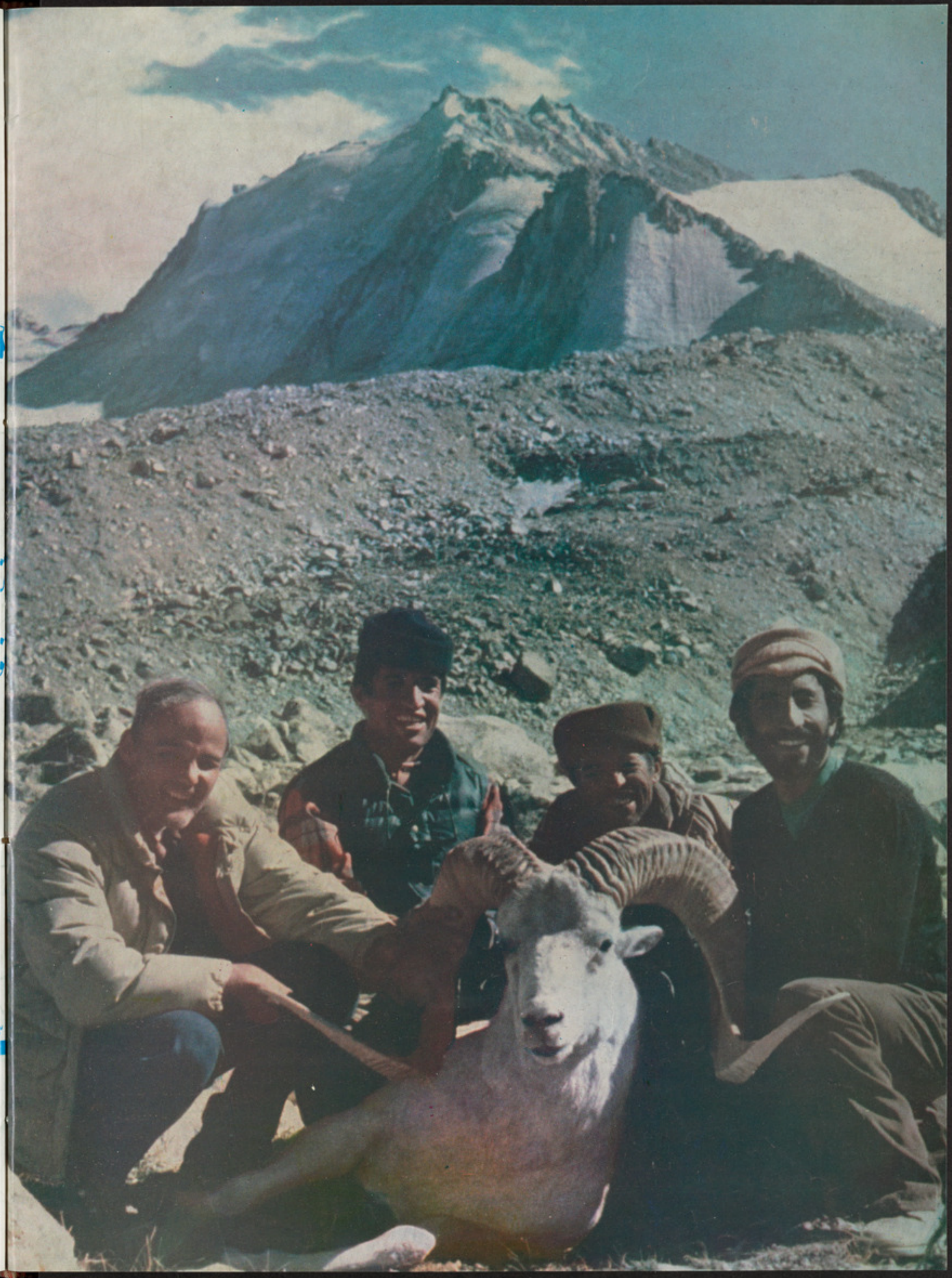
مطبعهٔ دولتی